

Lari: Bible for 1 Peter, 1 Thessalonians, 1 Timothy, 2 John, 3 John, James,
Luke, Matthew, Titus

Formatted for Translators

©2022 Wycliffe Associates

Released under a Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

Bible Text: The English Unlocked Literal Bible (ULB)

©2017 Wycliffe Associates

Available at <https://bibleineverylanguage.org/translations>

The English Unlocked Literal Bible is based on the unfoldingWord® Literal Text, CC BY-SA 4.0. The original work of the unfoldingWord® Literal Text is available at <https://unfoldingword.bible/ult/>.

The ULB is licensed under the Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

Notes: English ULB Translation Notes

©2017 Wycliffe Associates

Available at <https://bibleineverylanguage.org/translations>

The English ULB Translation Notes is based on the unfoldingWord translationNotes, under CC BY-SA 4.0. The original unfoldingWord work is available at <https://unfoldingword.bible/utn>.

The ULB Notes is licensed under the Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

To view a copy of the CC BY-SA 4.0 license visit <http://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/>

Below is a human-readable summary of (and not a substitute for) the license.

You are free to:

- Share — copy and redistribute the material in any medium or format.
- Adapt — remix, transform, and build upon the material for any purpose, even commercially.

The licensor cannot revoke these freedoms as long as you follow the license terms.

Under the following conditions:

- Attribution — You must attribute the work as follows: "Original work available at <https://BibleInEveryLanguage.org>." Attribution statements in derivative works should not in any way suggest that we endorse you or your use of this work.
- ShareAlike — If you remix, transform, or build upon the material, you must distribute your contributions under the same license as the original.
- No additional restrictions — You may not apply legal terms or technological measures that legally restrict others from doing anything the license permits.

Notices:

You do not have to comply with the license for elements of the material in the public domain or where your use is permitted by an applicable exception or limitation.

No warranties are given. The license may not give you all of the permissions necessary for your intended use. For example, other rights such as publicity, privacy, or moral rights may limit how you use the material.



Matthew

Chapter 1

¹کتاب تاریخچه ی عیسی مسیح پُرس داوود پُرس ابراهیم² اِسحاق شُواو اِسحاق یعقوب را و یعقوب یهودا و کاکاییاش³ یهودا فرص ویزراج را از تمار شُواو. فرص جِصرون را و جِصرون رام را⁴ رام، عَمیناداب شُواو عَمینادابحشون را و تحشون سَلمون را⁵ سَلمون بوغز را از راحاب شُواو و بوغز عوبید را از روت. عوبید، یسا را شُواو،⁶ و یسا، داوود پادشاه را. داوود، سلیمان را از زن اوریا شُواو⁷ سلیمان، رُبعام را شُواو رُبعام، آبیّا را، و آبیّا، آسا را.⁸ آسا، یهوشافاط را شُواو یهوشافاط، یورام را، و یورام، عَزّیا را.⁹ عَزّیا، یوتام را شُواو یوتام، آحاز را، و آحاز، جِزقیّا را.¹⁰ جِزقیّا، مَنسی را شُواو مَنسی، آمون را، و آمون، یوشیا را.¹¹ یوشیا، یَکُنیا و برادرانش را در اَزمانی یهودیا آ بابل تبعید بُودن¹² بعد از تبعید بُودن یهودینیا آ بابل یَکُنیا، شِئلتینیل را شُواو و شِئلتینیل، زروبایل را.¹³ زروبایل، آیهود را شُواووالیاقیم عازور را.¹⁴ عازور، صادوق راشو او صادوق، آخیم را، و آخیم، ایلود را شُواو¹⁵ ایلود، العازار را شُواو العازار، مَتّان را و مَتّان، یعقوب را.¹⁶ یعقوب، یوسف همسر مریم را شُواو که عیسی ملقب به مسیح از آن متولد بُویس¹⁷ پس از زمان ابراهیم تا داوود آ لو هم چهارده نسل و از داوود تا زمان تبعید یهودینیا به بابل، چهارده نسل، و از زمان تبعید تا مسیح چهارده نسل بُوده¹⁸ تولد عیسی مسیح اِنده بُده: مریم، تته عیسی، نامزد یوسف آند. اما پیش از اِده که با هم ازدواج بُکونن، معلوم بویس که مریم از روح القدس اُوسن اِسی.¹⁹ از آنکه که شوش یوسف مردی پارسا آند و اشناویس مریم را رسوا بُکنن، قرار بویس که بی سر و صدا از آن جدا بوبو.²⁰ اما چون ای تصمیمی اُش گِرت بَکدَقَه فرشته خداوند در خواب بر اَن ظاهر بُویس و اُش گت «آی یوسف، پُرس داوود، از گِرتی زن خُوت مریم مترس، چُو آمی که در بَطْنِش قرار اُش گِرتِه، از روح القدس اِسی.²¹ اَن پُسی به دنیا داره و تو اسمُش عیسی آنبیش چُو اِد قوم خُوش را از گناهیاشو نجات اِده²² اِ هَمَه رُخس دا تا اَمِد که خداوند آ زیون تَبیش گُوته، به حقیقت بپیوندد که: ²³«باکِرِه اُوسن بُوده، پُسی آ دُنیا دارِه و اِسْمُوش عِمانوئیل اَنبیه،» که به معنی 'خدا با اَما' اِسی.²⁴ چُو یوسف از خُو و اِوُسا اَمِد که فرشته خداوند فرمائش دِیسُون اَنجامش دا زن خُوشوش گِرت²⁵ اما با اَن هَم بَستَر یُویس تا اَن پُس خُوش به دنیا بیارِه و یوسف اِسْمُوش عیسی اُشنا

¹ ځوعیسی تر دوران هیرودیسی پادشاه در بیت لجم یهودیه آدنیا اُنډ هان چنډ مُغ از مشرق زمین به اورشلیم اُنډن ² و پرسیدند اَکوی آتا مُولودی که پادشاه یهود اِسی ؟ چو ستاره ایشو را در مشرق بیتده و بَری پَرسش آتا اُنډسیم ³ چو ای خَبری اَگوش هیرودیسی پادشاه رسید انا و هَمه اُورشلیم با وی مضطرب بُسین ⁴ پس اِده هَمه گپیای کاهنیا و علمای دین قوم را قراشو خواند و اِز آتیا پرسید مسیح باید کجا اُدنیا بیا؟ ⁵ اُشو گُت در بیت لجم یهودیه چون نبی در این باره چنبن اُوشینوشته ⁶ ای بیت لجم که در سرزمین یهودایی تو در میون فرمانروایان یهودا به هیچ روی کمترین نیستی زیرا از تو ظهور خواهد کرد که قوم من اسراییل راشبانی خواهد کرد ⁷ پس هیرودیسی مجوسیان رادر خلوت آپش خُوش قَرا اُش خواند و زمان دقیق ظهور ستاره را اَز اِډیاجوبا بویس ⁸ سپس آتیا شه بیت لجم فرسا و شه اِډیا گُت اچی وډربازی آتا یچو به دقت تحقیق بُکنی چون که پیدانو که اَمه بُوگی تا مه بَیم اَن پَرسشش بُکنیم اِډیا پس اَز ښینډیه گپ پادشاه روانه بُډن و اَمی ستاره ای که در مشرق شو بُنیشن جلو تر از آتیا اُچو تا بلاخره آ بَری جایی که یچو اُنډ وِسا ¹⁰ اِډیا با دین ستاره بی نهایت شاد بُډن ¹¹ چون وارده خوته بُډن یچ با تَنش مَریم شو بینا سِره تر زَمی شو نا بچو پَرسشش شو که سپس صندوق چپیای خُوشو باز شو که و هدیه ییای اَز طلا و کُنډر و مُربه وی پیشکشوکه ¹² و چون در خُو وحی شو و اَرسی که آپش هیرودیسی نچن اَز راه ډگه رهسپار دیار خود بین ¹³ پس اَز چډی مجوسیان فرشتی خداوند در خُو ظاهر بُیس و اُش گُت برخیز یچ و تَنش اُشواسی و به مصر فرار بُکن و در اَنکه وِسا تا اُتو خبر اَدم چون هیرودیسی ا دُومه یچو اِسی تاش بُکش ¹⁴ پس شو بلند و اُییس یچ و تَنش اُش واسیه و روانه مصر بُیس ¹⁵ و تا مُردی هیرودیسی در اَمکه واموند اِگی که خداوند به زبوتی اُش گوتیسون تحقیق پیدا بُکن پُس خُوم اَز مصر فرا اَم خند ¹⁶ چون هیرودیسی اُش قَقیس که مَجوسیان قَریب شو ډډه خِلی عصبانی بُویس و اُش فرسا هَمی پُسی یای دو ساله و کِډو ترکه در بیت لجم و اُډورو تر اُنډن طبق زمانی که مجوسیان تحقیق شو کِډیسون شو بُکش ¹⁷ اَمده که به زبوی ارمیای نبی اُش گتیسون حقیقت پیداش که ¹⁸ صدایی اَز راقه آ گوش اَرسه صدای شیون وزاری و ماتمی عظیم راجیل بَری یچپاش گریخ اَکرډوی و تسلیش نی چون ډیگه نبین ¹⁹ پس اَز مُردی هیرودیسی فرشتی خداوند در مصر ا خُو یوسف اُنډ ²⁰ و اُش گُت بلند و اُتیش یچ و تَنش اُش واسی و اَسرزمین اسراییل برو چون کسپای که قصد جون یچو شو اُنډ مُردین ²¹ پس انا بلند و اُییس یچ و تَنش را اُش واسه و به سرزمین اسراییل چو ²² اما چون اُشنوفت اَکلانوس ا جوی بواش هیرودیسی آ یهودیه خُکم اَکن اُش ترسی ا اَنکه اُچو و چون در خُو هشدارش دا ، ا سَمَت نواحی جلیل چو ²³ و در شهری بنام ناصره سکونتش که . اِده واقع بویس تا کلام انبیا آ حقیقت بپیونده که شو گتیسون ناصری خوانده خواهد شد

¹در آن روزیا یحیای تعمید دهنده ظهورش که . آنادر بیابو یهودیه موعظه شه ک و ²شه گت : توبه بکنید زیرا پادشاهی آسمو نزدیک بده .³یده آمی اسی که اشعیای نبی دربارش آگوئی « ندای آن که در بیابو فریاد آرئوئی : راه خداوند را آماده بکنید طریقه‌های او را هموار بکنید »⁴یحیی جَمی از پنجم شتر آتشن و کمربندی چرمی شه کمر آتست و خوراکش مثلشخ و عسل صحرایی آند⁵مردمیای اُرشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اُردن همگی آپش آچدن⁶ آ گناهیای خُوشو اعتراف شا که ، در رود اُردن از آتا تعمید شا گِرت⁷اما یحیی چون بسیاری از فریسیا و صدوقیا را اُش بینا که به آمکه که تعمید شا دا داندن ، شه آتیا گت : آی آفعی زادییا چه کسی آشما هشدارش دا تا آ غضبی که آپش اُسی فرار بکنید؟⁸ پس ثمری شایسته توبه بیاری⁹ و با خوت مگویی "بوا آما ابراهیم اُسی " چون آشما آگوآم خدا قادر اُسی از ای سنگیا فرزندیای بتری ابراهیم آوجود بیاره.¹⁰ حالا تیشه بر ریشتی درخت یاشو تده . هر درختی که میوِی خَش نیده بُریده آبو ودر تَش آتین .¹¹ مَن شمایا را بتری توبه با اُ تعمید آدیم اما آمی که پس از مه دا توانانتر از مه اُسی و مه حتی شایستی بر گِرفتی اُرشیاش نیسیمانا شمایا را با روح القدس و آتیش تعمید شوی آده .¹² آنا کج بیل خُوش آدست باره و خرمنگاه خُوش را پاک آکن و گندم خُوش را در انبار ذخیره آکردوئی اما کاه را در تَشی که خاموشیش نی آسوخنه¹³ آنگاه عیسی آجلیل به رود اُردن آند تا از یحیی تعمید آگیره .¹⁴ ولی یحیی تلاشش که آنا منصرفش بکن و آتیش گت : "مه ایسم که باید آتو تعمید یگیرم ، و حال تو آپش مه دایش " ؟¹⁵ عیسی در جوابش گت : "اُونس الان اُنده بو ، چون شایسته اُسی که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم . " پس یحیی رضایتش دا.¹⁶ چون عیسی تعمید اُش گِرت ، فوراً از او در آند . هَمو وُفتی آسمو باز بَیس وَاُنا روح خدا را اُش بینا که همچو کبوتری آزیر آند و آوی قرائش گِرت .¹⁷ سپس صدایی آسمو رسید که "یده اُسی پُس مَحیوُم که از آنا خوشنودم

آنگاه روح، عیسی را آبیابو هدایت اُس که تا ابلیس و سوسش بُکن. ² عیسی پس از اینکه چهل شبانه روز در روزِ سیپیش که گُرس بُوس. ³ آنگاه و سوسه گر اُپش اُنْد و اُس گُت "اگر اُپس خُدا اِپش اِ سنگیا یگوئو پین". ⁴ عیسی در جوابش گُت: یوشت بُوده که انسان تنها به نوزنده نی، بلکه به هر کلامی که از دهَن خدا صادر اُبو سپس ابلیس انا شنه شهر مقدس بُوا وَر معبد قرازش دا ⁶ و شنه انا گُت: اگه اُپس خدا اِپش خُوت اُزیر اُوبی چون که یوشتنه بُده. فرشتیا ی خُوت در باره ی تو قَرمو اِده و اُتیا تو را بر دستیا شو اگیرن، یکنه پات اُ سنگی پرنش عیسی شنه اُته جواب دا: اِد هم یوشتنه بُوده که خداوند خُوت را میازما. ⁸ یک باره دگه ابلیس اُته شنه وَر کوه گپتر بُو و هَمی حکومتیا ی دُنا و تمام شکوه و جلالشو شنه اُنه یشو دا ⁹ و اُشگت اگه اُمه سجده بُکنش اِدبا هَمه اُ تو اَبخیشم ¹⁰ عیسی شنه اُته گُت: دُور پَنش اُی شیطان چون که یوشتنه بُده خداوند خُوت را بیرست و تنها اُته عبادت بُکن. ¹¹ دُر اُمی موقِع ابلیس اُته وُلش که و فرشتیا اُنْدن خدمتش شو که ¹² چون عیسی اُس شُوفت که یحیی گرفتار بُوده اَجلیل واگشت، ¹³ پس ناصره تَرکش که وَا گفرناحوم چو و در اُمیکه ساکن بُوس ¹⁴ اِنْدِه واقع بویس تا کلام اشعیا ی نبی اُ حقیقت بیونده که اُس گُتسون ¹⁵ دیار زبولون و نفتالی راه دریا فراسوی اردن جلیل ملتیا، ¹⁶ مردمی که در تاریکی شا ستربو نوری عظیم شو بینا و اُنپایی که در دیار سایه مرگ ساکن اُنْدن نوری دِر خشی ¹⁷ اُز اُمی موقِع عیسی به موعظه ای پیامی اُغاژش که که توبه بُکنی که پادشاهی اُسمو نزیک بُوده ¹⁸ چون عیسی اُ کنار دریاچه جلیل راه اُچو، دو برادر اُس بینا به نامیا ی شمعون، ملقب به پطرس، و براسوش اُنْدرباس، که تور اُدربا اِپساین، چون ماهیگیر اُنْدن. ¹⁹ شنه اِدبا گُت: "اُز پي مه بی که شمایا را صیاد مَر دُمیا اُکُتم". ²⁰ اُتیا بی دِرنگ توریا ی خُوبیشو نا وِی اُتا چِدن ²¹ شنه راه خُوش اِداهه دا، دوبرادر دگه یعنی یعقوب اُپس زیدی و براسوش یوحنا اُشبینا که با بواشو در قایق اُنْدن و توریا ی خوشو اُماده شا که. از اِدباش خواس، ²² اُتیا بی درنگ قایق بواشو و لَشو که و از پی اُنه چِدن ²³ عیسی اُهمه جای جلیل اُگشت و در کنیستیا ی اُتیا تعلیم شنه دا و بشارت پادشاهی را اعلام شنه که و هر درد و بیماری مردمیا را شفا شنه دا. ²⁴ پس اُسْمش در سرتاسر سوریه پیچی و مردم هَمه ی مَریضیا شو که به هَمه نوع مرض و دردها دچار اُنْدن، و نیز دیوزدیا و مصروعیا و قَلجیا شا پلو اُدو و اُتیا راشفا شنه دا. ²⁵ پس جَماعتیا ی گپ اُ جلیل و دیکاپولیس اورشلیم و یهودیه و دورو بر اُرْدن اُ بی انا رواته بُودن

¹ چون عیسی جماعت اش بپا آتری کو چو و ښه . شاگردیاش ښه پهلواندن ² و تعلیم شروش که و اُس گُت : ³ خوشحال فقیریا در روح زیر پادشاهی آسمو از آن اډیا اسی ⁴ خوشحال ماتمیان چون آتیا تسلی اگیرن . ⁵ خوشحال حلیمان چون آتیا زمی را ا میراث اُیرن ⁶ خوشحال گرسنیا و تشنای عدالت زیرا آتیا سیر این ⁷ خوشحال رحیمیا زیرا بر آتیا رحم اُبو ⁸ خوشحال پاکدلیا چون خدا را آیین ⁹ خوشحال صلح جویا چون آتیا فرزندیای خدا خوانده آین ¹⁰ خوشحال آتیا که در راه پارسای آزار آیین چون پادشاهی آسمو از آن اډیا اسی ¹¹ خوشحال شمایا وقتی که مردم بخاطر مه اشما دُشنام اډین و آزار آرستین و هر حرف بدی ا دوروغ غلټو اځوان . ¹² خوش بی و شادی بُکنی چون پاداشو در آسمو گپ اسی امد که پیامبرای پیش از شما آندین آزار شو رستنا ¹³ شما تمک جهان اسی اما اگر نمک خواصیتوش از دس اډه چگونه ماشا انا دوباره نمکیش بُکنم دیگه ا کاری یندا جز که ادر ریخته یبو و پامال مردم یبو ¹⁴ شما نور جهان اسی شهری که بر قرار کوهی بتا ډه مو ناشا قایم بُکنم ¹⁵ هیچ کسی چراغ را روشن ناکن تا انا ا زیر کاسه ای اونیسه، بلکه انا ا چراغدو آنیسه تا نورش بر همتی آتیا که آخوته ایین یتایه . ¹⁶ پس اونسید نور شمایا ا مردم یتایه تا کاریای نیکو را ببینن و بوای شمایا را که در آسمو اسی تمجید بُکنن ¹⁷ فکر اگردای که اندسیم تا تورات یا نوشتیای پیامبریا را باطل بُکنم . نیونډسیم تا باطلش بُکنم، بلکه تمومش بُکنم. ¹⁸ زیرا آمین ا شمایا اځوم ، تا آسمو و زمین زایل نیو، نقطه یا همتری از تورات هرگز زایل نابو تا اڼکه هغه په انجام پرتیه ¹⁹ پس هر که یکی از کوچکترین ا احکامی را کم اهمیت بُکن و ا کسیای دیگه اڼده اډاډ اډه در پادشاهی آسمو کیدوترین اشمار دا . اما هر که ا احکامی اجرا بُکن و آتیا را ا کیسای دیگه یاد اډه انا در پادشاهی آسمو بزرگ خوانده اُبو . ²⁰ ا شمایا اځوم تا پارسای شما برتر از پارسای علمای دین و فریسیان نیو هرگز پادشاهی آسمو داخل نای ²¹ شُفتیه که ا پیشینان شُگته قتل مکن و هر که قتل بُکن سزاوار محاکمه اسی ²² اما مه ا شمایا اځوم هر که بر برادر خوش خشم پیره سزاوار محاکمه اسی و هر که ا برادر خوش رافا یگو سزاوار محاکمه در پیش شور اسی ²³ و هر که ا برادر خوش احمق یگو سزاوار آتش جهنم اسی . پس اځه هنگام تقدیم هدیه ات ا مذبج ، ا یارت اڼد که برادرت از تو چیزی ا دلوشه ، ²⁴ هدیه ات را ا مذبج اڼس و اول بُرو و ا برادر خوت اشتی بُکن و بعد بیا و هدیه ات را تقدیم بُکن ²⁵ با شکایت که تو ا مُحاکمه اُبو تا وقتی که آته راه ایسی صلح بُکنی نیکه تو ا قاضی اډه و قاضی تو ا تحویل بځان اډه و ا زندان یکوش . ²⁶ آمین اځوم که تا قرون آخر پرداخت نکیش ا زندان ادر یندیش . ²⁷ شُفتیه که گته بُوده "زنا مکن" . ²⁸ اما مه ا شمایا اځوم ، هر که با شهوت ا زنی ځا بُکن ، همو موفی با انا زناش کږده . ²⁹ پس اځه چشم راست تو ا لغزیه ، انا ا در بیا و ادر اوبی ، چون که بهتر اسی که عضوی از اعضا ت نابود ببو تا که تمام بدئت ا دوزخ پکت . ³⁰ و اځه دست راست تو را ا لغزیه اڼه قطع بُکن و ا دورابی ، چون که بهتر اسی که عضوی از اعضا ت نابود ببو تا که تمام بدئت ا دوزخ پکت ³¹ اځمه گته بُوده هر که زن خوش طلاق اډه باید ا انا طلاقناه ی اډه . ³² اما مه اشما اځوم هر که زن خوش را بخاطر بی عفتی طلاق اډه باعث زنا بودی انا ابو و هر که زن طلاق داده بوده ا زنی پیره زنا ا کردوی ³³ باز تو شُفتیه که ا پیشینان گته بُوده سوگنده دوروغ مخو بلکه ا سوگندیای خوت آخاوند وفا بُکن . ³⁴ اما مه اشما اځوم هیچ وقت سوگند مخوری نه به آسمو چون که تخت پادشاهی خدا اسی ³⁵ و نه به رمی چون که کرسی زیر پای آتی ونه به اورشلیم چون که شهر انا پادشاه بزرگ اسی ³⁶ و نه آستر خوت سوگند مخو چون حتی موی را انا ناشا سپاه یا سفید بُکیش . ³⁷ پس او شما همی اُو بُو و نه شما نه نه ، چون زیادتر از اډه شیطانی اسی ³⁸ باز تو شُفته که گته بُوده "چشم ا عَوْض چشم و دندو ا عَوْض دندو" . ³⁹ اما مه اشما اځوم ، در برابر شخص شریر ایستادگی مکنید . اگر کسی ا گونه راست تو سپلی یزن ، گونه دیگتم واگردن ⁴⁰ و اځه کسی شوی تو امحکمش کنیده تا قیات و اسی عبات ادر بیا و شاده . ⁴¹ اځه کسی مجبور ت بُکن که یک میل با انا اچش دو میل شمره برو . ⁴² اځه کسی از تو چیزیش خواست شاده و کسی از تو شوی فرض پیره روی مگردن ⁴³ تو شُفته که گته بُوده ، همسایت را محبت بُکن و با دشمنیت دشمنی بُکن ⁴⁴ اما مه ا شما اځوم دشمنیای خوتو را محبت بُکنی و بتری آتیا که ا شما آزار آرستین دُعای خیر بُکنی ⁴⁵ تا بتری بوای خوتو که در آسمو اسی فرزندیای بی . چون انا افتو خوت را بر بدیا و نیکیا انا یتیه و برو خوش را بر پارسایا و بدکاریا ابارته ⁴⁶ اځه تنها آتیایی که محبت بُکنی که ا شما محبت اکنین چه پاداشی ثو ؟ آیا خراجگیری اڼده ناکنین ؟ ⁴⁷ و اځه تنها برادرای خوت را سلام بُکنی چه برتری بر دیگریا ثو ؟ مځه حتی قومای بُت پرتست ا ڼده ناکنین ؟ ⁴⁸ پس شما کامل بی چون که بوای آسمونی شما کامل اسی

¹ آگاه بی که پارسایی خوت را در برابر دیدگان مَرْدُم آ جا میاری ، آ ا قصدی که شما را ببینن ، و گر نه پلوی بوای خوت که در آسمو اسی پاداشی تو نی ² پس هنگامی که صدقه ایدایش جار مَرَن چون که ربا کاربا در کنیسیا و کوچیا اکُنن تا مَرْدُم از آتیا تعریف بُکُنن آمین آ شما اگوام اِدا اجر خوشو شو گِرتِه ³ پس تو چون صدقه اَدیش ، اِنده بُکن که دست چُپَت از آنچه دَسِت راسوت اَکِنه ، یَقِمِه . ⁴ تا صدقه تو در نهان بو ، آنگاه بوای نهان بین تو اتو پاداش اِده ⁵ موقعی که دعا اکونیش مثل ربا کاربا مَبیش که دوس اَدَرَن در کنیسه یا وِسر کوچیا وِبین دعا بُکُنن تا مردم آتیا رابیینن . آمین آ شما اگوام اِدا پاداش خوشو شُگِرتِه ⁶ اما تو وقتی دعا اکُنیش آ اَناق خوت برو در آتن وِیش بوای خوت که در نهان اِسی دعا بُکن اِگه بوای نهان بین تو آ تو پاداش اِده ⁷ آمِده موقع دعا عبارتیا تو خالی تکرار مَکئی ، آمِده که قوم بُت پَرست اکُنن چون فکر اکُنن به سبب زیاده گِته ، مستجاب ابو ⁸ پس مثل اِدا مَبی ، چون بوای شما پیش از انکه درخواست بُکُنیش ، نیازیا شما را اَقِمِه . ⁹ پس شما آمِده دعا بُکُنن : ای بوای آما که آ آسمونیش نام تو مُقدس اِسی . ¹⁰ پادشاهی تو بیا اِرادتی تو چون که در آسمو اَنجام اَرسیه ، بر رَمی نیز اَنجام پَرسِه ¹¹ نوَن روزانه آما را اِروز آما اِده . ¹² و قرضای آما را پِخش ، چون که آما قرضداریا خُمو اَبخشم . ¹³ و آما را آ آزمایش قِیا ، بلکه از شریر رها اِمو اِده . [چون مَلکوت و قوت و جلال تا ابد الابد از آن تو اِسی آمین .] ¹⁴ چون اگه خطایای مردم را پِخشی ، بوای آسمونی شما نیز شما اَبخشه . ¹⁵ اما اگه خطایای مردم را نبخشی بوای شما نیز خطایای شما نا بخشه ¹⁶ هنگامی که روزِه اگیری مانند رباکاربا ترشرو مَبی چون آتیا حالته چَری خوشو دِگرگون اکُنن تا آ پیش مردم روزِه دار نشو اَدین ، آمین تا گوام که پاداش خوشو به تمامی شو گِرتِه . ¹⁷ اما تو چون روزِه اگَرش آ سَر خوت روغن پَرَن وِصوَرَت خوت پِشو ¹⁸ تا روزی تو بر مردم اَعیان نیو بلکه بر بوای تو که در نهان اِسی ، و بوای نهان بین تو آ تو پاداش اِده ¹⁹ گنجیای خوتو بر رَمی مَیندوزی جایی که بید وزنگ زبان اَرسیه و دُوزیا تَقَب اَرین و سَرقت اکُنن ²⁰ بلکه گنج خوت در آسمو اَندوخته بُکُنن ، اَمکه که بید وزنگ زبان نازسیه و دُوزیا تَقَب نازین و سَرقت ناکین . ²¹ چون هر جا گنج تو اِسی دِل تو نیز اَمکه اِسی ²² چش جراعِ بَدَن اِسی اگه چِشوت سالم بو تمام وُجوُدت روِشَن ابو ²³ اما اگه چِشوت فاسید بو تمام وُجوُدت طَلَمَت اِگِره . پس اگه نوری که در تو اِسی طَلَمَت بو چه طَلَمَت عَظیمی اِسی . ²⁴ هیچکی اُشناشا دو ارباب جِدَمَت بُکن ، چون از یکی نفرت پیدا اکُنن و از دیگری مَهر اُورزه ویا سَرسِیَرَدی یکی ابو و دیگری را خوار اَشْمُوره تُو نا شا هم بندی خدا بی هم بندی پُول ²⁵ پس اَشْمَا اگوام نگرانِ زندگی خوت مَبی که چه اُخوری یا چه اُنوشی ونه نگرانِ بدن خوت که چه اُپوشی . آیا زندگی از خوراک و بدن از پوشاک مهمتر نی ؟ ²⁶ پَرندَیا اِسمو بنگری که نه اَکارِن وِدرو اکُنن ونه در اَنبار دَخیره اکُنن و بوای آسمونی شما آ اَتیا روزی اِده . آیا شما از آتیا با ارزشتر نیسی ؟ ²⁷ اِسی که شما کِش پِشا با نگرونی ساعتی آ عمر خوش اُفزوده بُکن ؟ ²⁸ و چرا بَری پوشاک نگران اِسی ؟ سوسنیا صحرای پِبینی که چگوته نِمو اکُنن . نه زحمت اکُنن ونه اَرسیتن . ²⁹ شما اگوام که حتی سلیمان نیز با هَمی شُکوه و جلالش مِثِل یکی از اِدا اَراسَه نیس ³⁰ پس اگه خدا علف صحرای اِروُر اِسی و صبا در تنور اَبی اِنده اُپوشینه ، ای کم ایمانیا آیا شما به مراتب بهتر اُشناشایوِشینه ؟ ³¹ پس نگران مَبی و مَگوی چه بُجوَرَم با چه بنوِشَم ویا چه بیوِشَم ³² چون اقوامیای بُت پَرست آ پِی هَمی اِیگوته چیزیا اِیین ، اما پدر آسمونی شما اَدنه که بدین هَمه نیازتو . ³³ بلکه اول در پِی پادشاهی خدا و عدالت او بی . آنگاه هَمی اِدا آ شما عطا ابو . ³⁴ پس نگران فردا مَبی ، زیرا فردا نگرانی خوت را اُشیه . مشکلیای اِروز بَری اِروز کافی اِسی .

¹داوری مَكُونی تا بر شما داوری نیو. ²آمده که آ همکس داوری آکونی آ شما هم داوری آبو با آمی پیماته وزن بُکُنی بَری شما وزن بو³چرا پَر کاه در چِشِه برادرت آبینش اما آز چوبی که در چِشِه خوت اُته غافِلش ؟ ⁴چطور تَشا اَبرادرت بُگواش اُنِس پَر کاه آ چِشوت آدر بیارم آمده که چوبی در چِشِه خوت اُته؟ آی ریا کاربا اول چوب آز چِشِه خوت آدر بیا دِگه بهتر آبینش تا پَر کاه را آز چِشِه برادرت آ در بیارش⁶ هر چی مقدس اِسی آ سگیا مَدی و مرواریدیای خوت اِیش خوکیا مَتی نِکِه اُتیا پامال بُکُن و واگردن و شما را یَدَرَن⁷ پخوای که اَشما داده آبو پِطَلبی که پَیدا اَکُنی پِکوبی که در تا زرو باز آبو . ⁸زیرا هر کِش یو آ دَس داره هر که پِطَلبه پَیدا اَکُن و هر که پِکوبه در سَه رو باز آبو . ⁹کدام یک آ شما اَگه پُسوش آز انا نوش سَوی سنگ آ انا آده ؟ ¹⁰با اَگه مَی سَهوی مار آ انا آده ¹¹پَس اَگه شما با هَمی بَد سِیَرِتِیو اَدنی که باید آ پِچای خوتو هَدیبیای خَس اَدی ، چَقَد بیشتر بوای شما که در آسمو اِسی آ اُتیا که از انا شاوی ، هَدیبیای نِیکو آده . ¹²آمده با مردم رفتار بُکُنی که تاو وی با شما رفتار بُکُن اِده اِسی خلاصه تورات و یوِشِیه اُنِیا¹³ آز در تنگ آجا بی چون قَراخ اِسی وَاَته دری وسیع اِسی وَاَ هلاکت منتهی آبو وداخل بُدیا خِلی اِسن . ¹⁴اما تنگ و دشوار اِسی اَته راهی که په حیات منتهی آبو وِبابندیای انا کَم اِسن¹⁵ از پِیامبریای دروغی بَر خَدز بی اُتیا در لباس گوسفندی آ پَلو شما داین اما در باطِن گُریای دَرَنده اِسن ¹⁶. اُنیا از میوِیا شو شاش ناسم . آبا اَنگور را از بوئی خار وانجیر را از علفِ هرز اَچِین؟ ¹⁷آمده اِسی که هر درخت نِیکو میوِی نِیکو آده ، اما درخت بد میوِی بد. ¹⁸درخت نِیکو اُش ناش میوِی بد آده ودرخت بد نیز اُوش میوِی بد آده . ¹⁹هر درختی که میوِی خَس یَده بریده و در تَش پسته آبو . ²⁰آمی اِسی که اُتیا از میوِیا شو اَشناسی²¹ نه هر که اَمه سِرورَم سِرورَم یگو اِبادشاهی آسمو راه پَیدا اَکُن ، بلکه تنها اُنیا که ارادی بوای مَه که در آسمو اِسی آجا بیاره. ²²در آمی روزی خِلی اَمه اَگوان سِرورَر اما سِرورَر اما آ نام تو نُبوت مُنِکِه؟ آبا اَنام تو دیوِیا ما در نِکِه آبا آ نام تو مُعجری زیادی انجام مو پَدا ؟ ²³اما آ اُتیا آ صراحت اَگوام ، هیچوقت شما اُم نِشِناخت از مَه دُور بی آی بَد کاربا . ²⁴پَس هر که سُخنیای مَه پِشَنو و آ اُتیا عمل بُکُن مِث مَرِد دانایی اِسی که خوتی خوش بَر سنگی بناش کِریه ²⁵چون بَرُو بیا و سَلیلیا رَوان یو و بادیا یوزِه و اَنا خوتی زور بیاره ، خَراب نابوچون که بر سنگ بَنا بُده ²⁶اما هر که سُخنیای مَه پِشَنو و آ اَته عَمَل نِکُن مِث مَرِد نادونی اِسی که خوتی خُوش بَر شِن بَناش کِریه . ²⁷چون بَرُو بیا و سَلیلیا رَوان یو و بادیا یوزِه وَاَته خوتی زور بیاره و خَراب آبو و خَرابیش زیاد اِسی ²⁸چون عیسی اِ سُخنیا تَموم اَشکِه مَرَدَم از تعلیم اَته در نِشِگفت اَنَدِن، ²⁹چون با اقتدار تَعْلِیمش اُش دا نِه مِث عُلما

¹ چون عیسی از کوه آزیر اوند جماعتیای بزرگ شمره اُنْدِن² در آمی موقع مرد جذامی شه پلو اُنْد ودر روتروش زانوش رد و اُس گت سرورم آگه توی تشا پاکم بُکُنِش .³ عیسی دس خوش دراوش کیده و آته لمشش که وش گت ، موی پاک پیش در دم پاک بویس پس عیسی شه آته گت آگاه بش که در این باری آکسی چیزی مگولکه برو خوت را آکاهن نشو آده و هدیه ی که موسی اُس گت شاده تا بری آتیا گواهی بو⁵ چون عیسی وارد کفرناحوم بویس، یک نظامی رومی شه پلو اُنْد و با ایتماشوش⁶ گت سرور مَه خدمتکارم مفلوح در خوته خته و سخت درد آکشدوی .⁷ عیسی اُس گت مَه دایم وانا شفا آدیم⁸ نظامی پاسخش دا: سرورم شایسته نبیم آ زرسقف مَه پیش . فقط شخی یگو که خدمتکارم شفا آگیره .⁹ چون مَه خوت مردی اسم زیر قرمو . سربازانی نیز زیر قرمو خوت آمه. آ یکی آگوام برو آجو ، و آدیگری آگوام بیا دُنْدی. آ غلام خوت آگوام ! کاری بُکن و آکن.¹⁰ عیسی چون شخیای آتش آششفت ، متعجب بویس و به همرايیای خوش گت : آمین آشما آگوام ، جنین ایمانی را حتی آ اسراییل هم اُم یدده¹¹ و آشما آگوام که بسیاری از شرق و غرب خواهند اُنْد و پادشاهی آسمو با ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر سر یک سفره آتین ،¹² اما فرزندیای این پادشاهی آ تاریکی آ در داین جایی که گیرخ و دندو بر هم ساییده آبو .¹³ شه نظامی گت برو مطابق ایمائت آ تو دد بویس آمی موقع خدمتکارش شفا پیداش که¹⁴ چون عیسی آ خوتی پطرس چو مادرزنوش آش بینا که ناواوش کیده و در بستر اسی¹⁵ عیسی دشش لمشش که و تاوش قطع بویس پس آته بلند واوبویس و پذیرایی اوش که¹⁶ وقتی غروب بویس خیلی از دیو ردیا شا پلو آو و آته با کلام خوش ارواح از آتیا شه در که و هَمی بیماریا شفافش دا .¹⁷ واقع بویس پیشگوی اشعیای نبی : آته صغیای اما اوش گرت و بیماریا اما حملش که¹⁸ چون عیسی اُس بینا گروه زیادی شه پلو اُنْدین ، اوش گت: آندی دریا اوچم .¹⁹ آمی موقی یکی از غلما شه پلو اُنْد و اوش گت : آی استاد هر جا اوچش نو را پیروی آکیم²⁰ عیسی پاسخش دا روبایا را لاتیا و مرغیای هوا آشیاتیا اما بویس انسان را جای ستر یدده نی²¹ شاگردی دگه شه وی گت ، سرورم رخصت آده تا اوچم بوای خوم آ خاک بُکیم .²² اما عیسی شه آنا گت: از مَه پیروی بُکن و اُنِس مُردیا ، مُردیای خوشو آخاک بُکین²³ چون عیسی آسوار قایقی بویس و شاگردپاش شه دُم چِدِن .²⁴ آمو موقی طوفان شدیدی اُنْد طوری بویس که نزدیک اُنْد موج قایق عرق بُکن اما عیسی در خاو اُنْد²⁵ پس شاگردیا اُنْدن آته بیدارشو که و شوگت ، سرور اما چیزی نواُمَندِه که عرق یم یچانمو آده²⁶ عیسی جواش دا ای کم ایمانیا چرا اِنْدِه ترسیدی؟ سپس بلند و اُنِس باد و امواج را تهیش رد و آرامش کامل حکمفرما بویس .²⁷ آتیا شگفت رده از یک دگه شو پرسى ! چطور شخصی اسی ؟ حتی باد و امواج از اِدِه قرمو اُتِرِن²⁸ آمی موقی که آ ناحیه ی جذریان در آندی دریا رسیدن ، دو مرد دیو رده که از گورسو آ در داندن شو بینا آته دوتای به قدری وحشی اُنْدِن که هیچکس اوش ناشیس از آمکه رد بین .²⁹ آتیا قریاد شا رد تو با آمایا چه کاری اوتِه آی بویس خدا آبا اُنْدیبش تا اما قبل از وقت عذاب آدیش؟³⁰ کمی دور تر از آتیا گلی گپی از خوکیا مشغول چرا اُنْدِن³¹ دیوبا التماسشو که آعیسی شو گت ، آگه ما در آکُنِش آ داخل گلی خوکیا یفرس .³² شه آتیا گت اُچی : دیوبا آ در چِدِن و آ داخل خوکیا بُوْدِن و هَمی گله از سرازیری تِه آ درون دریا هجوم شو بو ودر آو هلاک بُدِن³³ خوکبانا فرارشو که آ شهر چِدِن و هَمی اتفاقیای که بری دیو ردیا کِنسون شو گت.³⁴ سپس هَمی مردُم شهر بری یددی عیسی آدر اُنْدِن و چون آته شو بینا آ آته التماسشو که از آته ناحیه ی آجو

¹ پس عیسی سوار فایق بیس و آندی دریا آشهر خوش چو. ² آمی موقی مردی مفلوح که آ دُشکی ختیشن شا پلو آو عیسی چون ایمان ادیا اُشبینا آ مفلوح اُش گت دل قوی بُکن فرزندم گنایات آمرزیده بویس³ در ا موقع بعضی از علمای دین با خُشو شو گت ا مَردي کُفر آ گُئای⁴ عیسی فکرشواش خند و اُشگت : چوا فکر پلیدی آ دل خوت را آیدای⁵ شو گت کُدم آسوتتر اسی اِدا اسی که گنات آمرزیده بویس یا اِده که بلند و ایتش و آ راه بُرو. ⁶ اِده تا یقمی که پوس انسان بر رمی اقتدار آمرزش گُئایا اوشه آ مفلوح اُشگت بلند و ایتش دُشکی خوت و اسی و آ خوتِه بُرو اُته مَرديو بُلند و ایتس و آ خوتِه چو. ⁸ چون مَرديم اِدشو بینا تریدین و خدایی را که ا فُدرتی آ انسان اُش بختیده تَمجید شو که. ⁹ چون عیسی آمیکه ترکش که مَردي اُشبینا مَتی نام که در خراجگاه اُداسن آ اُته اُشگت آ اُدم مَه پدا اُته بُلند و ایتس و شَه دُم چو¹⁰ روزی عیسی آ خونه مَتی بر سَر شُفره اُداسون که بسیاری از خراجگیریا و گناکاریا اُوندین و با اُته و شاگردیاش هم سَفره بُودن. ¹¹ چون قَریسیا اِدشو بینا ، به شاگردیای اُته شو گت : چرا استاد شما با خراجگیریا و گناکاریا غذا اُخر دوی؟¹² چون عیسی اِده اُششُفت، گت : قَریسیا اِسن که به طیب نیاز شوا نه تندرستیا. ¹³ اُچید و مفهوم ا کلامی را درک بُکنید که "رحمت راپستند اکیم نه قوریونی را." چون مَه نیونیدیم تا پارسایا بلکه گناکاریا را دعوت بُکنم¹⁴ اَنگاه شاگردیای یحیی آ پش عیسی اُندین و شو گت : " چرا اَما و فریسیا روزه اَکرم ، اَما شاگردیای تو روزه ناگیرن؟ " ¹⁵ عیسی پاسخش دا : " اَیا آبو مُمونیای عَروسی تا وقتی که دَما با اِدا اِسی سوگواری بُکنن؟. اَما ایامی دا که دَما ا اِدا گیرته اُبو اَنگاه روزه اَگیرن. ¹⁶ هیچ کی پارچه ی نوآ جَمی کُنه وصله نازن چون که وصله آ جَقه کَنده اُبو تریش بیشتر اُبو¹⁷ و نیز شراب نو در مَشکیای کُنه ناریزن ، چون مَشکیا پاره اُبو و شراب اَریزه و مَشکیا از بین اچن. شراب نو را در مَشکیای نو اَریزن تا هر دو مَحفوظ یَن¹⁸ در ا موقی که عیسی این سَحَنیا بَری اُتیا تعریف اَکَر دوی، یکی از رئیسای ایش اُته اُند و ا مُقابِلش زانوش رَد و اُشگت : " دُتم آمی اَلاتی مُرد. پس آمی اَلان پدا و دَسیه خوت بَر اُته اُونس که زنده و اِبو¹⁹ عیسی بلند و ایتس و ا شاگردیاش با اُته چو. ²⁰ دَر آمی موقی رَنی که دَوازده سال از خونریزی رَنج اُبر دوی، ا پُشت سَتره آ عیسی تَر دیک بیس و لَبی رَدای اُته را لَمشش که. ²¹ اُته با خوش گُتسُون : " اَگه ختی به رَداش دست یَریم ، شفا اَگیرم " ²² عیسی واگشت آتش بینا و اُشگت : " دُتم دل قوی یَدَر ایمانت تو را شَفاش دَده " اُمو ساعتی رَن شَفاش گِرت. ²³ و چون عیسی وارد خونی انا رئیس بویس و نوخَگریا و کَسای که شیون اَکِرداین اُشبینا " ²⁴ اُشگت، ا دَر اُچید ا دُتی نَمرِده بلکه خَته " اَما اُتیا آ اُته خَتشو که²⁵ چون مَرديم اَدَر که، عیسی داخل بیس و دَسیه دُتوش گِرت و انا بلند و ایتس. ²⁶ خَبر ا واقعه در سرتاسر اَن ناحیه پَخش بیس²⁷ موقی که عیسی اُته مکانی ترکش که ، دو مَردي کور آ دُم انا فریاد شو رَد : " ای پُس داوود آ مایا رَحَم بُکن ". ²⁸ چون آ خونه دَر اُند، اُته دو مَردي ایش اُندین. عیسی آ اُتیا سُوال اُشکیه : " اَیا ایمانتو اِسی که مَشا این کاری انجام اَدیم؟ " جوابشو دا " بله سرورا²⁹ پس عیسی چشماشو لَمشش که و اُشگت " بنا بر ایمانتو براتو انجام یو. " ³⁰ یَکَدَقی چشماشو باز بیس. عیسی آ اُتیا اِصراشش که و اُشگت " مراقب بی کسی آ ا موضوع ای اگاه تَبو. " ³¹ اَما اُتیا که آ دَر چِدن، اُته در تمام اَن نواحی شهرتسو دا³² در هَمو لَحظه که اُتیا آ دَر اچِدن ، مَردي دیو رَته را که لَلم بُده ، آ پش عیسی شو آو. ³³ چون عیسی دیو را از اُته بیروئتش که ، زبون اُته مَردي لال باز بیس مردم حیرت رَده شاگت اِندو چیزی در اسراییل دَده تَبده ³⁴ اَما فریسیا شُگت اُته دیو یا ا یاری رییس دیو یا آ دَر اُگن³⁵ عیسی هَمی سَریا و روستایا اَگِشیه در کَنیسه یا اُتیا تعلیم شَدا و بشارت پادشاهی اعلام شَکه هر درد و بیماری شفا شَه دا ³⁶ و چون اُنو جماعت اُشبینا دِلش بَری اُتیا شوت چون مَپ گوسفندیای بی شبان پَریشون و دَرمَنده اُندن³⁷ شَه شاگردیاش گت محصول زیاد اِسی اَما کارگر کم ³⁸ پس از مالک محصول نیوی کارگریا بَری درو محصول خوت یَفرسه

¹ عیسی شنه داوزده شاگرد خوش اُشگت بی وشه آتیا اقتدار دانا ارواح پلید آدر بُکنن وهر درد بیماری شفا آدین² اسمیای داوازده رسول
 اده اسی اول شمعون معرف آ پترس ویراسوش آنیرباس یعقوب پُس زیدی ویراسوش یوحنا³ فیلیس وبرتولما توماومتای
 خراجگیر یعقوب پُس حلفای وتدای⁴ شمعون غیور ویهودا یاسخربوطی که عیسی تسلیم دشمن اُشکه⁵ داوازده تا عیسی اُش فرسا وشه
 اِدیا گُت اُتلو غیر یهودیا مَجی وَا شهرای سامریا داخل موی⁶ اُچی آ پلوگوسفندیای گم بو ده قوم اسرائیل اُچی⁷ وقتی اُچی ا پیامی
 موعظه بُکنی که پادشاهی آسمو نزدیک اسی⁸ بیماریا شفا آدی مردیا زنده بکنی جذامیا پاک بکنی دیویا ادر بکنی مفت تو واجسه ومفت
 آدی⁹ طلا یا نقره یا مس در کمر بندای خوت منسی¹⁰ وبری سفر کوله باربا جمی اضافی یا کفش یا چوب دسی مواسیچون که کارگر
 مستحق¹¹ آ هر شهریا روستایی که وارد آبی فردی خَش پیدا بُکنید و تا وقتی که توی اُچش آ خوتش اویتش¹² چون آ خوتی اُچی بُگوی
 سلام بر شما¹³ آگه آته خوتی شایست بو سلام شما قبول اکن و آگه قبول تکن آ شما¹⁴ و اگر ده¹⁵ آگه کسی شما قبول اُشیکه و حرفیای
 تو گوشش یندا ، موقع ترک خوته یا شهر، خاک پای یای خوتو پتکنی .¹⁵ آمین آ شما یا اگوام در روز داوری تحمل مجازات بتری شدوم و
 غموزه آسونتر آ بو تا بتری آته شهری¹⁶ مه شما یا را مینه گوسفندیا آ میون گرگیا افرسیم پَس مینه مار هوشیار بی و مینه کبوتر ساده .¹⁷ آ
 مردم تر خدر بی آتیا شما را آ محکمه اُترن و در کنیستیای خوشو تازیانه اُترن ،¹⁸ بخاطر مه شما را آ پلوی والیا و پادشایا اُترن تا در
 برابر آتیا تا در میون قومیا دنیا شهادت آدی¹⁹ اما چون شما را تسلیم اُکین یگران مبی که چگوته یا چه بُگوی در آمی موقع آمی که
 ناوی بُگی آ شما عطا آ بو ،²⁰ چون گوینده شما نیسی بلکه روح پدر شما اسی که آ ربو شما سُخن اگو²¹ برادر برادر را و بوا پُچش را
 تسلیم مرگ اکن یچیا آ والدین خوشو آ واژین و موجبات قتل آتیا را قراهم اُکین هَمی مردم²² یخاطر نام مه آ شما مُتَیفر این اما هر
 که تا آخر پایدار وامینه ، نجات پیدا اکن .²³ چون در شهری آ شما آزار آرستین آ شهر دیگه اُچی . آمین آ شما اگوام ، پیش از اِنکه تُپشا آ
 هَمی شهرای اسرائیل اُچید ، پَس انسان دا²⁴ شاگرد از استاد خود برتر نی و نه غلام از ارباب خود برتر .²⁵ کافیه شاگرد مِث استاد
 خُش پیوو غلام را که چون ارباب خُش پیو . آگه رییس خُوته را بعلزبُول اُچین ، سایر افرادیای خوته چه اُچین²⁶ دِگه آ آتیا مَترسید ،
 هیچی پنهن نی که آشکار نبوو هیچی پوشیده نی که مَلموم تبو .²⁷ آنچه در تاریکی آ شما اُمگینه ، در روشنایی بُگوید و آنچه در گوشتو
 گُفته بُویس ، آ بتری بامیا اعلام بُکنید²⁸ از کسیایی که جسم را اُکین اما قادر آ کُشتن روح نیسین مَترسید ، از آته مَترسید که قادر اسی
 هَم روح و هم جسم شما را در جَهم هلاک بُکن .²⁹ آیا دو گنجشک را به یک پول سیاه نافرین؟ با ا هَمه ، حتی یک گنجشک نیز بدون
 خواست بوای شما آ رمی ناکت³⁰ حتی موبهای سَر شما آ تمامی شُمرده بُده .³¹ پَس مَترسید چون ارزش شما بیش از هزاران گنجشک
 اسی³² هر که آ پش مردم آ مه اقرار بُکن مه آ پش بوای خوم که آسمو اسی آن اقرار اکنم³³ اما هر که پش مردم اِنکار بُکن مه آ پش
 خداخوم که در آسمو اسی انکار شکنم³⁴ فکر نکنی اُنذیم صلح آ رمی بیارم نیونذیم تا صلح بیارم بلکه شمشیر بیارم³⁵ چون اُنذیم
 پَس را آ بوا دُت آ مادر و عروس آ تتی شو جدا بُکنم³⁶ دشمنیای شخص اَله خوتی خوش اسی³⁷ هر که بوا ، ننی خوش بیشتر از مه دوس
 پدَره شایسته مه نی و هر که پَس یا دُته خُوش بیشتر از مه دوس پدَره شایستی مه نی³⁸ هر که صلیب خوش نیواسی پشت مه نیا
 شایستی مه نی و³⁹ هر که شوی جون خوش حفظ بُکن آنه از دَس اده وهر که جون خوش رایه خاطر مه از دَس اده آته حفظش
 کُن⁴⁰ هر که تو پدیریه مَش پدیرفته و کسی که مَم پدیریه فرستندی مَش پدیرفته .⁴¹ هر که پیامبری را از آن رو که پیامبر اسی پدیریه
 پاداش پیامبر را دریافت اکن هر که پارسایی را از آن رو که پارسا اسی پدیریه پاداش پارسایی اگیره⁴² و هر که به ا کیدونیا از آن رو که
 شاگرد مه اِسین حتی کاسه او سرد اده آمین آ شما اگوام بی پاداش تَواسته

¹ پس از اِده که عیسی از داذی اِ قرمانیا آ دوازده شاگرد خوش فارِق بُویس از آمکه چو تا در شهرهای آتیا آ تعلیم و موعظه پِردازه .
² چون یحیی آ زندان وصفِ کاریای مسیح اِ شُشُفت شاگردیای خوش آ پَلوی آتش فِرِسا³ تا پُرسین آیا تو آمی اِسیش که باید دانیش یا منتظره کِس دِگه بَم؟ عیسی در جواب اَشگت اُچی هر چه آیینی و اَشنوی آ یحیی بُگوی⁵ که کوریا بینا آین لنگیا را اِچن جُدامیا پاک آین گریا شنوا آین و مُردیا زنده آین و فقیریا بشارت آدین⁶ خوشحال کسی که آ سَتِپ مَن یلغزه⁷ چون شاگردیای یحیی اِچین عیسی در باری یحیی سُخن آغاز اَشکِه و شَه جماعت گت بَری دیدن چه چیزی آ بیابو چسی ؟ بَری دَدی نی ای که از باد در حرکت اِسی ؟⁸ آگه تَه بَری دیدن چه چسی ؟ بَری دیدن مَرَدی که جَمی جُوشه تَره ؟ آتیا که جَمی جُو آبر اِکین در کاخیای پادشا اِسین⁹ پس بَری دَدی چه چسی ؟ بَری دَدی پیامبر ؟ بله آ شما اِگوام کسی که از پیامبر بَرتر اِسی .¹⁰ چون آمی اِسی که در بارش شو یوشته ایتک پیام آور خوت را چلو تَر آ تو اِفرسیم تا رَهت را پیش روت مُحبا بُکن¹¹ آمین اَشما اِگوام که گِپَر آز یحیی تعمید دهنده از مادر زاده نیوده ، اما کیدوترین دَر پادشاهی آسمو آز آتَه گِپَر اِسی¹² از زمان یحیی تعمید دهنده تا الان پادشاهی آسمو نیرومندان اِپش آچو و زور آوربا آتَه تصاحب اِکین¹³ زیرا هَمی پیامبریا و تورات تا زمان یحیی نبوت شاکیه¹⁴ و آگه تا وی پِذیری یحیی آمی ایلیا اِسی که باید داآند .¹⁵ هر که گوش شنوا اُشیه پِشَنو¹⁶ اِ تسلی آ چه تشبیه بُکیم ؟ مِث طفلی اِسین که در تَرال آتین همبازیای خوشو صدا اِکین ،¹⁷ بَری شما تی موزد تَر فصدی نوخه موخند سیته تو یَرَد¹⁸ چون یحیی اُند که تَه شَخه ونه شَه پوشی ، شا گت دیوِشیه¹⁹ پُس اِنسان اُند که شَخه و شَه نوشی شا گت مَرَدی اِسی پُرخور میگسار دویسه خراجگیریا و گناکاریا . اما حقانیت جَکَمَت را اعمال آتَه آ تَبوت اَرَسینه²⁰ آمی موقی عیسی آ شهریای مَلامتَش که ، که بیشترین معجزاَش در آمکه انجامش دِیسُون²¹ وای بر تو ای خورزین وای بر تو ای بیت صیدا زیرا آگه معجزی یای که در شما انجام بُده در صور و صیدون روی شَه دا مَرَدُم آمکه مدتیای پیش در پلاس و خاکسَر توتَه شو کِردِسون²² اما یقین یَدنی که در روز داوری تحمل مجازات بَری صور و صیدون آسونتر آبوتا بَری شما²³ و تو ای کفرناحوم آیا تا آ قَلک سَر واسیش؟ هیچ موقه بلکه تا اعماق هاویَه فرو آچش زیرا آگه اِ معجزیا که در تو انجام بُده در سدوم رُخسَن دا تا اِروز آجا آوامُند .²⁴ اما باور بُکن که دَر روز داوری تَحْمَل مجازات بَری سدوم آسونتر آبو تا بَری تو²⁵ دَر آتَه وَقتی عیسی اظهارشَن ای پَدَر مالکِ آسمون رَمی تو را اِپَرَسیم که اِ حقایقی را آز دانایا و خَرَدَمَندیا پنهانش کِرده و بَری بیجیا آشکارش کِرده²⁶ اِ ای بوا چون خوشنودی تو در اِده اِسی²⁷ بوا می هَمه چی شَه مَه سِپَرده هیچ کَس پُس ناشناسیه جُز بوا و هیچ کَس بوا ناشناسیه جُز پُس و آتیا که پُس شا وی بَری آتیا آشکار اِکُن²⁸ بی اِپَلوی مَه آی هَمی رَحْمَتِشیا و گِرانباریا که مَه آ شما آسایش آدیم .²⁹ بوغ مَه آدوش یگیری و از مَه تعلیم یگیری چون که خَلیم وافتاده دِل اِسیم، و در جونیای خویش آسایش آرسی ،³⁰ چرا که بوغ مَه راحت اِسی و بار مَه سَبُک

¹ در آمی زمانی عیسی در روز شبات از میون مزارع گندم رد آ بیس شاگردیای انهبه علت گشنگی شروع آ چدی خوشه یای گندم و خردی آتاشو که قریسیا چون شُبینا شُگت نگاه بُکن شاگردیات کاری آکرداین که در روز شبات جایز نی اُشگت مگه تو یخنده که داود چوشک خوش و یاریاش گشته اندن⁴ آ خونه ی خدا چدن خوش و یاریاش نو حضور شُخه هر چند خردی آنه پری آنه و یاریاش جایز نیند چون که فقط بَری کاهنیا مجاز اند⁵ مگه در تورات نُخوانده که در روزبای شبات کاهنیا در مَعبد حرمت شبات را نگه نادرن بی گناه اِس اُشما آگوام کسی در اِنکه اِسی که گِتر از مَعبد اِسی⁷ اگه مَفهوم اِ کلامی درک تا که رحمت مَوس نه قربانی، دگه بی گنایا محکوم توناکه⁸ چونکه پُس انسان صاحب شَبات اِسی⁹ از اَنکه چده آ کنیسه ی اَنیا آ در اُند¹⁰ در کنیسه مردی اُند که یک دستش خُشک بُسن از عیسی شُه پرسی آیا شفا دَد در روز شبات جایز اِسی اِدو شُگت تا بهونی بَری مُتَم کِردی اَنه پَیدا بُکُن اَنّا شُه اَنیا گت اگه یکی از شما یا گوسفندی اُش بو و آنه گوسفندی در رُز شبات در چاهی یکت اَیا آنه نو اِسی وار چاه اَدَر بیاره؟¹² پُس انسان چقدر با اَرزِشتر از گوسفند اِسی. پُس نیکوی کِرده در رُزه شبات جایز اِسی¹³ پُس شُه اَنه مَرَدو گت دَسْت دراز بُکن و اَنه دَسْش دراز اُشکِه و اَنه دَسی مِت دَسه دِگش سالم بُوس .¹⁴ اَما قریسیا اَدَر چدن و با هم دِگه مشورت شوکِه که چجوری اُشکُوشن¹⁷¹⁵ عیسی اُشَقَمِیس ، اَمی مکانی ترک اُشکِه اَما عدی زیادی شُه پُشت سَترش چدن و هَمی اَنیا شفا اُشدا¹⁶ و شُه اِدِیا قِدَعَن اُشکِه که اَنه شُهْرَت نِدن . اِ واقع بُیس تا گفته اشعیا نبی آ انجام برسه¹⁸ اِد اِسی خادم مَه که اِد اُمَتر گُردِه محبوب مَه اِسی که جان مَه از اَنه خُشنود اِسی . روح خُوم بَر اَنه اَنیسم و اَنه عدالت را اِ قومیا اعلام اُکن¹⁹ نزاع نا کُن فریاد نازن و کسی صداس در کوچیا ناشنوون²⁰ نی خُرد بُود را ناشکِنه و فِتیلی نیم سوخته را خاموش ناکن تا عدالت را اِ پیروزی پَرسِنه²¹ نام اَنه مایه ی امید بَری هَمی قومیا اِسی.²² یکنشی مَرَدی دیو رَته که کور و لال اُند شا پَلو آو و عیسی شفا اُشدا به طوری که اُشپس بیینه و حرف یزن²³ پُس هَمی جماعت تعجب شُکِه و شُگت پُس اِیا اِ مَرَد پُس داود نی؟²⁴ اَما چون قریسیا شُشُفَت شُگت اِ یاری بَعلزول رِیس دیوبا اِسی که دیوبا اَدَر اُکن²⁵ پُس عیسی فکر اَنیا اُشَقَمی و شُه اَنیا گت هر حکومتی که بَر صِید خُوت تَجزیه یبو پا بر جا تَوا مَنه و هر شهر یا خونه ی که بَر صِید خُوت تَجزیه یبو پا بر جا تَوا مَنه²⁶ اگه شیطون شیطان اَدَر بُکن بر صِید خُوت تَجزیه یبده پُس چگونه حکومتش پا بر جا آ و اَمَنه²⁷ و اگه مَه اِ یاری بَعلزول دیوبا اَدَر بُکنم شاگردیای شما اِ یاری اَنیا اَدَر داین پُس ادیا خُشو داوریای شما اَین²⁸ اگه مَه به واسطه ی روح خدا دیوبا ادر بکنم یقین بدنی که پادشاهی خدایر شما اَنده²⁹ چگونه کسی شُشا اِ خونه ی مردی نیرومند ادر بیا و اموالش غارت بکن مگه اده که اَنه مردو شابنه و اموالش غارت بکن³⁰ هر که بامه نی بر صِید مَه اِسی و هر که با مَه جمع نکن پراکنده اِبو³¹ پُس اِ شما اگم هر نوع گناه و کفری که انسان مرتکب ببوامر زیده ابواما کفر اِ رو امرزیده نابو³² هر که حرفی بر صِید پُس انسان بگو اَمَر زده ابواما هر که بر صِید روح القدس سخن بگونه در اِ عصر و نه در اَنه عصر اَینده اَمَر زیده نابو³³ اگه میوه ی نیکو تاوی درخت شما باید نیکو بو چون که درخت بد میوه ی بد اده چون درخت از میو یاش شناخته اِبو³⁴ اِی افعی زادگان چگونه ماشا نیکو سخن بوگوم و حال اَنکه بد اِسی زیرا که رَبو از زیادتی دل سخن اگو³⁵ مرد نیکو از خزانه نیکو دل خُوش چیزبای خوب داره و مرد بد از خزانه بد چیز های بد اِ در دار³⁷ اَما اِ شما اگم که مردم بری هر گپ پوچ که³⁶ اِ رَبو بیارن در رُز داوری حساب اَدَبن چون باگپ خُوت تبریه اِبی و با گپ خُوت محکوم اِبی⁴⁰³⁹³⁸ یکنشی عِدّه ی اِز علمای دین و قریسیا شُه اَنه گت اِی اُستاد ماوی اِبی از تو بیینم جواب اُش دا نسل شرارت و زنا کار اَیاتی شاوی اَما اَیاتی آ اِدیا داده نابو یجز اِبی یونس نبی اَمده که یونس سه رُز و سه شودر اُشکم مَی گپی اُند پُس انسان هم سه رُز سه شودر دل رَمی اِسی⁴¹ مردم نینوا در رُز داوری با اِ نسلی بلند آ و اَین و محکوم شو اکن چون که اَنیا بر اثر موعظه یونس تو به شو که و حالا کسی بزرگتر از یونس اَنکه اِسی⁴² ملکه جنوب در رُز داوری اِ نسلی بلند اوا بو و محکوم شو اکن چون کَهَمی موقعی که روی پلید از کِسی اَدَر دا⁴³ مکانیای خشک بایر اچو تا جای بَری اِستراحت و اجوی اِما تواجی پُس⁴⁴ اگو آ خوته ی که از اَنه اُندِسم اچم اَمکّه اَرسِه و خونه خالی و رُفته و اَراسته اَینه⁴⁵ و اچو هفت رو بدتر از خوش داره و همه داخل اَبن و سکونت اُکن و در نتیجه سرانجام اَنه شخص بدتر از حالت اولش اِبو عاقبت اِ نسل شریر اِنده اِبو⁴⁶ در هَمی موقع که عیسی با مردم گپ سَزد تَنش و بَرادریاش اَدَر وِستِشِن و شاوس با اَنه گفتگو بُکنن⁴⁷ پُس شخصی شُه اَنه خبر دا که تَنه و بَرادریات اَدَر وِسیسین و شاوی باتو گفتگو بکنندر جواب قایل اُش گت، تَنه مَ و براسوام⁴⁸ کیا اِیسِن؟⁴⁹ و دست خوش سمت شاگردیاش دراز اُش کِ، اُش گت، اِدِیا تَنه و اِراسوام اِیسِن.⁵⁰ زیرا هر که اراده ی پدر مرا که در آسمو اِسی بجا بیاره، همان برادر و خواهر و مادر مَن اِسی.

¹ و در همان روز، عیسی از خانه آذر آمد، آکناره دریا نشست² و گروهی بسیار بتری آن جمع بودند، بقسمی که آن به کشتی سوار بویس، قرارش گرت همشو بر ساحل و بستن؛ و معانی بسیار به مثلها برای ایشان اش گت،³ وقتی برزگری بجهت پاشیدن تخم آذر چو. ⁴ و چون تخم شباشی، قدری آ راه چو و مرغیا اندن، آتیا شوخ. ⁵ و بعضی بر سنگلاخ جایی که خاک زیادیش نیند گت، و زودی سبز بویس، چونکه زمین عمق اش نیند، ⁶ و چون آفتاب آذر آمد سوتن و چون ریشه شو نیند خشک بدن. بعضیا آ میون خاریا ریخته بویس و خاریا گپ بودن⁷ و آنیا حقه شکه⁸ و اما بقیه ی بذر یا آرمی خش کین و بار اشکه بعضی صد برابر و بعضی شصت برابر و بعضی سی⁹ هر که گش آشه بشنوهامی موقع شاگردیا اندن آ وی شگت از چه جهتی¹⁰ ! مثلیا آ گنایش¹¹ در جواب ایدیا اشگت درک رازیای ملکوت اسمو آ شماعطا بده اما نه ایدیا¹² هر که آشه آنه داده ابوتا آ فراونی اشبو و آنه که اشنی آمی که آشه از آنه گرته ابواز ! جهتی با ایدیا با مثلیا سخن آگم چون که¹³ نگران ایدن و نابین و شنوا ایدن و ناشنون و ناقهم و¹⁴ در حق ایدیا نبوت اشعیا تمام آبو که آگو آ گوش خوت آشنوی اما هیچ نافهمی آ چش خوت آبینی اما هیچ درک ناکنی¹⁵ چون دل اقومی سنگین بوده گوشیاشو سنگین بوده و چشمیای خوشو شنبسو یکنه با چشیاشو پینن و با گوشیاشو پیننون و در دلای خوشو یقهم و واگردن وشفا شوآدهلیکن خوشابحال چشیا شما و¹⁶ گوشونو زیرا که آشنون¹⁷ زیرا هرآیه به شما مگت بسا انیا و عادلان شخواسته که آنچه شما آیینش، بیین و شنبینا و آنچه آشنوی، بشنوی و شنشفت. ¹⁸ پس شما معنی مثل برزگر را بشنوی. ¹⁹ هنگامی که کسی کلام پادشاهی اسمو را آشنوه اما آته درک ناکن، شریب دا و هر چی در دل او کاشته بده آره. آرمی بذر ی اسی که در راه کاشته بده²⁰ و اما بتری که بر رمی سنگلاخ کت کسی اسی که کلام رو آشنوه و زودی آته باشادی قبول کن²¹ اما چون در خوت ریشش نی تنها یک کمی دوام داره وقتی پسب کلام سختی یا آزاری بروز آکن در دم آکون²² بذر ی که در میون خاریا کاشته بویس کسی اسی که کلام را آشنوه اما یگرانی های ا دنیا و قریبیدگی ثروت آته حقه کن و بی تمر آکن. ²³ اما بتری که در رمی نیکو کاشته آبو، کسی اسی که کلام را آشنوه و آته آقمه و بارور آبو صد، شصت، یا سی برابر تمر داره²⁴ عیسی مثل دیگه بتری ایدیا شو پادشاهی اسمو همانند مردی اسی که در مزرعه خوش بزر خش اشباشی،²⁵ هنگامی که مردمیا آخو آندن دشمشش آند و در میون گندم علفی هرز اش کاشت و چو. ²⁶ چون گندم سبز بویس و خوشه شو علفی هرز نیز پیدا بویس²⁷ غلامیای صاحب خوته آیش آته چدن و شو گت آفا مگر تو بذر خش در مزرعت ات نکاشته؟ پس علفی هرز آز کجا آند²⁸ در جواب اش گت ا کار دشمن اسی غلامیا آز آته شو پرسى آیا توی آچم آتیا جمع بکنم؟²⁹ آشنگت ته اگر تا وی علفیای هرز را جمع بکنی ممکن اسی گندم از ریشه یکنی. ³⁰ اوینسی هر دو تا فصلی درو با هم رُشد بکنن. در آمی زمان آدرو گریا آگوام که اول علفیای هرز را جمع بکنن دشته بکنن تا پسوخنه پس گندمیا جمع بکنن آ انبار مه بیارن³¹ عیسی بتری آتیا یک مثل دیگش آو پادشاهی اسمو همچون داتی خردلی اسی که کسی آتش اش واسیه و در مزرعش اش کاشت. ³² با ایدیه که دانه خردل آز همی داتیا کیدوتر اسی، اما چون رشد آکن گبتر آز همی گیایای باغ آبوا درختی بدل آبو چنانکه پرندهای اسمو دالان در شاخیاش آشیوته آسازن³³ سپس بتری ایدیا مثل دیگشو آشنگت پادشاهی اسمو مپ خمیر مای اسی که زنی اش واسیه با سه کیستی گپ آرد مخلوط اشکه تا تمام خمیر وړاند³⁵ عیسی همی ا مطلبیا را با مثلیا بتری جماعت بیانش که و بدون مثل آتیا هیچیش یگت، ³⁴ ا واقع بویس تا کلام نبی انجام پریسه که اش گتسون دهن خوت آ مثلیابار آکیم و هر چه آز آغاز جهان مخفی بده بیان آکیم³⁶ پس عیسی جمعیت را ترکش که و داخل خوته چو همی موقع شاگردیاش شه پلو چدن و شوگت مثلث علفهای هرز مزرعه بتری آما شرح آده. ³⁷ آنا در پاشخش گت، شخصی که بذر خش در مزرعه آکاره پشیه انسان اسی، ³⁸ و مزرعه ا جهانی اسی و بذر خش فرزندیای پادشاهی اسموین، علفیای هرز فرزندیای آته شیرین. ³⁹ و دشمنی که آتیا آکاره ایلپس اسی فصلی درو پایان ا عصری اسی و دروگریا فرشتیا ایدن⁴⁰ آمده که علفیای هرز جمع کین و در تش آشخین، در پایان عصری ایدیه آبو، ⁴¹ پشیه انسان فرشتیای خوش آفرسه و آتیا هر چه که باعث گناه آبو و نیز تمام بد کاریا آز پادشاهی آته جمع آکن⁴² و آتیا را در کوری تش آبی، جایی که گریخ و دندوا دندو سایده آبو⁴³ پس پارسایا در پادشاهی بواى خت همچون خورشید آذر خیش هر که گوشش پشوه⁴⁴ پادشاهی اسمو مثل گنجی اسی پنهون در دل رمی که شخصی آته پیدا آکن سپس دوباره پنهون شکن و از خوشحالی آچو و هر چی آشیه آفرشیه و آته زمینی آخله. ⁴⁵ آمده که پادشاهی اسمو مانند تاجری اسی جوبای مرواریدیای نفیس⁴⁶ پس چون مرواریدیای بسیار با ارزشی پیدا آکن آچو هر چی آشه آفرشیه و آته مروارید را آخله⁴⁷ و باز پادشاهی اسمو مثل توری اسی که آ دریا آبین و همی گوته مای {ماهی} داخل آته آچو⁴⁸ همی موقی که تور پر آبو آته آساحل آکشین سپس آبین خشیا در سبد جمع آکین آما دبدیا آدور آبین⁴⁹ در پایان ا عصری ایدیه آبو فرشتیا دالان و بد کاریا را آز میون درستکاریا آذر آکین، ⁵⁰ و آتیا در کوری تش آبین، جایی که گریخ و دندو آندو سایده آبو⁵¹ پس اش پرسی، آیا همی ا مطلبی را درکتو که ؟ پاشخشو دا، ا. ⁵² عیسی اش گت پس هر عالم دین در بازی پادشاهی اسمو تعلیمش گرتیه مپ صاحب خوتی اسی که از خزوتی خوش چیزای نو و گهته آذر داره⁵³ و چون عیسی ا مثلیا تمومش که همی مکانی ترکش که⁵⁴ و آشه شهر خوش چو، و در کنیسه آ تعلیم مردم مشغول بویس، مردم در شگفت آیدن و شا پرسی ا مردی ا حکمت و قدرت انجام معجزیا را از کجا کسبش کرده؟⁵⁵ مگه آته پس نجار نی؟ مگه اسم تنش مریم نی؟ و برادر یاش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیسین؟⁵⁶ مگه همی خواهر یاش در میون آما زندگی ناکین ؟ پس ایدیا را آز کجا کسبش کرده؟⁵⁷ پس آطرشو ناپسند آند. اما عیسی شه آتیا گت: "نبی بی حرمت نابو جز آشه خوش و خوتی خویش".⁵⁸ و در آنکه بخاطر بی ایمانی آتیا معجزات زیادی آشیکه

¹در آته زمانی آوازی عیسی آگوش هیرودیس حاکم رسی ، ²و آنا شه خادمیای خوش گت ، ایحیی تعمید دهنده اسی که از مُردگان بلند وایده و یخاطر اُمی اسی که ا قدرتیا از آته ظاهر آبو³ و آما هیرودیس یخاطر هیرودیا که قبلاً رن کاکاش فیلپس بویه یحیی رو اُشگرت و آتش بست و شه زندان پس . ⁴چون که یحیی شه آتا اگت ، حلال نیسی تو با ا رنویش . ⁵شوس یحیی رو اش بگش اما از مردم اُترسی چون یحیی را ا پیامبری قبول شواند⁶ در روز جشن میلاد هیرودیس ، دُت هیرودیا در مجلس رقصی وچنان دل هیرودیس رو شادش که ⁷سوگند اشخه هر چی اشیوی شاده دُت ا تحریک تیش اُشگت ستر یحیی تعمید دهنده اُمی اِنکه در طبقی آ مه آده . ⁹پادشاه ناراحت بیس اما چون قسَمش خردسون و یه احترام مهمونیاش دستورش دا که آ آته آدین ¹⁰پس اش فرسا ستر یحیی رودر زندان جدا بگین ¹¹و آته در طبقی شاوآدنشو دا و آته آپلو تیش بو . ¹²شاگردیای یحیی اُنین و بَدن آتشیو بو و شا خاک بیپرد و چدن شو عیسی خبر دا . ¹³چون عیسی اِده اُششؤفت سوار قایق بویس از آمکه امکانی دور افتاده و خلوت چو اما مَرْدُم باختر بُدن از شهرای خوت پای پیاده از پی آته چدن ¹⁴چون عیسی از قایق پیاده بویس جمعیت بسیاری اُشبینا دِلش بَری آتیا ا رحم اُند بیمارباشو شفا اُشدا¹⁵ تردیک غروب شاگردیا شه پلو اُنین و شگت اِنکه مَکانی دورافتاده ، و دیر وقت نیز اسی . مَرْدُم را رواه بگن تا ا روستاییای اطراف اُچن و بَری خوت خوراک یخین ¹⁶عیسی شه آتیا گت نیازی نی مَرْدُم اُچن شُما خودت اِدیبا خوراک آدی . ¹⁷شاگردیاشو گت در اِنکه چیزی جز پنج نُو و دو ماهی مُنی عیسی ¹⁸اُشگت آتیا ا پلو مه بیاری ¹⁹پس شه مَرْدُم گت تا ا سَبَرِبا اُتین اُمی موقع پنج نو و دو ماهی اُشگرت و ا آسمو نگاش که بَرگش دا پس نونیا پَرش که و شه شاگردیا دا و آتیا شا مَرْدُم دا . ²⁰هَمه شو خه و سیر بُدن و از خوردیای باقی مونده دوازده سبد پُر شوابیه . ²¹شمار خوردنیا جز زنبیا و کودکیا پنج هزار مرد اُنین ²²عیسی بی درنگ ا شاگردیای خوش اصرار اُشکه در اُمی موقی که مردم مُرخص شکه سوار قایق بین و پیش از آته ا اَنطَرَفِ دریا اُچن . ²³پس از مرخص کِرْدی مَرْدُم خوش آ کوه چو تا ا تنهایی دعا بگن شاو بویس و آته اِنکه تنها اُند . ²⁴در اُمی موقع قایق از ساحل خیلی دور بُشن و دچار طوفان بویس چون باد مخالف بَر آته آوزی ²⁵در پاس چهارم از شاو عیسی گام زنان آ روی آو ا طرف آتیا چو . ²⁶چون شاگردیا آته در حال راه چده روی آو شُبِنا تَرسیدن و شگت شَیح اسی و از ترس فریاد شُرت . ²⁷اما عیسی بیدرنگ شه آتیا گت دل قوی پَدری مه اِسیم مَترسی ²⁸پطرس جواش دا : سرورُم اگه تو اِشش آمه یفرما تا آرو آو ا پلو تو بیم ، ²⁹اُشگت " بدا " اُمی موقع پطرس از قایق اَدَر اُند و آروی آو ا طرف عیسی آرو گت . ³⁰اما چون باد اُشبینا ، ترسی و آمِد که در آو فرو آچو ، فریادش رد : " سرورُم نِجائُم اِده " ³¹عیسی زود دس خوش دراژش که و آته اُشگرت و اُشگت : " ای کَم ایمان چرا شگت که ؟ " ³²چون ا قایق اُنین باد موم بویس ³³پس آتیا که ا قایق اُنین ا برابر عیسی ستر آ رَمی شونا ، و شوگت : براستی که تو پُس خدا اِشش ³⁴پس چون ا طرف دِگه رَسیدن ا ناحیه جنیسارت وارد بُن . ³⁵مَرْدُمای آمکه عیسی رو شو شِناخت و کِسبای که هَمی نواحی اش فِرَسِشِن بیماربا شو پلو آو ، ³⁶آتیا از آته خواهش شا که اجازه اِده تا فقط گوشِی رداش لَمس بگین و هر لَمس شکه شفا شا گرت

¹ پس گروهی از فریسیا و علمای دین آورشلیم آ پلو عیسی اُنْدِن وشوگت² چرا شاگردای تو سَتَت مَشاخ آ زِر پا آئینن آتیا دَسپای خوشو قبل از غذا خَرَدَه نَاشِرِن ؟ آتِه در پاشخَش گُت ، و شما چرا بَری حَفِظ سَتَت خُتو حکم خدا رو آزر پا آئینن؟⁴ زِیرا خدا اُشگت بوا و تَتی خوت گرامی پَدَری و نیز هر که بوا یا تَتی خوش ناسزا یگو البته باید گُشَتَه یو⁵ اما شما آگویی آگه کسی آ بوا یا تَتش یگو هر کمکی که ممکن اِسی از مَه دریافت بکنی وقفَ خدا اِسی⁶ در اِ صورت دِگه بَر آتِه واجب نی اِنْدِه بوا ی خوش گرامی پَدَره اِنْدِه اِسی که شما بَری حَفِظ سَتَت خویش کلام خدا را باطل اَشْمُری.⁷ ای ربا کاربا اَشعیا درباری شما چه خوب پیشگوی اُشکِردِه آمی کِش گُت ،⁸ اِ قومی با آبپای خُت حُرْمَت اَدَرِن اما دِلِشو از مَه دور اِسی⁹ اَتیا بیهودَه آمه عبادَت اَکُئِن و تَعْلیموشو چیزی جز فَرایض بَشَری نی¹⁰ پس آمی جماعت آ پلو خُش فراش خُند و اُشگت گُش فرا آدی و یَقَهْمی ،¹¹ تِه آمی که آ دَهَن آدمی داخل آبو آتِه تَجِس اَکُن بلکه آمی که از دَهَن آتِه اَدَر دا آمی اِسی که آدمی را تَجِس اَکُن¹² آمی مَوَقِع شاگردیا سَپَلو اُنْدِن و شو گُت آبا اَقَمِش که اِ سَخَن تو آ فریسیا ناپستند اِنْدِه؟¹³ عیسی پاشخَش دا هر تَهالی که پَدَر آسمانی مَه اُش نِکاشته رِیشَه کَن آبو¹⁴ اَتیا آ حال خُش آئینِه اَتیا راهنمایی های کورِن هر گاه کوری عصا کِش کور دیگری بَیس هر دوشو آ چاه اَکُون¹⁵ پَطْرُس اُشگت ، اِ مَثَلی بَری آما سَرح اِدِه .¹⁶ عیسی جَوَابش دا : آبا شما هنوز دَرک ناکنی؟¹⁷ آبا ناقمی که هر چی از دَهَن داخل آبو اَشیکم آچو و دَفَع آبو؟²⁰ هر چی از دَهَن اَدَر دا از دِل سَرچشمه آگرِه و اِدِه اِسی که آدمی را تَجِس اَکُن .¹⁹ چون از دِل اِسی که اَفکار پلید ، قتل ، بی عفتی، دزدی، شهادت دروغ، و تَهْمَت سَرچشمه آگرِه ،¹⁸ اِدا اِسی که شَخَص و تَجِس اَکُن نه غذا خَرَدَه با دَسْتِیای نِشِستَه²¹ عیسی اَنکِه تَرکَش که و اَمَنطَقی صور و صیدون چو²² روزی رَنی کَنعانی از اَهالی اَمکِه سَه پَلو اُنْد قریاد رَنوُش گُت ، سَروِرِه مَه آی پُس داوود آ مَه رَحْم بکن دُئِم سَخَت دیو رَته اِدِه²³ اما عیسی هیچ جَوَابِش ندا تا اِنکِه شاگردیا آ جلو اُنْدِن و از آتِه خواهش شو که و شوگت اَنّا مَرَحَص بکن قریاد رَنون از پِی آما دُنْدی²⁴ آتِه دَر جَوَاب اُشگت، مَه تنها بَری گوسفندیای گُم بُوَدی بنی اسراییل فرستاده بُئِم .²⁵ و اَنّا رَنو اُنْد آ روبروش زانوش رَت و اُشگت سَروِر مَه آ مَه یاری بکن آتِه²⁶ در جواب اُشگت " نو فرزندیا گِرَته و پِش بَگیا پَسه روا نی²⁷ ولی رَنو اُشگت اِ سَروِرُم ، اما سَگیا نیز از خوردِیای که از سَفَری صاحباشو اَکِت اَخِرِن .²⁸ آمی مَوَقِع عیسی اُشگت ، اِیمان تو عظیم اِسی خواهش تو براورده آبو آمی مَوَقِع دُت آتِه شفا پیداش که²⁹ عیسی از اَمکِه چو و کِناره دریاچه جلیل رَد بَیس آ کوهسار رَسی و اَمکِه سَه .³⁰ جماعتی گپ سَه پَلو اُنْدِن و با خوشو لَنگیا و کوریا و قَلجیا و گَنگیا و بیمارِیای دِگه شو اَرَدِشِن ، آ پِش پای عیسی شونا و اَتیا شفا اُشدا،³¹ مَرْدُم چون شو بینا که گَنگیا حرف اَرَتاین و قَلجیا تَنذَرِست بَئِن لَنگیا آ راه اَچداین و کوریا بینا اَبوداین تَعجَبِشو که خدای اسراییل را تَمجیدشو که.³² عیسی سَه شاگردای خوش گُت بَئِن ، و اُشگت ، دَلَم بَری مَرْدُم اُشَتای چون اَکِنون سَه روز اِسی که با مَه اِئین و چیزی بَری خَرَدِشو نی اُمثوی اِدا گُشَتَه اِچن یکنه آتِه راه از پا یَکُون³³ شاگردیا شوگت در اِ بیابو از کجا ماشا نو کافی بَری سیر کِرَدی اِ جَمعیتی فراهم بکنم ؟³⁴ اُشگت چَنتا نوتوا؟ اُشگت هَفتا نو و چَنتا مَی کیدو .³⁵ عیسی آ مَرْدُم اُشگت تا اَرَمی اَئین³⁶ آمی مَوَقِع هَفتا نو و چَند مَی اُشگِرَت شُکرگزارِش که اَتیا پَرش که آ شاگردای خوشش دا و اَتیا شا مَرْدُم دا³⁷ هَمَه شَخَه و سیر بَئِن و شاگردیا هَفت زنبیل پُر از خوردِیای باقی مَونَدَه شو واسِه .³⁸ تَعْداد کَسپای که خوراک شو خَرَدِشِن عَبر از زَینا و یَچیا چَهار هزار مَرَد اُنْد .³⁹ پس از اِدِه که عیسی مَرْدُم مَرَحَص اُشکِه سوارِ قایق بَئِن اَنّا حَیَه ی مَجدان چو

¹آمی مَوْقِعَ قَرِيسِيا و صدوقيا آ پَلوعِيسی اُنْدِن تا آزمایشش بُکُنن اِمَنْطوراز آتِه شو خواست تا آیی آسمونی آ آتیا نِشو آدِه. ²در جَوائِش گُت و قِی غروب آگو هوا خَش بو چون آسمو سرخ اِسی آتِه صُبح آگو اِرور هوا بد آبو چون آسمو سُرخ و گرفته اِسی شما خوب آقمی چگوته صورتِ آسمو تَعبیر اَکُنی اما از تَعبیر نِشائِیای رَمانیا ناتوانی. ⁴تَسَلِ شِرازت پِیْشِه و زناکار آیی شا وی اما آیی آ شما دَاَدِه نابو جز آیی یوئِس نِبی پَس آتیا تَرکُش کِه و آ راه خوش چو ⁵چون آ آندِی دریا چِدِن شاگردیا فراموش شو کِه با خوشو نو واستین. ⁶عِیسی شَه آتیا گُت آگاه بی ذو از خمیر مایه ی فریسیا و صدوقیا دوری بُکُنی ⁷پَس اِدی در میون خوشو بحث شاگت با خومو نومو نیارده ⁸. عِیسی اُش قَمی و شَه اِدی گُت آ سِست ایمانیا چو درباری اِده کِه نوتو نی با هم تَحْث اَکِرْدوی؟ آتیا آباد یداری آتِه پَنج نو و پَنج هزار تن و چند سید کِه تو واسیه؟ ¹⁰یا آتِه هفت نو و چهار هزار تن و چند رَنبیل کِه تو واسیه؟ ¹¹پَس چرا درک ناکُنی کِه با شما در باری نو حَرْم نَزت بلکه اُمگت کِه از خمیرمایه ی فریسیا و صدوقیا دوری بُکُنی ¹²آمی موقع درک شو کِه اِدی درباری تعلیم فریسیا و صدوقیا هِشدار اُشْدِ نه درباری خمیرمایه ی نو ¹³چون عِیسی آ نواحِی قِیصریه فِلیپی رَسی از شاگردای خوش اُش پُرسی، اَگُفَتی مَرْدُم پَس انسان کِه اِسی؟ ¹⁴آتیا جواب شُودا بَرخی اَکُون یحیی تَعمیدَدَهَنْدِه اِسی بعضی دِگِه اَکُون ایلِیا و عده ای نِیز اَکُون ارمیا یا یکی آ اِ پیامبریا اِسی. ¹⁵عِیسی اُش پُرسی شما چه آگوی؟ بِنظَرِ شما مَه کِه اِسیم؟ ¹⁶شَمعونِ پطرس جواب اُشْدا، تو مسیح اِش پَس خدای زنده ¹⁷عِیسی اُش گُت خوشحال تو ای شَمعونِ پَس یونا چون اِ حقیقت را جِسمِ خون بَر تو اَشکار اُشَنیکِه بلکه بوای مَه کِه در آسمو اِسی. ¹⁸مَه نِیز اَکوم کِه تو ای پَطْرُس، وِبر اِ صخَرِی کِلِیسای خوت رابنا اَکُنم و در دروازیای هاوِیه بَر آتِه استیلا نابو ¹⁹کلیدای پادشاهی آسمو آ تو اَدِیم، هر چه بَر زَمی آتیش در آسمو بَسْتِه آبو و هر چی بَر زَمی باز بُکُنیش در آسمو گُشودِه آبو. ²⁰آمی موقع شاگردای خوش را مَنع اُشَنیکِه آ هِیچکس مَگُوی آتِه مَسیح اِسی ²¹از آمی مَوْقِعَ عِیسی آ آگاه ساختن شاگردای خوش اِ حقیقت اَغازش کِه لازم اِسی آ اَرشَلِیم اُچو و آنکِه از مِشاخ و سران کاهنیا و علمای دین آزار بسیار آیینِه و کُشْتِه آبو و در روز سوم بلند آوابو ²²اما پطرس آتِه آ کناری بو و سرزنش کُنائش گُت دور از تو سروژم مبادا کِه چِنین چیزی هرگز بَر تو وَاَقِع ببو ²³عِیسی روش واگَرْدنا و شَه آتِه گُت دور یوش از مَه آی شیطان تو مانع راه مَه اِییش چون افکار تو انسانی اِسی نه الهی ²⁴سپَس رو شَه شاگردیا کِه و اُش گُت آگِه کِسی شَوی از مَه پیروی بُکُن باید خوش انکار بُکُن صلیب خوش واسی و از پی مَه بیا. ²⁵چون هر کِه شَوی جان خوش را نجات آدِه از دَسْت آدِه اما هر کِه بخاطر مَه جون خوش از دَسْت آدِه آتِه باز پیدا اَکُن. ²⁶انسان را چه سودکِه تمام دنیا را پئی اما جون خوش را یبازِه؟ انسان بَری باز یافتن جون خوش چه شَه شا آدِه؟ ²⁷چون پَس انسان در جلالِ بوای خوش همراه فِرشتای خوش دا و هر کسی بَری اعمالش پاداش آدِه. ²⁸آمین آ شما اَکوم بَرخی اِنکِه وِسیسین کِه تا پَس انسان یَبینن کِه در پادشاهی خوش دا طعم مرگ را شناسا یَچِشِن

¹ بعد از شیش ژر عیسی پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا اُش واسیه و آتیا با خوش آ بَری کوه بلندی آ خلوت اُشیو . ² آنکه در حضور اِدیما سیمای آته دگرگون ئیس چهرش مٹ خورشید اِدرخششی و جَمَش مٹ نور سفید بُشن ³ در آمی موقع موسی وایلیا در برابر چشمیای اِدیما ظاهر بوین و با عیسی حرفشو رت ⁴ پطرس آ عیسی اُشگت، ای سَرورُم بودن آما در اِنکه نیکو اِسی اگر توی سه سریناه آسازم یکی بَری تو یکی بَری موسی و یکی بَری ایلیا ⁵ هنوز اِ حرفی بر زبان پطرس آند که آمی موقع ابری درخشان اِدیما در بَرش گِرت و ندایی از ابر در رسی که اِده اِسی پُس محبوبم که از آته حُشودم آ آته گش فرا آدی ⁶ با شُفتن اِ ندا شاگردیا سخت ترسیدن و آ روی خاک کین ⁷ آما عیسی نزدیک ئیس دس بر آتیاش نا و اُشگت بُلند وابی تترسی ⁸ چون چشمیای خوشو باز شو که ، هیچکس اِگشو ببینا جز عیسی و پَس ⁹ هنگامی که آ کوه ازیر داندین عیسی شَه آتیا گت هر چه تودد بَری کیسی بازگو مکنی تا زمانی که پُس انسان از مرگ بلند وایو . ¹⁰ شاگردیا از آتشو پرسى چرا علمای دین آگون باید ایلیا بیا ؟ ¹¹ پاسخش دا البته که ایلیا دا و همه چی را اصلاح آکن ¹² آما آ شما آگوم ایلیا اُنده ولی آته ئتشناخت و هر چه تا وس با وی تو که بَری آمی پُس انسان نیز اش دس آتیا آزار آیین ¹³ آمی موقع شاگردیا شو قَمی که درباری یحیی تعمید دهنده با آتیا حرف اِرتای ¹⁴ وقتی آ پلو جماعت اُندین ، مردی آ عیسی نزدیک بوپس و در برابر آته زانوش رت و اُشگت : ¹⁵ سَرورُم آ پُس مه رحم بُکن آته صرعش و خیلی سخت رنج آکشدوی . گاهی در تش ودر آو اَکت . ¹⁶ آته آ پلو شاگردیات مو ولی شو نیشیس شفا شا دین ¹⁷ عیسی در پاسخش گت ای نسل بی ایمان و منحرف تا به کی با شما یم و تحملتو بُکنم آنا آ پلو مه بیاری . ¹⁸ پس عیسی آ دیو تهپیش زت و دیو از پُس آ در چو و آته در آمی موقع شفا پیداش که . ¹⁹ آما شاگردیا آ پلو عیسی اُندین و در خلوت از آته شو پرسى چو آما مَینشیس آته دیو آ در بُکنم ؟ ²⁰ پاسخش دا از آمی رو که ایمانتو کم اِسی آمین آ شما آگوام اگر ایمانی آ کیدونیه داتی خردل تو بو تا شا آ کوه بُگی از اِنکه به اِنکه اُچوو هیچ امری بَری شما نا ممکن نابو ²¹ آما اِ چنسی جز با روزَه ودعا آ در ناچو ²² هنگامی که آ جلیل گرد هم اُندین عیسی آ اِدیما اُشگت : پُس انسان آ دس مَرَدُم تسلیم آبو ²³ آتیا آتش شُکشین آته در رُز سوم بُلند آوابو شاگردیا خیلی آندوهگین بُدن ²⁴ چون عیسی و شاگردباش آ کفرناحوم رسیدن مامورای آخذ مالیات دو دِرهم پلو پطرس اُندین و شُگت آبا استاد شما مالیات معبد پرداخت ناکن ؟ ²⁵ آنا جواش دا البته که پرداخت آکن چون پطرس آ خوته آند ، پیش از اِنکه چیزی یگو عیسی شَه آته گت ای شمعون پادشاهی یای دنیا آ چه کسای باج و خراج آگیرن ؟ از بیچای خوش یا بیگاتیا ؟ ²⁶ چه آگواش پطرس جواش دا از بیگاتیا . عیسی شَه آته گت پَس بیچیا معافن ²⁷ آما بَری اِنکه اِدیما شُو ترنَجتم ، آ کنار دریا برو و قلابی اُبی اولین ماهی که اُنگِرت دهنش باز بُکن سِکی چهار دِرهمی پیدا آکیش با آته سَهم مه وخت آ اِدیما اِده

¹در آمی موقع شاگردیا آ پلو عیسی اُنډن و شو پُرسی ، چه کسی در پادشاهی آسمو گپتر اِسی ؟ ²عیسی شه چچی گت یدا و آته در میونه اِدا قرازش دا ³و اُشگت ، آمین آ شما آگوام تا تغییر یکنونی و مِت پچ نیی هیچ وقت آ پادشاهی آسمو راه پیدا ناکنی ⁴پس هر که خوش مِت اِ پچ فروتن بکن در پادشاهی آسمو گپتر آبو . ⁵و هر که چنین چچی آ نام مه پذیره مَش پذیرفته . ⁶اما هر که سَتَب پیو یکی اِ اِ کیدونیا که آ مه ایمانشو اِ لغزش بخوی آته بهتر اِسی که سنگ آسیابی گپ آ گردنش بسته در اعماق دریا غرق پیو وای بر اِ دُنیا آ سَتَب لغزشیا ، چون که لغزشیا اجتناب ناپذیرن اما وای بشر آتیا که سَتَب بُسین . ⁸پس آگه دشت یا پات تو را اِ لغزیه آته قعط بکن و دور آبی چون تو را بهتر اِسی که لنگ یا شل آ حیات را پیدا بکیش تا اِنکه با دو دَس یا دو پا در تَش اَبَدی آفکنده پیش ⁹و آگه چشت اِ لغزیه آته آ در بیا و آ دور آبی چون تو را بهتر اِسی که با یک چشم آ حیات اُچش تا اِنکه با دو چشم آ تَش دورخ آفکنده پیش آگاه بی که هیچ یک از اِ کیدونیا را تحقیر مکنی چون آ شما آگوام که فرشتای اِدا در آسمو همیشه روی بوای مه که در آسمو اِسی چون آیین ¹¹چون پَس انسان اُنډه تا گمشدیا نجات پیخشیه ¹²چه گمان اکنی؟ آگه مَرَدی صد گوسفند اُشبو و یکی از آتیا گم بُو آیا آنه نود و نه گوسفند در کوهسار نایسه و آ جُستجوی آته گم بده ناچو ؟ ¹³آمین آ شما آگوام که آگه آته پیدا بکنی بَری آته یک گوسفند بیشتر شاد آبی تا بَری نودونه گوسفندی که گم نیسین . ¹⁴همچنین اراده بوای شما که در آسمو اِسی اِدا نی که حتی یکی از اِ کیدونیا از دست اُچو ¹⁵آگه برادرت آ تو گناه ورزیده شه پلو بُرو و میون خوت و آته خطاش را اُشگو آگه سُخت اُش پذیرفت برادرت را باز پیدات کیده ¹⁶اما آگه قبولش نیکه یک یا دو نفر دِگه با خوت بُوتا هر سُختی یا گواهی دو یا سه شاهد ثابت پیو ¹⁷آگه اُشئوس آ آتیا گش اِده آ کلیسا یگو و آگه کلیسا را قبولش نیکه آمی موقع آته اجنبی یا خراجگیر تلقی بکن ¹⁸آمین آ شما آگوام هر چه بر رَمی آبنی در آسمو بسته آبو و هر چه بر رَمی بگشایی در آسمو گشوده آبو . ¹⁹باز آ شما آگوام که هر موقع دُو نفر از شما بر روی رَمی در بازی هر مسئلی که در خصوص آته سوال اکین با هم موافق ین آمده که از جانب بوای مه که در آسمو اِسی بَری اِدا آ انجام آریسه ²⁰چون جایی که دو یا سه نفر در نام مه جمع بُسین مه آمیکه در میون اِدا اِسیم ²¹سپس پطرس آ پلو عیسی اُنډن و اُشگت ، سَرور مه تا چند بار آگه برادرُم آمه گناه بکن باید آته پیخشم آیا تا هفت بار؟ ²²عیسی اُشگت ، آ تو آگوام نه هفت بار بلکه هفتاد هفت بار ²³از این رو ماشا پادشاهی آسمو را آ شاهی تَشبی بکنم که تصمیم اگیره با خادمیای خوش تصفیه حساب بکن . ²⁴پس چون شروع آ حساب رسیش که شخصی شا پلو آوکه ده هزار فنطارا آته پدهکارن . ²⁵چون اُشناسیس قرضش اِده اربایش دستور اُشدا آته با زن و بچایش و تمام دارایش پفرشین و طلب را وصول بکن ²⁶خادم آپش پای ارباب آزانو گت و التماس کنان اُشگت ، آمه مهلت اِده تا هَمی قرض خوت اِدهم ²⁷پس اِل ارباب آ حال آته بُت و قرض آتش بخشی و آزاؤش که ²⁸آمی موقع که خادم آ در اُچو یکی از همکاریای خوش اُشبینا که صد دینار آ آته بدهکار اُنډن پس آته اُشگرت و گلویش فشائش دا و اُشگت قرضت مِده ²⁹همکارش پیش پای آته زانوش رت و التماس کنان اُشگت آمه مهلت اِده تا هَمی قرضیای خوم پرداخت بکنم ³⁰اما آته قبول اُشیکه بلکه چو آته شه زندان پس تا قرض خوش اِده . ³¹آمی موقع که سایر خادمیا اِ واقعه شو بینا ناراحت بُدن آپش ارباب خوشو چدن و تمام ماجرا را بازگو شو که ³²پس ارباب آته خادم آ پلو خوش قراش خواند و اُشگت ، ای خادم شریر مگه مه محض خواهش تو تمام قرصیت اُم پیخشی؟ ³³آیا اُئوس تو نیز آ همکاری خوت رحم بکیش آمده که مه بر تو رَحْم که؟ ³⁴پس ارباب خشمگین بُس آته شه زندان پس تا شکنجه پیو و هَمی قرض خوت اِده . ³⁵آمده پدر آسمونی مه نیز با هر یک از شما اِ رفتاری اکن آگه شما نیز برادر خوت از دل پیخشی

¹آمی موقع که عیسیٰ خرفی تمومش که ، از جلیل چو آ طرف رود اُردُن آ نواحی یهودیه اُند ²جمعیت زیادی در پی آته روانه بُدن و آته اِدیا در آمکه شفافش دا³ فریسیا شه پلو اُنِدن تا دامتخاش بُکُنن آتیا شُپُرسی آیا جایز اِسی که مرد زن خوش به هر دلیلی طلاق آده ⁴عیسی در پاسخش گُت ، مگه تُیخنده که اُفریتندی در آغاز اِدیا را مرد و زن شه اُفرید⁵ و اُشگت از همین رو مرد بوا و تتی خوش ترک بُکُنن آ زن خویش پیونده و آته دو تا یکی بین؟ ⁶بنا بر اِده از اِ پس دِگه دو تا ناین بلکه بک تن این پس آنچه را خدا اُشپوست انسان اُشناشا جدا بُکُنن آ وی شوگت ، پس چرا موسی آمر اُشکه که مرد آ زن خوش طلاقنامه آده و آته رهاس بُکُنن ؟ ⁸شه اِدیا گُت ، موسی آ سبب سنگدلی شما اِندیش که که زن خوت طلاق آدی ، اما در آغاز اِنده پیوده ⁹اُشما اِگوام هر که زن خوت را به علتی غیر از خیانت در زنا شویی طلاق آده و زن دِگه یگیره زناش کیده ¹⁰شاگردباش شه آته گُت ، اِگه وضع مرد در قبال زن خوش اِنده اِسی پس ازدواج نیکرده بهتر اِسی . ¹¹عیسی اُشگت هَمه اُشناشا اِ کلامی قبول بُکُنن مگه کسبای که آ اِدیا عطا بُده . ¹²چون بعضی خواجه اِیین از اِ رو که اش شیکمه مادر اِنده متولد بُسین بعضی دِگه آ دس مردم مقطوع النسل بُسین و برخی نیز بخاطر پادشاهی آسمو از ازدواج چشم آپوشن هر که ششنا پَندیره اُنِس چنین بُکُنن ¹³آمی موقع یچیا شا پلو عیسی او تا بر آتیا دس اُنِسیه ودعا بُکُنن اما شاگردیا مردم را سترزنی شیکه . ¹⁴عیسی اُشگت ، اُنِسی یچیا آ پلو مه تین و اِدیا را منع مکنی چون پادشاهی آسمو از اِن چنین کسبای اِسی ¹⁵پس بر آتیا دس اُشنا و از آمکه چو ¹⁶یک رزی مردی آ پیش عیسی اُند و اُشپُرسی اِی اُستاد چه کار نیکویی انجام آدیم تا حیات جاودان اُمبو؟ ¹⁷پاسخش دا چو درباری کار نیکو آ مه سوال اُکُنش ؟ تنها یکی اِسی که نیکو اِسی . اگر توی آ حیات وارد یوش احکام را آ جا بیا¹⁸ اُنش پُرسی کدوم احکام؟ عیسی اُشگت قتل مکن زنا مکن دزدی مکن شهادت دروغ مده ¹⁹بوا و تته ی خوت را گرامی یدر و همسایه ات را مثل خوت مُحَبَّتش بُکُنن ²⁰چوون اُشگت ، هَمی اِ احکام مه جا آرده دِگه چه کم اُمه ؟ ²¹عیسی پاسخش دا اِگه توی کامل یوش برو هر چی اُنه یفریش و آ فقیریا آده که در آسمو گنجی اُنه آمی موقع بدا و آز مه پیروی بُکُنن . ²²چوون چون اِدش شُفت ، ناراحت بُیس و آز آمکه چو چون ثروت زیاد اُشند ²³آمی موقع عیسی آ شاگردیای خُش اُشگت ، آمین آ شما اِگوام راه پیدا کردی ثروتمندیا آ پادشاهی آسمو بس دشوار اِسی . ²⁴باز تاکید اُکُنم رد بُدی شتر آ سوراخ سوزن آسوتنتر اِسی از رایابی شخص ثروتمند آ پادشاهی خدا²⁵ شاگردیا چون اِ مطلبی شُشُفت شُگفت رده بُدن و شو پُرسی پس چه کسی ششنا نجات پیدا بُکُنن ؟ ²⁶عیسی آ اِدیا نگاش که و اُشگت ، اِده بتری انسان نا ممکن اِسی اما بتری خدا هَمه چی ممکن اِسی . ²⁷پطرس اُشگت ، اما آمی چی ترک مُکیده و آز تو پیروی اُکُنم پس چه تصیب آما آبو؟ ²⁸عیسی آ اِدیا اُشگت آمین آ شما اِگوام در جهان نوین هنگامی که پُس انسان بر تَخِت شُکوهمند خوت اُنی شماپا که آز مه پیروی مُکیده بر دوازده تخت اُتی و بر دوازده قبیلی اسراپیل داوری اُکُنید²⁹ و هر که بخاطر نام مه خوته یا برادر یا خواهر یا بوا یا تته یا قرزند یا املاک خوش ترکش کِردِسیو صد برابر آواجی و حیات جاودان را آ دس داره ³⁰اما بسیاری که اول اِیین آخرین اِیین و آخرینیا اولین

¹ پادشاهی آسمو مټ صاحب باغی اسی که صبح زود آ در آچو تا بټری تاکستان خوش کارگریابی با مزد اگیره . ² آته با آتیا توافق اکن که رزی یک دینار بابت کار در تاکستان آ هر یک آدهیس آتیا شه تاکستان خوش فرسا نزدیک ساعت سوم دوباره آ در چو و عدی که در میدون شهر بیکار ویتیشین اش بینا . ⁴ شه آتیا گت ، شما هم آ تاکستان مه اچی و هر چه حق شما اسی آ شما آدیمپس آتیا چدن باز نزدیک ساعت ششم و نهم آ در چو و اندیش که . ⁶ در حدود ساعت یازدهم نیز آ در چو و باز چند تاي دگه بیکار ویتیشین اش بینا از آتیا اشرسی چو تمام رز اینه بیکار ویتیشی ؟ ⁷ پاشخشو دا چون هیچ کی اما به مزد اش یگرت . شه آتیا گت ، شما نیز آ تاکستان مه اچی و کار بکنی ⁸ موقع غروب صاحب تاکستان آ مباحث خوش اشگت ، کارگرا را فرا اوخن و از آخری شروع اشکه تا اولی مزدشو آده . ⁹ کارگریابی که در حدود ساعت یازده آ سر کار اندیشین هر کدوم یک دینار شگرت ¹⁰ چون نوبت آ کسپایی رسی که پیش از هقه اندیشین گمان شکه بیشتر از آتیا اگیرن اما هر یک از آتیا نیز یک دینار شو گرت ¹¹ چون مزد خیشو گرت لب آ شکایت باز شکه ¹² صاحب باغ شگت ایدا که آخر اندیشین فقط یک ساعت کارشو کرده و تو آتیا را با آما که تمام رز زره افتو سوزان رحمت مکشیده برابر ت که ؟ ¹³ آته رو آ یکی آ آتیا اشکه و اشگت ای دوست مه آ تو ظلمی امیکرده مگه قرار آما یک دینار یئده ؟ ¹⁴ پس حق خوت یگی و برو . مه قوی آ آ آخری مانند تو مزد آدیم . ¹⁵ آتیا خقم نی با پول خم هر چی قوی بکنیم ؟ آتیا چشم ددی سخاوت مه تونی ؟ ¹⁶ پس آخریا اول این و اولیا آخر ¹⁷ موقعی که عیسی آ طرف ارشلیم آچو در راه دوازده شاگرد خوش را آ کناریش بو و شه آتیا گت ، ¹⁸ حالا آ ارشلیم آچم در آمکه پس انسان را آ سران کاهنیا و علمای دین تسلیم اکین آتیا آته به مرگ محکوم اکین ¹⁹ و آ اقوام بیگانه اسپرن تا استهزا ببو و تازیانه بخوی و بر صلیب آچو اما در روز سوم بلند آوابو . ²⁰ آمی موقع تنی پسپای زیدی با دو پشش آ پلو عیسی اندین و در برابر آته زانوش رت و از آته درخواست اشکه که آرزوش براورده بکن ²¹ عیسی اشرسی ، آرزو تو چه اسی ؟ اشگت عطا بکن که آ دو پس مه در پادشاهی تو یکی بر جانب راست و دیگری بر جانب چپ تو آتین ²² عیسی در جوابش گت ، شما ناقمی چه تا وی . آتیا تا شا آ جامی که مه به زودی آنویشم بنوشی پاشخشو دا آ ما شا ²³ عیسی اشگت شکی نی که از جام مه تا شا بنوشی اما یقمی که نیسته بر جانب راست و چپ مه در اختیار مه نی تا آته آ کسی پختیم آ جایگاه آدان کسپای اسی که بوام تراشو فراهم اشکرده ²⁴ چون ده شاگرد دگه از آ امر آگاه بون بر دو برادر خشم شو گرت ²⁵ عیسی ایدا صداش رت و اشگت شما اقمی که حاکمای دیگر قوما بر ایدا سروری اکین و بزرگباشو بر ایدا فرمو آدین ²⁶ اما در میون شما اینده نیو هر که شوی در میون شما بزرگ بو باید خادم شما ببو ²⁷ و هر که شوی در میون شما اول بو باید غلام شما ببو ²⁸ چون که پس انسان نیوند که خدمتش بکنن بلکه آند تا خدمت بکنن و جوئش در راه بسیاری فدا اکن ²⁹ موقعی که عیسی و شاگردباش اریحا را ترک شکه عدی زیادی از پی آته رواه بون . ³⁰ در کنار راه دو مرد کور آداسین چون که شنفیشن عیسی از آمکه رد آبو فریاد شو رت سرور اما ای پس داوود بر آما رحم یکن ³¹ جمعیت از آتیا اشخواست که چی یگوین اما ایدا بیشتر فریادشو رت که سرور اما ای پس داوود بر آما رحم بکن ³² عیسی وایسا و آته دوتا فراش خواند و اشرسی چه تا وی بټری شما بکنیم ؟ ³³ پاشخ شدا سروره آما ما وی چشمیامو باز ببو ³⁴ عیسی دلسوزانه چشمیای آتیا لمسوش که و آمی موقع بینا بون و از پی آته چدن

¹ چون آورشليم تزيك بُن و آبيت فاجی در دامتى كوه زيتون رسيدن ، عيسى دو تن از شاگرداي خوش اُش فرسا ² شه آتيا گُت : " آ دهكده اى كه پش روي شما اِسى اُچى . آ محض ورود الاغى را با كُره آش بسته آيينى آتيا باز بُكنى و آ پلو مه بيارى . ³ آكه كسى سخنى شه شما اُشگت بُگوى خداوند آتيا نيارش و آته بيدرنك آتيا اُفرسه ⁴ امر واقع بيس تا اُمى كه نبى اُشگستن تحقّق پيدا بُكن آ دُت صهيون بُگوى حالا پادشات آ پلو تو دا فروتن و سوار بر كُره الاغ آته دو شاگرد چدين و طبق فرمون عيسى عمل شوكه ⁶ آتيا الاغ و كُره اش شو آو و ردايى خُشو بر آتيا شو نا و آته بر ردابا بيه ⁸ جمعيت زبادهى نيز ردايى خوشو بر سر راه پهن شو كه و عِدَى نيز شاخى ياي درختيا شو بُرى و در راه شا نا جمعيتى كه پيشاپيش آته اُچدين و گروهى كه پس از آته داندين فرياد كنان شا گُت ، هو شيعانا بر پس داوود مبارك اِسى آته كه آ نام خداوند دا هوشيعنا در عرش برين ¹⁰ چون آته وارد اورشليم بيس شورو شوق هَمى شهر فراش گُرت مردم شا پرسى اِده كى ؟ ¹¹ و آته جماعت پاشخ شا دا اِده اِسى عيسى پيامبر از ناصرى جليل ¹² اُمى موقع عيسى آ معبد خدا چو و كسيابى كه در اَمكه دادو سيدت شا كه شه در كه و تختياى صرافيا و بساط كيوتر فروشيا واژگون اُشكه ¹³ و شه آتيا گُت ، نوشته بده خونه ي مه خونه ي دعا خوانده آبو . اما شما آته لاته ي راهزنىا بُكرده . ¹⁴ در معبد نابينايا و لنگيا شه پلو اُدين و آته اِديا را شفافش دا ¹⁵ اما چون سران كاهنيا و علماي دين اعمال خالق العاده ي آته شينا و نيز شينا كه كودكيا در معبد فرياد اُرتاين هو شيعانا بر پس داوود خشمناك بُن ¹⁶ شه آته گُت آيا اُشودايش اِديا چه اُكناين ؟ پاشخش دا مگه بُنخنده از زبون شيرخوارگيا ستايش رامها اُنكه ¹⁷ پس عيسى اِديا را تركش كه و از شهر خارج بيس آبيت عنيا چو و شو در اَمكه شسر بو ¹⁸ بامدادان عيسى در راه واگشته ا شهر گُشنه بيس ¹⁹ در كنار راه درخت انجبرى اُشينا و آ طرف آته چو اما جُز برگ چيزى بر آته اُشينا . پس خطاب آ درخت اُشگت ، از اين به بعد دِگه هرگز ميوه اى از تو آ بار يدارد هَمى موقع درخت خُشك بيس ²⁰ شاگرديا كه از ددى ا واقعه ي حيرت شُكر دسون از آته شُبرى چگوته درخت انجير اِنده زود خُشك بيس ²¹ عيسى در پاشخ آتيا اُشگت ، آمين آ شما اُگوام آكه ايمان تو اُشك مكنى نه تنها تاشا اُمى كه بر درخت انجير بيس انجام ادى بلكه هر گاه آ كوى بُكى از جا كنده پيش اُديا افكنده پيش اِنده آبو ²² آكه ايمان تو بو هر چه در دعا درخواست بُكنى پيدا اُكنى ²³ اُمى موقع عيسى وارد معبد بيس و تعليم مَرُمُش دا در اُمى موقع سران كاهنيا و مشايخ قوم آ پلوى آته اُدين ، و شُگت ، به چه اجازه ي ا كاريا اُكنش چه كسى ا اقتدار شه تو دده ²⁴ عيسى در پاشخش گُت ، مه نيز آ شما پُرسشى اِمه آكه پاشخ تو گُت مه نيز آ شما اُگوام با چه اقتدارى ا كاريا اُكنم ²⁵ عميد يحى از كجا آند ؟ از آسمو يا از انسان ؟ آتيا بين خوشو بحث شُكه و شُگت ، آكه بُگوام از آسمو آند آ ما اُگوان پس چو آته ايمان تو نياو ؟ ²⁶ و آكه بُگوام از انسان آند از مردم بيم مو چون هَمه يحى را پيامبر اُدين . ²⁷ پس شا عيسى گُت ناذم عيسى اُشگت ، مه نيز آ شما ناگوام با چه اقتدارى ا كاريا اُكنم ²⁸ نظر شما چى ؟ مردى دو پُسن اُشند پلو پس نخست خوت چو و اُشگت پُشم اُرز ا تاكستان مه برو و آ كار مشغول پيش . ²⁹ پاشخش دا ناچم اما بعد تغير عقيدش دا و چو . ³⁰ بوا پلو پس دِگه چو و اُمى شه آته گُت پس پاشخش دا ، اچم آفا اما نچو ³¹ كدام پك از ا دو پس خواست بو اى خوش شه جا آو ؟ پاشخ شُدا اولى . عيسى شه آتيا گُت آمين آ شما اُگوام خراجگيريا و فاحشه يا ا پادشاهى خدا راه پيدا اُكن ³² چون يحى آ طريق پارسايى آ پلو شما آند اما آته ايمان تو نياوولى خراجگيريا و فاحشه يا ايمان شو آو اما شما با اِنكه تو بينا تغير عقيده تو يداو آته ايمان تو نياو ³³ آ مَل دِگه گُش فرا ادى صاحب ملكى تاكستانى غرس اُشكه ودور آته ديوار اُشكشى چرخشتى در آتش كند وُرجى بنا اُشكه پس تاكستان آ چند باغبو اِجازش دا و خوش آ سفرچو ³⁴ چون موبس برداشت محصول بيس غلاماي خوش اُپلو باغبونباش اُشفرسا تا ميوه ي آته آ تحويل بگرن ³⁵ اما باغبونيا غلاماي آته شُگرت يكى شُرت و ديگرى شُگشت و سومى را سنگسار شُكه . ³⁶ بار دِگه غلاماي بيشترى آ پلو آتيا اُشفرسا اما باغبونيا با آتيا همانگونه رفتار اُشكه . ³⁷ بالاخره پس خوش اُپلو باغبونيا اُشفرسا و با خوش اُشگت پُشم را خُرمَت اُكن ³⁸ اما هنگامى كه باغبونيا پس آته شينا آ پك دِگه شُگت ا وارث اِسى بى اِش اُشُكُشم و ميراثش تصاحب بُكُتم ³⁹ پس آته شُگرت و از تاكستان شُدر بوو شُكُشت ⁴⁰ وقتى صاحب تاكستان بيا با ا باغبونيا چه اُكن ؟ ⁴¹ پاشخ شُدا آته افراداي بى رحم را با بيرحمى تمام نابود اُكن و تاكستان را ا باغبونياى دِگه اجاره اِده تا ميوه ي آته در فصلش آته اُدين ⁴² عيسى شه آتيا گُت ، آيا تا به حال دركُت مقدس تو بخنده كه سنگى كه معماریا رد بُكن مهمترين سنگ بنا آبو خداوند اِندش كرده و در نظر آما شُگفت اُكن ⁴³ پس آ شما اُگوام كه پادشاهى خدا از شما گُرت آبو و آ قومى داذه آبو كه ميوه ي آته اُدين هر كه بر سنگ پكت خُرد آبو ⁴⁴ و هر موقع آته سنگى بر كسى پكت آته در هم اُشكه ⁴⁵ و چون سران كاهنيا و فريسيا مثلياي عيسى را شُشُفت شُفشمى كه دربارِ ي آتيا خرف اُزى . ⁴⁶ پس بر اِده بُن كه آته گرفتارش بُكن اما از مردُم اُترسيدن چون آتيا عيسى را پيامبر شا دَيس

¹ عیسی باز اِ مَتلیا با اِ دیا خرفش رت و اُشگت² پادشاهی آسمو را ماشا آ شاهی تَشویه بُکُتم که بَری پُس خوت جَشین عروسی برپاش که ³ و خادمیای خوش را اُشفرسا تا دعوت شُدیا آ جَشین دعوت بُکُن اما آتیا شُناوس تین پُس خادمیای دِگش فرسا و اُشگت آ دعوت شُدیا بُگی حالا سَفَری جَشین آماده اُمکِرده . گاویا و گوسالیا پرواری سَر اُم یلده و هَمه چی آماده اِسی پَس آ جَشین عروسی بی⁵ اما آتیا اعتنا شُیکه و هر که به راه خوش چو یکی آ مزرعه و دِگری آ تجارت خوش⁶ و بعضیا شو خادمیا ی آته شُگرت و آزارشدا و شُکشت .
⁷ شاه چون اِ دیش شُفت خشمگین بُس سپایای خوش اُشفرسا و قاتلیا اُشکشت و شهر آتیا شَه تَش کُشی⁸ پَس شَه خادمیای خوش گُت جَشین عروسی آماده اِسی اما دعوت بُدیا شایستگی حضور در اِده شُتیند⁹ پَس آ میدون شهر اُچی و هر که تو بینا آ جَشین عروسی دعوت بُکُنی .¹⁰ غلامیا آ کوچیا چِدن و هر که را شُپنا چه خَش و چه بَد با خوشو شو آو و تالار عروسی از مهمونیا بر بُس¹¹ موقعی که شاه بَری دِدی مهمونیا وارد مجلس بُس ، مردی اُشپنا که جَمی عَشی شَه بر تین . از آتش پُرسی :¹² ای رفیق چو بدون جَمی عروسی آ اِنکه اُنَدیش آته مَرِدو پاشخی اُشپن¹³ اُمی موقع پادشاه آ خادمیای خوش اُشگت ، دَس و پاش آتیا و آته در تاریکی آ دَر اُبی، آجایی که گریخ و دَندو آ دَندو ساییده ببو .¹⁴ چون دعوت شُدیا بسیار اِسن اما برگزیدیا کم¹⁵ پَس فریسیا آ در چِدن و شور شُیکه تا بَین چطور شاشا آته با حرفیای خوش آ دام اُتین .¹⁶ آتیا شاگردیای خُشوهمتری هیرودیایان آ پَلو آته شُفرسا ، و شُگت ، اُستاد اَقَم مَرِدی صادق اِیش و راه خدا را آ درستی تعلیم اَدیش و از کسی باک اُتی چون آ صورت ظاهر خلق نظر ناکنش¹⁷ پَس رای اُت اما یگو آیا پرداخت خراج اَقیصر روا اِسی یا نه ؟¹⁸ عیسی آ بد اُنَدیشی آتیا پی اُشبو و اُشگت ، ای ربا کاربا چو مه آزمایش اُکُنی ؟¹⁹ سکه ای که با آته خراج اَدی آ مه نشو اَدی آتیا سکه یک دیناری آ آته شُدا²⁰ از اِذا اُشپرسی نقش و نام روی اِ سیکه ازان که اِسی²¹ پاشخ شُدا از آن قیصر . آ آتیا اُشگت ، پَس مال قیصر رو آ قیصر اَدی و مال خدا را آ خدا²² چون اِده شُشُفت ، تَعجب شو که و چِدن²³ در اُمی رُزی صدوقیا ن که منکر قیامت اِسی شَه پلو اُنَدن و سوالی از آته شُکه²⁴ و شُگت استاد موسی شَه اما گُنه ، که آگه مَرِدی بی اولاد پیمبری برادَرش باید آته بیوه آ زنی یگیره تا از آته بَری برادر خوت نسلی آ جا اُنیسه²⁵ اُ در میون اما هفت برادر اُنَدن برادر اولی رَنی اُشگرت و مُرد و چون فرزندی اُشپن زین بیوش بَری برادر خوش باقی اُشنا .²⁶ هَمچنین دومی و سومی تا هفتمی²⁷ بالاخره رَنو آم مُرد²⁸ حالا در قیامت ، آته رَنو هَمسر کدام یک هفت برادر اُبو چون هَمی آتیا آ رَنیشو گِرتِش²⁹ عیسی در جواب اُشگت ، گمراه اِسی چون نه از کُتِب مقدس آگاه اِسی نه از قدرت خدا³⁰ در قیامت نه کسی زن اگیره و نه شو اُکُن بلکه هَمه مِته فرشتیای آسمو اِین³¹ اما درباری قیامت مَرَدیا اُیخنده که خدا آ شما چش گُته آتش گُت که³² مه اِسم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب آته خدای مَرَدیا نی بلکه خدای زَندیا اِسی .³³ مَرِدم آ شُفتی اِ حرفیا آ تعلیم آته در شُگفت اُنَدن³⁴ اما چون فریسیا شُشُفت که عیسی چگوته با جواب خوشو دَهن صدوقیا اُشپسه دور هَم جَمع بُدن³⁵ یکی از آتیا که فقیه اُنَدیا اِ قصدی که عیسی را آ دام اُتین از آتَشو پرسی³⁶ آ استاد گَترین حکم در شَریعت چه اِسی ؟³⁷ عیسی اُشگت خداوند خدای خوت را باتمامی دل و تمامی جو و با تمامی فکر خوت محبت بُکُنی .
³⁸ اِده اولی و گَترین حکم اِسی³⁹ دومین حکم هَم میث حکم اولی اِسی هَمسایه ات میث خوت محبت بُکُن⁴⁰ تمام شَریعت موسی و نوشتیای پیامبریا بر اِ دو حکم استوار اِسی⁴¹ موقعی که فریسیا دور هَم جَمع بُدن عیسی از آتیا اُشپرسی⁴² نظر شما چه اِسی ؟ آته پُس کی ؟ شُگت پُس داوود⁴³ عیسی اُشگت ، پَس چطور داوود در روح آته خداوند اَخیه ؟ چون آگو⁴⁴ خداوند آ خدای مه اُشگت آ دَس راس مه اونی تا اُمی موقعی که دشمنیای آ کرسی زِر پات بُکُتم⁴⁵ آگه داوود آته خدا اَخیه چطور آته شُشا پُس داوود بو آمَد⁴⁶ که هیچکس یاری پاشخ گویی اِده تینو از اُمی موقع دِگه کسی جرات اُشیکه پُرسی از آته بُکُن

آمی موقع عیسی آ مردم و شاگردیای خوشِ اِدشگت² علمای دین و فریسیا بر مَسَدِ موسی اُداين .³ پس هر چی آ شما اِگوانِ نِگه پَدَرِی و آ جا بیاری اما مِثِ آتیا عمل مَکُنِی چون هر چه تعلیم آدین خوشو آ جا یَداری⁴ باریای توانفرسا آتین و بر دوشِ مردمِ اینین اما خوشو حاضر نیسین بَری حرکت دَدِی آته حتی انگشتی تَکون آدین⁵ هر چه اُکُنِی بَری آته اِسی که مردمِ آتیا را بِبینِ آیه دانیای خوشو گِپتر و دامنِ ردای خوشو را پَنترِ آسازن⁶ دوس آدین در ضیافتیا بَری مجلسِ آتین و در کنیستیا بهترین جا شو بو⁷ و مردم در کوچه و بازار آتیا سلام بُکِنِی و استاد بُگوان⁸ اما شما استاد خواندَه مَبِی چون تنها یک استاد تو! و هَمَی شما برادرِ اِسی .⁹ هیچ کِسی بَرِ رويِ رَمی پَدَرِ مَحَنی چون تنها یک پَدَرِ تو! که در آسمو اِسی .¹⁰ و نیز معلمِ خواندَه مَبِی چون فقط یک معلمِ تو! که مسیح اِسی¹¹ آمی که در میون شما از هَمَی گِپتر اِسی خدمتگذارِ شما ابو¹² چون هر که خوش گِپ بُکِنِی پَسِتِ ابو و هر که خوش را فروتن بُکِنِی سرافراز ابو¹³ وای بر شما ای علمای دین و فریسیا ریاکارِ شما دَرِ پادشاهی آسمو آ رويِ مردمِ آتین نه خوت داخل آبو نه اِنِسی کِسیای که در راه اِسن داخل یِنِی .¹⁴ وای بر شما ای علمای دین و فریسیای ریا کارِ شما از طرفی خوَتَه ی بیوَه زَنیا غارت اُکُنِی و از طرفِ دِگَه بَری تظاهُرِ دعای خوَتو طول آدی بخاطرِ آمی مکافاتیا سَخترِ ابو¹⁵ وای بر شما ای علمای دین و فریسیای ریاکارِ شما دریا و خشکی اِگَرْدِی تا یک نفر آ دینِ خوت بیاری وقتی اِنِدِه کُکِه آته چنان بدتر از خوَتو فرزندِ جهنم اُکُنِی¹⁶ وای آ شما ای راهنمایای کور که اِگوانِ اِگِه کِسی آ معبد سوگند بُخوی باکی نی اما اِگِه آ طلای معبد سوگند بُخوی باید آ سوگند خوت وفا بُکِنِی¹⁷ ای نادونیای کور کدام برتر اِسی ؟ طلا یا معبدی که طلا را تقدیس اُکُنِی¹⁸ و نیز اِگوانِ اِگِه کِسی آ مَذِیح سوگند بُخوی باکی نی اما اِگِه هدیه ای که اِنکِه اِنِسن سوگند بُخورن باید آ سوگند خوش وفا بُکِنِی¹⁹ ای کوربا کدام برتر اِسی هدیه یا مَذِیحی که هدیه تقدیس اُکُنِی²⁰ پس کِسی که آ مَذِیح سوگند آخوی به آته و هر چی که اِمکِه اِسی سوگند اُشخَرْدِه .²¹ و هر که آ معبد سوگند آخوی آ معبد و هر چی که در آته اِسی سوگند اُشخَرْدِه .²² و هر که آ آسمو سوگند بُخوی آ تختِ خدا و آمی که بر آته آدای سوگند اُشخَرْدِه²³ وای آ شما ای علمای دین و فریسیای ریا کارِ شما از نِعا و شِوَد و زیَرِه ده یک آدی اما احکامِ شریعت که آمی عدالت و رحمت و امانت اِسی نایدَه اِگری اِدْیا را باید آ جا بیاری و آتیا را فراموش تو ناکه .²⁴ ای راهنمایای کور شما پَنسَه آ صافی اُکُنِی ، اما شتر آ بلعید²⁵ وای آ شما ای علمای دین و فریسیای ریاکارِ شما آ در پِیالَه و بشقاب را پاک اُکُنِی اما داخلِ آته مملو از طمع و ناپرهیزی اِسی .²⁶ ای قَریسی کور اول داخلِ پِیالَه و بشقاب را پاک بُکِنِی که آ دَرُش پاک ابو²⁷ وای آ شما ای علمای دین و فریسیای ریا کارِ شما مِثِ گوریای اِسی که سفید کاری بُدِه آ دَرُش جو آ تظر دا اما داخلِ آتیا پر از استخوانیای مُردِبا و انوای نجاستیا .²⁸ آمِدِه اِسی که شما هَمِ خوَتو آ مُردُمِ پارسا یشو آدی اما در باطنِ پُر از ریاکاری و شرارت اِسی²⁹ وای آ شما ای علمای دین و فریسیای ریا کارِ شما بَری پیامبریا مَقْبَرَه آسازِی و اِرمگاهِ پارسایا زینتِ آدی³⁰ و اِگوی اِگِه در زمانِ پدربای خومو اَنَدَم هیچ وقت آ کُشتنِ پیامبریا با اِدِبا شریکِ نایدَم³¹ اِنِدِه اِسی بر ضدِ خوتِ شهادتِ آدی که بچایِ قاتلیای پیامبریا اِسی³² آلا که اِنِدِه اِسی پس هر چی پدربایو آغازشو کِرِدِه شما آ کمالِ تو رَسَندَه³³ ای ماربا ای افعی زادیا جطور از مجازاتِ جهنم فرار اُکُنِی ؟³⁴ چون که مَه انبیا و حکیمیا و علما آ پَلو شما اُفرسیم و شما بعضی از آتیا اُکُشی و آ صلیبِ اُکُشی و بعضی در کنیستیای خوت تازیانه اُزنی و شهر یه شهر تعقیبِ اُکُنِی³⁵ پس هَمَی خونِ پارسایا که آ رَمی لَته ابو از خونِ هابیلِ پارسا گِرِته تا خونِ زکریا ابنِ برخیا که آته بینِ محرابگاه و مَذِیحِ تو کُشتِ آ گردنِ شما اِسی³⁶ آمین آ شما اِگوانِ هَمَی اِدِبا دامنگیرِ اِ نسلی ابو³⁷ آ اورشلیمِ آی اورشلیمِ ای قاتلِ پیامبریا و سنگسارِ کُندِی رسولیای که آ پَلو تو فِرستاده اِین چند بار مَوَسِ مِثِ مرغی که جوجی یاشِ آ زِرِه بالیای خوش جَمَعِ کُنِ قَرزندای تو جمعِ بُکِمِ اما اُتناوس³⁸ آلا خوَتَه ی شما بَری خوَتو وبرانِ اِنِسم .³⁹ چون آ شما اِگوانِ که از این به بعد دِگَه مَه اُمِ نابینی تا ژری که بگویی مبارک اِسی آته که آ نامِ خداوند دا

¹ موقعی که عیسی معبد ترک اُشکه آ راه خوش آچو شاگردباش شَه پلو اُنډن تا نظر آنه آ بنایای معبد جلب بُکُنن ² عیسی شَه آتیا گت همی اِدا آییندای؟ آمین آ شما آ گوام سنگی آ سنگ دِگه باقی تواقنه بلکه همی اِدا لته آبو وقتی عیسی آ کوو زیتون اُداشن شاگردباش در خلوت آ پلو آته اُنډن شُگت، آ آما یگو اِ وقایع کی رُخ اِده یشوتی اُنډی تو و پایان اِ عصری چه اِسی؟ ⁴ عیسی پاشخُش دا آ هوش بی تا کسی گُمراتو یکن ⁵ چون خیلی آ نام مه دالان و آگوان مه مسیح اسم، و خیلی گمراه آین ⁶ آمِد در باری جنگیا اُشئوی و خبر جنگیا آ گوشتو آریسه اما نگران مبی چون اِ اتفاقی رُخ اِده ولی هنوز اُخُرش نَرسیده. ⁷ نیز قومی آ قوم دِگه و حکومتی آ حکومتی دِگه بلند آ واین و قحطیا و زلزلیا آ همی جا دا. ⁸ اما همی اِدا تنها اول درد زایمو اِسی ⁹ در آته زمانی شما را تسلیم اُکُنن تا آزار زیادی ببینی و شما را اُکُنن همی قومی آ خاطر نام مه آ شما نفرت شو! ¹⁰ در آته ژریا خیلی از ایمان خوشو آواگردن آ یک دِگه خیانت اُکُنن و از یک دِگه متنفر آین ¹¹ پیامبرای دروغین زیادی بلند واین خیلی را گمراه اُکُنن بخاطر شرارت زیاد محبت بساری آ سردی آچو. ¹³ اما هر که تا آخر پایدار واقع نجات پیدا اُکُن. ¹⁴ و اِ بشارت پادشاهی در سراسر جهان اعلام آبو تا شهادتی بَری همی قومی بو آمی موقع پایان فرا آرسه ¹⁵ پس آمی که دانیال نبی مکروه و ویرانگر اُشگنه در مکان مقدس پر پا آبو ببینی. ¹⁶ خواننده دقت بُکُن آمی موقع هر کی در یهودیه اِسی آ کوبا بُگرزیه. ¹⁷ و هر که آ بام خوتیا بو بَری وایستی چیزی آ زیر نیا ¹⁸ و هر که در مزرعه اِسی بَری گِرتی قباي خوش آ خوته تو اُگرده ¹⁹ وای آ ژریای اُوسن و مادرای شیرده ²⁰ در آمی زمان دعا بُکُنن که فرار شما در زمسو یا در ژر شبات نیو ²¹ چون در آمی زمان چون مصیبت عظیمی روی اِده که مانندش از آغاز جهان تا آلا روش ندیده و هرگز آمده روی ناده ²² آگه آمی ژریا کوتاه نابیس هیچ بشری چون سالم آ در اُش نابو اما بخاطر برگزیدیا کوتاه آبو ²³ در آمی زمان اگر کسی آ شما یگو ببینی مسیح اِنکه اِسی یا مسیح اِنکه اِسی باور مکنی ²⁴ چون مسیحیای کذاب و پیامبرای دروغین بلند واین آیات و معجزای عظیم آ ظهور دارن تا آگه ممکن بو حتی برگزیدیا را گمراه اُکُنن ببینی ²⁵ جلوتر آ شما اُمگنه ²⁶ پس آگه آ شما بُگوان آته در بیابان اِسی اِنکه مچی و آگه بُگوان آ داخل خوته اِسی باور مکنی ²⁷ چون آمده که صاعقه آ شرق آسمو دا و نورش تا آ غرب آریسه ظهور پُس انسان اِنده اِسی ²⁸ هر جا لاشه ی بو لاشخوریا در آمکه جمع آین ²⁹ فوراً پس از مصیبت آته ژریا خورشید تاریک آبو و ماه دِگه نورش نی بیتاربا از آسمو آ زیر آکون و نیروهای آسمو آ لَرزه آ در داین ³⁰ آمی موقع نشانه پُس انسان در آسمو ظاهر آبو و همی طوایف دنیا آ سیئی خوشو آرتن و پُس انسان را آیینن که با قدرت و جلال عظیم بر ابرای آسمو دا ³¹ آته فرشتیای خوش را نفیر بلند شپور اُفریسه و آتیا برگزیدیا آته از چهار گوشه جهان از یک کرانه آسمو تا یک کرانه دِگه گرد هم جمع آین ³² آلا از درخت انجیر اِ درسی یگیری یمحض اِده که شاخیا ی آته جوته اُشترته اُقمی که تاوا سوتزدیک اِسی. ³³ پس هرگاه اِ چیزیا تو بینا اُقمی که آته نزدیک بلکه بر در اِسی آمین آ شما اُگوام تا اِده واقع نیو اِ نسلی از میون ناچو ³⁵ آسمو و رمی زایل آین اما حرفیای مه هرگز زایل نابو ³⁶ هیچ که آته ژر و ساعت را ناده جز پدر حتی فرشتیای آسمو و پُس نیز از آته آگاه نبینن ³⁷ زمان ظهور پُس انسان مِث روزگار نوح اِسی ³⁸ در روزیای پیش از طوفان قبل از اِده نوح آ کشتی آچو مَرْدُم شا خه و شا نوشی و زن شا گِرت و شووشا که ³⁹ و شو نا قمی چه در پیش اِسی تا اِده که طوفان اُند و هممه با خوشش بو ظهور پُس انسان نیز آمده اِسی ⁴⁰ از دو مَرْد که در مزرعه اِسی یکی گِرته آبو و دِگری آیینیه. ⁴¹ و از دو زن دستاس اُکُنن یکی گِرته آبو و دِگری آیینیه ⁴² پس بیدار بی چون نادانی سرور شما چه ژری دا ⁴³ اِده بفهمی که آگه صاحب خوته شَه قمی درد در چه پاسی از شو دا بیدار آ واُشند اُشناشت آ خوتش دستبرد یزنن ⁴⁴ پس شما هم آماد بی چون پُس انسان ساعتی دا که انتظار ژش ئی ⁴⁵ پس آته غلام امین و دانا که اِسی که اربابش آته آ سرپرستی خانوادی خوش اُشند تا خوراک آتیا آ موقع اِده ⁴⁶ خوشابحال آته غلامی که چون اربابش واُگرده آته مشغول اِ کاری ببینه ⁴⁷ آمین آ شما اُگوام که آته بر همی مایملک خوت آیینیه ⁴⁸ اما آگه آته غلام شَریر بو وبا خوت فک بُکُن اربابم تاخیرش کِرده ⁴⁹ و آذیت کِردی همکاریای خُش پردازه و با میگساریا مشغول خُرده و نوشیده یو ⁵⁰ یكدقی اربابش در ژری که انتظارش نی اُند و در ساعتی که از آته آگاه نی دا ⁵¹ و آته از میون دو پَرس که در جای ریاکاریا آبی جایی که گیرخ و دندوا دندو ساییده آبو

¹در آمی زری پادشاهی آسمو می ده باکره دا که چراغیای خوشو شواسیه آ استقبال دما آ در چین² پنج تا از آتیا دانا و پنج نای دگه نادون آندین³ باکرهای نادون چراغیای خوشو شواسیه اما روغن با خوشو شنیو⁴ ولی دانایا با چراغیای خوت طرفیای پر از روغن شو بو⁵ چون اندی دما آ درازا آشکشی چشمیای همه سنگین بیس آ خو چین⁶ در نیمه یای شو صدای بلند آ گش رسی که شگت دما اندی آ پیشواز آته اچی⁷ آمی موقع همی باکرها بیدار بید و چراغیای خوشو آماده شو که⁸ نادونیا آ دانایا شگت ایدکو از روغن خوت آما آدی چون چراغیای آما رو آ خاموشی اسی⁹ آما دانایا پاشخ شو دا نادیم چون روغن بتری همی آما کافی نی اچی و از فروشندها بتری خوتو یخلی¹⁰ آما موقعی که آتیا بتری خرید روغن چین دما رسی و باکرهای که آماده آندین با آته آ ضیافت عروسی چین و در بسته بیس¹¹ پس از آته باکرهای دگه نیز رسیدن و شگت سرور آما سرور آما در بتری آما باز بکن آما¹² آته شه آتیا گت آمین آ شما آگوام مه شما ناشناسیم¹³ پس بیدار بی چون از آمی رز و ساعت خبر تو نی¹⁴ پادشاهی آسمو می مردی اسی که قصد سفر آتیه آته خادمیای خوش آشگت بی و اموال خوش آتیا اش سپرد آ قراخور قابلیت هر خادم آ¹⁵ یکی پنج قنطار آشدا آ یککی دو و آ دگری یک قنطار آمی موقع راهی سفر بیس¹⁶ مردی که پنج قنطار اش گرتش زود با آته تجارت آشکه و پنج قنطار دگه سود آشکه¹⁷ بر آمی منوال آته که دو قنطار اش دو قنطار دگه آ دس شاو¹⁸ آما آته که یک قنطار اش گرتسون چو و رمی آشکند و پول اربایش قایم آشکه¹⁹ پس از زمانی دراز ارباب آته خادمیا آند و از حساب اش خواص²⁰ مردی که پنج قنطار اش گرتسون پنج قنطار دگه نیز با خوت شاو و آشگت سرورا آته پنج قنطار آتسپرد²¹ آهم پنج قنطار دگه که سود امکرده . سرورژش جواب آشدا آفرین آی خادم نیکو و آمین در چیزهای کم آمین آندیش پس آ تو کارهای بسیاری آدیم پدا و در شادی ارباب خوت شریک پیش²² خادمی که دو قنطار اش گرتش آ جلو آند و آشگت آته دو قنطار آتسپردش²³ آهم دو قنطار دگه که سود امکرده . سرورژش پاشخ آشدا آفرین آی خادم نیکو و آمین در چیزهای کم آمین آندیش پس آ تو کارهای بسیاری آدیم پدا و در شادی ارباب خوت شریک پیش²⁴ آمی موقع خادمی که یک قنطار اش گرتش تریک آند و آشگت چون مه اقمیس مردی تند خو ایش از جایی که آت نکاشته درو آکنی و از جایی که آت نپاشیده جمع آکنی²⁵ پس رسیدم و پول تو در رمی پنهان امکه²⁶ آهم پول تو²⁶ آما سرورژش پاشخ آشدا آی خادم بدکاره و تبیل تو که تقمی آ جایی که آت نکاشته می دروم و از جایی که آت نپاشیده جمع اکیم .²⁷ پس چوا پول مه اش صرفیا آت ندا تا از سفر واگردم آته با سوژش پس یگرم²⁸ آلا قنطار از آته یگری و به آته که ده قنطار آتیه آدی .²⁹ چون آهر که آتیه بیشتر داده آبو تا آفرآونی آشبو آما آته که آشنی آمی که آتیه از آته گرت آبو .³⁰ آ خادم بی فایده آ تاریکی آ در آبی جایی که گیرخ و دندو آ دندو ساییده آبو³¹ موقعی که پس انسان با شکوه و جلال خوت آهمزی همی فرشتیا دا آ تخت پر شکوه خوت آنی³² و همی قومیا در برابر آته حاضر آین و آته می شبانی که گوسفندیا را از بزیا جداکن . مردمیا آ دو گروه تقسیم آکن³³ گوسفندیا در سمت راست و بزیا در سمت چپ خوت قرار آده³⁴ پس آتیا که در سمت راست آته ایسن آگو بی آی برکت یافتیا از بوای مه و پادشاهی آ میراث ببری که از آغاز جهان بتری شما آماده بده .³⁵ چون گشته آندیم آ مه خوراک تو دا تشنه آندیم آ مه آ تو دا قریب آندیم آ مه جاتو دا³⁶ عربان آندیم مه تو پوشنا مریض آندیم عیادتو تو که آ زندان آندیم آ دیدتم آندی³⁷ آمی موقع پارسایا پاشخ آدین سرور آما کی تو گشته مبینا و آ تو خوراک مدا یا تشنه مبینا و آ تو آو مدا³⁸ کی تو قریب مبینا و آ تو جا مدا و یا عربان و تو پوشنا؟³⁹ کی تو مریض و یا در زندان مبینا آ دیدارت آندم⁴⁰ پادشاه در پاشخ آگو آمین آ شما آگوام هر چی بتری یکی از کیدوترین برادرهای مه تو کرده در واقع بتری مه تو کرده⁴¹ آمی موقع آتیا که در سمت چپ آته آندین آین آگو آی ماعونیا از مه دور پی و آتش جاودانی اچی که بتری ایلپس و فرشتیای آته آماده بده .⁴² چون گشته آندیم خوراک تو ندیم تشنه آندیم آو تو ندیم⁴³ قریب آندیم جا تو ندیم عربان آندیم مه تیپوشندیم مریض و زندانی آندیم آ دیدتم نیندی⁴⁴ آتیا پاشخ شو دا سرور آما کی تو گشته و تشنه و قریب و عربان و مریض و در زندان مبینا و خدمت میکه⁴⁵ در جواب آگو آمین آ شما آگوام هر چه بتری یکی از کیدونیا تونیکه در واقع بتری مه تو نیکرده⁴⁶ پس آتیا آ مجازات جاودانی داخل آین اما پارسایان آ حیات جاودانی

¹ چوعیسی هَمی | حرفیا تموم اَشکیه آ شاگردیای خوش اَشگت ² اَقَمی که دو رُز دِگه فرا آزیسه و پُسی انسان تسلیم اَکُنن تا بر صلیب اُچو³ پَس روئسای کاهنیا و مشایخ قوم در کاخ کاهن اعظم که قیفا اسم اُشن جمع بُن ⁴ و شور شُکیه که چطوری با حیلّه عیسی رو دستگیر بُکُنن و آ قتل پَرستین ⁵ ولی شا گت نه در ایام عید نِکِه مَرَدَم شوریش بُکُنن در اَمی موقع که عیسی در بیت عنیا در خوتی شَمعون جُذامی اند ⁷ زنی با ظرفی بسیار گرو آ پلو آته اند و موقعی که عیسی بر ستر شُفره آداشن عطر آ روی سترش اُش ربخت ⁸ شاگردیا چو اِده شُبنا آ حشم اَندین شُگت | اسرافای بَری چه اِسی ؟ ⁹ | عطری اُپس آ بهای گرونی پُفرشم و آ فُقرآ آدی تَم ¹⁰ عیسی متوجه بُیس اَشگت چو! | زن شه رنجیدی؟ آته کار نیکو اَشکریده ¹¹ فقیریا همیشه با خوت تو | اما مه همیشه تو نی ¹² | زنو با لُتی | عطر بر بَدَن مه در واقع مه بَری تدفین آمادش کیده ¹³ | راستی آ شما اَگوام در تمام دُنیا هر جا | انجیل موعظه پِو کار | زنو آ یاد آته بازگو آبو¹⁴ اَمی موقع یهودا آسخریوطی که یکی از دوازده شاگرد اند آ پلوی سربای کاهنیا چو ¹⁵ و اَشگت ، چه آ مه آدی اَگه عیسی آ شما تسلیم بُکُنم پَس اُتیا سی سیکه ی ثُقره آ آته پرداخت شوکه . ¹⁶ | از اَمی موقع در پی فرصت اند تا عیسی رُو تسلیم بُکُنن در اولین رُز عید قَطیر شاگردیا آ پلو عیسی اَندین و شُپرسی کجا توی تَرزَر تدارکات پییم تا شوم پسته بُخورش . ¹⁸ آته شه اُتیا گت که آ شهر آ پلو فلان شَخص اُچی و آ آته بُکوی استاد اَگو وقت مه نزدیک اِده . قوی فصیح را آ خوتی تو با شاگردیام نِگه پَدرم ¹⁹ شاگردیا اَمی که عیسی اُشگتین شُکیه و فصیح را تدارک شُکیه ²⁰ شو بُیس و عیسی با دوازده شاگرد خُش آ ستر شُفره بَته ²¹ در موقعی خَرَدی شام عیسی اُشگت آمین آ شما اَگوام یکی از شما یا مه تسلیم دُشمن اَکُن ²² شاگردیا خِلی ناراحت بُدن یکی پَس از دیگری از آتش پُرسی مه که آته نیسیم سَرورُم؟ ²³ عیسی جَوایش دا اَمی که دَس خُش با مه در کاسته آبوی اَمی مه تسلیم اَکُن ²⁴ پَس انسان اَمی که دربارش نوشته بَده اُچو . اما وای بر اَمی کسی که پَس انسان را تسلیم دُشمن اَکُن بهتراند که آ دنیا نیونِدش ²⁵ اَمی موقع یهودا تسلیم کُندی آته در جَوایش گت آی اُستاد آیا مه ایسم عیسی جَوایش دا تو خوت اُنگت ²⁶ چون هَنوز مَشغول خَرده اَندین و پَس از شُکرگزاری پَرشیکه و آ شاگردیا اُشدا و اُشگت یگیری بُخوری | اِسی بَدَن مه ²⁷ پالاش گِرت و پَس از شُکرگزاری آته شه شاگردیا دا و اُشگت ، هَمی شما از | پَنوشی ²⁸ | اِسی خُون مه بَری عهد جدید که بخاطر بسیاری آ جَهِت اَمَریش گُنا یا لَته آبو . ²⁹ | شما اَگوام از | محصول مُو دِگه ناخوِرم تا رُزی که آته با شما در پادشاهی بوای خوت تازه بنویشم ³⁰ پَس از سرود خَند آ سَمَت کوه زیتون چدن ³¹ اَمی مَوقع عیسی آ اُتیا اُشگت اِشو هَمی شما بخاطر مه اَلغزی چون نوشته بَده شَبان را اَرتم و گوسفندیای گله پراکنده اَین ³² پَس از اَمی که زنده بَدم پیش از شما آ جلیل اَچم ³³ پطرس در جواب اُشگت ، حتی اَگه هَم آ سَتَبِپ تو پَلَعَزَن مه هرگز نالَعَزَم . ³⁴ عیسی آ آته اُشگت آمین آ تو اَگوام که اَمی اِشو قبل از که خروس اوخه سه بار اِنکار مَکُنش اما ³⁵ پطرس اُشگت حتی اَگه لازم بو با تو پِرم اِنکارت ناکُنم سایر شاگردیای دِگه هَم اَمی شُگت ³⁶ اَمی مَوقع عیسی با شاگردیای خُش آ مکانی بنام جتسیمانی چو و شه اِذا گت در اِنکه اوئی تا مه اَنکه اَچم دعا بُکُنم ³⁷ سبیس پطرس و دو پَس زبدي با خُش اُشبو اندوهگین و مضطرب اند ³⁸ شه اُتیا گت از ناراحتی آ حال مرگ کُتیم در اِنکه وِیسی و با مه بیدار بی ³⁹ سبیس آ چلو تر چو و آ روی خاک کت و دُعا اَشکیه ای بوای مه اَگه آبو | جامی از مه یگذره اما ته پخواست مه بلکه آ اِرادتی تو ⁴⁰ اَمی موقع آ پلو شاگردیای خُش اند و اُتیا خَیسون پَس آ پطرس اُشگت آیا تائسبیس ساعتی با مه بیدار وامنی ؟ ⁴¹ بیدار بی و دعا بُکُنن در آزمایش یکوی روح مشتاق اِسی اما جسم ناتوان پَس یکبار دِگه چو و دعا اَشکیه ای پَدر مه اَگه ممکن نی | جام نوشده از مه یگذره پَس هر چه ارادی تو اِسی انجام ببو . ⁴³ چون واگشت اِذا هَنوز در خُو اَندین چون چشپاشو سَنگی بُشن ⁴⁴ پَس یک بار دِگه اِذا به حال خُشو اُشنا و چو بَری سومین بار اَمی دعا تکرار اُشکیه ⁴⁵ اَمی موقع آ پلو شاگردیا اند و شه اِذا گت آیا اَنوز آ خو واستراحت اَکرْدی الان ساعت مقرر نزدیک اِده و پَس انسان آ دَس گناکاریا تسلیم آبو ⁴⁶ بلند وای اَچم حالا تسلیم کُندی مه از راه آزیسه ⁴⁷ عیسی اَنوز اَرَف سَرت که یهودا یکی از آته دوازده تَن اَمزی گروو گپی مُستلح آ چماق و شمشیر از طرف سربای کاهنیا و مشایخ قوم از راه رَیدین ⁴⁸ تسلیم کُندی آته آ اَمرایای خُش علامتی اُشدا یسون و اُشگتین اَمی کسی که اُبویم اَمی اِسی آته یگیری ⁴⁹ پَس با عجله آ عیسی نریک بُیس و اُشگت سلام استاد و آته اُش بوسی ⁵⁰ عیسی آ آته اُشگت ای رفیق کار خوت انجام اِده اَمی موقع آ جاو اَندین آ ستر عیسی رَختن و آته گرفتار شو که ⁵¹ در اَمی موقع یکی از اَمرایای عیسی دَس آ شمشیر اَشکیه و اُشگشی و ضربتی آ خدمتکار کاهن اُشَرَت و گُشش اُش بلی ⁵² اما عیسی اُشگت آ غلاف بُکُن چون هر که شمشیر یکشته آ شمشیر کُشته آبو ⁵³ آیا گمان اَکُنن اَم ناشا از بوای خوم بُگوام که بیش از دوازده فرشته آ کمک مه پفریسه ؟ ⁵⁴ پَس چطویش گویای کتپ مقدس تحقق پیدا بُکُنن که اَگوان | وقایع باید رُخ اِده ⁵⁵ در اَمی موقع شه جماعت گت مَگه مه راهزیم که با چماق و شمشیر بَری گِرتَم اُنِیسی مه اَرزُر در معبد اُشیم و تعلیم مَدا و مه ث یگرت ⁵⁶ اما | هَمه رُخ اُشدا تا پیشگویای پیامبریا تحقق پیدا بُکُنن اَمی موقع هَمی شاگردیا و لُشو که وفرارشو که ⁵⁷ اُتیا که عیسی شو گِرتین آته شا پلوی قیفا کاهن اعظم شو بو در اَمیکه علمای دین و مشایخ جمع اَندین . ⁵⁸ اما پطرس دورادوراز پی عیسی چو تاد مین سرا خوتی کاهن اعظم رَسی پَس داخل بُیس و با نگهبانیا بَته تا یَقِیه چو آ بُدی ⁵⁹ سربای کاهنیا و تمامی اهل شورا آ دُم شهادت دروغ علیه عیسی اَندین تا اُشگتین ⁶⁰ اما هر چه شاهدیای دروغ زیاد اَندین چیزی پیدا شو تیکه اَمی موقع دو نفر اَندین و ⁶¹ شو گت | مَرَد اُشگت مه مَشا معبد خدا را ویران بُکُنم و طرف سیه رُز آته از نو پَسارم ⁶² اَمی موقع کاهن اعظم بلند واپس و آ عیسی اُشگت هیچ پاشخی نادیش ؟ | چه اِسی که بر علیه تو شهادت اِدا داین ؟ ⁶³ اما عیسی هیچی اُشگت کاهن اعظم شه آته گت آ خدای زنده سوگند تَدیم که آ ما بُگیش آیا تو مسیح پَس خدا اِیش ⁶⁴ عیسی جواب اُشدا تو خوت اِنده اَگناش آ شما اَگوام که از | به بعد پَس انسان اَیینی که آ دَس راس قدرت اُدی بر اَبرایای آسمو دا ⁶⁵ اَمی موقع کاهن اعظم هَمی خوش پَرش که و اُشگت کفر اَکُنن دِگه نیاز آ شاهد نی ؟ آلا که کفر اِدتو شُفت ⁶⁶ حُکمتو چی در جواب شو گت سبزش مرگ اِسی اَمی موقع آ لویه عیسی آو دَهن شو پَس و شو رَت بَعضیا هم سیلی شو رَت ⁶⁸ شا گت آی مسیح نبوت بُکُنن چه کسی سَتوَرَت ؟ ⁶⁹ و اما پطرس آ در مینه سرا اُداشن که کنیزی شَپلو اند اُشگت تو اَم با عیسی جلیلی اُنِیش ⁷⁰ اما آته در جلو آمه اِنکار اَشکیه و اُشگت نادیم چه اَگناش ⁷¹ پَس اُنِی سَرسرای خوته چو در اَمیکه خَدَمی دِگه آته اُشبینا و شه اُتیا گت | مرد نیز با عیسی ناصری اند ⁷² پطرس یک بار دِگه اِنکار اَشکیه قسم اُشخه که مه | مرد اُشناشایم ⁷³ یک کمی بعد جمعی که اَنکه ویشیشین آ جلو اَندین و پطرس شو گت شکی نی که تو اَم یکی از اُتیا پش از لَجت پیدا اِسی

⁷⁴ یک کَشی پطرس لعنت اُشکه و قَسم اُشخه ، اُشگت اِ مرد ناشناپیم آمی موقع خروس اُشخند ⁷⁵ یک کَشی پطرس حرفیای عیسی
شَه یاد آو که اُشگتِشِن پیش از خندِی خروس سه بار مَه انکار اُکُنِش پس آ در چو وگیرِخُش که

¹ صَبْ زود هَمی سَریای کاهنیا و مشایخ جَم بُشِن با هَم شُرشو که ، که عیسی اُش بُکُشِن ² پس دَس بَسَنشو بو آپیلانوس والی تحویل شو دا³ چون یهودا تسلیم کُندِی آتِه اُشینا که عیسی محکوم شو کُرد از کِردِی خوش پشیمون بُیس و سی سکه ی نقره ا سَریان کاهنیا و مشایخ اُش واگردنا و ⁴ اُشگت گُنام کِرد و باعِث ریخته بُدی خون بیگناه بُیس اما اُتیا جواب شو دا به اما چه؟ خوت اَقمِش ⁵ آمی موقع یهودا سیکیا در معبد آ رو رَمی اُشریخت و ادر چوو خوش حلق اویز اُشکه سَریای کاهنیا سکیا از زمی جمع شو که ریختی ا سیکیا در خزانه معبد جایز نی چون خونبها اِسی ⁷ پس از مشورت کِردِه با آتِه پول مزرعه کوزِه گر شُخلی تا گورسوغربیا بُکُن ⁸ از آمی موقع ای مکانی تا اروز آ مزرعه خون معروف اِسی ⁹ آمی پیشگوی ارمیای نبی آ حقیقت پیوسته بُیس که اُشگِشِن اُتیا سی سکی نقره شو وایسِن یعنی قیمتی که بنی اسراییل بر اُتَشو نا ¹⁰ و آتِه به آمی دلیل مزرعِی کوزِه گر شو دا چونکه خداوند اَمه اَمراشکرِدِن ¹¹ اما عیسی آ حضور والی ویسا والی از اُتَش پُرسی آیا تو پادشاه یهود اِیسش ؟ عیسی جواب اُشدا تو اگواش ¹² اما موقعی که سَریای کاهنیا و مشایخ اَنهام شو رَت هیچ جوابش نِدا ¹³ پس پیلانوس از اُتَش پُرسی ناشوَداش چَقَد علیه تو شهادت اَدِداين ؟ ¹⁴ اما عیسی یک اَتهام هَم پاسُخَش نِدا اَمِدِه که والی خیلی تعجب اُشکه ¹⁵ رَسَم والی اَدِاند که در عید یک زندانی به انتخابِ مردم آزاد بُکُن ¹⁶ در آمی زمان زندانی معروفی بنام باراباس در اَیس اَند ¹⁷ موقعی که مَرْدَم جمع بُدِن پیلانوس از اُتیا اُشپرسی چه کسی تا وی تا زَر آزاد بُکُیم ؟ باراباس یا عیسی معروف اَمسیح را؟ ¹⁸ اَندِش گُت که شَقَمی عیسی را حسادت شا آتِه تسلیم کِردِه . ¹⁹ موقعی که پیلانوس ا مسندِ داوری اَداسِن زَنش پیغامی بَری اُتَش فِرسا که تو با ا مَرْد بیگناه کاربت نیو چون اُرز خَوای درباری اَتم اُم بینا که مَه خیلی رَیج اُشدا اما سَریای کاهنیا و مشایخ قوم را تشویق شو که تا آزادی باراباس و مرگِ عیسی شو پوی ²¹ پس چون والی اُش پرسی کدام یک از ا دو تا تازر آزاد بُکُیم جواب شو دا باراباس . ²⁰ پیلانوس اُشپرسی پس با عیسی معروف ا مسیح چه بُکُیم هَمشو شو گُت ا صلیبش یَکَش ²³ پیلانوس اُشپرسی چوا؟ چه بدی اُشکرِدِه ؟ اما اُتیا بلندتر فریادشو رَت ا صلیبش بُکُن ²⁴ چون پیلانوس اُشینا تلاشش بیهوده اِسی تَرسی شورِش بُکُن اُش خواس و دستیای خوش در برابر مَرْدَم اُششو و اُشگت مَه از خون ا مَرْدی بَری اِیسیم خُتواَقَمی ²⁵ مَرْدَم هَمه در جوابشو گُت خون آتِه بر گردن اَمه و فرزندای اَمه بو ²⁶ آمی موقع پیلانوس را برانشو اَرادش که و ا عیسی تازیانشو رَت و اُشگت تا ا صلیبش یَکُشِن ²⁷ سربازای پیلانوس عیسی را از صحن کاخ والی شو بو هَمی گروه سربازیا دُورَش جمع بُدِن اُتیا ²⁸ عیسی را عربان شو که جَمی ارغوانی شا تر که ²⁹ و تاجی از خار شو بافت شا سِیَره نا و چوبی ا دَس راشش شو دا آمی موقع در برابرش زانو شو رَت واستیزا کَنان شا گُت درود بر پادشاه یهود ³⁰ آ رو آتِه اُو دَهَن شا پس چوب ا دَشش شا گِرت و شا سِیَره اَرَت ³¹ پس از استهزا کِردش جَمه شاز تر ا دَر اُو جَمی خُوش شو تر که بَری صلیب کِردش شا در بو ³² وقتی ا دَر اچِدِن ا مَرْدی که از اهالی قیروان ا نام شمعون بر شو خه و آتِه مجبور شو که صلیب عیسی را حمل بُکُن ³³ چون ا مکانی بنام جلجتا که ا معنی مکان جمجمه اِسی رَسِیدِن ³⁴ آ عیسی شراب اَمیخته ا زرداب شو دا چون آتِه مَرَش که اُش یَخه ³⁵ موقعی که ا صلیب شا کُشی بَری تقسیم جَمَش قرعه شو پس ³⁶ و دَر اَمکه ا نَگهبانی آتِه شِیسِن ³⁷ و تقصیر نامی ا ا عبارت بر لوحی شو تَوشَت و آتِه ا بَری سَترش تَصَب شو که ا اِسی عیسی پادشاه یهود ³⁸ دو تا راهزن با آتِه ا صلیب بُدِن یکی ا سَمَت راست و یکی دِگِه ا سَمَت چپ آتِه ³⁹ رَهگُذریا سَریای خوشو تَکون شا دا ناسرا شا گُت ، ا ی تو که تَوس معبد را ویران بُکُش و سه رَز آتِه بازپسارَش خوت نجات اَدِه اگِه پس خدا اِیسش ا صلیب ا زیر پدا سَریای کاهنیا و علمای دین و مشایخ نیز مَسخَرَش شا که و شا گُت ⁴² مَکِس را نجاَشش دا اما خوش اُش ناشا نجات اَدِه اگِه پادشاه اسراییل اِیسش اَلَا ا صلیب ا زیر بیا تا آتِه ایمان بیارم ⁴³ آتِه ا خدا توکُل اُشِه پس اگِه خدا دوس شه دَره اَلَا آتِه نجات شا دِه چون ادعا شَکه پس خدا اِسی ⁴⁴ آتِه دو راهزن که با آتِه ا صلیب بُشِن اَمِد ا آتِه توهین شا که ⁴⁵ اَنز ساعت ششم تا نهم تاریکی اَمی آتِه سرزمی اُشگِرت ⁴⁶ تَرِیک ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریادش رَت ایلای ایلای لَمّا سَبَقَتی یعنی ا ی خدای مَه ا ی خدای مَه اُت تَدِه ⁴⁷ بعضی از اُتیا که اَنِدِن چون اِد که شُفَت شُگت ایلایا صدا اَرُثی ⁴⁸ یکی از اُتیا با عجله داوای (دوید) اسقنَجی شَو اُتِه با شَراب تَرشیدِه پُراشکه و ا سَتر چوبی اُشکه و ا پش دَهَن عیسی اُشبو تا بُخی ⁴⁹ اما بَقِیه شو گُت آتِه ا حال خوش اویسی تا ببِیم آیا ایلایا ا نجاَشش دا ⁵⁰ عیسی یک بار دِگِه با صدای بلند فریادش رَت و روح خُش تسلیمش که ⁵¹ در آمی موقع پَرْدی معبد از تَرا تا زیر پَر بُیس رَمی لرزی و سنگیا شِکافَتِه بُیس ⁵² قیریا باز بُیس و بَدَنای زیادی از مقدسین که خَیْسِن اُتیا از قبر ا در اَنِدِن ⁵³ و پس از رستاخیزی عیسی ا شهر مقدس چِدِن و خوت را ا شماری از مردم شا نِشو دا ⁵⁴ چون فرماندِی سربازیا ونفراشوکه مامورنَگهبانی از عیسی اَنِدِن رَمی لَرزه و هَمی ا روبودایا شُیْبِشِن خَلی تَرِیدِن شُگت براستی آتِه پس خدا اَند ⁵⁵ خَلی رَنا که اَنکه اَنِدِن و از دور نگاه شا که اُتیا از جلیل ا دُم عیسی اَنِدِشِن تا آتِه خدمت بُکُن ⁵⁶ در میون اُتیا مریم مجدلیه اَند و مریم تَتی یعقوب و یوسف ونیز تَتی پُسیای رُیدی اَنِدِن ⁵⁷ موقع غروب مَرْدی پولدار از اهالی راقه یوسف نام که خوش شاگُرد عیسی بُشِن ⁵⁸ آ پلو پیلانوس چو و جسدِ عیسی طَلَب اُشکه پیلانوس دستور اُشدا آتِه اَدِین ⁵⁹ یوسف جَسَدش وایسه در کتونیهِ پاک اُشپچی ⁶⁰ و در مَقَبَری تازی که پَری خوش در صخره اُشتراشِدِشِن اُشنا و سَنگی گپ جِلو دَهتی مَقَبَره اُشنا ⁶¹ و چومریم مجدلیه و مریم دِگِه در اَمکه روبروی مَقَبَره اَداسِن ⁶² رَز بعد که پس از رَز تهیه اَند سَریای کاهنیا و فریسیا ا پلو پیلانوس اَنِدِن ⁶³ شو گُت سرور اَمه ا یاد موا اُتِه گمراه کُندِه وقتی زنده اَند شه گُت پس از سه رَز بُلند ا وایم ⁶⁴ پس دستور اَدِه مَقَبَره تا رَز سوم نَگهبانی اَدِینکُنه شاگردیا بِن جسد پُزِن که ا مَرْدَم بُگوین که آتِه از مَرْدِیا بلند وایدِه که در ا صورت ا قَریب اَخر از قَریب اول بدتر اِسی پیلانوس پاسُخَش دا شمایا خوتو نَگهبانیا توا اچِد و آتِه هَر طوری که صلاح اَدنی حفاظت بُکُنی ⁶⁶ پس چِدِن و سَنگی مَقَبَره را مهر و مومشو که و نَگهبانیا در اَمکه شا نا تا از مَقَبَره حفاظت بُکُن

¹ بعد از شب‌ات در شبیده دم نخستین رُز هفته مریم مجدلیه و آته مَریم دِگه آ دِدی مَقَبَر چِدن ² یک کَشی رَمی لَرزی شَدیدی بُس چون فِرشتی خداوند از آسمو نازل بُس ا طرف مَقَبَره چو و سنگ آ برابر آتیا اُش غَلَطنا و آرو اَمی شِه چَری آته فِرشتی مِث برق آسمو اِدِرختی و جَمَش چون برف سفیداند نگهبانیا ⁴ از دِدی اِدِه ا لَرزه کِتن مِث مُردیا بُدن اَمی موقع فرشته آ رَنیا اُشگت هراسون مَبی اَدیم که در جستجوی عیسی مصلوب اسی اِدِه اِنکه نی چون اَمده که اُشگِش بر خاسته اِدِه بی جایی که خَیْش پِینی ⁷ پس با عجله اوچی آ شاگردیای آته بُگی که از مردگان بلند و اِدِه و جلو تر از شما آ جلیل اُچو و اَنکه آته شَبینیا آ شما اُمگت ⁸ پس زَنیا با هراسی اَمیخته با شادی عظیم با عجله از مَقَبَره رواته بُدن و ا طرف شاگردیا چدن تا ا واقعه آ آتیا خبر اَدین ⁹ یَکَدَقی عیسی با آتیا روبرو بُس و اُشگت سلام بر شما بو زَنیا ا پیش اَندن آ پایای آته کِتن و آته پَرستیش شو که ¹⁰ اَمی موقع عیسی آ اَدیا اُشگت مَتَرسی اُچی و ا برادرِیام بُگی که آ جلیل اُچن در اَنکه مه اَبین ¹¹ موقی که زَنیا در راه اَدین عده ای از نگهبانیا آ شهر چدن اَمی وقایع را آ سربای کاهنیا شو گت ¹² آتیا نیز پس از دیدار و مشورت با مشایخ آ سربازیا پول زیادی شو دا و ¹³ شو گت بوگوی که اَمّا در خو بُسم جَسَد اَته شو دُرَدیده ¹⁴ و اگه اُگش والی پَرسه اَمّا خومو راضی شه کُتم تا بَری شما مشکلی ایجاد نیو ¹⁵ پس آتیا پول شو گِرت طبق اَمی که شو گِش عمل شو که و ا داستان تا به اُز در میون یهودیا شایع اسی ¹⁶ اَمی موقع بازده شاگرد آ جلیل آ کوهی که عیسی شه اَدیا گِشون چِدن ¹⁷ چون در اَنکه عیسی شو بینا آته پَریش شو که اَمّا بعضی شک شو اند ¹⁸ پس عیسی آ پیش اُند و شه اَدیا گت تمام قدرت در آسمو و رَمی اَته سِبرده اِدِه ¹⁹ پس اوچی و هَمی قومیا را شاگرد بُگنی و اَدیا را بنام پدر پسر و روح القدس تعمید اَدی ²⁰ و اَنیا تعلیم اَدی و هر چه آ شما فرمان اَمَدِه آ جا بیان اَلا مه هر رُز تا پایان ا عصر با شما اِسیم

Luke

Chapter 1

¹ از اَمکه که خیلی دَس آ تالیف اموری شُرته که آ پلو اَمّا انجام رَسیده ² درست اَمده که آتیا از اول شاهیدیای عینی و خادمیای کلام اَندن اَمّا شَیْپُرد ³ مه اَم که اَته چی از اول بادقت بررسی اُمکِردِش مصلحت اِدم بینا که آتیا را آ شکلی منظم بَری شما عالیجناب اِنوفیلوس بنویسیم ⁴ تا از دُرُسی اَمی که توپاد گِرتِه یقین پیدا بُگنی ⁵ در موقعی که هیرودیس پادشاه یهودیه اُند کاهنی زندگی شَکه که اِسْمُش زکریا اُند از کاهنای گروه اَبیا رَتش الیزابت از تبار هارون اُند ⁶ هر دو شو از نظر خدا پارسا اَندن مِث اَمی احکام و فرایض خداوند بی عیب رفتار شا که ⁷ اَمّا اَدیا پچ شونِتند چون الیزابت نازا اُند و هر دو شو پیر اَندن ⁸ یک بار که نوبت خدمت گروه زکریا رَسی و اَته که در پیشگاه خدا کِهانت شه که ⁹ بنا آ رَسم کاهنیا قرعی داخل اِدِه ا قدس خدا ¹⁰ و سوزاندی بخور ا نام اَته کت در موقی شتی بُخور تمام جماعت آ در سرگرم دعا اَندن ¹¹ که یک کَشی فِرشتی خدا و عیسی آ جانب راس مذبح بخور آ زکریا ظاهر بُس ¹² زکریا با اِدی اَته بهت رَدِه بُس و ترس وجود دُش اُشگِرت اَمّا ¹³ فرشته شه اَته گت آ زکریا مترس دعای تو مستجاب اِدِه رَت الیزابت بَری تو پُسی آ دنیا داره و تو اسم اَته یحیی اَنیش ¹⁴ تو خیلی خوشحال اَیش و خلیا از تولد اَته شاد اَین ¹⁵ چون از نظر خدا بزرگ اسی یحیی هیچ وقت آ شراب و مسکرات لب نِزن اَته در شکم مادرش پر از روح القدس اسی ¹⁶ و خیلی از قوم اسرائیل ا طرف خداوند خدای خوش اواگردنه ¹⁷ اَته آ روح و قدرت الیا جلوتر از خداوند دا تا دل بواپیا ا طرف بچیا و نافرمانیا را ا طرف حکمت پارسایا و اگردنه تا قومی اَماده بَری خداوند فراهم بُکن ¹⁸ زکریا آ فِرشته اُش پرسی اِدِه از کجا یقوم مه مردی پیرم و رَتم نیز سالخورده اسی ¹⁹ فرشته جواب اُش دا مه جبرئیل که در حضور خدا اوسیم اَلا فرستاد بُسیم تا با تو گپ بزیم و ا بشارت آ تو پَرستیم ²⁰ اَلا لال اَیش تا رُز وُقوع ا امری قدرت گپ رَته اُت نی چون گپ مه در موقی مقرر آ حقیقت اَبو باوُرت نَکه ²¹ در ا موقع جماعت منتظر زکریا اَندن وحیران از طول کَشیدی اَته در قدس ²² چون آ در اُند اُش نیشِیس با مَرْدُم گپ یزن پس شو قَمی رویایی در قدس اُش بیتده چون تنها ایما و اشارش که و توان گپ رَته اُش نَین ²³ زکریا بعد از تَموم خدمتش آ خوتی خوش اُند ²⁴ چند رُز بعد رَتش الیزابت اوستن بُس و پَن ماه خوتِه نشین بُس ²⁵ الیزابت شگت خداوند بَری مه اِنداشکرده اَته در ا رُزبا لطف خوت شامل حال مَش کِرده و هر چه آ پلو مَرْدُم مایه ننگ اُند اُش وابیه ²⁶ آ ت مای شیشم جبرائیل فِرشتی از طرف خدا آ شَهری در جلیل فرستاد بُس که که ناصره نام اُشن ²⁷ ا پلوی باکری به نام مریم اُچو مریم نامرِد مردی اُند به نام یوسف از خاندان داوود ²⁸ فِرشته آ پلو اَته چو و اُشگت سلام آ تو که مورِد لطف قرار اَنگِرتِه خداوند با تو اسی ²⁹ مریم با گُتی ا گپی مضطرب بُس و با خوش اُشگت که ا چه سلامی اُند ³⁰ اَمّا فِرشته شه اَته گت آ مریم مَتَرس لطف خدا شامل حال تو اِدِه ³¹ اَلا اوستن بُشِیس پُسی داریش و اِسْمُش عیسی اَنیش ³² اَته گپ اسی و پُسی خدای متعال خَند اَبو خداوند خدا تخت پادشاهی بواش داوود آ اَته عطا اکن ³³ اَته تا ابد آ خاندان یعقوب سلطنت اکن و پادشاهی اَته هیچ وقت از بَین ناچو ³⁴ مریم از فرشتش پُرسی ا چگونه ممکن اَبو چون مه با مردی بُسیم ؟ ³⁵ فِرشته جواب اُشدا روح القدس آ تو دا و قدرت خدای متعال بر تو سایه ابی از ا رو اَته مولود مقدس و پُسی خدا خَند اَبو اَلا الیزابت که آ قوم وخیشیای تو اسی در سن پیری اُشن اسی و پُسی در راهش اُ، اَته که اگوین نازا اسی ودر ششمین مای اَنیش ³⁷ چون پلو خدا هیچ امری نا ممکن نی ³⁸ مریم اُشگت کنیز خداوند اِسیم هر چه در باری مه اُنگت یبو اَمی موقع فِرشته اَپلو اَته چو ³⁹ در اَته رُزبا مریم بلند واپیس با عجله آ شَهری که در کوهستان یهودیه چو ⁴⁰ آ خوتی زکریا آ الیزابت سلام اُشگت ⁴¹ چون الیزابت سلام مریم اُش شُغت طفل در رَجْمَش جَست و خیز اُشکه و الیزابت از روح القدس پر بُس ⁴² با صدای بلند اُش گت در میون رَنیا خَسته اِشِش تَمَری رَجم تو . ⁴³ مه که یم که مادر سَرَوُرم آ پلو مه بیا ؟ ⁴⁴ چون صدای سلام تو اُگش که رسی طفل از شادی در رَجم مه آ جَست و خیز اُند ⁴⁵ خوشحال کیسی که ایمان بیاره هر چه از طرف خدا آ اَته گفته اِدِه آ انجام اَرَسِه ⁴⁶ مریم در جواب اُشگت ، جان مه خداوند تمجید اکن ⁴⁷ و روْخُم در نجات دهنْدَم خدا آ وُجد دا ⁴⁸ چون بر

حقارت کنیز خوش نظر اُشکیده از این رو اُمی نسلیا حُجسته آخِن⁴⁹ چون آته که نامُش فُدوس اِسی کاربای عظیمی بَری مَه اُشکیده⁵⁰ رَحمت آته نسل اندر نسل اِسی هَمی ترسندایش در بَر آگیره اشنش⁵¹ بازوی خوش نیرومندانه عَمَل اُشکیده و آتیا که در اندیشی دل خوت متکبر اِیین پراکنده اُشکیده⁵² فرمانروایا از تخت آ زیر اُش کشیده فروتنیا را سرافراز اُشکیده⁵³ گرسنی یا آ چیزبای خَش سیر اُشکیده اما دولتمندیا تهیدس رواتش کیده⁵⁴ آته رَحمت خوش شَه یاده و خادم خُش اسراییل را یاری آده⁵⁵ آمده که بوای یای آما ابراهیم و نسل آته وعده اُش دده که تا ابد اِنده بُکن⁵⁶ پس مریم حدود سه ماه آ پلو الیزابت شَه و بعد آ خوئه واگشت⁵⁷ چون موقی وضع حمل الیزابت رسی پُسی شَه دنیا آو⁵⁸ همساییا و قوم وخیش چون شُشُفت که خداوند رَحمت عظیمش را بَری وی ارزانی اُشکیده در شادی آته سهیم بُدن⁵⁹ رَز هشتم بَری سَت خَتی نوزاد اُدن و شاویس نام بواش زکریا بَری آته اُیین⁶⁰ اما مادَر نوزاد اُشگت نه نام آته باید یحیی بو⁶¹ شُگت آز قوم وخیشای تو کسی چنین نامی اُشینیده⁶² پس آ بواش اشارشو که که اسم آته چه اُیین⁶³ زکریا لوحی اُش خواس و در برابر حیرت همه اُش تَوشت نام آته یحیی اِسی⁶⁴ اُمی موقع رَیوش باز بَیس و دهن آ ستایش خدا اُش که⁶⁵ هَمی همساییا ترسیدن و مردم اُمی کوهستان یهودیه در بازی آته حرف شا رت .⁶⁶ هر که اِ گپیا شَه شُفت در دل خوش فکر شَکه اِ چه یچی آبو چون دَس خدا متری آته اِسی⁶⁷ اُمی موقع بوای آته ، زکریا از روح القدس پُر بویس و اِنده نبوت اُشکه " مبارک بو⁶⁸ خداوند خدای اسراییل چون آ یاری قوم خیش اُنده و آ اِدبا رهای اُش بَخشیده⁶⁹ آته بَری آما شاخ نجاتی اِسی در خاندان خادُمش داوود ، بر پای اُش تده⁷⁰ چون که از خیلی قبل آ زبان پیامبرای مقدس خُش وعده اُش دایشن که⁷¹ آما از دَس دشمنیا و هَمی کسیایی که آز آما نفرت شو! نجات آده⁷² تا آ بواپیامو رحمت آده و عهد مقدس خُش آ یاد بیاره اُمی⁷³ سوگندی که بَری بوامو ابراهیم باد اُشکه ،⁷⁴ که آما از دَس دشمنیا نجات آده و یاریمو آده که آته بدون هیچ واهمی عبادت بُکنیم⁷⁵ حضورش با قدوسیت و پارسایی هَمی ایام عُمَر⁷⁶ و تو آ ییچ مَه پیامبر خدای متعال خنده ایش چون پیشاپیش خدا حرکت اُکنیش تا راه بَری آته آماده بُکنیش⁷⁷ آ قوم آته اِ معرفت عطا بُکن که با بَخشیدی گناهیاشو اِدبا نجات شادیش⁷⁸ چون خدای آما دلی اُشیه پُر از رَحمت وز اُمی رو آفتو تابان از عرش برین آ آما طلوع اُکن⁷⁹ تا آ کسیایی که در تاریکی و سایه مرگ اِیین روشنایی آده و قدمبای در مسیر صلح و سلامت هدایت بُکن⁸⁰ و آما آته یچو گپ آ بَیس و در روح قوی اُیینس تا رُز ظهور اُشکاژش بر قوم اسراییل در بیابو آ سر آبی

¹ در آته ژریا آگوستوس فرمانی صادرش که تا مردمیای آمه سرشماری بین ² اولین سرشماری آند در موقع فرمانداری کورنیوس آ سوریه انجام آیس ³ پس هر که روای شهر خُش آیس تا نام نویسی بین ⁴ یوسف هم آرشهر ناصره جلیل آ طرف بیت لحم زادگاه داوود جو . چون از نسل خاندان داوود آند آته آنکه چو ⁵ نا با نامزادش مریم که زایمانش نزیک آند نام نویسی بُکِن موقی که آنکه آندن موقی زایمان مریم بیس و اولین ⁷ یُچش که پُس آند آ دنیا آند آن شَه قنداقی پیچی و در آخوریش اُش خَتناچون در مهمانسرا جایی شا زَر نبین ⁸ در آمی نواحی شبانیایی آندن که آ تو صحرا آندن وموقع شو آ گلی خُشو پاسیانی شا که ⁹ یک کشی فرشتی خداوند آ آتیا ظاهر بیس ونور هلال خداوند آ دوشو تایدَه بیس شبانیا خلی ترییدن ¹⁰ اما فرشته آ آتیا گت مترسید چون بشارتی براتو آیه خبری بس شادی بخش که بَری تمامی قوم اِسی ¹¹ اِزر آ شهر داوود بَری شما آ دنیا آند آته خداوند مسیح اِسی ¹² نشوتش بَری شما اِده اِسی که نوزادی در قنداق پیچده و در آخوری خَیه آبینی ¹³ یک کشی گروه گپی از لشکریای آسمو ظاهر بُدن که آمتری آته فرشته در ستایش خدا شَه گت جلال بر ¹⁴ خدا در عرش ترین و صلح و سلامت بر مردمیای که بر رَمی مورد لطف آتی ¹⁵ و چون فرشتیا از پلو اِدیا آ آسمو چِدن شبانیا آ یک دِگشو گت بی آ بیت لحم اُچم و هر چه روی اُش دِده و خداوند اما آگاهش کِیده پیتم ¹⁶ پس با عجلَه چِدن مریم و یوسف و نوزاد خُفته آ آخور شا بینا ¹⁷ چون نوزاد شو بینا گپی که در بازی آته که آ اِدیا شو گُتشن پَخشو که ¹⁸ و هر که شَه شُفت از گپ شبانیا تعجب شا که . ¹⁹ اما مریم همی اِدیا شَه خاطر آسپُرد و فکر شَه که ²⁰ پس شبانیا خدا را حمد و ثنا گوین آندن آ سبب هر چه شو بییشن و شُشفتیشن چونکه شا اِدیا گُتشن ²¹ در زَر هشتم چون وقت خَتنی نوزاد رسی اسم آته عیسی شونا اِ آمی اِسمی آند که فرشته قبل از اِده که آ ت رجم مریم قرار یگیره آ رو آتش تیشن ²² چون ایام تطهیر اِدیا مطابق شریعت موسی تموم بیس یوسف و مریم عیسی را شا اورشلیم بو تا آ خداوند تقدیم بُکِن ²³ طبق حکم شریعت خداوند که آگو اولین قَمَری هر دَکور هر رجمی مقدس بَری خداوند خَند آبو ²⁴ تا قربانی تقدیم بُکِن مطابق در شریعت خداوند اِده یعنی یک جُفت قمری یا دو جوجی کبوتر ²⁵ در آته موقی یا مردی پارسا و دیندار شمعون نامی آند که در اورشلیم زندگی شَه که که منتظره تسلی اسرایل آند و روح القدس در آته آند ²⁶ روح القدس بر آته آشکازش کِردشن که تا مسیح خداوند بینیه چشم از دنیا ناتبه ²⁷ پس شمعون آ هدایت روح وارد صحن معبد بیس و چون والدین عیسی نوزاد آته شو آو تا آیین شریعت آ جا بیارن ²⁸ شمعون شَه بغل که و ستایش کنان آ خداهش گت ²⁹ آی خداوند بنا به وعدی خوت خادمت آ سلامت مُرخص بُکن ³⁰ چون چشبیای مه نجات تو اُشبیته ³¹ نجاتی که در برابر همی ملتیا فراهم اُنکِیده ³² نوری بَری نشو ددی حقیقت آ قومیای دِگه و جلال دده آ قوم خوت اسرایل ³³ بوا و تتی عیسی از گپیایی که در بازی آته گُته بیس تعجب شو که ³⁴ پس شمعون اِدیا برگت اُشدا و آ مریم مادر آتش گت ، مُقدَر اِسی که اِچی موجب کِیدی و بلند و اِبدی خلی از قوم اسرایل بو و آیتی بو که در برابزش آویسن ³⁵ و اِده اِسی اندیشی دلای خلی یا آشکار آبو شمشیری آ قلیپ تو فرو آچو ³⁶ در آنکه نبیه ای زندگی شَکه دِته فُئوئیل از قبيله اُشتر که خلی سالخورده آند ختا پس از هفت سال زنا شویی شوش از دَسشش دِشن ³⁷ و تا هشتاد چار سلگی بیوه آند آته هیچوقت معبد ترکش ناکه شو و روز آ دعا و عبادت مشغولند . ³⁸ ختا آمی موقع آ جلو آند و خدا را سپاس اُشگت با همی کیسیای که چشم انتظار رها بُدی اورشلیم آندن در بازی عیسی گُش رت ³⁹ چون یوسف و مریم آیین شریعت خداوند شا جا آو آ شهر خوت ناصره واقع آ جلیل واگشتن ⁴⁰ آته یچ رُشد شَه که و قوی آیس آته پُر از حکمت آند فیض خدا بر آته قرار اُشن ⁴¹ تنه و بوا عیسی هر سال بَری عید قَصَح آ اورشلیم اُچدن ⁴² چون عیسی دوازده ساله بُشن آ رسم عید آ اورشلیم چِدن ⁴³ پس از تموم بُدی عید آ واگشتن که عیسی نوجوان در اورشلیم و اُمند اما تته و بواش شو نَقَمی ⁴⁴ فکر شا که در کاروان اِسی یکرور که بیس آ دُم عیسی گشتن و چون پیداشونیکه آ قوم خیشیا و آشنایا شو پُرسی ⁴⁵ و چون پیداشو نیکه آ اورشلیم واگشتن ⁴⁶ پس از بیه زَر آته در معبد شو واجو آ میون معلمیا اُداسون و آ حرف اِدیا گُش شَه دا و از آتیا شَه پُرسی . ⁴⁷ هر که حرفیای آته شَه شُفت از فهم آته و جوابیایی که شَه دا در تعجب آند ⁴⁸ چون تته و بواش آنکه شو بینا شگفت رده بُدن تیش آ آتش گُت پُشم چوا اِندت که بوات و مه با نگرانی زیاد آ دُم تو اُندم ⁴⁹ چوا آ دُم مه آندی مَگه تو ناَقَمی که مه آ خوتی بوام یم ⁵⁰ اما آتیا معنی اِ حرفیا که شَه اِدیا گُت شو نَقَمی ⁵¹ پس با اِدیا آ راه گت و اناصره چو و مطیع اِشو بیس اما تیش تمامی اِ امور شَه خاطر آسپُرد ⁵² و عیسی در قامت و حکمت و محبوبیت آ پلو خدا و مردم ترقی شَه که

¹در پانزدهمین سال فرمانروایی تیربوس قیصر، موقی که پنتیوس پلائس والی یهودیه آند هیردیس حاکم جلیل، برادرش فلیپس حاکم ایتوریه و تراخونیتیس، لیسانیوس حاکم آپلینی،² و حنا و قیفا کاهنهای اعظم آندین کلام خدا در بیابو آ یحیی، پسر زکریا نازل بیس³ یحیی آ سرتاسر نواحی اردن اچو و آ مردم موعظه شه که بزی آموزش گناهی خوت توتیه بکین و تعمید یگرن⁴ در این باره در کتاب اشعیای نبی آنده که ندای آته که در بیابو فریاد آرن راه خداوند آماده بکنی طریقیای آته هموار بکنی⁵ آمی دره با پرو آمی کوبا و تپیا پست آین ربابی کج راست و مسیریای ناهموار هموار آبو⁶ آمی موقع تمامی بستر نجات خدا را آیین⁷ یحیی خطاب آ جماعتی که بزی تعمید گیرته آ پلو آته داندین شه گت آی آفعی زادیا که شه شما هشدار دا که از غصبی که در پیش اسی یگریزی؟⁸ پس ثمرات شایسته توتیه بیاری و با خوتو مگوی که بوای آ ما ابراهیم اسی چون آ شما آگوام خدا قادر اسی از ا سنگیا یچیا بزی ابراهیم پدید بیاره⁹ آلان تپیشه بر ریشی درختاشو تده هر درختی که میوی خش نیده بیده آبو و در آتش پسته آبو¹⁰ جماعت از آته شو پرسی پس چو بکنم¹¹ پاشخش دا آته که دو جقه آشیه یکی را آ آته که آشنی آده و آته که خوراک آشیه نیز آنده بکن¹² خراجگیرا آندین تعمید یگرن آتیا از آته شو پرسی آما چه بکنم¹³ آیدیا آشگت پیش از انداره مقرر خراج مدی¹⁴ سربازیا از آته شو پرسی آما چو بکنم؟ آشگت به زور از کسی پول مگیری و آ هیچ کس افترا مزی و آ مزد خیش قانع بی¹⁵ مردم با اشتیاق در انتظار آندین با خوت فکر شا که آیا ممکن اسی یحیی آمی مسیح بو جواب¹⁶ یحیی آ آمی آدیا آند قه شما را با آو تعمید آدیم اما کسی توانتر از مه دا که حتی شایسته نیسیم بند تعلیش باز بکنیم آته شما را با روح القدس و آتش تعمید آده¹⁷ آته کج بیل خش شه دس باره تا خرمنگاه خش پاک آکن و گتم در انبار خش ذخیره آکن اما کاه را در نش خاموش بده آشخه¹⁸ و یحیی با اندرزیای زیاد آ مردم بشارت شه دا¹⁹ اما چون هیرودیس حاکم، در بازی هیرودیا رن کاکاش و نیز شیرازیای دگه که اش کردین از یحیی تویخ بیس²⁰ آته آ زندان گت آنده آند که خطایی آ خطای دگه خوت افزوده بیس²¹ موقی که آمی مردم تعمید شا گرت و عیسی هم تعمیدش گرتیش دعا شه که آسمو باز بیس²² و روح القدس آ شکل جسمانی مپ کیوتری آ آته شه و ندایی از آسمو رسی که تو پس محبوب مه ایش و مه آ تو خوشنودم²³ عیس حدود سی سالیسن که خدمت خش آغازش که آته آ گمون مردم پس یوسف، پس هلی،²⁴ پس متات، پس لاوی، پس ملکی، پس پنا، پس یوسف،²⁵ پس متاتیا، پس عاموس، پس ناحوم، پس جسیلی، پس تجی،²⁶ پس ممت، پس متاتیا، پس سیمعین، پس یسیک، پس یهودا²⁷ پس یوحنا، پس ریسا، پس زروبایل، پس شیلثیل، پس نیری،²⁸ پس ملکی، پس آدی، پس قوصام، پس المادام، پس غیر،²⁹ پس یوشع، پس العازار، پس یوریم، پس متات، پس لاوی³⁰ پس شمعون، پس یهودا، پس یوسف، پس یونام، پس الیاقیم،³¹ پس ملیا، پس منا، پس متاتا، پس ناتان، پس داوود،³² پس یسا، پس عوبید، پس بوغز، پس ستلمون، پس تحشون، پس عمیناداب، پس رام، پس حصرون، پس فرص،³⁴ پس یعقوب، پس اسحاق، پس ابراهیم، پس تارح، پس ناحور،³⁵ پس سروج، پس رعو، پس فلیج، پس غیر، پس شلح³⁶ پس قینان، پس آرفکشاد، پس سام، پس نوح، پس لکم،³⁷ پس متوشالچ، پس حنوخ، پس یارد، پس مهللئیل، پس قینان،³⁸ پس آنوش، پس شیت، پس آدم پس خدا

¹ عیسی پراز روح القدس اند از رود اردن آ واگشت و روح آته آ بیابو هدایت اُشکه² در آنکه ابلیس چهل رُز آته وسوئش که در آته رُزیا چیزی اُش یخه و آخر آته رُزیا گرسنه ییس³ پس آ آتش گت آگه پس خدا اییش آ سنگی یگو نو پیش⁴ عیسی جواب اُشدا نوشته بده که انسان تنها آ نو زنده نی⁵ سپس ابلیس آته آ جای بلندیش بو و آمی موقع تمومی حکومتیای دنیا شه نشو دا⁶ و اُشگت مه هَمی ا قدرت و تمام شکوه اِذیا آ تو اُتخیشم چون که آ مه بیپرده بده و اجاره اُمه آته آ هر کی که موی آدیم .⁷ پس آگه آ پیش مه سجده بکیش اِذیا بَری تو آبو⁸ عیسی جواب اُشدا نوشته بده خداوند خدای خوت پَترس و تنها آته عبادت بکن⁹ آمی موقع ابلیس آته آ شهر اورشلیم اُشو و آ بَری معبد قرار اُشدا و اُشگت آگه پس خدا اییش خوت آ زیر اوبی¹⁰ چون نوشته بده درباری تو آ فرشتای خوت فرمان اِده تا نگهبانای تو یں¹¹ آتیا با دسیاشو تو ته گِرن یکیه پات آ سنگی بخری¹² عیسی جواش دا گته بده خداوند خدای خوت را میازما .¹³ چون ابلیس آمی ا وسوئیا تمومش که تا مدتی از آته جدا ییس¹⁴ عیسی آ قوت روح آ جلیل واگشت و خَبر آته آ سراسر آته نواحی پیچی¹⁵ آته در کینستیا تعلیم شه دا و هَمه آته ستایش شا که¹⁶ پس آ شهر ناصیره که در آته گپ بُشن چو و در رُز شبات طبق معمول آ کینسته اُند و بلند واُییس تا تلاوت بکن¹⁷ طومار اشعیای نبی شا آته دا چون آته بازش که قسمتی اُش واجو که آکو¹⁸ روح خدا بر مه اسی چون مه مسخیش کیده تا فقیرا بشارت آدیم و مه اُش فرستده تا اسیریا را رهای آدیم و بینای را آ کوربا اعلام بکنیم و ستم دیدیا را رهای آدیم¹⁹ و سال لطف خداوند را اعلام بکنیم²⁰ پس طومازش پیچی و آ خادم کینستش دا و شه اُمه در کینسته چیش شو آته اُند .²¹ آ موقع ا گپی آغاز اُشکه اُز ا نوشته موقی که گش تا دا جامع عمل اُش پوشی²² اُمه از آته خَش شا گت و از گتی فیض آمیزش در شگفت آیدن و شا گت ا پس یوسف نی²³ عیسی آ اِذیا اُشگت ، ا مَلّی بَری مه آگوی ا طیب خوت شفا اِده هر چه مو شُغفیه در کفر ناحوم اُنکرده اِنکه در زادگاه خوت انجام اِده²⁴ پس اُشگت آمین آ شما آگوام که هیچ پیامبری در دیار خُش پَدرفته نابو²⁵ یقین یدتی که در زمان ایلپا آسمو سه سال و نیم بَسه ییس و خُشکسالی سختی تمام آمی سرزمینی اُشگرت بیوه زبای زیادی در اسرائیل آیدن²⁶ اما ایلپا آ پلو هیچ کُدم فرستاد ییس مگه آ پلو بیوه رَنی در شهر صرفه در سرزمین صیدون²⁷ در زمان الیشع نبی جذامیای زیادی در اسرائیل آیدن ولی هیچکدوم از آتیا از جذام خوت پاک نیذه مگهنعمان سربانی²⁸ آمی موقع آمی کسای که در کینسه آیدن از گتی ا حرفیا اشفته بُدن²⁹ و بلند واُیدن آته از شهر شا در کنشی و آ لَبی کوهی که شهر در آنکه بنا بُشن شو بو تا از آنکه شه زیر اوتین³⁰ اما آته از بینشو رد ییس و چو³¹ پس عیسی از کفرناحوم شهری در جلیل چو و در رُز شبات آ تعلیم مَرْدُم مشغول ییس³² آتیا از تعلیم آته در شگفت آیدن چون در کلامش اقتدارن³³ اما در کینسته مَرْدی دیو رَده اُند که روح پلیدی اُشن آته با صدای بلند اُشگت³⁴ آ عیسی ناصری تو آ ما چه کری آته ؟ اُنْدیش نابودمو بکیش اقمم که اییش تو قدوس خدا اییش³⁵ عیسی آ روح پلید تهیب اُشَرْت و اُشگت خاموش بش و از آته آ در یدا آمی موقع دیو آته مَرْدو آ جلو مَرْدُم اَرْمی رت بدون آسیبی آ آته پَرسه³⁶ از آته آ در اُند مَرْدُم اُمه شگفت رَده آ یک دِگه شا گت ا چه کلامی اسی آته با اقتدارو قدرت آ روح پلید قَرمو اِده و آ در داان³⁷ اِنده اُند که خبر کاریای آته آ سرتاسر نواحی پیچی³⁸ آمی موقع عیسی کینسته تَرک اُشکه و آ خوتی شَمعون چو و اما مادر رَن شمعون تو³⁹ {تَب} سختی اُشند آ عیسی اُشگت کمکش بکن³⁹ آته آ بالین وی خم ییس و آ تو {تَب} تهیب اُشَرْت و توش {تَبش} قطع ییس و آته با عجله بلند واُییس و مشغول پذیرایی از آتیا ییس⁴⁰ موقع مغرب آمی کسای که بیمارای مبتلا آ مرضیای گوناگون شو اُند آ پلو عیسی شو آو و آته آ یک به یک آتیا دَس اُشنا و شفا شو اُشدا .⁴¹ و دیوبا از خلیا آ در دانین و فریاد کُنان شا گت تو پس خدا اییش اما آته آ آتیا تهیب شه رت و اُشنا اِشت حرف یَزین چون شا قَمی مسیح اسی⁴² صُب و گه عیسی آ مکانی دور افتاده چو اما مَرْدُم شه دُم اگشتین و چون آ جایی که اُند رَسیدن تلاش شا که که نیچو⁴³ ولی آتش گت مه باید پادشاهی خدا را در شهرای دِگه بشارت آدیم بَری آمی فرستاده بُسیم⁴⁴ پس آ موعظه در کینستیا یهودیه اِدامش دا

¹ یک ژر عیسی آ کنار دریاچه جنیسارت و بیسیشن و جمعیت از هر طرف اش آته ازدحام شا که تا کلام خدا را یشتون ² کنار دریا دو قایق اُشبینا که صیادیا از آته آ در داندین مشغول شستی توری یاشو آندین ³ پس آ یکی از آتیا که مال شمعون آند سوار بیس و شه آته گت قایق را ا قد دکو از ساحل دور بکن پس خُش آ قایق شه و مردُم را تعلیم اُشدا ⁴ چون حرفیاش توموم بیس آ شمعون اُشگت قایق را آ جای عمیقتر بو بو و توریا بتری صید مای {ماهی} آ آو اوتی . شمعون اُشگت استاد آمی شو تلاش مو که و چیزی مو نِگرت اما چون تو آگواش توریا آ آو آبییم ⁶ و اِنْدِشو که اِقد مای {ماهی} شو گرت که چیزی یواُفندیش توریا پَره ببو . ⁷ اِنْدِه بیس که آ دوسای خوت آ قایق دِگه با اشار شو گت تا آ کَمکِشو بین آتیا آندین و هر دو قایق پُر مای {ماهی} شو که چیزی یواُفندیش که در آو فرو اُچن ⁸ چون شمعون بطرس اِیش بینا آ پای عیسی کین و شو گت آی خداوند از مه دور پیش چون مردی گناهکارم . ⁹ چه خُش و همراهی یاش از اِ واقع آی صید مای شِگفت رَدِه آندین . ¹⁰ یعقوب و یوحنا پُسیای زیدی، که همکارای شمعون آندین اِ حالی شو آند . عیسی آ شمعون اُشگت ، مترس از اِ به بعد مردُم را صید اُگیش ¹¹ پس آتیا قایقیای خُشو آ ساحل شو بو و آم چی ترک شو که آز پی آته رواته بُدین ¹² رَز دِگه که عیسی آ یکی آ شهریا آند مردی آند که جزام آمی بَدَنش اُشگرتسون چون عیسی اُش بینا ستر آ خاکش نا و التماس اُشکِه و اُشگت سترور مه آگه اُت یوئ شتا پاکُم بُگیش ¹³ عیسی دَس خُش دراز اُشکِه و آته لمشش که موی ، پاک پیش آمی موقع جدانش ¹⁴ سپس آ آته گت آ کسی چیزی مگو بلکه برو خوت آ کاهن یشو آده و بتری تطهیر خوت قربانی یای که موسی آمر اُشکرده تقدیم بکن تا بتری آتیا گواهی بو ¹⁵ با اِ هَمه ، خبرکارای آته بیشتر پَخش اُیس جماعتیای زیادی گرد داندین تا شُخنباش یشتون و از بیمارای خُشو شفا پیدا بکن ¹⁶ اما عیسی اغلب آ جایای دور آچو و دعا شه که ¹⁷ رُزی از رُزیا عیسی تعلیم شه دا و فریسیا و معلمای شریعت از هَمی شهرای جلیل و یهودیه و از اورشلیم اُندیشش و آداسین و قدرت خداوند بتری شفای بیماریا با آته آند ¹⁸ یک کشی چند تا مرد از راه رسیدن که مفلوجی را آ روی دُشکی حمل شا که اِدْبا تلاش شو که آته آ داخل خوته بُیرن و مقابل عیسی اُبین ¹⁹ اما چون جمعیت زیادن راهی پیدا شو بکه اُپشت بو چدن و از میون سفالیا مفلوج را با دُشکش آ زیر شو فرسا و میون جمعیت آ روبرو عیسی شو نا ²⁰ چون عیسی ایمان اِدْبا اُش بینا اُشگت آی مرد گنایای تو اُمرزیده بیس ²¹ اما فریسیا و علمای دین با خوت فکر شا که اِ که اِسی که کفر آ گتی ؟ چه کسی جز خدا ششا گناهیا رو پَخشیه ²² عیسی اُش قَمی چه فکر اِکرداین و اُش پُرسی چو اِ در دل خوت اِ فکر آ کردی شو گت ²³ کدوم یکی آسوتتر اِسی گنات اُمرزیده ببو یا اِده که بلند و ایش و آ راه اُچش ²⁴ آلا یَقَمی که پُس انسان آ رَمی اقتدار اُمرزش گنایا اُشبه آ مرد مفلوج اُشگت آ تو آگوام بلند و ایش دُشک خوت واسی و آخونه برو آمی موقع مردو آ مقابل اِدْبا و یسا مچینیای که آ روی آته ختیش اُش وایسه و خدا را حمد گویان آ خوته چو ²⁶ آمه از اِ رویداد آ شگفت بُدین خدا را تمجید شو که در حالی که ترس هَمی وجودشو اُشگرتشن شا گت اِز یک چی شگفت انگیز مو بینا ²⁷ پس عیسی از آته خوتی آ در چو خراجگیری اُشبینا اِسمش لاوی آند که در خراجگاه آداسن شه آته گت از پی مه پدا ²⁸ لاوی بلند و اُبیس هَمه چی ترکش که و از پی عیسی چو ²⁹ آته آ خوتی خُش ضیافتی گپ آ افتخار عیسی برپاش که و جمعیتی گپ از خراجگیریا و مردُم دِگه با آتیا آ ستر شفره شین . ³⁰ اما فریسیا و علمای دین که از فرقی آتیا آندین شکوه کنان آ شاگردای عیسی شو گت چو با خراجگیریا و گناهکارا اُخرودی و اُنوشیدی ؟ ³¹ عیسی اُشگت بیماریا اِین که آ طبیب نیازشو اِ نه تَن دُرسیا . ³² مه نیونبیم تا پارسایا بلکه گناهکارا اِ توبه دعوت بُکیم ³³ شُ آته گت شاگردای یحیی اغلب روزِه اِگرن و دعا اُکین شاگردای فریسیا اِنْدِه اِین اما شاگردای تو آمیشه در حال خَرده و نوشیدین ³⁴ عیسی جواب اُشدا آبا بو مهمونیای عروسی تا موقی که دَما با آتیا اِسی آ روزِه بگه پَدَرن ؟ ³⁵ اما موقی آریسه که دَما از اِدْبا گرتَه ببو در آمی ایام روزِه اِگرن ³⁶ پس اِ مثلی بتری اِدْبا شا آو هیچ که یکی از جَمی نو نائله تا آته آ جَمی کُته وصله یزن چون آگه اِنْدِه بکن اِم جَمی نو پَرش کَریده آم لک نو بر جَمی کُته وصلی اِسی ناجور ³⁷ کسی شراب نو آ مَشکیای کُته نالِزه چون آگه اِنْدِه بکن شراب نو مَشکیا پَره اُگن و شراب آریزه و مَشکیا تباه اِین ³⁸ شراب نو را در مَشکیای نو باید پَرین و ³⁹ کسی پس از خَرده شراب کُته خواستی شراب تازَه نی چون آگوان شراب کُته پتر اِسی

¹ در یکی از رُزبای شَبات عیسی از میون مزارع گَنَم رد آئیس و شاگردیاش خوشبای گَنَم شا چی و آ دَس شا سوآنا و شا حَه . ² اما چند تا از قریسیا شا گُت چو ا کاری آکِرْدی که در رُز شَبات جایز نیسی ؟ عیسی اُشگت مگه ئیخندِه که داوود چوش کِرده آمی موقی که خوت و یاربایش گُشته آندِن ⁴ آ خوتی خدا چِدِن و نو { نان } تقدیمه اُشوایسه و اُش حَه و آ یاربایش اُشدا هر چند خردی آته بَری کاهنیا جایز اِسی ⁵ و در اداقه اُشگت پَس انسان صاحب شَبات اِسی ⁶ در شَبات دِگه آ کنیسه اُند و تعلیم اُشدا مردی آنکه اُند که دَس راسش خُشک بُشن . ⁷ علمای دین و قریسیا عیسی را زیر تَطر بارشَن که ببینن در رُز شَبات شفا آده یا نه چون در پی دس آویزی آندِن تا آ آته اِتهام یَرنن . ⁸ اما عیسی که از افکارشو شَه قَمی آ مَرِد خشک دَشش گُت وارو آ بَرابر آمه وِیسا آته بلند وائیس و وِیسا ⁹ عیسی آ آتایش گُت کدام یکی در رُز شَبات روا اِسی خُشی یا بَدی ؟ نجات جون انسان یا نابود کِرْدی آته ؟ ¹⁰ پَس چِش آ جانب یکی یکی اِداش گِرْدنا پَس شَه آته مَرِد گُت دَشت دراز بُگن اِندیش که و دَشش سالم بُیس . ¹¹ اما آتیا خِلی خشمگین بُدِن و با یَکدِگه آ مشورت بشینن که با عیسی چو بُگنن یکی از آمی رُزبای عیسی بَری دعا کِرْد آ کوه چو و شو تا صُب آ عبادت شَه ¹³ صبح زود آ شاگردیاش اُش گُت بی و آ میون آتیا دوازده تن انتخابش که و آ اِدا رسول اُشگت ¹⁴ شَمعون که آ آته پَطْرُس اُشگت ، آندریاس { برادر پطرس } ، یوحنا ، فلیپس ، برتولما ، ¹⁵ متی ، توما ، یعقوب پَس حلقای ، شمعون معروف آ غیور ، ¹⁶ یهوذا پَس یعقوب ، و یهوذاي آسخریوطی که آ آته خیانتش که ¹⁷ عیسی آمزی آتیا آ زیر اُند و در مکانی هَموار وِیسا بسیاری آ شاگردیاش و انبوهی از مَرْدَم از سرتاستر یهودیه اُرشلیم و آ شهرهای ساحلی صور و صیدون آنکه آندِن آتیا اُندِشِن تا شُخنیای آته یِشُون و از بیماریای خوت شفا یِگرن . ¹⁸ و کِسیای که ارواح پلید آزار شَه دا شفا شاگِرِت ¹⁹ مَرْدَم آمه شا وس آته لَمَس بُکِن چون نیرویی از آته آ در دان که آمه شفا شا گِرِت ²⁰ آمی موقع عیسی آ شاگردیاش یَگاه اُشکه و اُشگت خوشبحال شمایا که فقیر اِسی چون پادشاهی خدا از آن شمایا اِسی . ²¹ خوشبحال شمایا که آلا گِرسته اِسی چون سیر آبی ، خوشبحال شمایا که آلا گریان اِسی چون خَته اُکُنی ²² خوشبحال شما آمی موقع که مَرْدَم بخاطر پَس انسان آ شما نفرت آگِرِن و شما را از جَمع خوشو آ در بُکِن و دشنام آدِن و بدنام بُکِن ²³ در آته رُز شادی و پایکوبی بُکِنی چون پاداشتو در آسمو عظیم اِسی آمِد که بوابیای آتیا با پیامبریا اِندِشو که ²⁴ اما وای آ شمایا که دولتمندی چون که تسلی خوت تو واجِیسه . ²⁵ وای آ شمایا که آلا سیر اِسی چون گُشته آبی . وای آ شمایا که آلا خوشحال اِسی چون ماتم آگری و زاری اُکُنی ²⁶ وای آ شمایا که آمه رَبو آ ستایشنو باز بُکِن چون بوابیای آتیا آم آ پیامبرای دروغی اِندِشو که ²⁷ آ شمایا که آ گُش آ ددوی آ شمایا اُکُنایم که دشمنیای خوت محبت بُکِنی و آتیا که از شما نفرت شو اِ خُشی بُکِنی . ²⁸ بَری هر که نفرین تو اُکِن برکت بطلبی و هر که آزارتو آده دعای خیر بُکِنی ²⁹ آگه کُسی آ گوئی تو سبلیش رت گوئی دِگَم شاد یَرن آگه کِسی ردا ت شَه وی واسی جَمتم از آته آده ³⁰ آگه کُسی از تو چیزی شَه وس آ آته آده ، و آگه مال تو عَصَب بُگن از آته قواسی ³¹ با مَرْدَم آمِد رفتار بُگن که ث ا با تو رفتار بُکِن ³² آگه تنها آتیا محبت بُکِنی که آ شما محبت شو کِرده چه برتری ث ا ؟ حتی گناهکاربا دوسدار بای خُشو محبت آکِن . ³³ و آگه فقط آ کِسیای نیک بُکِنی که آ شما نیک بُکِنی چه برتری ث ا ؟ حتی گناهکاربا اِنده آکِن . ³⁴ و آگه فقط آ کِسیای فرض آدی که امید عوض از آته ث ا شما را چه برتری اِسی ؟ حتی گناهکاربا نیز آ گناهکاربا قرض آدِن تا رُزی که از اِدا واسِن ³⁵ اما شما دشمنیاتو محبت بُکِنی و آتیا نیک بُکِنی و بدون امید و عوض آ اِدا قرض آدی چون پاداشتو گِب اِسی و پچای آته متعال آبی چون آته با ناسپاسیا و بدکاریا خُش اِسی . ³⁶ پَس رحیم بی چون بوای شما رحیم اِسی ³⁷ دوا ری مَکُنی تا آ شما داوری نیو محکوم مَکُنی تا محکوم نیی یَبخشی تا بَخشیده بیی ³⁸ آدی تا آ شما دَده بیو پیمائی پُر ، فِشَرْدِه تَکون آده و لبریز آ دامتو رَحته آبو چون با هر پیمائی که آدی با آمی پیموته آ شما دَده آبو ³⁹ اِ مَثلی برانشو شا آو آیا کور شَه شا عصا کِش کور دِگه بیو ؟ آیا هر دو شو آ چاه ناکون ؟ ⁴⁰ شاگرد برتر از استاد خوش نی اما هر که تعلیم و تربیتش آ کمال یَریسه مثل استاد خوش آبو ⁴¹ چو ا پَر کاهی که آ چِشِه کاکات آبینش اما از چوبی که آ چِشِه خوت غافلش ؟ ⁴² چطور تَشا آ کاکات یَگواش کاکا اوینس پَر کاه از چِشت آ در بیارم ولی چوب آ چِشِه خوت نابینش ؟ ای رباکار اول چوب از چِشِه خوت آ در بیا آمی موقع یَتر آبینش تا پَر کاه آ چِش کاکات آ در بارش ⁴³ هیچ درخت خُشی میو بد آ بار یداره و هیچ درخت بدی میو خُش ناده ⁴⁴ هر درختی از میوَش تَشا اُش یَشناییش اُت ناشا از بوئی خار انجیر یَچینش و نه از بوئی تمشک انگور ⁴⁵ آدم خُش از از خزائی خُش دِل خُش خُشی داره و آدم بد از خزائی بد دِل خُش بدی چون رَبو از هر چی در دل اِسی حرف آرن ⁴⁶ چو ا که آمه سَرورَم سَرورَم آگوی اما هر چه آگوام عمل ناکُنی ⁴⁷ آته که آ پلو مه دا و خَرُفم اُشُوِه و آ آته عَمَل اُکِن اُشما نیشو آدیم مِث که اِسی . ⁴⁸ آته مِث کِسی اِسی که بَری بنای خوتش رَمی را گود اُکِن و پی خوتش آ صَخره آیینیه چون سَبیل بیا و سیلاب آ آته خوته هجوم بو بوی اُش ناشا آته تَکون آده چون محکم ساخته بُده ⁴⁹ اما آته که حرفیام اُشُوِه و آ آته عمل ناکُن مِث کِسی اِسی که خوتی بدون پَی آ رَمی اُش ساخته چون سیلاب آ آته هجوم بو بوی آمی موقع آریزه و ویرانی گپی آ جا آیینیه

¹ چون عیسی هَمی حرفیاش آ مردم تموم اُشکه آ کفرناحوم چو² آنکه یک نظامی رومی آند که غلامی اُشند که دوس شه داشت غلام مریض و در آستاتی مرگ آند³ نظامی چون در باری عیسی اُش شُفت چند نفر از مشایخ یهود شه پلو فرسا تا از آتش شو یوی بیا و غلامش شفا آده⁴ آتیا آ پلو عیسی چِدن و خیلی التماس شو که آ آتش گُت اِ مردی سزاوار اِسی اِ لطفی در خُش بُکُنش⁵ چون قوم آما دوسن دَره و کنیسه بَری آماش ساخته⁶ پس عیسی با اِدا چو چون آ تریک خوته رسی فرمانده چن نفر آ دوسپاش اُش فرسا که اُش یگو رَمَت مَکَش چون لایق نبسیم آ زِر سقف مه تیش⁷ یک چی بگو تا خدمت کاژم شفا پیدا بکن⁸ چون که مه کسی اِسیم که آ لشکر بام فرمو آدیم آ یکی آگوام برو آچو و اِیکی دِگه آگوام اِدا ، دا آ غلام خوم آگوام انجام آده انجام آده⁹ عیسی چون اِش شُفت شِگفت رَته بُیس اِ جمعیتی که آنکه آندن اُش گُت آ شما آگوام اِ ایمانی در اسرائیل اُم نیبِشَن¹⁰ . چون فرستادبا آ خوته ریدن غلام حَس بُشن¹¹ چند رز بعد عیسی آ شَهری به اسم ناین چو شاگردبا و جمعیت زیادی شَمَر آندن¹² آ تریکی شَهَر که رسی اُش بینا مَرَدی اُبرداین که یک دوتَه پس پیرزن آند خلیا شَمَر آندن¹³ خداوند اُش بینا و دَلُس سَت و اُشگت گریخ مَکَن¹⁴ آ تریک چو تابوئش لَمَشش که کِسیای که آته حمل شا که وِستِدن عیسی اُشگت ای جوان آگوام بلند و آبش¹⁵ مُردَه راس شه و شروع آ حرف رَتش که عیسی شه ته تَش سِپَر¹⁶ ترس آ تمام آتیا غلبه اُش که و شروع شُکه آ پرستش خداوند و شا گُت پیامبری گپ آ میمن آ ما ظهور اُش کِرده خدا یاری قومش اُنده¹⁷ خیر کار عیسی آ تمامی یهودیه و اطراف چو شاگردبا یحیی از اِ وقایعی آ آته خبر شو دا¹⁹ پس آته شه دو تا شو گُت بی با اِ پیغام شه پلو عیسی فرسا آتیا تو اُمی اِیش که تَوس تیش یا منتظر کِس دِگه بَم²⁰ آتیا آ پلو عیسی آندن و شو گُت یحیی تعمید دهنده آما اُش فرسیده تا از تو پُرسَم آتیا تو اُمی اِیش که شه ویس بیا یا منتظر کَسیدو بَم²¹ در اُمی موقع عیسی خِلی از بیماربا و دردبا و ارواح پلید شفاش دا و نابینا بِناش که²² پس در جواب آتیا اُش گُت اُچی چیزای که تُبَیدَه و تُشَفَته آ یحیی بُکَید که کوربا بینا آین ، لنگبا آ را اِچن جزامبا پاک آین کُریا اُشئون ، مردبا زنده آین آ فقیربا بشارت دَد آبو²³ خوش بحال کسی که بخاطر مه یلغزه²⁴ پس از چَدی فرستادبا یحیی در باری آته حرف اُش رَت و شه جماعت گُت بَری چه چیزی آ بیابو چسی بَری دَدی تی که در باد تَکون آخوی²⁵ بَری دَدی چه چسی ؟ مردی که حَمی لطیف آ بر اَکَن اُنباپی که حَمی فاخر اُتر اَکِن در تَجَمُل زندگی اَکِن در قصرای پادشاهبا اِیین²⁶ پس بَری دَدی چه چسنی بَری دَدی پیامبر ؟ اِ شما آگوام کسی که از پیامبر بَرتر اِسی²⁷ آته اُمی اِسی که در بارش نوشته بده آلا پیامبر خوت پیشاپیش تو اُفرسیم که راه از تر آماده اَکَن .²⁸ آ شما آگوام کسی گَپتر از یحیی زاده بُدَه اما کیدوترین در پادشاهی خدا از آته گَپتر اِسی²⁹ اُمی مَرَدَمی که اِ حرفبا شو شُفتشَن حتی خراجگیربا تصدیق شو که که راه خدا حق اِسی³⁰ اما فرسیبا و علما قبول شو نِکه که آ دَس یحیی تعمید یگرن ارادی خدا رد شو که³¹ عیسی اُشگت ، مَرَدَم اِ نسلی آ چه تُشبی بُکُنم چون چه اِیین؟³² آ پچای که آ بزال آتینو آ یک دِگه ندا آدِن بَری شما نی اُم رَت یزقصیدی نوخم حَند سِبتو یزَت³³ چون یحیی تعمید دهنده اُند که نه نو{نان} آخوی ته شراب آخوی آگوان دیو اُش³⁴ پس انسان اُند که هم آخوی هم اُنوشه که آگوان مَرَدی پُرخور و میگسار اِسی دوس باجگیربا و گناهکاربا اِسی³⁵ اما حکمت و حقانیت آ پچاش آ نبوت اُرسنه³⁶ رزی یکی از فرسیبا بَری خَرَدی غذا دعوت اُشکه پس آ خوتی آته فرسی چو و آ سَر سَفَره شه³⁷ در آته شَهری رَنی بد کازه زندگی شه که چون اُش شُفت آ خوتی فرسی مِمو {مهمان} اِسی طَرفی مَرَمَری پُر از عطر با خُش شاو³⁸ پَشت سَر عیسی گریخ شه که اُپلو پای عیسی وِیسا اُمی موقع با قطرَبای اُشگش پایای عیسی اُش شو و با موباش خُشک اُشکه بعد آ پایاش بوشش رَت و عطراگین اُشکه³⁹ چون فرسی میزبان اِش بینا با خُششش گُت آگه اِ پیامبر اُند شه قَمیس چه رَنی بد کاری اِسی که لَمَس اُش کِرده⁴⁰ عیسی شه آته گُت ای شَمعون مَوی چیزی آ تو بوگوام اُشگت یگو استاد⁴¹ کسی از دو نفر طلب اُش اُند یک نفر پانصد دینار و یکی دِگه پنجاه دینار طلب اُش اُند⁴² اما چون چیزی شُ نی اُند که واپس آدِن بدهی هر دو شو اُش بَخشی به تَطَرَت کدوم بیشتر اُش بَخشی⁴³ شَمعون در جوابش اُشگت آته که بدهی بیشتری اُش اُند بَخشیده بُیس اُشگت دُرسِت اُنگت⁴⁴ اُمی موقع آ رَن اشارش که آ شَمعون اُشگت اِ رَن اِییداش ؟ آ خوتت اُنده تو بَری شَسَی پام آو اُت نیاو اما اِ رَن با اِشکپاش پای مه شو و با گِشش خُشک اُشکه⁴⁵ تو مه اُت نیوسی اما اِ رَن از موقعی اُند آمده پایای مه اُبوسی دای⁴⁶ تو آ سَر مه روغن اُت نِمالی اما آته پایای مه عطراگین اُشکه⁴⁷ پس آ تو آگوام محبت زیاد اُند که بَخشیده بُیس اما آته اُمرزیده بُیس اما آته که کمتر اُمرزیده بُیس کمتر محبت اَکَن⁴⁸ پس روشنه آته رَنو که و اُشگت گناهبا تو بَخشیده بُیس⁴⁹ مِمویا {مهمانان} با یک دِگشو گُت اِ که اِسی که گنایا اُمه اُبخشه .⁵⁰ عیسی شه آته رَنو گُت ایمانت نجات اُشدبیش سلامت برو

¹ پس از آمی عیسی شهر به شهر و روستا به روستا آچو و آ پادشاهی خدا بشارت شه دا آته دوازده نفر آم شمره آئین² ونیز تعدادی از زنیای که از ارواح پلید و بیماری شفا پیداشو کردسون مریم معروف آ مجدلیه که از آمی هفت دیو اخراج بشن³ یوانا شو {شوهر} خوزا مابشر هیرودیس سوسن و بری از زنیای دگه دارایی خوشو بری رفیع نیازای عیسی و شاگردیاش تدارک شا بینا⁴ چون مردم از آمی شهرای مختلف بری ددی عیسی داندن و جمعیت خیلی زیادی دور هم جمع بشن⁵ آته ! مثلی اشگت رزی برزگری بری پاشیدی بدر خُش آ در چو چون بدر شه پاشی یک کمیش آنک راه لته بیس و لگدمال بیس و پرندای آسمو آتیا شو خه⁶ یک کم دگش آ لو سنگلاخ کت وقتی رُشد اشکبه خُشک بیس چون رطوبتی اُش نیان⁷ بعضیاش آ میون خاریا کت خاریا با آته رُشد شو که آتیا خقه شو که .⁸ بعضی آ رمی خُش کین و رشد شو که و صد برابر بُدن چون ایش گت ندا اُشدا هر که گش شنوا اُشبه پشُتفه⁹ شاگردیا معنی ! مثلی شو پُرسی¹⁰ اشگت درک رازیای خدا آ شما عطا بده اما با کسیای دگه در غالب مئل سخن آگوان تا نگاه بُکین اما نبین پشُتفن اما یقین¹¹ معنی ! مثلی اِده اِسی که بدر کلام خدا اِسی .¹² بذریای که آ یک راه آکون کسیای اِسن که کلام آشنوفن اما شیطان دا آته از دلشو آواسی تا شو ینشا ایمان بیارن و نجات پیدا بُکین¹³ و بذریای که آ یک سنگلاخ کته کسای اِسن که کلام خدا آشنوفن آته با شادی آپزیرن اما ریشته شو نی اِذا زمان کمی ایمان دارن اما وقتی آزمایش این ایمان خُشو از دس آدن¹⁴ بذریای که آ بین خاریا آکون کسیای اِسن آشنوفن اما چون اچن نگرانی ها ثروت و لذات زندگی خقه شا کن و ثمر نآدن .¹⁵ اما بذریای که آ رمی خُش آکون کسیای اِسن که کلام را با دلی پاک و خُش آشنوفن و آته نیکه آدرن و پایدار آ وامین و ثمر آدن¹⁶ هیچ که چراغ روشن ناکن که سریوش شه لو اِنیسه یا آته آ زیر تخت اِنیسه بلکه چراغ آ چراغدان اِنیسه تا هر که دا روشنایش بیینه¹⁷ چون هیچی پنهنون نی که آشکار نبوو هیچی چیزی پنهنون نی که معلوم وهوبدا نبو¹⁸ پس دقت بُکنی چطر آشنوفی چون به آته که اُشبه بیشتر آده و آته کیش نبو آمی که فکر آکن اُشبه سز گرته آبو¹⁹ در آمی موقع تنه و برادرای عیسی آدن تا اُش بیین اما جمعیت زیاد آند که شو نشیس آ آته تریک بین²⁰ پس به آته خبرشو دا که تنه و برادرای آدر ویشسین و شا وی اُت بیین .²¹ در جواب اشگت تنه و برادرای مه کسیای اِسن که کلام خدا آشنوفن و آ آته عمل ناکن²² رزی عیسی آ شاگردیای خُش اشگت آ آندی دریاچه اچم پس سوار قایق بُدن و آ پش چدن²³ و چون آچدن عیسی آ خو {خواب} چو یک کنشی تند بادی آدریا اُش وزیدطوری بیس که قایق از آو پر بیس و جوشو {جانشان} آ خطر کت²⁴ شاگردیا آ پلو عیسی چدن و بیدار شیکه و شو گت آی استاد آی استاد چیزی یواونده غرق یتیم عیسی بیدار بیس و آ باد و امواج خروشان تهیب اُشدا طوفان فرو نیه و آرامش برقرار بیس²⁵ پس آ اِذا اُش گت ایمانتو آ کچده ؟ شاگردیا با بُهت و وحشت از یکدگه شا پُرسی ! که اِسی که حتی آ باد و آو {آب} قرمو آده و از آته قرمو اُبرن²⁶ پس آ ناحیه جراسیان رسیدن که آته طرف دریا مقابل جلیل قرار اُشن²⁷ وقتی عیسی آ ساحل قدم اُش نا مردی دیو رته از مردمیای آته شهری آ آته برخورد اشکبه که لباس شه تر نبین و نیکه خوتی زندگیش نیکردن بلکه آ یک قبربا زندگی شه که²⁸ چون آته عیسی اُشینا نعره اُش رت و آ پایاش کت و باصدای بلند داد شه رت آی عیسی پُس خدای متعال تو با مه چه کری آته تمنا آیه عذابم مده²⁹ چون عیسی آ روح پلید دستور اُش دایشن از آته آدر بیا از آته آ در پدا آته روحی بارها آتش گرتین با اِده که دس و پاش آ رنجیر شا بس و از آته نگهبانی شا که بندیا پره {پاره} شه که و دیو آته آ جایای نامسکون شه بو³⁰ عیسی از آته اُش پُرسی اِسم تو چی ؟ اشگت ، "لژیون" چون دیویای زیادی آ دروُش آند .³¹ آتیا التماس شو که آ عیسی شو گت دستور مده آ هاوپه اچن³² در تریکی آنکه گلی گپ خوک آدن که در دامتی تپه مشغول چرا آدن دیو با از عیسی خواهش شو که اجازه آدها درون خوکا اچن و آته اجازه دا³³ پس دیو با از آته مردی آ در آدن و درون خوکا چدن و خوکا از ساشیبی تپه آ درون دریا هجوم شو بو و غرق بُدن³⁴ چون خوکبایا اِشو بینا فرار شو که و در شهر و روستا ماجرا تعریف شو که³⁵ پس مردم آ در آدن تا آمی که روی اُشده بینن چون آ پلو عیسی رسیدن آته مردو که دیو با از آته آ در آندیشن جَمَش بر کُردن و عاقل آ پش پای عیسی آداشن تریبیکسیای که ماجرا با چش شُ بینیشن بری اِذا شگوت³⁶ که مرد دیو رت چطور شفا پیداش کُرد³⁷ پس هَمی مردم ناحیه جراسیان از عیسی شو خواست از پششو آچو چون خیلی تریبیدشین آن آ سوار قایق بوس و چو³⁸ مردی که دیو با از آته آ در آندیشن از عیسی اُش خواس که با آته بو اما عیسی آته رواش که و اشگت³⁹ آ خوتی خُت برو و هرچه خدا سزور کُردیش یگو پس چو و در سرتا سر شهر اعلامش که عیسی سزور جوش کُرده⁴⁰ موقعی عیسی واگشت مردم از آته به گرمی استقبال شیکه چون آمه چش به راش آدن⁴¹ در آمی موقع مردی بنام یایروس که رئیس کنیسه آند آند آ پای عیسی کت و التماس اشکبه آ خوتش آچو⁴² چون تنها دُش که حدود دوازده سال اُشند در حال مرگ آند موقعی که عیسی در راه آند جمعیتی زیاد تر آته هجوم شا داو⁴³ در آمی میان رنی آند که دوازده سال دچار خونریزی آند با اینکه تمام دارایی خوش صرف طبیبیاش کُردن آته⁴⁴ از بُشت ستر آ عیسی تریک بیس و گوشه ی رداش لَمس اشکبه آمی موقع خونریزش قطع بیس⁴⁵ پس عیسی اشگت که مه لَمشش که ؟ آمه انکار شو که پطرس اشگت استاد مُردم از آمه طرف احاطه شو کُردیش و آ تو ازدحام دارن اما⁴⁶ عیسی اشگت کسی مه لَمس اشکبه چون اَمقمی نیرویی از مه آدر آند⁴⁷ آته رنو چون اُش بینا اُش ناشا پنهان ببو ترسان و لرزان آ پش آند آ پای آته کت و در برابر هقه اشگت که چرا آته لَمشش کُرده و آمی موقع شفا پیداش کُرده⁴⁸ عیسی آ آتش گت دِته مه ایمانت تو شفاش دِده آ سلامت برو⁴⁹ عیسی آنور خرف شه رت که یکی از خوتی پاپیروس رئیس کنیسه آوند و اشگت دُت مُرد دگه استاد رَحمت مده⁵⁰ عیسی اِدا اُش شُفت آ یایروس اشگت مَترس فقط ایمانت بو دُت شفا پیدا آکن⁵¹ موقعی که آ خوتی یایروس رسی اُش نشت کسی جز پطرس و یوحنا و یعقوب و پدر و مادر دُت با آته آ خوته اچن .⁵² آمی مُردم بری دُتو {دختر} شیون و زاری شا کبه عیسی اشگت گریخ مکنی چون نُمُرده بلکه آ خو اِسی⁵³ آتیا مسخرشو که چونکه شا قَمیس که دُت مُرده⁵⁴ اما عیسی دس دُت {دختر} اُشگرت و اشگت دُت بلند واتش⁵⁵ روح آته واگشت آمی موقع بلند وایس عیسی اشگت آ آته خوراک آدی .⁵⁶ بوا و تنه ی دُتور حیرت آدن اما آته آ اِذا اشگت ! ماجرا آ کسی مگوی

¹ عیسی آتہ دوازده تن آ دور هم قراش خند و آتیا قدرت و اقتدار اُشدا تا آمی دیوبا آ در بُکُن و بیماریا شفا آدین ² و اِدیاش فرسا تا پادشاهی خدا موعظه بُکُن و مریضیا شفا آدین ³ و آ اِدیاش گُت ایچی بَری سفر مَواسید نه چوبدسی نه کولَه بار نه نو نه پول و نه جَمی اضافی ⁴ آ هر خوتی که چدی تا موقع ترکی آنکه آمیکه وامتی آگه مَرْدَم شما یا شو تَیذیرفت موقعی ترکی شَهرشو خاک پایاتو پُتکُن تا شهادتی بر ضد آتیا بو . ⁵ پس آ راه کُتن از روستایی به روستایی دِگه اُچدن وهر جا اُرسیدن پشازت شا دا و بیماریا شفاشا بَخشی ⁷ و اما خبر اِ وقایع آ گُش هیرودیس حاکم رسی هیرودیس حیرون و سترگردو اُند چون بعضیا شا گُت عیسی آمی یچی اِسی که از مُردگان بلند واید ⁸ بعضیا شا گُت ایلیا ظهور اُشکیده و بعضیا شا گُت پیامبرای قدیم زنده بیده ⁹ اما هیرودیس شه گُت ستر یچی مه از تن جدام که . پس اِ کِ اِسی اِ چیزیا دربارش اُشئفم و تلاش شَکِ تا عیسی اُش بیینه ¹⁰ چون رسولیا واگشتن هر چی شو کِردن بَری عیسی شو گُت آمی موقع عیسی آتیا اُش وایسه آ شَهری بنام بیت صیدا اُش بو تا آمیکه تنّا {تنها} یَن ¹¹ اما خلیا شو قَمی و سَمراً اُندن عیسی نیز اَنیاش اُش پذیرفت و با اِدیاز پادشاهی خدا حرف اُش رت و کسای که نیاز شا درماتن شفاش دا ¹² موقع غروب آتہ دوازده نفر آ پَلو عیسی اُندن و شو گُت جماعت را مُرخص بُکُن تا آ روستا و مزارع اطراف اُچن بَری خُشو غذا و سریناه تَهِیه بُکُن چون اِنیکه مکانی دور افتاده اِسی ¹³ عیسی در جواب اُشگُت ، شما خُتوا اِدیاز غذا اُدی شُگُت اما جز پنج نان و دو ماهی چی دِگه مونی مگه اِنیکه اُچم و بَری آمی اِ مَرْدَمی خوراک یُخلم ¹⁴ در آنکه حدود پنج هزار مُرد اُندن عیسی آ شاگردیاش خُش گُت مَرْدَم را اِ گروهیای پَنجاه تفری شوشنی ¹⁵ شاگردیا اِندشو که و آمه شُ شُند ¹⁶ آمی موقع پنج نو{نان} و دو ماهی اُش وایسه آ اُسمو نگاه اُشکِه و برکت اُشدا و آمیا پَرش که و آ شاگردیاش اُشدا تا آ پش مَرْدَم اُنیین . ¹⁷ پس آمه شوخه و سیر بُدن و دوازده سبد نیز آر نکای آ جا وائنده شو وایسه ¹⁸ رزی عیسی در خلوت دعا شه که و تنها شاگردیاش با آتہ اُندن از اِدیاش پُرسی مَرْدَم اِگوان مه که اِسم ¹⁹ جواب شو دا برخی اِگوان یچی تعمید دَهَنده اِیش برخی دِگ اِگوان ایلیایی و برخی نیزتورا یکی از پیامبرای اِیام کُهن اَقَچن که زنده بیده ²⁰ از اِدیاش پُرسی شما چه؟ شما مه چه آ دانی پطرس اُشگُت مسیح خدا . ²¹ سپس عیسی اِدیاز منع اُشکِه و دستور اُشدا که اِ اِکیسی یِگوان ²² و اُشگُت اَقَمی که پس انسان رنج بسیار اَکْشیه و مشایخ و سران وکاهنان و علمای دین رد شه کُتن و کُشته آبو و در رُز سوم بلند آ وابو ²³ سپس شه آمه گُت اِگه کسی اُش پیی آ مه پیروی بُکُن باید خُش انکار بُکُن هر رُز صلیب خُش واسی از پی مه بیا ²⁴ چون هر که شوی جوش {جان} نجات آده آتہ از دس آده هر که بخاطر مه جوش از دس آده آتہ نجات آده ²⁵ انسان چه سودی از اِ دنیایی آبوی اما جوش {جان} از دس آده یا آتہ تلف بُکُن چون هر که از مه و حرفیای مه عاُرش بو پُش انسان نیز آمی موقع که در جلال خُش و جلال پدر و فرشتای مقدس دا از آتہ عاُرشدا ²⁷ برآستی آ شما اِگوام برخی اِنیکه ویتیسین که تا پادشاهی خدا را نبینن شُ ناشنا طعم مرگ یچین ²⁸ حدود هشت رُز پس از اِ حرفیا عیسی پطرس و یوحنا و یعقوب را اُش وایسه و بَری {بالای} کوهی چو تا دعا بُکُن ²⁹ در آمی موقع که دعا شه که نمود چهرآش تغیر اُشکِه ³⁰ دو مُرد موسی و ایلیا پدیدار بُدن با آتہ حرف شو رت ³¹ آتیا در جلال ظاهر بُدن و در بازی خُروج عیسی حرف شا رت که باید به زودی در اورشلیم رُخ آده ³² پطرس و همرا یا ش خلی خُو {خواب} اُلود اُندن اما چون کاملاً بیدار و هوشیار بُدن جلال عیسی شُ بینا و دو تا مُرد که در کنارش ویتیسین . ³³ موقعی که آتہ دو مُرد از کنار عیسی اُچدن پطرس اُشگُت استاد بودن اما در اِنیکه نیکو اِسی اوینس سیه شَریناه بسازم یکی بَری تو یکی بَری موسی و یکی هم بَری ایلیا آتش ناقمی چه اُگنوی ³⁴ هنوز آ رُبو پطرس اُند که آری پدیدار بُیس و آتیا در تر اُشگُرت چون آ داخل اُبر اُچدن هراسان بُدن ³⁵ آمی موقع ندایی از اُبر رسی که اِده اِسی پُش مه که انتخاب اُم کِیده آتہ گُش {گوش} اُدی ³⁶ و چون صدا قطع بُیس عیسی تنها شو بینا شاگردیا اِده آ پَلو خُشو یَگه شو داشت در آتہ زمانی کسی از آمی که شو بیتیش اگاه شو نیکه ³⁷ رُز بعد چون از کوه آ زبر اُند جمعیت گپی با عیسی دیدار شو ³⁸ که یک دَفعه مُردی آ میون جمعیت فریاد اُش رت استاد آ تو التماس اُکتم تطر لطفی آ پُش مه بُکُن چون تنها یچ {بچه} مه اِسی ³⁹ یک دَفعی روحی آتہ شه گیره و او آمی موقع نعره اَکْشیه و دِچار تشنج آبو طوری که گُپش {دهان} کف اُکُن اِ روحی به سختی وِلش کُن و آتہ مجروح شَکُن ⁴⁰ شاگردیات التماس اُم که از آتہ اُدر بُکُن اما شُ نیشیس ⁴¹ عیسی اُشگُت ای نسل بی ایمان و منحرف تا کی با شما یم و تَحملتو بُکیم ؟ پُشت اُش بیا اِنیکه ⁴² در آمی موقع که پُسو {پسر} داند دیو آتہ شه رَمی رت و تشنج اُشکِه اما عیسی آ روح خَیث تَهِیه اُش رت ، و پُش شفا اُش دا و آ بواش {بابا} اُش سِبُرد ⁴³ مَرْدَم همگی از بزرگی خدا در حیرت اُندن در آمی موقع که هَمه از کاربای عیسی در شگفت اُندن آتہ آ شاگردیای خُشش گُت ⁴⁴ آمی که موی آ شما یِگوام به دقت گوش اُدیت پُش انسان آ دس مَرْدَم تَسلم آبو ⁴⁵ اما منظور آتہ شو تَقَمی بلکه از آتیا پنهان بُیس تا درگُش یُکُن و تَرسیدن درباری اِده سوال بُکُن ⁴⁶ رزی در میون شاگردیا اِ بحثی بُیس که کدام یکی از اِدیاز گَتر اِسی ؟ ⁴⁷ عیسی که از افکار اِدیاز شه قَمی یچی اُشگُرت و شه کنار خُش ویتنا ⁴⁸ و شه آتیا گُت هر که اِ یچی بنام مه پَیذیره مَتن پَیذِرْتِه و هر که مه پَیذیره فرستنده مَتن پَیذِرْتِه . در میون شما کسی گَتر اِسی که از هَمه گَیدوتر بو ⁴⁹ یوحنا اُشگُت استاد کسی اُم بینا که بنام تو دیو اخراج شه که اما چون آ ما نی اُند آتہ منع مو که ⁵⁰ عیسی اُشگُت منع اُش مَکُنی هر که بر ضد شما نی با شما اِسی ⁵¹ چون زمان صعود عیسی آ اُسمو تَریک اُنیس با عَزمی رایخ روشنه طرف اورشلیم که ⁵² پس جلوتر از خُش فرستادیای اُش فرسا که آ یکی از دهکدَیای سامریا اُچن تا بَری آتہ تدارکات بیین ⁵³ اما مَرْدَم اَنگه آتہ قبول شو نیکه چون عازم اورشلیم اُند ⁵⁴ چون شاگردیای آتہ یعقوب و یوحنا اِندشو بینا شگُت ای سرور اما آیا توی بَگوام تَش از اُسمو نازل بو و هَمی آتیا نابود بین آمده که ایلیا اُشکِه ؟ ⁵⁵ اما عیسی روش {صورت} اُشوا گردنا تویبخشو اُشکِه و اُشگُت شما ناقمی از کدام روح اِسی ⁵⁶ چون پُش انسان نیونده جون مَرْدَم هلاک بُکُن بلکه تا نجات آده سپس آ دهکده ی دِگه چِدن ⁵⁷ در راه شخصی آ عیسی اُشگُت هر جا اُچش از تو پیروی اُکیم ⁵⁸ عیسی جواش دا رویا لوتیاشو اِ و مرغیای هوا اُشیوتیا ، اما پُش انسان جای ستر تَدّه اُشنی ⁵⁹ عیسی آ شَخص دِگش گُت از مه پیروی بُکُن اما آتہ جواش دا سرورم اول رخصت آده تا اُچم بوای خوت آ خاک بسپارم ⁶⁰ عیسی آ آتش گُت اوینس مَرْدَیا ، مَرْدَیا خُشو آ خاک بُکُن تو برو اِ پادشاهی خدا موعظه بُکُن ⁶¹ دیگری اُشگُت سرورم از تو پیروی اُکیم اول رخصت آده تا اُچم و اهل خوتی خوت وداع بُکیم ⁶² عیسی در جواب اُشگُت کسی که دس آ شُخ رنی بُئی و آ عقب نگاه بُکُن شایستی پادشاهی خدا نی

¹ پس از آنکه خداوند هفتاد و دو تن را از خُش آ شهر و دیاری شَه فرسا که قصدِ چَدَه اُشَن آ اَدیاش گُت محصول زیاد اِسی اما کارگر کم . پس از مالکِ محصول توبوی کارگرا بَری درو محصول خوت بفرسبِه اُچی مَه شما یا را چون بره یا {بره} آ بِن گُریا افرسیم کِیسِه پول ویا کوله بار یا کفش مَواستی و آ ت راه آ کِسی سلام مَکَنی هَر خوتی که چدی اول سلام بُکَنی سلام بر اِ خوتی بو . آگِه در اُمی خوتی کِسی اهل صلح و سلام بو سلام شما بر اَنه قرار اگیره و اُخوتو آ واگرده در اُمی خوتی وامنی هر چی شَه شما دا بُخوری و بیاشامی ، چون کارگر مستحقِ دستمزد خُش اِسی از خوتِه به خوتی دِگِه نقل مکان مَکَنی چون وارد شهری بُدی و به گرمی پذیرای شما اَنین هر چه شا جلو شما نا بُخوری بیماری اَنکه شفا آدی و بُگوی پادشاهی خدا آ شما تَریک اِسی¹⁰ اما آ شَهری که رسیدی و شما قبول شو نیکه و آ کوچه یای اُمی شَهری اوچی و بُگوی اُما¹¹ حتی خاک شَه شهر شما هم که آ لو پایای اُما اِسی آ شما اَنگَم اما یَقَمی که پادشاهی خدا تَریک بُده¹² یقین یَدنی که در رُز داوری بَری سدوم اَسوتنر اُبو تا بَری اُمی شَهری¹³ وای آ تو ای خورزین ، وای آ تو بیت صیدا چون آگِه معجزای که بَری شما انجام بُیس در صور و صیدون روی اُش دایسَن مَرْدُم اَنیکه خِلی وقت پیش در پلاس و خاکستر اُداسِن و توبه شا که¹⁴ اُما در رُز داوری تحمل مجازات بَری صور و صیدون اَسوتنر اُبو تا بَری شما¹⁵ ای کفر ناحوم اُیا تو سَر آ اَسمو اَواشیس ؟ هرگز بلکه تا اعماق هاویه فرو اچس¹⁶ هر که اَشما گوش اَدِه آ مَه گوشش دَدِه و هر که شما تَظیرِه مَه اُش تَظیرِه مَه اُش تَظیرِه فرسَندی مَه اُش تَظیرِه اَنه هفتاد نفر با شادی واگِشَتِن و شوگَت سرور اما حتی دیوبا هم به اسم تواز اما اطاعت بنا که¹⁸ آ اَدیا اُشگَت شیطان اُم بینا که چُن برق از اَسمو کَت¹⁹ آلا آ شما اقتدار اَدیم که ماربا و عفریا و تمامی زور دشمن پایمال بُکَنی و هیچی آ شما اَسیب نارسینه .²⁰ از اَدِه خوشال مَبی که ارواح آ شما اطاعت اَکِن بلکه شادی شما از اَدِه بو که اَسْمَتو اُیک اَسمو نوشته بُده²¹ در اُمی ساعت عیسی در روح القدس آ وُجد اُند و اُشگَت ای پدر مالکِ اَسمو و رَمی ستایش ت کَم که اِ حقایقی از دانایا و خردمندیا پنهان اُت کِرِدِه و آ کودکیا اَشکار اُت کِرِدِه آ {بلی} ای پدر چون خوشنودی تو در اَدِه اِسی²² پدرم اَمه چی آ مَه اُش سِبُردِه . هیچکی نادَنه پس که اِسی جز پدر ، و هیچکی نادَنه پدر که اِسی جز پسر و اُتبابی که بُس شا وی اَنه شا رَر اَشکار اُگَن²³ سِیس در خلوت رو آ شاگردیا اُش که و اُشگَت خوشا بحال چشایی که اُمی که شما اَینی اَیین²⁴ چون آ شما اَگوام خِلی از انبیا و پادشاهیا آرزوشو اُند که اُمی که شما اَینی بَیین و شو نَیینا و اُمی که شما اَشنوفی پَشنوف و شو نِشِنُف²⁵ رُزی یکی از فقها بلند واُئیس تا با اِ پرسشی عیسی را امتحان بُکَن ای استاد چو بُکَم که وارثِ حیات جاویدان بِیم²⁶ عیسی در جواب اُشگَت در تورات چه نوشته بُده و از اَنه چه اَقَمِش ؟²⁷ پاشخُش دا خداوند خدای خوت را با تمامی دل و تمامی جان ویا تمامی فکر خوت محبت بُکَن و همسایت چون خوت محبت بُکَن .²⁸ عیسی اُشگَت ، دُرس آ گُتایش اَدِه آ جا بیار که حیات اُت بو²⁹ اما اَنه بَری تَبَرَنه ی خُش از عیسی اُش پُرسی ولی همسایتی مَه که اِسی ؟³⁰ عیسی در پاسخ اِنْدیش گت ، مَرْدی از اورشلیم آ اَریحا اُچو در راه آ دَس راهزنا کَت اَنه لُختشو که ، کُتک شَرَت و نیمه جو {جون} و لَشو که و چِدِن³¹ از قضا کاهنی از اَمیکه رَد اُ بیس اما چون چُشش آ اَنه مَرْد کَت راه خوش کُج اُشیکه وَا سَمَت دِگی جاده چو .³² لاوی ای نیز از اَمیکه رَد اُ بیس اَنه نیز چون اَمیکه رسی اَنه مَرْد اُش بینا راه خوش کُجش که و از سَمَت دِگی جاده چو³³ اما مسافر سامری چون آ اَمیکه رسی و اَنه مَرْد اُشبینا دِلش بَری اَنه شَت {سوخت} .³⁴ پس آ پلو اَنه چو و آ رو رَخمپاش شراب اُش ریخت و روغن اُش مالی و اُتبا اُش بَس و شَه سوار الاغ خُش که و آ کاروانسرای اُشبو و از اَنه پرستاری اُشیکه³⁵ رُز بعد دو دینار آ صاحب کاروانسرا اُشدا و اُشگَت از اِ مَرْدی پرستاری بُکَن و آگِه بیشتر از اَدِه خُرج اُت که چون واگِشَتیم آ تو اَدیم³⁶ آلا یَگو بنظرِ تو کدام یک از اِ سِیه نفر همسایه مَرْدی اُند که آ دَس راهزنی کِشَن ؟³⁷ پاشخُش دا اَنه که تَرَحَم اُشیکه عیسی آ اَنه اُ شگَت برو و تو اِنْدِه بُکَن³⁸ چون آ راه اُچِدِن آ دهکدی رَسِدِن در اَنکه رَنی مارتا نام عیسی را آ خوتی خوش دعوت اُشیکه³⁹ مارتا خُنگوای اُشَن مریم نام . مریم آ کنار پایای خداوند اُداسَن و حرفیای اَنه گُش شَدا⁴⁰ اما مارتا سخت مشغول تدارکات پذیرایی اُند پلو عیسی اُند و اُشگَت ، سَرورَم اُیا تو را باکی نی که خُنگو اَمه در کار و پذیرایی تنها اُش تِسیم ؟ آ اَنه یَگو که اَمه کمک بُکَن⁴¹ خداوند جواُئش دا مارتا ، مارتا، تو را چیزای زیادی نگران و مضطرب اُش کِرِدِه .⁴² آلا تنها یَک چی لازم اِسی و مریم نصیبِ خُش انتخاب اُش کِرِدِه که از اَنه گِرتِه نابو

لژی عیسی در مکانی دعا شته چون فارغ بیس یکی از شاگردیاش آ آتش گت سترور اما دعا کیده ، ما یاد آده آمیده که یحیی آشاگردیاش شته یاد دا² آدیا اُشگت ، هر موقع دعا اُکئی بُگوی ای پدر نام تو مقدس باد پادشاهی تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمان است در زمین نیز کرده شود³ نان روزانه ما را هر روز به ما عطا فرما گناهان ما را ببخش زیرا ما نیز همه قرض داران خود را میبخشیم و ما را در آزمایش مبادور ، بلکه ما را از شریر رهایی ده⁵ پس آدیا اُشگت که از شما دوسی اُش بُده و نصف شو شته پلو اوچو و یگو ای دوس بیه تا نو⁶ نان⁷ آ مه قرض آده⁸ چون یکی از دوسیم از سفر آنده و چیزی اُم نی تا شته پیش اُنسیم⁹ و آته از داخل خوته جواب آده رَحْمَت میده در قفل اِسی و بیچام ختیس اُم ناشا از جام بلند وایم و چیزی آ تو آدیم¹⁰ شما آگوام هر چند بخاطر دوستی یواژسسه و آ آته نو¹¹ نان¹² یده بخاطر آبرو آواژسسه وهر چه نیاز اُشه آ آته آده¹³ پس آ شما آگوام تو یوی که آ شما داده آبو . بجوید که پیدا اُکئی بکوید که در ت رو باز آبو¹⁴ چون هر که شوی آ دس داره و هر که یگرده پیدا اُکن و هر که یکویه در شته رو باز آ بو¹⁵ کدام یک از شما بویا اُگه پُشش مَی¹⁶ ماهی¹⁷ اُش یوی مار شده؟¹⁸ یا اُگه تخم مُرغ اُش یوی عقربی آ آته آده¹⁹ ؟²⁰ حال اُگه شما با هَمی بد سیرتی تو آفهمی که آ یچای خوتو هدایای خَش آدی ، چقدر بیشتر پدر آسمونی شما روح القدس را به هر که از آته اُش بوی عطا اُکن²¹ عیسی دیو لال از کسی شته در آیه چون دیو آ در چو مُرد لال اُش شیس گپ یزن و مُردم شگفت رده بُن²² اما بعضی شا گت آته دیو را از بلزبول ریش دیو آ در اُکن²³ اُکسیای دِگه شاوَس امتحانش بُکن شا آته گت آیتی آسمانی بیا²⁴ آته افکار اِدیآ اُش قهمی و آ اِدیآ اُشگت حکومتی که بر ضد خُش تجزیه بیا نبود آبو هر خوتی که بر ضد خُش تجزیه بیا ریخته آبو²⁵ اُگه شیطان هم بر ضد خُش تجزیه بیا طَطر حکومتش با بر جا آواقمه ؟ چون آگوان مه دیو را آ یاری بلزبول آ در آ کیم²⁶ . اُگه مه آ یاری بلزبول دیو آ در بُکیم ، شاگردیای شما آ یاری که آتیا آ در آ کین ؟ پس اِدیآ آ شما داوری اُکین²⁷ . اما اُگه مه با انگشت خدا دیو آ در بُکیم یقین پدنی که پادشاهی خدا آ شما وارد آنده²⁸ هر موقع مُردی نیرومند و مسلح از خوتی خُش پاسداری بُکن اموالش در امان آواقمه²⁹ اما چون کسی نیرومندتر از آته آ وی خَلمه بُکن و چیزه بیا سلاحی که آته مُردو آ آته توکل اُش از آته گِرتِه ، غنیمت تقسیم اُکن³⁰ . هر که با مه نی بر ضد مه اِسی و هر که با مه جمع یکن پراکنده اُکن³¹ موقعی که روح پلید از کسی آ در دا آ مکانیای خُشک و بایر آچو تا جایی بَری استراحت پیدا بُکن اما چون پیدا ناکن با خُش آگو آ خوتی که از آته اُنسین آواگردم³² اما چون آنکه آرسیه خوته رفته و آراسته آیین³³ آچو و هفت روح بدتر از خُش داره و هَمشو داین آ جا و آنکه زندگی اُکین سر انجام آته شَخصدتر از حالت اول آبو³⁴ موقعی که عیسی اِ حریفان رت زنی از میون جمعیت با صدای بلند اُشگت خوشحال زنی که ت شته دنیا آو و آ تو شیر اُشدا³⁵ اما عیسی در جواب اُشگت خوشحال آتیا که کلام خدا اُشئفن و آ جا دارن³⁶ چون جمعیت زیاد آتیس عیسی اُشگت ، اِ تسلی ، تسلی اِسی تس شرارت پیشه خواستار آیتی اِسن اما آیتی آ اِدیآ دده نابو جز آیت یونس³⁷ چون آمیده که یونس آیتی آند بَری مُردم تینوا یونس انسان هم بَری اِ تسلی آیتی آبو³⁸ در رُز داوری ، مَلکه ی جُنب با اِ تسلی بلند آبو و محکومشو اُکن چون آته از آندی دنیا آند تا حکمت سلیمان را یَشئفه ، و آلا کسی گپ تر از سلیمان آ اِنکی³⁹ مُردمای نینوا با اِ تسلی بلند آین و محکومشو اُکین ، چون آتیا در اثر موعظه ی یونس توبه شو که و آلا کسی گپ تر از یونس آ اِنکی⁴⁰ هیچ کس چراغ را روشن ناکن تا پنهوش بُکن یا زِر کاسه ی اونیه ، بلکه چراغ را آ چراغدان آیینیه تا هر که داخل آبو روشنایش ببینه⁴¹ . چش⁴² {چشم} نو، چراغ بدن تو اِسی. اُگه چشَت سالم بو ، تمام وجودت روشن آبو. اما اُگه چشَت فاسد بو ، تمام وجودت تاریکی فرا آگیره⁴³ . پس به هوش باش مبادا نوری که در تو اِسی ، تاریکی بو⁴⁴ . اُگه تمام وجودت روشن بو و هیچ جایی از آته تاریک تبو موقعی که نور چراغ آ تو آتایه آ تمامی⁴⁵ موقعی که عیسی خرفیاش توموم اُشکه یکی از قریسیا آته آ غذا دعوت اُشکه پس آ خوته ی آته چو و شیه⁴⁶ اما فریسی چون اُشبینا که عیسی دسیاش پیش از غذا اُش نیشیه تعجب اُشکه⁴⁷ آمی موقع خداوند شته آته گت شما قریسیا در پیاله و بشقاب پاک اُکئی اما از داخل پر از طمع و خیانت اِسی ،⁴⁸ ای نادونیا ، آیا آته که در شته وجود آو درون شته وجود نی آو⁴⁹ پس هر چه در درون نتو اِسی صدقه آدی تا آقی چی تا زر پاک ببو⁵⁰ وای آ شما یا ای فریسیا شما از نعا و سداب و هر گوتِه سبزی ده یک آدی اما عدالت ناید آگری و از محبت خدا غافل اِدیآ باید آ جا بیاری و آتیا فراموش تو ناکه⁵¹ وای آ شما فریسیا چون دوس آ دری آ بهترین جای کنیسه اوتی و مُردم آ کوچه و بازار آ شما سلام بُکن⁵² وای آ شما چون مٹ گوریای نا پیدا اِسی که مُردم نادانسته آ رو آته راه آچن⁵³ یکی از فقیها در جواب اُشگت "استاد تو با اِ حرفیا آما اهانت آکردایش"⁵⁴ عیسی اُشگت وای آ شما نیز ای فقیها که باریای توان فرسا آ دوش مُردم اِسی اما خوت حاضر نیسی حتی انگشتی بَری کمک تَکون آدی⁵⁵ وای آ شما که بَری پیامبریای که آ دس پدریا تو گُشته بُن مقبره آساری⁵⁶ به راستی اِنده اِسی که آ کار آتیا مهر نباید آزی آتیا پیامبریا شو گُشت و شما آرامگاهیاشو آساری⁵⁷ اِنده اِسی که حکمت خدا آگو که مه بَری آتیا پیامبریا و رسولیا آ فرسیم اما بعضیا شو اُکین و بعضیا شو آزار آدین⁵⁸ پس خون آقی پیامبریا که خونیاشو از اول دنیا تا الان لته بُده آ گردن اِ تسلی اِسی⁵⁹ از خون هابیل تا خون زکریا که بین مذهب و محرابگاه گُشته بیس بله آ شما آگوام که اِ تسلی بَری اِ هَمه حساب آ پس آده⁶⁰ وای آ شما ای فقیها ، چون کلید معرفت غصب تو کیده خوت داخل نابی و مانع داخل شونتیا آبی⁶¹ چون عیسی آ در چو علمای دین و فریسیا سخت با آته آ مخالفت بلند وایون و با سوالیای زیادی از آته شو که⁶² و آ کمین اُنون تا آ سخنی از زبوش آته آ دام آیین

¹ در آمی موقع هزار نفر جمع بودن طوری که آ یک دگه پاشا نا عیسی اول با شاگردای خوش حرف اُشَرَت و اُشگت ، از خمیر مایه فریسیا که آمی رباکاری اِسی دوری بُکنی² هیچی پنهون نی که آشکار نیوو هیچی پوشیده نی که معلوم نیو³ هر چه در تاریکی تو گُته در روشنائی شُغفَت آبو هر چه پُشتِ دریای بسته نجاتو کِرده از بَری بومیا اعلام آبو⁴ای دوسیا ی مَه آ شما آگوام از کِسیای که جسم اُکِشِن و کار دِگه شو ناشا بُکِنِ نترسی .⁵ از شما نیشو اَدیم که از که بترسی ، از آته بترسی که پس از کِشَتی جسم قدرت اُشیه آ دَوَرخ آبی . آ ، آ شما آگوام از آته اِسی که باید بترسی⁶ آیا پنج گنجشک آ دو پول سیاه نافرین با اِ حال حتی یکی از آتیا پلو خدا فراموش نابو⁷ حتی موبای سر شما آ تمامی شُمرده بُده پس مَترسی چون ارزش شما بیش از هزار گنجشک اِسی⁸ آ شما آگوام هر که مَه آ پلو مَرْدُم اقرار بکنن پُس انسان نیز آته در حضور فرشتای خدا اقرار اکُن⁹ اما هر که پلو مَرْدُم مَه انکار بکنن در حضور فرشتای خدا انکار آبو¹⁰ هر که حرفی بر ضد پُس انسان یگو اُمُرزیده آبو اما هر که آ روح القدس کفر یگو اُمُرزیده نابو¹¹ چون شما را آ پلو حاکمیا و صاحب منصبیا اُبرِن نگران مَبی که چطور از خوتو دفاع بُکنی با چه بُگی¹² چون در آمی موقع روح القدس آمی که باید بُگی آ شما یاد آ ده¹³ یک کِشی کِسی از میون جمعیت آ آته اُشگت استاد آ برادَرَم یگو میراثِ بَوای با مَه قسمت بُکن .¹⁴ عیسی پاسخ اُشدا " ای مرد چه کسی مَه بین شما داور یا مُقسیم قرار اُشده¹⁵ پس آ مَرْدُم اُشگت آ هوش بی و از هر گوته حرص و آز دوری بُکنی چون زندگی انسان آ فزونی دارایش نی¹⁶ پس اِ مثلی بَری اِدیا شَاو مردی ثروتمندی از زراعتِ خوش محصول فراونی حاصل اُشکه¹⁷ پس با خوش فکر اُشکه چو بُکِم چون جای بَری انباشتن محصول حُم اُمَنی¹⁸ پس اُشگت اَقِم چو بُکِم انباریای خوم خراب اُکِم و انباریای گِپتری آسازم و هَمی گندمیا و اموال خوت در آته ذخیره اُکِم¹⁹ آمی موقع آ حُم آگوام ای جان مَه بَری سالیای دراز اموال فراوونی اُمه آلا آسوده یزی ، بُخور و بنوش و خوش بش²⁰ اما خدا آ آته اُشگت ای نادان آمی اِشو جوت از تو اُکِرِن پس هر چه جَمع اُتَکِرده آ گِیر که دا ؟²¹ اِ اِسی فرجام کِسی که بَری خوش ثروت جَمع اکُن اما بَری خدا ثروت نی²² پس عیسی آ شاگردای خوشش گت " پس آ شما آگوام نگران زندگی خوت مَبی که چه آخوری و نه نگران بدن خوت که چه آپوشی²³ زندگی از خوراک و بدن از پوشاک مهمتر اِسی²⁴ نگاه آ کلاغیا بُکنی که نِ اُکِرِن نِ درو اُکِن نِ کادوشوا و نِ انبار با اِ هَمه خدا آ آتیا روزی اِده و شما چقد با ارزشتر از پَرندایی .²⁵ که از شما شَشا با نگرانی ذراعی آ قامت خوت اِصافه بُکن ؟²⁶ پس اَکه از انجام اِ کار کِیدونی ناتوانی از چه سبب نگران مابقی اِسی²⁷ نگاه آ سوستنیا بُکنی که چطو نمو اُکِن نِ رَمَت اُکِشِن و نِ اُرسِن آ شما آگوام که حتی سلیمان نیز با هَمی شکوه و جلالش مَبی یکی از آتیا آراسته نیویس .²⁸ پس اَکه خدا علفِ صحرا که اِزُر اِسی و ضیا در تنورِ بسته آبو اِده آپوشینه ، چقد بیشتر شما را ای شُست ایمانیا²⁹ پس در پی اِ مَبی که چه آخوری و چه آپوشی نگران اِدیا مَبی .³⁰ چون قومیا ی خدا نشناس اِ دنیا در پی اِ چیزیا اِسن اما پدر شما اَقِمه که آ اِ چیزیا نیاز تو اِ³¹ بلکه شما در پی پادشاهی آته بی که هَمی اِدیا آ شما دَده آبو .³² ای گله کِیدو ترسان مَبی چون خشنودی پدر شما اِ اِسی که پادشاهی را آ شما عطا بُکن³³ هر چه تو اِ پُرشِی و آ فقرا اَدی بَری خوت کِسیای فراهم بُکنی که پوشیده نیوو گنجی پایان ناپذیر در آسمو آندوخته بُکنی جایی که نِ درد دا و نه بید زبان پَرستینه³⁴ چون هر جا گنج شما اِسی دِلتو اَمکه اِسی³⁵ کمر آ خدمت اُبتی و چراغِ خویش را روشن یگه پَدَری³⁶ مَبی کِسیای بی که منتظرین سَرورِشو از جشن عروسی واگرده تا چون از راه اُرسیه و در آکویه آمی موقع بَر آته باز بُکِن خوشحالِ خادمیا که چون سَرورِشو آ واگرده آتیا بیدار و هوشیار بِن اَمین آ شما آگوام خوت کمر آ خدمتِشو اُتیه آری آتیا آ سِر سفره اُشینه و آ پُش دا از اِدیا پَذیرایی اکُن .³⁸ خوشا بحالِ خادمیا که چون سَرورِشو از راه اُرسیه چه در پاسِ دوم شو چه در پاسِ سوم اِدیا بیدار و هوشیار ببینه³⁹ یَقَمی که اَکه صاحب خوته شَه قَمی دزد در چه ساعتی دا اُشنا اِش آ خوتشو دستبرد پَرِن⁴⁰ پس شما نیز آماده بی چون پُس انسان در ساعتی دا که انتظار تو نی⁴¹ پطرس اُش پُرسی سَرور مَه آیا اِ مَثَل بَری آما تو یا بَری هَمه⁴² خداوند در پاشُش گت پس آته مِباثِر اَمین دانا که اِسی که اربابش آته آ سترپرستی خادمیا ی خوتی خوت اُشَتِیس بو تا سهم خوراکِ اِنیا را به موقع اِده .⁴³ خوشحالِ آته غلامی که چون اربابش واگرده آته مَشغول کار ببینه⁴⁴ یَقِن پَدَنی که آته بر هَمی مایملای خوت اِنسیه⁴⁵ اما اَکه آته غلام با خوش فکر بُکن که ارباب در اَنده تاخیر اُشیده و آ آزارِ خادمیا و حَذَمیا و حَرَد و نوشید و میگساری انجام اِده⁴⁶ یَکَدَقی اربابش در رُزی که انتظار اُشنیایان و در ساعتی که از آته آگاه نی دا و آته از وسط دو پَره اکُن و در جایگاه خیاثکاریا اِنسیه⁴⁷ غلامی که خواستِ اربابش اَقِمه با اِ حال خوش بَری انجام آته آماده ناکن تازبان بسیار آخوی⁴⁸ اما آته که خواستِ اربابش ناقیه و کاری اکُن که سزاوارِ تنبیه اِسی تازبانی کمتری آخوی . هر که آ آته بیشتر دَده یبو از آته بیشتر مطالبه آبو و هر که مسئولیتش بیشتر بو پاسخ گویش نیز بیشتر آبو⁴⁹ مَه اُنَدِسیم تا آ رَمی تَش بریا بُکِم و ای کاش تا الان اِفروخته بُشِن⁵⁰ اما مَه تعمیدی باید ، و چه در فشارم تا اِ انجام پَرسیه⁵² آیا گمان اُکِنی اُنَدِسیم تا صلح آ رَمی بیارم نه بلکه اُنَدِسیم تا جدایی اُتیم .⁵¹ از اِ به بعد میون پنج تن از اهلی یک خوته جدایی آبو سه علیه دو آبو و دو علیه سه .⁵³ بوا علیه پُس و پُس علیه بوا مادر علیه دُت و دُت علیه مادر . مادرشوهر علیه عروس و عروس علیه مادر شوهر⁵⁴ پس آ جماعت اُشگت ، چون ببینی ابری آ مغرب پدیدار ببو بی درنگ اُکِی بَرُو{باران} دا ، و بَرُو اُبارِه⁵⁵ و چون بادِ جنوب اَوَزه اُکِی هوا گرم آبو و اِنده آبو .⁵⁶ ای رباکاریا ، شما که نیک اَدنی چگوته سیمای رَمی و آسمو تعبیر اُکِنی چگوته اِسی که از تعبیر زمان حاضر ناتوان اِسی ؟⁵⁷ چوا خوت دربارِه ی آمی که دُرست اِسی داوری ناکنی ؟⁵⁸ موقعی که با شاکِی خوت آ پلو حاکم اچی سعی بُکن در راه با آته اُشتی بُکِش ، یکنه تو آ پلو قاضی بُئِرِن و قاضی تو آ نگهبان اِده و آ زندان اوبی .⁵⁹ آ تو آگوام که تا قرون آخر نَدیش از زندان آ در نیدایش

¹در آمی زمان شماری از حاضرین از جلیلیای اندین که با عیسی حرف شو رت که پیلانوس خونیاشو را با خون قربانیاشو در هم آمیخته اُشکیده . ²عیسی در پاسخ اُشگت ، آیا چون آته خلیلیا آچنین رُزی دُچار بُسین گمان اُکُنْی از بقیه آهالی جلیل گناهکارتر اندین ؟ آ شما اُگوام که اینده نی بلکه اُگه توتَه یُکُنْی شما نیز هَمگی هلاک اُبی⁴ اُیا گمان اُکُنْی آته هیجده تَن که بُرج سیلوام آ رو اُتیا کت و مُردن از دیگه ساکنیای اُرشلیم خطا کارتر اندین ؟ ³آ شما اُگوام که اینده نی بلکه اُگه توتَه یُکُنْی شما نیز هَمگی هلاک اُبی⁶ پَس اِ مَثلی شاو { مردی درختِ انجیری در تاکستان خوش اُشکاشت چون شُوس میوِی آته یچینه چیزی اُش نی اُند ⁷پَس آ باغبون خوشش گت سه سال اِسی تَری چَدی میوِی اِ درختی دا اِم اما چیزی تَواجورم آته پُتر تا خاک را هدر یَده⁸ اما در پاسخ اُشگت سَروَرَم اُنِس بَکسال دِگه هم بو گِردُش اُکُنْیم و کود شَه دَیم ⁹اُگه سال بعد میوه شاو که هیچ اُگه اُش نیو دِگه آته پُتر { ¹⁰در یکی از رُزیای شبات عیسی در کُنِیسه ای تعلیم شَه دا ¹¹در اُنکِه رَنی اُند که روحی آته هیجده سال علیل اُش کِردِشَن بُشَتش خَمیده بُشَن هیچ جوری اُش ناسَیس راس وِیسه¹² چون عیسی اُش بینا اُشگت یَدا اُنکِه و اُشگت { ای رَن از ضعیفِ خوت خلاص یُدِش { ¹³پَس آ آته دَس اُشنا و آته بیدَرنگ راس وِیسا خدا را ستایش اُشکِه . ¹⁴اما رُئیس کُنِیسه از اِده که عیسی در رُز شبات شفا اُش دِیَشَن خشمگین بُیس و آ مَرْدُم اُشگت { شش رُز تَری کار تو اِ در آمی رُزی پَی و شفا یُگری نه در رُز شبات { ¹⁵خداوند در پاسخ اُشگت ای ریاکاریا آیا هیچ پک از شما در رُز شبات گاو یا الاغ خوش از طولَه باز ناگُن تا تَری آو دَد آ دَر بُئی ؟ ¹⁶پَس آیا نباید اِ رَن را که دُت ابراهیم اِسی و شیطان هیجده سال اسیرش کِرده در رُز شبات از بند رها بُکُنْیم ؟ ¹⁷چون اِدِش گت مخالفیاش هَمه شرمسار بُدِن اما جمعیت هَمگی از هَمهی کاریای شگفت آور آته شادمان بُدِن ¹⁸آمی موقع اُشگت پادشاهی خدا مِث چه اِسی آته آ چه تَشبیه بُکُنْیم ؟ ¹⁹مانند داتَه ی خردلی اِسی که مَرْدی آته آ واسی و آ باغ خوش اُکاره آته دونه روئید و درختی بُیس طوری که پَرندَیای آسمو دابن و آ شاخه یاش اُشیوَه آسازن ²⁰باز اُشگت پادشاهی خدا آ چه تَشبیه بُکُنْیم ؟ ²¹مِث خَمبر مایه ی اِسی که رَنی اُشوایسه و با بیه کِیسه ی آرد مخلوط اُشکِه تا تمامی خَمبر وَر اُند ²²عیسی در راه اورشلیم آ شهریا و روستاییا اُجو و تعلیم شَه دا ²³در میون اِدَیا کِیسی از آته اُش پُرسی { سَروَر مَه آیا تنها تعدادِ کمی از مَرْدُم نجات پیدا اُکُنْن { آ اِدَیا اُشگت ²⁴سخت یُکوشی تا از در تنگ داخل بیی چون آ شما اُگوام خلیلیا تلاش اُکُنْن تا داخل پِن اما شو ناشا ²⁵چون صاحب خوتَه بلند وابو و در آتیه آ در اُویسی و در اُکوبی و اُگوی سَروَرَم دَر آ رو اُما یُگشا اما آته پاسخ اِده شما یا تو ناشناییم ناقِم از کجا اِسی ²⁶اُگوای اُما با تو موخه و مونوشی و تو در کوچی یای اُما تعلیم تَدا ²⁷اما جواب اُشئوی شما ناشناییم ناقِم از کجا اِسی از مَه دور بیی ای بد کاریا ²⁸آمی موقعی اُمکِه گیرِخ و دَندو رو هم سائیده آبو چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و هَمی انبیا در پادشاهی خدا آیینی اما خوت را محروم آیینی ²⁹مَرْدُم از شرق و غرب و شمال و جنوب دا اِن و آ سَتر شُفَری پادشاهی خدا آتین ³⁰آری اِسَن آخرینی که اول آین و اولینی که آخر ³¹در آمی موقع چند نفر از فریسیا اُپلو عیسی اُندین و شو گت اُنکِه ترک بُکُنْن و آ جای دِگه برو چون هیرودیس شوی اُت بُکُش ³²در جواب اُشگت { اُچی و آ آته روباه بُگوی اِزُز و صبا دبويا آ دَر اُکُنْیم و مَرْدُمیا را شفا اَدِیم و در رُز سیوم کار خویش را آ کمال اَرَسَیم ³³اما اِزُز و صبا و پَس صبا باید آراه خوت ادا مَه اَدِیم چون ممکن نی نیی دَر از اورشلیم کُشته ببو³⁴ ای اورشلیم ، ای اورشلیم ای قاتل پیامبریا و سنگسار کُنَندی رسولیای که ت پلو فرستاده آین چند بار مَوس مِث مرغی که جوجی یاش آ زیر پالای خوش جَمع اُکُنْ فرزندای تو را جَمع بُکُنْیم اما اُت ناووس ³⁵حالا خوتی شما تَری خوتو خراب آ وامیه و آ شما اُگوام که دِگه مَه اُم نابینی تا رُزی که بُگوی مبارک اِسی آته که بنام خداوند دا

¹در یکی از رُزیای شب‌ات که عیسی بَری صَرفِ غذا آ خوتَه ی یکی از رهبرای فریسیا چِشِن کِسیای که آنکه آنَدین بدفت آتَه شا زِرِ نظر بارِشَن ²مقابل آتَه مَرَدی آنَد که بَدَنش آو شا آردِشَن ³عیسی از فقیهیا و فریسیا اَش پُرسی {آیا شفا دَدَه در رُز شب‌ات جایز اِسی یا نه}؟ ⁴آتیا ساکت آنَدین پَس عیسی آتَه مَرَدو اَشگِرت و شفا اُشدا و مُرَخَص اُشکِه ⁵پَس رو شَه آتیا که و اَش پُرسی {کدام از شما که پَس یا گاؤش در رُز شب‌ات آ چاه یکت و بیدرنگ آتَه آ در نیاره ؟} ⁶آتیا پا سُخی شو نی آنَد ⁷چون عیسی اَش بینا مهمونیا چطوری صدرِ مَجلس بَری خوت اختیار اَکِردابن اِ مَثلِی بَری اِذیا شاو ⁸چون کِسی تو را آ مَجلس عروسی دعوت اَکُن بر صدرِ مَجلس مَنی شاید کِسی سَرناسَتر از تو دعوت بُدِس بو. ⁹در اِ صورت میزبانی که هر دوی شما دعوت اُش کِردَه دا و آ تو اَگو جات اِ اِ شَخْصی آدِه ناگَریز با سر افکندگی پائین مَجلس اَپیش ¹⁰بلکه هر وقت کِسی مهموئش کِردِش برو پائین ترین جایِ مَجلس اونِی تا چون میزبان دا آ تو بگو دوس مَه بفرما آ جای تَراثر اونِی اُمی موقع پَلو مهمونیا دِگِه سَرافراز اَپیش ¹¹چون هر که خوت گَپ بُکُن خار آبو و هر که خوت را خار بُکُن سَرافراز آبو ¹²پَس عیسی اِ میزبائش اُشگَت { چون ضیافتِ نهار یا شام آدیش دوسیا و برادرِیاتو خویشیاو همسایای ثروتمند خوت را دعوت مَکُن ، چون آتیا نیز از تو دعوت اَکُین و اِ اِذیا عوض آدیش ¹³پَس چون مهمونی آدیش فقیریا و معلولیا و لنگیا و کوریا دعوت بُکُن ¹⁴که مبارک اَپیش چون آتیا چیزی شو نی که در عوض آ تو آدین و پاداشِ خوت را در قیامت پارسایِ اَکِرش } ¹⁵چون یکی از مهمونیا که با عیسی هم سَفرِه آنَد اِذِش شُفَت اُشگَت خویشا بحال آتَه که در ضیافتِ پادشاهی خدا نو"نان" آخوی ¹⁶عیسی در پا سُخ اُشگَت { شخصی ضیافتِ گپی ترتیب اُشدا و خیلی دعوت اُشکِه ¹⁷چون وقتِ شام رَسی خادمش اُش فَرسا تا اِ دعوت شُدیا یگو پَین که هَمی چی آمادَه اِسی ¹⁸اما آتیا هر کدام عذری شو آو یکی اُشگَت مزرعه ای اُم خِلِدِه که باید اَچم آتَه ببینم خواهش اَکِیم معذور اُم بُکُن . ¹⁹دیگری اُشگَت پنج جفت گاو اُم خِلِدِه و آلا آ بِ راهِم بیازمایم تمنا اُمِه معذور اُم بُکِیش . ²⁰سومی نیز اُشگَت زَن اُمِگِرتَه اُم ناشایم ²¹پَس خادم واگِشت و شَه سَروَر خوت گُت میزبان خشمگین بُیس و آ خادمش دستور اُشدا آ کوچه و بازارِ شَهر اُچو و فقیریا و معلولیا و کوریا و لنگیا بیاره . ²²خادم اُشگَت سرور مَه دستوَرَت انجام اَمدا اما هَنوز جا اِسی ²³پَس اَقایِش اُشگَت آ جادَیا و کورَه راهیای بیرونِ شَهر برو با اصرار مَرَدُم را اِ ضیافتِ مَه بیا تا خوتَم بر ببو ²⁴آ شما اَگوام که هیچ یک از دعوت بُدیا شام مَه ناچِشِن ²⁵جمعت زیادی عیسی را همراهی شَه که آتَه رو شَه اِذیا که ²⁶اُشگَت هر که آ پَلو مَه بیا از پدر و مادر ، زن و فرزند ، برادر و خواهر و حتی از جانِ خوت نَفَرشَن نی شاگَرد مَه اُش ناشای بو ²⁷و هر که صلیبِ خوش آ دوش بُکُش و از پی مَه نیا شاگَرد مَه اُش ناشای بو ²⁸کدام از شما که قصیدِ بنا ی بُرجی تو بو و نخست یَتی تا هزیتَه ی آتَه تَراوَرَد بُکُنی و ببینی آیا تا شا تَکمیلش بُکُنی یا تَه ؟ ²⁹چون اَگِه پی آتَه اِیسی اما از تَکمیل بنا واقعی هر که ببینه اِستَهزا تا کُن اَگو ³⁰اِ شَخْصی ساختنِ بنایِ شروع اُشکِه اما در تَکمیل آتَه واُمَندِه ³¹یا کدام پادشاه اِسی که راهی جنگ با پادشاه دِگِه ببو یَدُن اِده که اول اُنی فکر بُکُن که آیا با ده هزار سرباز شَشا آ روبارویی کِسی اوچو که با بیست هزار سرباز آ جنگ آتَه دا ³²و اَگِه ببینه که آتَه توانِ روبارویی اُشنی اُمی موقع تا سپاه دشمن دور اِسی سخن گویی اَفرِسه تا جویای شرایطِ صلح بو . ³³اِندِه اِسی که هیچ یک از شما تا از تمام دارایی خوت دَس نِکشی شاگَرد مَه تو ناشای بی ³⁴تَمک نیکو اِسی اما اَگِه خاصیتش از دَس آدِه چطوری آبو آتَه نمکین اُش بُکُنی ؟ ³⁵تَه آ کارِ رَمی دا و نه در خورِ کَپَه ی کود اِسی بلکه آتَه آدور آریزه . هر که گُش شنوا اُش یَشَنوِه

¹ و اما خراجگیرا و گناهکارا همگی پلو عیسی جمع آیدن تا حرفیاش یشتون ، ² اما فریسیا و علمای دین هم همه کنان شاگت { ! مرد گناهکارا شه پذیره و با آتیا هم سفره ابو } پس عیسی ! متلی برایشو شاو ، ⁴ کدام از شما که صد گوسفند اشیو و چون یکی از آتیا اگم بو آته تود و نه تا آ صحرا نیسبه آ دُم آته که گم بده نچو تا آته پیدا بکن ؟ ⁵ و چون گوسفند گمشده پیدا آکن آته با شادی آدوش اینسبه ⁶ خوته دا دوسیا و همساییا فرا آخیه و آگو با مه شادی بکنی چون گوسفند گمشدی خوم پیدام کیده ⁷ آ شما آگوام آمده که بزی یک گناهکار که توبه آکن جشن شرور عظیمتری در آسمو بر پا آبو تا بزی نود و نه پارسا که نیاز آ توتش نی ⁸ و یا کدام زن اسی که ده بیکی نقره اشیو و چون یکی از آتیا اگم بو چراغی روشن بکن و خوته را جارو بکن تا پیدا بکن از جُشجو ناوبسبه ؟ ⁹ و چون پیداش کیده دوسیا و همساییا آگو بی و آگو با مه شادی بکنی چون بیکی گمشدی خوم پیدام امیکرده ¹⁰ آ شما آگوام آمده اسی که بزی توبی یک گناهکار در حضور فرشتای خدا جشن و شرور بر پا آبو ¹¹ پس اداکش دا و اشگت ، { مردی دو پُس اُش اند ¹² زری پُس کیدوئرو آ پدر خوش اشگت ای پدر ستهمی که از دارایی تو آ مه آرسه آلا آ مه آده پُس پدر دارایی خوش را بین آته دو تا تقسیم اشکه ¹³ پُس از چندی پُس کیدوتر هر چه اُشن جمع اشکه و راهی دیاری دور دس پُیس و ثروت خوش را در آنکه آ عیاشی بر باد اُشدا . ¹⁴ چون هر چه اُشن خرج اشکه قحطی شدیدی در آته دیاری اُند و آته سخت آ تنگ دسی گت ¹⁵ پُس چو خدمتکاری یکی از مردُمای آنکه و آته او را آ خوک بانی در مزرعه خوش اُشنا ¹⁶ پُس آرزو اُش اُند شکم خوش را با خوراکِ خوکیا سیر بکن اما هیچ که آ آته چیزی اُشنا ¹⁷ سرانجام آ خوش اُند و اشگت ای بسا کارگریای پدرم خوراکِ اضافی شو! و مه اینکه از فرط گرسنگی تلف ایم ¹⁸ پُس بلند آوایم و پلو پدر اچم و آگوام پدر آ آسمو و آتو گناهَم کیده ¹⁹ دگه شایسته نی پُشت خوانده بیم با مه می یکی از کارگریات رفتار بکن ²⁰ پُس بلند وایس و راهی خوته ی پدر پُیس اما هنوز دور اُند که پدرش آتش بینا دلش از بر سوت و با عجله آ طرفش دووی { دويد } و شه بغل که و غرقِ ماچ اشکه ²¹ پُس اشگت پدر آ آسمو و آ تو گنام کیده دگه شایسته ی اِده نیسیم که پُشت خوانده بیم ²² اما پدر آ خدمتکارباش اشگت عجله بکنی بهترین جمه بیاری و شه بر بکنی انگشتی بر انگشتش و کفش آ پایاش بکنی ²³ گوساله پرواری بیاری سَر بُری تا بُخورم و جشن یگرم . ²⁴ چون پُس مه مُردش و زنده بده ، گم بُشن پيدا بده ، پُس جشن و شادی شو که ²⁵ و اما پُس گبتر آ مزرعه اُند چون آ خوته نزدیک پُیس و صدای رقص و آواز اُش شُنف ، ²⁶ یکی از خدمتکارا فرا اُش خند و اشگت چه خبر اسی ؟ ²⁷ خدمتکار پاسخ اُشدا ، برادرت اُنده و پدرت گوسالی پرواری سترش بلیده چون پُشتش به سلامت پیداش کیده ²⁸ چون اِدش شُنف ناراحت پُیس و اُش ناواس آ خوته اوچو پُس پدر آ در اُند و آ آته التماس اشکه . ²⁹ اما آته در جواب پدر اشگه اینک سالی اسی که می غلامیا خدمت ت کردام و هیچ وقت از فرمات سترپیچی اُم نیکرده اما تو هیچ وقت بزغالی آ مه ات یدده تا با دوسپام ضیافتی آبا بکنیم . ³⁰ و آلا که ! پُشت واگشته پُسی که هَمی دارایی تو با روسپیا آ باد اُشدا ، ستر زَر گوسالی پرواری سترت بلیده ³¹ پدر اشگت تو همیشه با مه ایش و هر چی اُمه مالِ تو اسی ³² اما اکنون باید جشن یگرم و شادی بکنم چون ! برادر تو مُردش ، زنده بده ، گم بُشن پيدا بده {

آمی موقع عیسی آ شاگردیای خُش اُشگت {توانگری مباشری اُشند چون شکایت آ آته رسی که مباشر اموال آته بر باد آیدوی² اُشگت
 یدا و اُش پُرسی ا چه اسی که درباره تو اُشئوم ؟ حساب خوت آ پس آده که دِگه مباشر مه اُت ناشا پش³ مباشر با خوش فکُرش که
 چو یکنم ؟ ارباب شه وی از کار برکنارم یکن توان رمی کنده اُمنی و از گدایی عازمه⁴ اقمم چو باید یکنم تا چون از مباشرت بر کنار
 بیم کیسای ین که مه آ خوته باشو یپذیرن⁵ پس بدهکاریای ارباب خوش یک به یک آ حضور فرا اُش خند از اولی اُش پُرسی چقدر آ
 سرورم بدهکاریش ؟ پاشخ اُشدا صد خُمزه روغن زیتون اُشگت ، صورتحساب خوت یگی و زود اونی و بنویس پنجاه خُمزه⁷ پس از
 دومی اُش پُرسی تو چقد بدهکاریش ؟ پاشخ اُشدا صد خروار گندم اُشگت صورتحساب خوت یگی و بنویس هشتاد خروار⁸ ارباب مباشر
 متقلب را تحسین اُشکه چون عاقلانه عملش کردش چوا که فرزندیای ا عصری در مناسبات خوت با هم عصریای خیش از فرزندیای
 نور عاقل ترن آ شما آگوام که مال ا دنیای فاسد را بتری پیدا کردی دوسیا صرف یکنی تا از آته مال اُتری نواقمه شما را در خوته یای
 جاودانی یپذیرن¹⁰ آته که در امور کیدو آمین بو در امور گپ نیز آمین آبو و آته که در امور کیدو آمین نی در امور گپ نیز آمین نابو .
¹¹ پس آگه در بکار بُردی مال ا دنیای فاسد آمین نیو ، که اسی که مال حقیقی آ شما پسپوره ؟¹² و آگه در بکار بُردی مال دیگری آمین
 نیی که اسی که مال خود شما آ شما آده ؟¹³ هیچ غلامی دو ارباب اُش ناشا خدمت یکن یا از یکی نفرت اُشیه ویا آ دیگری مهر آده و یا
 سرسُردی یکی آبو و دیگری را خوار اُسْمیره . تو ناشا هم بندی خدا بی هم بندی پول¹⁴ فریسیای پول دوس با گش ددی ا سُخنیای عیسی
 را ا ریشخند شو گرت .¹⁵ آ آتیا اُشگت شما آمی کیسای اسی که خوتو ا مرْدُم پارسا یشو آدی اما خدا از دلتو آگاه اسی . هر چه مرْدُم
 آرج بسیار آدین در نظر خدا کراحت آور اسی¹⁶ تورات و انبیا تا زمان یحیی آند از آته به بعد پادشاهی خدا بشارت داده آبو و هر کسی با
 جبرو زور راه خوت بدان باز آکن¹⁷ با ا حال آسوتتر اسی آسمو و رمی زایل ببو تا اده که نقطی از تورات فرو یکت¹⁸ هر که زین خوش
 طلاق آده و زن دِگی یگیره زنا اُش کرده و نیز هر که زنی طلاق دده آ زنی یگیره مرتکب زنا بده¹⁹ توانگری آند که خَمی ارغوانی و کتون
 و لطیف شه تر آ که وهر رز آ خوش گذرونی مشغول آند²⁰ فقیری ایلعازر نام که تر در خوته ی آته شا نا که بدئش پوشیده از جرائتن
²¹ ایلعازر آرزو اُشن با خوردیای غذایی که از سُفزی آته توانگر آ در اکت خوش سیر یکن حتی سگیا نیز داندن رخمپاش لبس شا
 رت²² باری ، آته فقیر مُرد و فرشتیا آته آ جوار ابراهیم شُبو توانگر نیز مُرد و آته دفن شو که .²³ اما چون چشم آ جهان مُردیا باز اُشکه
 خوش در عذاب اُشبینا از دور ابراهیم اُش بینا و ایلعازر در جوارش²⁴ پس با صدای بلند اُش گت ای پدر مه ابراهیم تر مه ترحم یکن و
 ایلعازر اُش یفرس تا نوک انگشت خوش در آو تل یکن و ربوم خُتک یبو چون در اُش عذاب آکشدام²⁵ اما ابراهیم پاشخ اُشدا ای فرزند
 آ یاد بیا که تو در زندگی از چیزای نیکوی خوت بهرمند بُدش آمی که چیزای بد نصیب ایلعازر ییس آلا آته اُنکه در آسایش اسی و تو در
 عذاب .²⁶ از ا گذشته بین آما و شما پرتگاهی اسی آتیا که شاوی از اُنکه آ پلو تو بین شو ناشا و آتیا که اُنکه اِین شو ناشا پلو آما
 بین²⁷ اُشگت پس ای پدر تمنا آکنم ایلعازر آ خوته ی بوام یفریش²⁸ چون مه پنج برادر آمه آته یفرس تا آ برادریم هُشدار آده یکنه آتیا آ
 ا مکان عذاب یکن²⁹ ابراهیم پاشخ اُشدا آتیا موسی و آتیا شو ا پس آ سُخنیای اِدیا گوش آدین .³⁰ اُشگت نه ای پدر آما ابراهیم بلکه آگه
 کسی از مُردیا آ پلو آتیا آجو توبه آکن³¹ ابراهیم آ آتش گت ، آگه آ موسی و انبیا گوش تَدین حتی آگه کسی از مُردیا زنده ببو مجاب
 ناین

¹آمی موقع آ شاگردیای خوش اُشگت از لغزشیا گُریزی نی اما وای بر کسی که سَتَبِ آته ببو . آته پتر اسی که سنگ آسبوآ گردنوش اوتین و آ دریا شُتین تا اِده که سَتَبِ لغزش یکی از اِ کیدونیا ببو³ پس مراقب خوت پی آگه برادرت گُناش که آته تویخ بُکن و آگه توتَه اُش که اُش ببخش⁴ آگه هفت بار در رُز آ تو گُناش که و هفت بار آ پلو تو اُند و اُشگت توتَه اُکیم اُش ببخش⁵ رسولیا آ خداوند شو گت {ایمان آ اما بیفزآ} .⁶ خداوند پا شُخ اُشدا { آگه ایمانی به کیدونی دوتَه ی خردل ثبو تا شا آ اِ درخت توت بُگوی از ریشته آ در اِدا آ دریا کاشته پتَش و از شما قَرمو آبوی }⁷ که اِسی از شما که چون خدمتکارش از شخم رَدَن یا چرانیدن گوسفندیا از صحرا واگرده آ آته بگو بدا اونی و بُخو .⁸ آیا ناگو شام مَه آماده بُکن و کمر آ پذیرای مَه آبن تا بُخورم و بیاشام و بعد تو بُخو و بیاشام ؟⁹ آیا منت از خدمتکار خوش آبوی که قَرموش آ جا بیاره ؟¹⁰ پس هر چه آ شما قَرمو دَدَه اِده آ جا بیاری و بُگی خدمتکاریای بی منتی آم و تنها انجام وظیفه مو کردِه¹¹ عیسی آ سِر راه خوش آ اورشلیم از سامیره و جلیل رد آبویس¹² پس چون آ دهی وارد آبویس ، دَه جزامی آ آته ترخورد شو که آتیا دور وِستِدِن¹³ با صدای بلند فریاد شو رت { ای عیسی ای استاد برآ ما ترجم بُکن }¹⁴ چون عیسی آتیا اُش بینا اُشگت { اُچی و خوت آ کاهن نیشو آدی } آتیا آ راه کُتِن و در میوتی راه از جزام پاک بُدِن¹⁵ یکی از آتیا چون اُش بینا شفا پیداش کردِه با صدای بلند خدا را ستایش اُشکِه¹⁶ و واگِشت و خوش آ پای عیسی اُش پس و به آته سپاس اُشگت آته سامری آند¹⁷ عیسی فرمایش اُشکِه { مگه آته دَه تن هَمه پاک یُئِن ؟ پس تَه تَن دِگه آ کُجاین ؟¹⁸ آیا بجز اِ غریبه کسی دِگه نواگِشت تا خدا را سپاس یگو ؟ }¹⁹ پس اُش گت { وارو و برو ایمائت آ تو شفاش اُشددِه }²⁰ عیسی در پاسخ فریسیا که شو پُرسیدِشَن پادشاهی خدا کی دا ، اُشگت : { اُندی پادشاهی خدا اوت ناشا با مشاهدَه دریافت بُکِش و²¹ کسی اُش ناشا یگو اِنکِه اِسی یا آنکِه . چون پادشاهی خدا در میون شما اسی }²² سپس آ شاگردیا اُشگت { زمانی دا که آرزو اُکنی که یکی از رُزیا پُس انسان را ببینی اما تو ناشا ببینی²³ مَرْدُم آ شما اگواین آته اِنکِه اِسی یا آته آنکِه اِسی اما آ پی آتیا مَچی²⁴ آمده که ساعقه در یک آن اِدِر خِشِه و آسمو از کران تا کران روئِن اُکِن پُس انسان نیز در رُز خوش اِنده اُکِن²⁵ اما اول باید رَنج زیاد یکنشِه و از سوی اِ تسلی ترد ببو²⁶ رُزیای پُس انسان مِت رُزیای نوح آبو²⁷ مَرْدُم آخوِرِن و اَنوِشِن و رَن شا گِرت و شوشا که تا آته رُزی که نوح آ کشتی چو آمی موقع سیل آند و هَمه هلاک اُشکِه²⁸ در زمان لوط نیز اِنده آند مَرْدُم سرگرم خَرَدَه و نوشیده و خرید و فروش و زراعت و عمارت اَنِدِن ،²⁹ اما رُزی که لوط از سُدوم آ در اُند تَش و گوگرد از آسمو اُش باری و هَمه هلاک اُشکِه³⁰ رُز ظهور پُس انسان نیز آمده اِسی در آته رُز ،³¹ کسی که بر بام خوتش بو و اساسیاش در داخل خوته بتری وایستی آته نیا و آته که در مزرعه بو آ خوته یواگرده³² رَن لوط آ یاد بیاری³³ هر که تَه وی جوینه خوش حفظ بُکن آته از دَس اِده و هر که جوته خوش از دَس اِده آته حفظ اُکِن³⁴ آ شما اگوام در آته شو {شب} از دو نفر که در یک بستر اِیین یکی وایسته و دیگری واگذاشته آبو .³⁵ و از دو زن که با هم دستاس اِکِرداین یکی وایسته و دیگری واگذاشته آبو .³⁶ نیز از دو مَرْد که در مزرعه اِیین یکی وایسته و دیگری واگذاشته آبو³⁷ شو پُرسی کجا ای خداوند ؟ پا شُخ اُشدا هر جا لاشی بو لاشخوریا در آنکِه جَمع اِیین

¹ عیسی بَری شاگردیا مَثلی شاو تا نیشو آده که باید همیشه دعا بُکُنن و هرگز دلسترد نین ² و اُشگت { در شهری قاضی آند که نه از خدا باکی اُشن نه آ خلق خدا توجهی ³ در اُمی شهر پیوه زنی آند که همیشه ش پش دان و از آته شَوس دادوش از دشمن یگیره ⁴ قاضی چند باری آ آته اعتنا اُش نیکه اما سرانجام با خوش اُشگت هر چه از خدا باکی اُمی و خلق خدا بی توجهم ⁵ اما چون اُ پیوه زن مدام زحمت مده دادش اَکرم مبادا همیشه بیا و مه آ ستوه بباره } اُمی موقع خدا اُشگت توشنفت اُ قاضی بی انصاف چش گت ؟ ⁷ حال آیا خدا آ داد برگذیدای خوش که رُز و شو آ در گاه آته فریاد اُزین نازسبه ؟ ⁸ آیا اُکار را آمده آناخیر آبی آ شما اَگوام که به زودی آ داد اُزیا آرسبه اما هنگامی که پُس انسان بیا آیا ایمان بر رَمی پیدا اُکن ؟ ⁹ اُمی موقع بَری برخی که از پارسایی خوشو مطمئن اُنین آ آتیا آ دیدی تحقیر نگاشا که اُ مَثلی شاو { دو نفر بَری عبادت آ معبد چِدن یکی فریسی ، یکی دَگه خراجگیر ¹¹ فریسی وِسا و با خوش اُزیه دعاش که خدایا تو شُکر اَکیم که مِث دَگه مَرُدِیا درد و بدکاره و زنا کار نیسیم و نه مِث اُ خراجگیر . ¹² دو بار در هفته روزه اَکرم و هر چی آ دس دارم ده یک اَدیم ¹³ اما آته خراجگیر دور وِسا و اُش نواس حتی چشای خوش آ طرف اُسمو بلند بُکن بلکه آ سیته ی خوش شه کوفت و شه گت خدایا آ مِی گناهکار رحم بُکن . ¹⁴ آ شما اَگوام که اُ مَرَد ، و نه آ ته ، پارسا شِمَرده یُیس آ خوته چو ، چون هر که خوش بلند بُکن خوار اُبو و هر که خوش خوار بُکن شرآفراز اُبو ¹⁵ مَرُدِی حتی نوزادیا آ پلو عیسی شادو تا بر آتیا دس اوینیه شاگردیا چون اُدشو بینا مَرُدِی را سترزیش شو که ¹⁶ اما عیسی آتیا آ پلو خوش قراش خند و اُشگت اوینسی چیا آ پلو مه بین مانع مبی چون پادشاهی خدا از اُن اُزیا اُسی . ¹⁷ اُمین آ شما اَگوام هر که پادشاهی خدا مِث یچی نیدیره هرگز آ آته راه پیدا ناکن } ¹⁸ یکی از رئیسای از آتش پُرسی { استار نیکو چو بُکنم تا وارث حیات جاودان ییم ؟ } ¹⁹ عیسی پاسخ اُشدا ، { چو آ مه نیکو مَحَنیش ؟ هیچکی نیکو نی جز خدا ²⁰ احکام اَقمیش زنا مکن ، قتل مکن ، زردی مکن ، شهادت دروغ مده ، پدر و مادر خوت را گرامی یَدن } . ²¹ اُشگت هَمی اُزیا از یچه گیم آ جا مه آرده ²² عیسی چون اُزیه اُش شُنفت اُشگت اُنوز یک چی کم آته هرچی آته یفُرش و بهایش اُ میون تَنگدسیا تقسیم بُکن که در اُسمو گنج اُته و اُمی موقع اُدا از مه پیروی بُکن . ²³ مَرَد چون اُزیه اُش شُنفت اندوهگین یُیس چون ثروت زیاد اُشن ²⁴ عیسی آ آته یگاش که و اُشگت { چه دشوار اُسی راه پیدا کِردی ثروتمندیا آ پادشاهی خدا . ²⁵ زردی شُتر از سوراخ سوزن آسونتر اُسی از راهیابی شخص ثروتمند آ پادشاهی خدا } ²⁶ کسیای که اُزیه شو شُنفت شو پُرسی { پس چه کسی شه شا نجات پیدا بُکن ؟ } ²⁷ اُشگت هر چه بَری انسان ناممکن اُسی بَری خدا ممکن اُسی ²⁸ پطرس اُشگت اما که خوته و کاشونی خوت ترک مو کِرده تا از تو پیروی بُکنم . ²⁹ عیسی آ اُزیا اُشگت اُمین آ شما اَگوام ، کسی نی که خوته یا زن یا برادر یا والدین یا فرزندی را بخاطر پادشاهی خدا ترک بُکن ³⁰ و در اُمی عصر چند برابر آ دس نیاره و در عصر اُزیه نیز از حیات جاویدان بهرقتند نابو ³¹ اُمی موقع آته دوازده نفر آ کناری اُشگشی و آتیا اُشگت آلا آ اورشلیم اُچم در آنکه هر چه انبیا درباری پُس انسان شو توشته آ انجام آرسبه . ³² چون آته آ اقوام بیگانه اُسپرن آتیا آته استیزا و توهین شه کُین و آو دهن آ روی آته آتین ³³ نازیاتش اُزین و شه کُشین اما در رُز سوم بلند آوابو ³⁴ شاگردیا هیچ یک از آتیا درک شو نیکه معنی شُخن آته از آتیا پنهون آند و شو یَقَمی درباری چه شُخن اُگتای ³⁵ چون تَریک اریحا رسی مَرَدی نابینا آ کنار راه اُداسن و گدایی شه که ³⁶ چون صدای جمعیتی که از اُمیکه رد اُزین اُش شُنفت اُش پُرسی { چه خبر اُسی } ؟ ³⁷ شو گت { عیسی ناصری رد اُبدوی } ³⁸ آته فریاد اُش رت { ای عیسی پُس داوود آ مه تَرحم بُکن } ³⁹ کسیای که جلوتر آ جمعیت اُچدن نهیب شو دا و شو گت ساکت پَیش اما آته بیشتر فریاد اُشزرت ای عیسی پُس داوود بر مه تَرحم بُکن ⁴⁰ اُمی موقع عیسی وِسا و اُمرأشکه آته مَرَد شه پلو بیارن چون تَریک آند ⁴¹ عیسی از آتش پُرسی چه نوی تَزرر بُکنم ؟ اُشگت سرور مه قوی بینا ییم ⁴² عیسی آ آتش گت بینا پَیش ایمانت شفا اُش دِیسش ⁴³ کور اُمی موقع بینا یُیس و خدا را سپاس اُشگت از پی عیسی چو مَرُدِی چون اُدشو بینا همه گی خدا را سپاس شو گت

¹ عیسی آریحا رسی و از میون شهر رد آئیس ² در آنکه توانگری آند زکا نام ریسی خراجگیرا³ آته شوس بیینه عیسی که اسی اما از کیدونی قدش و جمعیت زیاد اش ناشییس . ⁴ بخاطر آمی دووی و از درخت چنار برا چو چون عیسی از آمیکه رد آئیس⁵ چون عیسی آ می مکانی رسی آ برا نگاش که و آ آتش گت {زکا زودی آ زیر پدا که ایزر آ خوتی تو و اتمم} . ⁶ زکا بیدرنگ آ زیر آند و با شادی آتش پذیرفت . ⁷ مردم چون ایشو بینا هقه لب آ شکایت باز شو که {آ خوتی گناهکاری ممونی چده} و زکا از جاش بلند وائیس و آ خداوند اشگت سرور مه آلا نصف اموال خوت آ فقرا آدیم و آگه چیزی به ناحق از کسی ام گرتیه چهار برابر آته آواگردیم . ⁹ عیسی اشگت ایزر نجات آ آ خوتی آئیه چون ا مرد نیز فرزند ابراهیم اسی . ¹⁰ چون پس انسان آئیه تا گمشده پیدا بکن و نجات آئیه¹¹ در آمی آل که آتیا آ ا حرفیا گوش شا دا عیسی در اداقه ی حرف مثلی شاو چون تربک اورشلیم آند مردم گمان شا که پادشاهی خدا در آمی زمان ظهور آگن¹² پس اشگت {نجیب زادی آ سرزمین دور دستی چو تا آ مقام شاهی منسوب ببو و سپس واگرده¹³ پس چند نفر از خادمیای خوش اشگت بی و هر یک سکه طلا اشدا و اشگت تا واگشتی مه با ا پول تجارت بکنی . ¹⁴ اما مردمیای که قرار آند بر اشو حکومت بکن از آته نفرت شو آند . آتیا قاصدیای شو فرسا و ا پیغامی که اما مئاوی ا شخص اما حکومت بکن¹⁵ با ا هقه آته آ مقام شاهی منسوب بیس و آ ولایت خوش آند پس فرمود خادمیای که آ اذیا سرماییش دیش فرا اش خند تا یقه مه ققد سدو شو کیده¹⁶ اولی آند اشگت سرورا سکه تو ده سکه دگه سود شارده . ¹⁷ آ آتش گت آفرین ای خادم نیکو چون در آندک آمین بییش حکومت ده شهر آ تو اسپورم¹⁸ دومی آند اشگت سرورا سکه تو پنج سکه دگه سود شارده . ¹⁹ آ آته نیز اشگت بر پنج شهر حکمرانی بکن²⁰ سپس دیگری آند اشگت سرورا آلا سکه تو ا پارچی ام پیچیده نگه ام داشته²¹ چون از تو آتریدیم چون مردی سخت گیرش هر چه ات یندیه آ واستیش و هر چه ات نکاشته ا رو آکیش²² آ آتش گت ای خادم بد کاره مطابق گفت ی خوت بر تو حکم اکیم تو که ت قمیس مردی سخت گیرم هر چه ام یندیه آواستیم و آته که ام یکاشته ا رو اکیم²³ چو پول مه آ صرافیا ات یدانا چون واگردم آته با سود پس یگرم²⁴ ؟ پس آ حاضر ا اشگت ، سکه از آته یگیری و آ آته که ده سکه اشن آدی . ²⁵ آ آته شو گت ، سرورا آته که خوش ده سکه ائیه²⁶ پاسخ اشدا آ شما آگوام که به هر که ائیه بیشتر دده آبواما آته که اشنی آمی که ائیه نیز از آته گرتیه آبو . ²⁷ و آلا آته دشمنیای مه که شو ناوو پس بر اذیا حکومت بکنیم آ ائیه بیاری و در برابر مه بکنشی²⁸ پس از ا حرفیا عیسی جلوتر از اتیا راه اورشلیم شه پیش گرت²⁹ چون آ تربکی بیت فاجی و بیت عنیا که آ بتری کوهی آند رسی دو نفر از شاگردیا ی خوش اش فرسا³⁰ اشگت ، آ دهکدی که آ پیش روی شما اسی اوچی چون وارد بدی کره الاغی پیدا آکنی که کسی تا آلا آ سوار آته یندیه آته باز بکنی آ ائیه بیاری . ³¹ آگه کسی از شما اش پرسی چو آته باز کردوی بوگووی خداوند آ آته نیاز ائیه³² فرستادیا چدن و هقه چی آمده که عیسی اش گنیش پیداشو که³³ و چون کره باز شا که صاحباش اذیا شو گت چو ا کره باز آکردوی؟³⁴ جواب شو دا خدا آ آته نیاز ائیه³⁵ آتیا کره را آ پلو عیسی شو او پس ردایای خوشو آ رو آته شو پس و عیسی آ روی آته شو نا . ³⁶ آمه که عیسی شا پیش آبو مردم ردایای خوشو آ ستر راه پهن شا که³⁷ چون تربک سرازیری کوه زیتون رسی جماعت شاگردیا هقه با شادی خدا را با صدای بلند بخاطر هقی معجزاتی که از آته شو بییسون سیاس شو گت³⁸ نداشو دا که مبارک اسی پادشاهی که آ نام خداوند دا صلح و سلامت در آسمو و جلال در عرش برین باد³⁹ بعضی از قریسبا از میون جمعیت آ عیسی شو گت استاد شاگردیا نهیب یزن . ⁴⁰ در پاسخ اشگت آ شما آگوام آگه اذیا خاموش بین سنگیا آفریاد دان⁴¹ پس چون آ اورشلیم تربک بیس و شهر اش بینا بتری آته گیرخ اشکه⁴² و اشگت کاش تو نیز در ایزر ا تشخیص تدا که چه چیز تزرر صلح و سلامتی آ ارمغان داره اما افسوس که از چشیا پنهون بده⁴³ زمانی دا که دشمنیا دور تا دور تو سنگر آتین و از هر طرف محاصره تکنین عرضه آ تو تنگ آکین⁴⁴ و تو و فرزندیات در درونت آ خاک و خون آکین و سنگ بر سنگ آ جا نواقمیه چون از موعد آندی خدا آ یاریت غافل بییش⁴⁵ پس آ صحن معبد آند و آ در کردی فروشندیا اشکه . ⁴⁶ و آ آتیا اشگت {نوشته بوده خوتی مه خوتی دعا اسی اما شما آته لوته ی راهزنیانو کیده}⁴⁷ آته هر رز در معبد تعلیم شه دا اما سران و کاهنیا و علمای دین و مشایخ قوم در پی کشتن آته آندین⁴⁸ اما راهی بتری مقصود خوت پیداشو ناکه چون مردم هقه شیفتی حرفیای آته آندین

¹ یکی از رُزیا که عیسی در صحن معبد مردم را تعلیم و بشارت شَه دا سران کاهنیا و علمای دین آ هَمَرایِ مشایخ شَه پَلو اُنْدِن ² و شو گُت آ آما بُگو به چه اجازه ی ا کاربا آکِردایش چه کسی ا اِقتدار آ تو اُش دِده ؟³ پاسخ اُشدا مَه نِزار شما پرسشی اُمه آ مَه بُگوی اُیا تعمید یحیی از اُسمو اُند یا از انسان ؟⁵ اُتیا با هم شور شو که و شو گُت { آگه بگوام از اُسمو بُده آگو پس چوا آ آته ایمان تو نیارده ؟⁶ و آگه بُگوام از انسان اُند مردم هَمَه سنگسار ما کین چون بر ا اعتقادی اِن که یحیی پیامبر بُده }⁷ پس پاسخ شو دا { ناقم از کجا اِسی { عیسی اُشگت { مَه نِزار شما ناگوام با چه اِقتداری ا کاربا آکِردام {⁹ اُمی موقع ا مثلی بَری مردم شَاو مَردي تاکستانی عرس اُشکه و آته آ چند باغیو اجازه اُشدا و مدِت طولانی آ سفر چو¹⁰ در موسیم وایستی محصول غلامی آ پَلو باغبونیا اُش فرسا تا مقداری از میوه ی تاکستان آ آته اَدین اما باغبونیا آ آته شو رَت و دَس خالی شو واگَرَدنا¹¹ پس غلامی دِگه اُش فرسا آته نِزار شو رَت و آ آته بی احترامی شو که و دَس خالی رواته شو که¹² پس بَری بار سوم غلامی اُشفرسا اما آته نِزار مجروح شو که و شا در پَس¹³ صاحب باغ اُشگت چو بُکیم ؟ پس محبوب خوم اُفرسیم شاید آته حرمت شو نا .¹⁴ اما باغبونیا چون پُشش شو بینا با هم آ مشورت شَینس و شو گُت ا وارث اِسی تی آته اُش بُکشم تا میراث از اِن آما بو¹⁵ پس آته از تاکستان شَا در پَس شو گُشت . آلا آ گمان شما صاحب تاکستان با اُتیا چو اُکُن ؟¹⁶ آته دا و باغبونیا را هلاک اُکُن تاکستان آ کِسیای دِگه اِده . چون اِدشو شُفت شو گُت اِنِده نابو¹⁷ اما آته آ اُتیا نگاه اُشکه و اُشگت پس معنی ا نِوشته چه اِسی که آگو سنگی که معماریا رد اُکُن بهترین سنگ بنا اِسی ؟¹⁸ هر که آ آته سنگ یکت خُرد ابو و هر موقع آته سنگ ا رو کسی یکت آته در هم اُشکینه¹⁹ علمای دین و سران کاهنیا چون شو قمی ا مثل دربارَه ی اُتیا آگوتوی با هم بُن اُمی موقع آته گرفتار بُکِن اما از مردم تَرسیدن²⁰ پس عیسی شَا زیر نظر گِرت و جاسوسیای شَا پَلو فرسا که خوشو صدیق جلوه اَدین اُتیا در پی اِده اُنْدِن که حرفیای عیسی دست آویزی بَری تسلیم آته آ قدرت و اِقتدار والی پیدا بُکِن²¹ پس جاسوسیا از آته شو پرسی { استاد اَدَم که تو حقیقت آگوتایش و تعلیم اِدایش و از کسی جانبداری ناکردایش بلکه راه خدا بدرستی آ باد اِدایش .²² آا پرداخت خراج آ قیصر آ آما روا اِسی یا نه {²³ آما آته آ نیرنگ اِدیا پی اُشیو و اُشگت { دیناری²⁴ مَه نِشو آدی نقش و نام روی ا سیکه از اِن که اِسی {²⁵ پاسخ شو دا { از اِن قیصر { آتیا اُشگت مال قیصر آ قیصر آدی و مال خدا را آ خدا .²⁶ اِنِده اُند که شُنیسیس در حضور مردم آته با گفَتایش آ دام اوتین و در شگفت از پاسخ آته خاموش بُن²⁷ پس چند نفر از صدوقیا که منکر قیامت اُنْدِن و سوالی از آته شو پُرسی ،²⁸ شو گُت استاد موسی بَری آما اُش نِوشته که آگه برادر مَردي بمیری و از خوش زنی بی فرزند آ جای اُنِیسه آته مَردي باید آته آ زنی یگیره تا نسلی بَری برادرش آ جا اُنِیسه²⁹ پس هفت برادر اُنْدِن برادر اول زنی اُشگِرت و بی یچ مُرد³⁰ پس دومی³¹ و بعد سومی آته به زنی شو گِرت و آمده هفت برادر مُردن اِده که از خوشو یچی آ جا اُنِین .³² سراجام آته رَنوینز یمیری .³³ حال در قیامت آته زن کدام یک ابو ؟ چون هر هفت برادر آته آ رنی شو گِرت³⁴ عیسی پاسخ اُشدا مَردي ا عَصری رَن اگیرن و شو { شوهر { اُکِن³⁵ اما اُتیا که شایسته ی رسیدی ا عصر اِنِده و قیامت مُردیا محسوب اِن ، نه رَته اگیرن و نه شو اُکِن³⁶ و ته دِگه اَمِرن چون مِث فرشتیا اِن اُتیا یچای خدا اِین چون که یچای قیامت³⁷ حقیقت بلند و اُبدی مُردیا را حتی موسی نِزار در شَرَح ماجرای بوته ی سوزان اُشکار اُکِن آنکه که خداوند خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب خَند بُده³⁸ اما آته نه خدای مُردیا ، بلکه خدای زنده یا اِسی چون پَلو آته هَمَه زنده اِین³⁹ بعضی از علمای دین پاسخ شو دا استاد خَش اُنگت⁴⁰ و دِگه هیچکس جرات اُش نیکه پُرسشی از آته بُکِن⁴¹ پس عیسی آ آتیا اُشگت چگونه اِسی که آگوام مسیح پَس داوود اِسی ؟⁴² چوا که داوود خوش در کتاب مزامیر آگو : خداوند آ خداوند مَه اُشگت آ دَس راسی مَه اونی⁴³ تا موقعی که دُشمنیات آ کُرسی زیر پات بُکیم⁴⁴ آگه داوود آته خداوند اُش خَندِس بو چطور آته شَشا پَس داوود بو ؟⁴⁵ در اُمی موقع که مردم هَمَه گوش شَا دا عیسی آ شاگردیای خوش اُشگت ،⁴⁶ از علمای دین بر حذر بی که دوس اَدِن در قباي بلند راه اُچن و مَرْدُم در کوچه و بازار آ اُتیا سلام بُکِن و در کنیستیا بهترین جاشو بو و در ضیافتیا آ صدر مجلس اوتین .⁴⁷ از طَرَفی خوتیای بیوه رَنیا غارت اُکِن و از طَرَفی دِگه بَری تظاهر دعای خوشو طولانی اُکِن مکافات اِدیا تسی سختتر ابو

¹ عیسیٰ آ اطراف نگاش که و ثروتمندیا اُش بینا که هَدیپای خوشو آ صندوق بیت المالِ معبد شا یس . ² در آمی تین بیوه رنی فقیری اُش بینا که دو قرون در صندوق اُشیس ³ عیسی اُشگت پراستی آ شما آگوام ا پیوه رن فقیر از هَمی اُتیا بیشتر اُشدا ⁴ چون اُتیا آیمگی از فزونیا دارایی خوشو شودا اما ا رن در تنگدسی خوش تمام روزی خوش اُشدا ⁵ چون بعضی در وصفِ معبد سخن شا گت که چگوته با سنگای زیبا و هَدیپای وقف بده آراسه بده . ⁶ عیسی اُشگت زمانی دا که هر چه اِنکه آییندوی سنگی اَسنگی دِگه تَوامنه بلکه هَمه فرو آریزه ⁷ شُرسی استاد ا وقایع کی اُخ آده و نشوتی تریک بَدی اِدیبا چه اِسی ؟ ⁸ پاسخ اُشدا آ هوش بی که گمراه نیی چون خلی آ نام مه داین و آگوان مه آمی اِسیم و زمان موعود قرا رسیده از اُتیا پیروی مکنید ⁹ و چون خبر جنگیا و آشوبیا اُشوی متریسی چون باید ا وقایعی اُخ آده ولی آمی موقع پایان کار ناریسه ¹⁰ پس آ اُتیا اُشگت قومی آ قوم دِگه و حکومتی آ حکومت دِگه بلند آواین . ¹¹ زلزلیای گب و قحطی و طاعون آ جایای گوناگون دا و وقایع هولناک رو آده نشوتیای مهیب از آسمو ظاهر آبو ¹² اما پیش از اِده هَمی شماییا گرفتار آکین آزار آرتین و آ کنیسیا و زندانیا آسپرن و بخاطر نام مه شما را آ پلوی پادشایا و والیا آبرن ¹³ و اِنده فرصت پیدا آکئی تا شهادت آدی ¹⁴ اِده خَش آ خاطر بسپاری که پیشاپیش نگران مبی کهدر دفاع از خوت چه بگوئی ¹⁵ چون آ شما کلام و حکمتی آدیم که هیچیک از دشمنیاتو یارای مقاومت یا مخالفت با آتش نبو ¹⁶ حتی والدین و برادریاتو و خیشان و دوسیاتو شما را تسلیم دشمن آکین و برخی از شما آکشین ¹⁷ مَرْدُم هَمه بخاطر نام مه از شما نفرت شو ¹⁸ اما موبی از سرتو گم نابو ¹⁹ با پایداری جون خوتو نجات آدی ²⁰ چون آیینی اورشلیم آ محاصری سپاهیا در اِده یقمی که ویرانی آته تریک اِسی . ²¹ آمی موقع آنیای که در یهودیه اِسن آ کوه هیا یگرین و اُتیا که آ شهر اِسن آ شهر آ در اچن و اُتیا که آ دشت و صحرا اِسن آ شهر نیین ²² چون آته ژریا ژریای مکافات اِسی که در آته هر چه نوشته بده تحقیق پیدا آکُن ²³ وای بر رنای آوستن و مادرای شیر ده در آته ژریا چون مصیبتی گب دامنگیر ا سرزمین آبو و ا قوم آ غضب الهی دچار آین ²⁴ آ دَم شمشیر آکون و در میون هَمی قومیا دِگه آ اسارت بُرده آین و اورشلیم دلگد مال غیر یهودیا آبو تا آمی موقعی که دوران غیر یهودیا تحقیق پیدا بکن ²⁵ نشوتیای در خورشید و ماه و ستاریا پدید دا بر رمی قومیا از جوش و خروش دریا پربشون و مُشوش آین . ²⁶ مَرْدُم از تصور آمی که بر دنیا چه آبو از فرت وحشت بیهوش آین چون نیرویا آسمو آ لرزه در دا ²⁷ آمی موقع پُس انسان آیینی که با قدرت و جلال عظیم در ابری دا . ²⁸ چون ا امور شروع ببو راس وِیسی و سترای خوتو آ برا یگری چون رهایی شما تریک اِسی ²⁹ و ا مثل بتری اُتیا شو درخت آنجیر و درختیای دِگه در نظر بیاری به محض اِده که برگ آدین ³⁰ تا شا بیینی و یقمی که تووسو {تابستان} تریک اِسی ³¹ آمیده که هر گاه توینا اِدیبا اُخ آدی اقمی که پادشاهی خدا تریک اِسی ³² آمین آ شما آگوام تا هَمی ا امور واقع نیو ا تسل ناپره . ³³ آسمو و رمی زایل آبو اما حرفیای مه هرگز زوال نابو ³⁴ آ هوش بی یکنه عیش و نوش و مستی و نگرانیهای زندگی دلتو سنگی {سنگین} بکن و آته رز ³⁵ چون دامی یكدَقعی غافلگیرتو بکن چون بر آمی مَرْدُم آ سراسر جهان دا ³⁶ پس هَمیشنه مراقب بی و دعا بکنی تا تو پشا از آمی ا چیزیا که به زودی اُخ آده در امان بی و در حضور پُس انسان وِیسی ³⁷ عیسی هر رز در معبد تعلیم شه دا و هر شو آ شهر آ در آچو و بر فراز کوه معروف زیتون شو آ صبح شه که ³⁸ صبح زود مَرْدُم بتری شنیدن حرفیاش در معبد جمع آبودن

¹ و چون عید فطیر که آ پَسَخ معروف اِسی تَرِیک آئیس ² و ستران و کاهنیا و علمای دین در جستجوی راهی مناسب بَرِی کُشتنِ عیسی آندین چون از شورشی مردم بیم شو آند ³ آمی موقع شیطان در یهودای معروف آ اسخربوطی که یکی از دوازده شاگرد آند رختش که آته آ پَلو سران کاهنیا و فرماندای نگهبانای معبد چو و با آتیا گفتگو اُشکه که چطور عیسی آ دَس اِذیا تسلیم بکنن آتیا شاد بَدن و موافقت شو که مبلغی آ آته آدین . آنه قبول اُشکه و در پی فرصت آند تا در غیاب مَرْدُم عیسی را آ آتیا تسلیم بکنن پس رُز عید فطیر که میبایست بَره ی پَسَخ قربانی ببو فرا رسی ⁸ عیسی ، پطرس و یوحنا اُش فرسا و اُشگت اچی و شام پَسَخ مازور تدارک ببینی تا بْخوَرَم ⁹ شو پُرسی کجائوی تدارک ببینم ؟ ¹⁰ پاسخ اُشدا موقعی که داخل شهر آبی مَرْدی با کورَه ی آو آ شما آخوی از پی آته آ خوئی اچی که آته آ آنکه داخل آبو ¹¹ و آ صاحبخوئه بوگی استاد اگتوی مهمون خوئه آ کجای تا شام پَسَخ با شاگردیام بْخوَرَم ؟ ¹² آته بالا خوئی بزرگ و مَفروشی آ شما نشو آده در آنکه تداژک ببینی ¹³ آتیا چِدن و هَمه چی آمده که اُش گِئِشَن پیداشو که و پَسَخ را تدارک شو بینا ¹⁴ ساعت مقرر فرا رسی و عیسی با رسولیای خوش آ سَرِ سَفَره شه ¹⁵ آمی موقع آ اِذیا اُشگت شوق زیاد اَمَن پیش از رنج کِشِدَم ا پَسَخ را با شما بْخوَرَم ¹⁶ چون آ شما آگوام که دِگه از آته ناخوَرَم تا موقعی که در پادشاهی خدا تحقق ببو ¹⁷ پس جامی اُشگِرت و شکر اُشکه و اُشگِرت اِده یگیری و آ میون خوتو تقسیم بکنی . ¹⁸ چون آ شما آگوام که تا آندی پادشاهی خدا دِگه از محصول مَو نانوشیم ¹⁹ و نو {نان} اُشگِرت و شکر اُشکه و تِکه اُشکه و آ آتیا اُشدا و اُشگت ا بَدن مَه اِسی که بَرِی شما دَده آبو اِده به یاد مَه آ جا بیاری . ²⁰ همچنین بعد از شام جام اُش واسیه و اُشگت ا جام عهد جدید اِسی در خون مَه که بخاطر شما رختَه آبو ²¹ اما دَس کیسی که قصِد تسلیم مَه اُشبه با دَس مَه در سفره اِسی ²² پس انسان آمده که مقدر اِسی آچو اما وای بَر کیسی که اته تسلیم دشمن آکن . ²³ آمی موقع اَر هَم دِگه شو پُرسی که کدامیک اِنده آکن ²⁴ بَر و بحثی آ میون شو اُشگِرت که کدامیک از اِذیا گِئِر اِسی . ²⁵ عیسی آ اِذیا اُشگت پادشاهیای قومای دِگه آ اِذیا سَروری آکین و حاکمای اِذیا و لَیعمت خاندَه آین ²⁶ اما شما اِنده مَبی گِئِرین آ میون شما باید آمده کیدوترین بو و رهبر باید آمده خادم بو . ²⁷ چون کدامیک گِئِر اِسی ، آته که آ سَرِ سَفَره اونی یا آته که خدمت بکنن ؟ آیا نه آته که آ سَرِ سَفَره اونی ؟ اما مَه در میون شما خادم اِسیم ²⁸ شما گِسیای اِسی که در آزمایشای مَه مَه پَلو وِستدی . ²⁹ پس آمده که پدرم پادشاهی آ مَه عطا اُشکه مَه نیز آ شما عطا اُکیم ³⁰ تا آ سَرِ سَفَری مَه در پادشاهی مَه بوخوری و بیاشامی و بر تَخْتیا اوتی و بر دوازده قبیلای اسراییل داوری بکنی ³¹ ای شمعون ای شمعون شیطان اجاز اُشگِرتَه شما را مِث گِئِم غَربال بکنن ³² اما مَه بَرِی تو دعا اُم کِرده تا ایمائت تلف نیو پس چون واگِئِشَن برادریات استوار بکنن ³³ اما آته در پاسخ اُشگت ای سَروَرَم مَه آمادیم با تو آ زندان اچم و جو آدیم ³⁴ عیسی جواب اُشدا پطرس یَقَم که اِز پیش از بانگ خروس سیه بار انکار مَه کِئِش که مَشْنائِش . ³⁵ پس از آتیا اُش پُرسی آیا زمانی که شما بدون کیستی پول و توبیه دان و کفش اُم فِرستدی آ چیزی محتاج بیدی پاسخ شو دا نه آ هیچ چی . ³⁶ پس آ آتیا اُشگت ، اما آلا هر که کیستَه یا توبیه دان اُشبه آته واسی و آگه شمشیر اُشنی جَمی خوش یَفْرِشَه شَمشیری یَخِلَه ³⁷ چون اِ نوشته در باری مَه تحقق پیدا بکنن آته از خطا کاریا محسوب بیس بله هر چه درباری مَه نوشته بده در سَرُف تحقق اِسی . ³⁸ شاگردیا شو گت {ای خداوند پنگر دو شمشیر موا} آ اِذیا اُشگت {کافی اِسی} ³⁹ پس عیسی آ در چو بنا به عادت راهی کوه زیتون بیس و شاگردیاش نیز از پی آته چِدن ⁴⁰ چون اِ مکان رسیدن آ اِذیا اُشگت {دعا بکنی تا در آزمایش یکوی} ⁴¹ پس به مسافت پرتاپ سَنگی از آتیا کنارش گِرت و زانو اُش رَت اِنده دعا اُشکه ⁴² اِدر آگه اِراِده ی تو اِسی اِ جام را از مَه دور بکنن اما نه به خواست مَه بلکه اراده تو انجام ببو ⁴³ آمی موقع فِرشته ای از آسمو بر آته ظاهر بیس و آته تقویت اُشکه ⁴⁴ پس چون در رنجی جانکاه آند با حدیث بیشتر دعا اُشکه و عَرَفُش مِث قَطَرای خون بَر رَمی اچکی ⁴⁵ چون از دعا بلند وائیس آ پَلو شاگردیا واگِئِشَن اُش بینا از قَرَت آندوه خَئِش . ⁴⁶ آ اِذیا اُشگت چوا آ خوابی {خوابید} ؟ بلند وابی و دعا بکنی تا در آزمایش یکوی ⁴⁷ هنوز گپ شَه رَت که گروهی از راه آندین . یهودا یکی از آته دوازده نفر ، آتیا را هدایت شَه که آ عیسی تَرِیک بیس تا آته بوشش بکنن . ⁴⁸ اما عیسی آ آتش گت ای یهودا آیا پس انسان را با بوسه تسلیم اُکِئِش ؟ ⁴⁹ چون پیروان عیسی شو قَمی چه روی آدُی شو گت ای سَروَر ما شمشیرامو یکِشَم ؟ ⁵⁰ و یکی از آتیا غلام کاهن اعظم را آ شمشیر اُشَرَت و گوش راستش اُشبولی ⁵¹ اما عیسی اُشگت دَس یگه پَدَری و گوش آته مَرْدو لمس اُشکه و شفا اُشدا ⁵² پس خطاب آ سران کاهنیا و فرماندای نگهبانای معبد و مشایخی که بَرِی گرفتار کِرْدی آته آندِشِن اُشگت مَگه مَه راهزیم که با چماق و شمشیر آ سِراغَم اُنِیسی ؟ ⁵³ هر رُز در معبد با شما آندیم و دَس آ مَه دراز تو نیکه اما اِ ساعت شما اِسی و قدرت تاریکی ⁵⁴ پس آته شو گِرت و آ خوئی کاهن اعظم شو بو پطرس دورا دور از پی اِذیا آچو ⁵⁵ در میوتی صحن خوئه تَشی روِشَن آند و جمعی دور آته آدائِشِن پطرس نیز در میون آتیا شه ⁵⁶ در آمی موقع کِئِزی آته در روشنائی تَش اُش بینا و آ آته خِزَه بیس اُشگت ا مَرْد نیز با آته آند ⁵⁷ اما آته اِنکار اُشکه و اُشگت ای زن آته اُش ناشنایم . ⁵⁸ کمی بعد کِی دِگه آته اُش بینا و اُشگت تو نیز یکی از آتیا اِشپطرس در پاسخ اُشگت ای مَرْد مَه از آتیا نیسیم ⁵⁹ ساعتی گذشت و کِی دِگه آ تاکید اُشگت بی گمان اِ مَرْد نیز با آته آند چون جَلیلی اِسی . ⁶⁰ پطرس در پاسخ اُشگت ای مَرْد نادیم چه اُگتاش آمده گپ شَه رَت که خروس اُش خند آمی موقع خداوند رواش واگردنا و آ پطرس نگاه اُشکه و پطرس سَخِن آته شَه یاد آو که اُش گِئِشَن اِز پیش از حَتی خروس سه بار مَه انکار اُکِئِش ⁶² پس آ در چو و سخت گِئِشَن اُشکه ⁶³ آتیاکه عیسی در میون شو آند آته استهزا شا که ، شا رَت ، ⁶⁴ و چشای آته شو تبیه شاگت ثبوت بکنن و بگو چه کسی آ تو آرتوی ؟ ⁶⁵ و ناسازیای زیاد دِگه آ آته شا گت ⁶⁶ چون صبح بیس شورای مشایخ قوم یعنی سَربای کاهنیا و علمای دین تشکیل جلسه شو دا و عیسی آ حضور خوشو شو خند ⁶⁷ شو گت آگه تو مسیحی ، آ آما بگو . پاسخ اُشدا آگه بوگوام حرفم باور ناکنی ، ⁶⁸ و آگه آ شما پُئِربیم پاسخ نادای ⁶⁹ اما از اِ به بعد پس انسان آ دَس راس قدرت خدا آنی ⁷⁰ هَمگی شو گت پس آیا تو پس خدایی ؟ در پاسخ اُشگت شما خوتو تو گت که اِسیم پس ⁷¹ شو گت دِگه چه نیازی آ شهادت اِسی ؟ از زبون خوش مو شُفت

¹آمی موقع آمی شورا بلند وائیدن و آته شا پلو پیلانئس بو² و از آته شکایت شوکه شو گت ، اِ مَرَدو پیدا مو کِرده که قومِ آما گمرا شته که و آما از پَرِدَاحَتِ خِراج آ قیصر مَنع شته که و اِدعا آشه مسیح و پادشاه اِسی³ پس پیلانئس از آته اَش پُرسی آبا تو پادشاه یهود اِیسیش ؟ در پاشخ اُشگت ، تو اِگَنابیش .⁴ آمی موقع پیلانئس آ ستران کاهنیا و جماعت اعلام اُشکه سَتَبی بَری محکوم کِرَدی اِ مَرَد پیدا ناکِردام⁵ آما آتبا به اصرار شو گت ، آته در سرتاسر یهودیه مَرُدُم را با تعالیم خوت تحریک اِکِرَدوی از جلیل شروع اُشکِرده آلا اِ اِنکه رَسیده⁶ چون پیلانئس اِدش شُغف شته وس یَقِمه آبا آته جلیلی اِسی⁷ و چون اَش قَمی که از قلمرو هیرودیس اِسی آته اَپلو وی اُشفیرسا چون هیرودیس در آمی موقع در اورشلیم اَند⁸ هیرودیس چون عیسی اُشبینا خیلی شاد بُیس چون خیلی خواهان دیدار آته اَند پس بنا بر هر چه درباری عیسی اَش شُغفِشْن امید اُشْن اِبتی از آته بَینه⁹ پس پرسشیا یزادی از عیسی اُشکه اما عیسی جوابی آ آتش یدا¹⁰ سَران کاهنیا و علمای دین که اَنکه اَندین سخت آ آته اتهام شا رَت¹¹ هیرودیس و سربازباش نیز آ آته بی حرمتی شو که و استهزا تَش شو که پس رِدا یی فاخر بر آته شو پوَشْنا و آ پلو پیلانئس شو واگَرَدنا .¹² در آمی رُز هیرودیس و پیلانئس بِنای دوسی با یک دیگَشو دا ، چون جلوتر دشمن اَندین .¹³ پیلانئس سَریای کاهنیا و بزرگیای قوم و مَرُدُم را فرا اُشخَواند .¹⁴ و شته آتبا گت ، "اِ مَرَد را به تَهْمِتِ شوراندن مَرُدُم ، تَرِد مَه شو اَرَدِه مَه در حضور شما آته اَمْتَحائِم که هیچ دلیلی بر صَحّتِ تَهْمِنایِ شما پیدام نِکِه¹⁵ نظر هیرودیس نیز آمی اَند چوا آته آ پلو مَه تو فِرْسَدِه چیزی که اِیَیندوی کاری اُش نِکِرده که مَسْتَحَقِ مرگ بو .¹⁶ پس آ آته شلاق اَرِین و آزاد اَکِین¹⁷ در هر عید پیلانئس باید یک زندانی شازَر آزاد بُکُن¹⁸ اما آتبا یک صدا فریاد شا رَت آته اُشواسی و باراباس بَری آما آزاد بُکُن¹⁹ باراباس بسببِ شورشِی که در شهر بُشْن و نیز بسببِ قتل در زندان اَند²⁰ پیلانئس که شَوَس عیسی آزاد بُکُن یک باره دِگِه با آتبا حرف اُشَرَت²¹ اما اِدا اَمِدِه فریاد شا رَت آ صلیبُش بُکُن²² سومین بار آ آتبا اُشگت چوا ؟ چه بدی اُش کِرده مَه که هیچ دلیلی بَری کُشْتِنِه آته پیدا اُم نِکِرده پس آته تازیانه اَرِیم و آزاد اَکِیم²³ اما آتبا با صدای بلند با اصرار شا وس آ صلیب اوچو سرانجام فریادشو غالب بُیس²⁴ و پیلانئس حکمی که شلوس صادر اُشکه²⁵ آته مَرَدی که بسببِ شورش و قتل در زندان اَند و جمعیت خواهان آزادیش بُدن رها اُشکه و عیسی را آ اِدا اُش سِبُرد تا به دادخواه خوشو با آته رفتار بُکُن²⁶ چون آته شا بو مَرَدی شمعون نام از اهالی قیروان که از مَزْعَه آ شهر دا اَند شو گِرت و صلیب را بر دوشِی آته شو نا وادار شو که آته پَشِتِ سَرِ عیسی حمل بُکُن²⁷ گروه زیادی از مَرُدُم از جملَه زَنبای که بر سینه خوت شا کوفت و شبنون شا که از پی آته رَواته بُدن²⁸ عیسی روی اُش واگَرَدنا و آ آتبا اُشگت ای دُنیای اورشلیم بَری مَه گِریخ مَکَنی بَری خوت و بیچاتو گِریخ بُکُن²⁹ چون زمانی دا که اگوی خوش بحال زَنبای نازا ، خوش بحال رَحْمیای که هرگز نَزادند و سیتای که هرگز شبر شو تَدِده³⁰ در آمی موقع آ کوهیا اَکوان آ رو اُما پِرِیزی و اُتِپا که اُما م پِوَشْن³¹ چون اَگِه با چوپ تر اِنِدِه بُکُن با چوپ خشک چه اَکِین ؟³² دو مَرَد دِگِه که هر دو جنایتکار اَندین شا بو نا با آته بُکُشْن³³ چون آ مکانی که جمعه نامُشْن رَسیدن آته با دو جنایتکار آ صلیب شو که یکی آ سمت راس آته و دیگری آ سمت چپ³⁴ عیسی اُشگت ای پَدَر اِدا شو پِتَخش چون نادین چوا کِرَدابن آمی موقع قَرعَشو پس تا جَمَیای آته آمیون خوشو تقسیم بُکُن³⁵ مَرُدُم آ تماشا وِستِشْنین و بزرگیای قوم با تمسخر شا گت آتبا نجات اُشدا اَگِه مسیح اِسی برگزیدِی خدا خوت نجات اَدِه³⁶ سربازیا نیز آته آ اِستِهزا شو گِرت اِدا آ آته تَرِیک بُدن شراب تَرِشیده³⁷ آ آته شا دا و شا گت اَگِه پادشاه یهود اِیسیش خوت نجات اَدِه³⁸ نوشتی نیز به اِ عبارت بَری سَرِ آته نصب شو کِرَدِشْن که اِدِه اِسی پادشاه یهود³⁹ یکی از دو جنایتکاری که آ صلیب اَوِیخْتِه بُشْن اهانت کنان آ آتش گت مَگِه تو مسیح نِیسیش پس آما و خوت نجات اَدِه⁴⁰ اما آته یکی دِگِه آته سرزَنش اُشکه و اُشگت از خدا نا تَرِسیش ؟ تو هم آ زِر آمی حُکْمِش .⁴¹ مکافاتِ آما به حق اِسی چون سزای اعمالِ آما اِ مَرَد هیچ تقصیری اُشنی⁴² پس اُشگت ای عیسی چون آ پادشاهی خوت رَسیدِش مَه نیز آ یاد بیا⁴³ عیسی پاشخ اُشدا آمین آ تو اَکوام اِرُز با مَه در فردوس اِیسیش⁴⁴ حودِ ساعِتِ ششم اَند که تاریکی تمام آته سرزمین اُشگِرت و تا ساعت نهم ادامه اُشْن⁴⁵ چون خورشید از درخِشیده وِسا در آمی موقع پَرَدِه مَهرابگاه از میون پَرِه بُیس⁴⁶ آمی موقع عیسی آ بانگ بلند فریاد اُشَرَت ای پَدَر روح خوت را آ دَسِیای تو اَسپُرِم . اِدِه اُشگت و نفسِ اُخر اُشکَشی .⁴⁷ فرماندِی سربازیا با دِدی اِ واقعه خدا را تمجید شو که و شو گت به یقین که اِ مَرَد بیگناه اَند⁴⁸ مردمی که آ تماشا جمع بُشْن چون هر چه رُخ اُش داپِشْن شو بَیْتِشْن در حالی که آ سِیّی خوشو شا کوفت اَنکه ترک شو که⁴⁹ اما آمی اَشَنابای آته از جملَه زَنبای که از جلیل از پی اُش رَواته بُشْنین دور وِستِشْنین اِ وقایع را نگاه شا که⁵⁰ در اَنکه شخصی یوسف نام حضور اُش اَند که مردی نیک و درستکار آته هر چند عضو شورا اَند⁵¹ با رای و تصمیمِ آتبا موافق نی اَند یوسف از مردمِیای رame یکی از شهریای یهودیا اَند و مشتاقاته انتظار پادشاهی خدا شته گَشی⁵² آته آ پلو پیلانئس چو و جسدِ عیسی را طلب اُشکه⁵³ پس آته اَرِیر شاو در کتانی اُش پیچی و در مقبرَه ای تراشیده از سنگ اُشنا که تا بحال کسی در اَنکه دفن نِیُشْن⁵⁴ آته رُز رُز تهیه اَند و چیزی آ شروع شبات نوافندِشْن⁵⁵ زَنبای که از جلیل از پی عیسی اَندِشْنین آ دنبالِ یوسف چِدن و مکانِ مَقْبَرَه و چگوته قرار گِرتی جسدِ آته شو بینا⁵⁶ پس آ خوتَه واگِشْتِن حنوط و عطریا آمادشو که و در رُز شبات طبق حکم شریعت اَروم بُدن

¹ در سپیده دم ژر اول هفته زینا جنوبی را که فراهم شو کِردس سون با خوشو شو واسیه آ مقبره چِدن² اما شو بینا سنگِ جلو مقبره آ کناری غلطیده بده³ چون آ مقبره آ جا چِدن بدن عیسی خداوند شو بینا⁴ از امر در حیرت آیدن که ناگاه دو مرد با جَمیای درخشان در کنار اِذا وِستِدِن⁵ زینا از ترس سترای خوشو آ زیر شو پس اما آته دو مرد اِذا شو گت چوا تا وی زنده را آ میون مُردیا پیدا بگنی؟ آته اِنکه نی بلکه بلند وایده آ یاد بیاری موقعی که در جلیل آند آ شما چه اُشگت⁷ . اُشگت که پس انسان باید آ دس گناهکاربا تسلیم ببو آ صلیب کشیده ببو و در ژر سوم بلند وابو⁸ امی موقع زینا سخنیای آته شا یاد آند⁹ چون از مقبره واگشتن اِذا بتری یازده رسول و دیگران شو گت¹⁰ زینای که ا خبر آ رسولان شو دا مریم مجدلیه ، یوانا، مریم مادر یعقوب، و زینای همراه اِذا آیدن¹¹ اما رسولیا شو گت زینا هزبون اکتان و حرفباشو باور شو نیکه¹² با ا همه بطرس بلند وایس و طرف مقبره دوید و خم بئس نگاش که اما جز کفن چیزی اُش بینا پس حیران بئس از امی که رواشدیسون آ خوته واگشت¹³ در امی ژر دو نفر از آتیا آ دهکدی آچدن عماعوس نام واقع در دو فرسنگی اورشلیم اِذا در بازی امی واقع ای که رخ اُشدیسون با یکدگه گفتگو شا که¹⁵ آمده که سرگرم بحث و گفتگو آیدن عیسی خوش آ پلو آتیا آند و با اِذا همراه بئس¹⁶ اما اَنشه شو نیشناخت چون چشپای آتیا بسته بئن¹⁷ از آتیا اُش پُرسی در راه درباری چه گفتگو آکردی؟ آتیا با چهرای اندوهگین ساکت وِستِدِن¹⁸ امی موقع یکی از اِذا که کلنویاس اسم اُشن در پاسخ اُشگت آتیا تو تنها شخص غرب در اورشلیم اِیسش که چیزی در ا ژریا واقع بده بی خبرش؟¹⁹ اُش پُرسی چه چیزی؟ شو گت امی که بر عیسی ناصری گذشت آته پیامبری آند که در پیشگاه خدا و پلو امی مَرْدُم کلام و اعمال پُر قدرتی اُشن²⁰ سترای کاهنیا و بزرگیای اما آته شو سیُرد تا آ مرگ محکوم ببو و آ صلیب شو کشی²¹ اما اما امید موآند آته امی بو که باید اسراییل را رهایی آده علاوه بر اِده سه ژر از ا وقایع گذشته بده²² بعضی از زینا که اِنکه اِیین اما حیرت رده شو که آتیا اِژر صُب زود آ مقبره چِدن²³ اما جَسِد آته پیداشو نیکه امی موقع آیدن آ اما شو گت فرشتایی در روپا شو بیته که آ اِذا اُشگته آته زنده اِسی²⁴ بعضی از دوسپای اما آ مقبره چِدن و آمده که زینا نقل شو کِردِشن شو بینا اما آته شو بینا²⁵ امی موقع آ اِذا اُشگت ای بیخردیا که دلی دیر فهم بتری باور کِردی انبیا تو²⁶ آتیا نایس مسیح ا رنجیا بینه و سپس آ جلال خوش در بیا؟²⁷ پس از موسی و امی انبیا شروع اُشکه و هر چه که در تمامی کتب مقدس در بازی آته گفته بئن شارر توضیح دا²⁸ چون آدهکدی که مقصد شو آند تریک بزن عیسی وانمود اُشکه شوی دورتر اچو²⁹ آتیا اصرار شو که و شو گت و شو گت با اما واغن چون چیزی آ پایان ژر نوآونده و شو تریکه اِسی پس داخل بئس تا با اِذا واغنه³⁰ چون با آتیا آ ستر سفره آداسون نو{نان} اُشواویه و شکر اُشکه پُرش که و آ اِذا اُشدا³¹ در امی موقع چشپای اِذا باز بئس و آته شو نیشناخت اما امی موقع از نظرشو ناپدید بئس³² آتیا از یکدگه شو پُرسی آیا موقی که در راه با اما سخن شته گت و کتب مقدس بَرْمو تفسیر شته که دل آ درون اما ناپی؟³³ پس بیدرنگ بلند وایدن و آ اورشلیم واگشتن اَنکه آته یازده رسول پیداشو که که با دوسپای خوشو جمع بئن³⁴ شا گت ا حقیقت اُشه که خداوند قیام اُشکرده چون آ شمعون ظاهر بئن³⁵ پس آته دو نفر شو گت که در راه چه روی اُشدا و چطور عیسی را موقعی پَره کِردی نو{نان} شو شناخته³⁶ آنور در اِباره گفتگو شا که که عیسی خوش در میونشو وِیسا و اُشگت سلام بر شما بو³⁷ حیران و ترسان فکر شا که شتهی آبییداین³⁸ آتیا اُشگت چوا اِنده مططربی چوا بشک و تردید آ دل راه آدِدی؟³⁹ دست و پام بنگری خوم اِیسیم آ مه دس پَرنی و بینی شته گوشت و استخوان اُشنی آمده که آبیندی مه اُیه⁴⁰ اِشگت و دستیا و پایای خوش آ اِذا نیشو اُشدا⁴¹ آتیا از قُرت خوشحالی و حیرت شو ناشیس باور بگنن پس آ اِذا اُشگت چیزی بتری خَرده تو؟⁴² تکی می{ماهی} بریان آ آتیشو دا⁴³ آتیش واسیه و آ مقابل چشپای اِذا اُش خه یکدقی اِذا اُشگت ا امی اِسی که وقتی با شما آندیم مگت امی اِذا چپای اِسی که در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر در بازی مه نوشته بده باید آ حقیقت بیبونده⁴⁵ پس ذهن اِذا روشن اُشکه تا شو بشا کتب مقدس درک بگنن⁴⁶ و آ اِذا اُشگت نوشته بده که مسیح رنج اکتیه و در ژر سوم از مردگان بلند آ وابو⁴⁷ بنام آته توبه و آمرزش گُناپا آ امی قومیا موعظه ابو و شروع آته از اورشلیم اِسی⁴⁸ شما شاهدای ا امور اِسی⁴⁹ مه موعود پدر خوت را بر شما افریسیم پس در شهر واغنی تا امی موقع که ازاعلی با قدرت آراسته پیی⁵⁰ پس اِذا تا در از شهر تا تریکه بیت عنیا اُشبردن و دسپای خوش بلند اُشکه برکنشو اُشدا⁵¹ و امی آمده که برکنشو شته دا از آتیا جدا بئس آ آسمو بُرده بئس⁵² اِذا آته پُرسش شو که و با شادی زیادی آ اورشلیم واگشتن⁵³ در اَنکه پیوسته در معبد واؤمندن و خدا را حمد سپاس شا که

1 Thessalonians

Chapter 1

¹ از پولس وسیلاس و تیموتائوس آ کلیسای تسالونیکیان که آ خدای پدر و خداوند عیسی مسیح آند فیض و سلامتی آ شما بو اما همیشه خدا را بخاطر وجود امی شما شکر آگوام و از شما در دعاپای خومو نام اُترم³ و پیوسته در حضور خدا و پدر خوت عمل شما را که از ایمان ناشی ابو و محنت شما که مُحَرک آن محبت اِسی و پایداری شما را که از امید آ خداوند عیسی مسیح که الهام اگیره آ یاد دارم⁴ زیرا ای برادریا که محبوب خدا اِسی از برگذیدگیه شما آگاه اِیسیم⁵ چون که انجیل اما تنها نه با کلمات بلکه با قدرت و روح القدس و یقین کامل آ شما رسی چنانکه نیک اقمی بخاطر شما چطور در میونتو رفتار موکه⁶ شما از اما و از خداوند سرمشق تو گِرت ودر رنج زباد کلام را با آته شادی که روح القدس آبخشیه استقبال تو که⁷ اِنده اِسی که شما بتری امی ایمان داربای مقدونیه و آخائیه سرمشقی آ جاتو⁸ چون کلام خداوند آ واسطی شما نه تنها در مقدونیه و آخائیه طنین اُشپس بلکه ایمان شما آ خدا در آمه جا آ سر زبونیا اِسی آمده که دگه نیازی نی اما چیزی بوگوام⁹ چون آتیا از استقبال گرم شما آز اما سخن آگوان و از اِده که چطور از بتیا دس شو کشیده آ

طرفِ خدا واگِشْتِیْسین تا خدای زنده و حقیقی را خدمت بُکُنْی¹⁰ و در انتظارِ اوندی پُسی آتِه از آسمان بی که از مردگان بلند اُشکه یعنی عیسی که آما از غضبِ آینده رهایی اَبْخِشِیْه

¹ای برادرِیا خوتو آقمی که اُنْدی آما آ پلو شما بیهوده بُدِه² بلکه هر چه بیشتر در شهر فیلیپی آزار واهانت بر ما بُیس چون که آقمی آما به مَدَدِ خدای خوت دلیری مو که تا انجیلِ خدا را با وجودِ مخالفتیای زیادی آ شما پَرَسْتَم³ چون آگه ترغیتو اَکْتَم از گمراهی یا انگیزای ناپاک نی⁴ و قصدِ فریتو مو نی مِثِ کسیای سُخن آگوام که خدا بر اُتیا مُهرِ تائید اُش رَته و انجیلِ آ اِدِیا آ امانت اُش سیپَرِدِه آما در پیِ خشنودِ کِرِدِی مَرْدُم نیسم بلکه خشنودیِ خدایی را طالبم که دلایِ آما می آزماید⁵ شما نیک آقمی که ما هرگز آ چالوسی متوسلِ بُدَم و از ظاهر سازی چون سر پوشی بَرِی طمع سود مو نیو خدا گواهِ آما اِسی⁶ و نیز جویایِ ستایش از انسانیا بُیَسَم چه از شما و چه از دیگران هر چند در مقامِ رسولیایِ مسیحِ حقِی بر گردنِ شما موآند⁷ آما مِثِ مادری شیرِده که از پِچایِ خوش نگهداری اَکُن⁸ با شما آ نرمی رفتار مو که شدتِ علاقِی آما آ شما اِقد آند که شادمانه حاضر آندَم نه تنها انجیلِ خدا را آ شما پَرَسْتَم بلکه از جانِ خوت نیز در راهِ شما بَکدَرَم چنان که بَرِی آما عزیز بُسُنِی⁹ شما ای برادرِیا آ یقینِ محنتِ و مَشیقَتِ آما آ یاد تو! که شو و روز کار ما که تا وقتی انجیلِ خدا آ شما موعظه بُکُنم سَرِ بارِ کِسی نیَم¹⁰ شما شاهدِ اِسی و خدا نیز گواهِ اِسی که با چه پاکی و دُرُسی و بی عیبی با شما ایماندارِیا رفتار مو که¹¹ چون که آقمی رفتارِ آما با یَک یَکِ شما چون رفتارِ پدری با بیچایشِ اِسی شما را تشویقِ ما که دلداری ما دا¹² و سفارشِ ما که که شیوِی رفتارِ تو شایستیِ خدایی بو که شما را آ پادشاهی و جلالِ خوت قرا شَه خَند¹³ آما خدا را پیوسته شکر آگوام که شما به موقعِ یِ کلامِ خدا که از آمانتو شُفقتِ اَتهنه مِثِ خرفیایِ انسان بلکه چون کلامِ خدا تو پذیرفت چون که به راستی اِنِدِه اِسی که آمی کلامِ آلا در میونِ شما که ایمانِ تو! عَمَلِ اَکُن¹⁴ چون ای برادرِیا شما از کلیسایِیایِ خدا در یهودیه که در مسیحِ عیسی اِسین سَرَمَشَقِ تو گِرتِه شما نیز از هموطنیایِ خوتو آمی آزارِیایِ تو بیَدِه که اُتیا از یهودیا شو بیَدِه¹⁵ ، از اُتیا که عیسی خداوند و پیامبرِیا شو کَشْتِه و آما نیز شا در کِرِدِه اُتیا خدا را خوشنودِ ناکُن و با آمی مَرْدُم دُشمنی اَکُن¹⁶ ، و ناپِرِن آما با غیرِ یهودیا حرفِ یَرَنِم تا نجاتِ پَیدا بُکُن اِنِدِه اِسی که هَمیشَه پیمانِیایِ گنایِ خوت لبریزِ اَکُن اما غَصَبِ خدا سرانجام بر اِدِیا فرو ریخته آبو¹⁷ آما ای برادرِیا چون زمانِ کوتاهی از شما آ دورِ کِیَسَم البتّه جِسمًا و نه قَلْبِن با اشتیاقیِ زیادترِ مو کوشی تا رویِ شما را ببینم¹⁸ . چون که خواهانِ اُنْدی پلو شما آندَم به دُرُسی که مَه پولسِ خِیلی سعی اُم کِرِدِه ولی شیطانِ مانعِ بُیس¹⁹ چون امید و شادی و تاجِ افتخارِ آما در پلوِ خدامو عیسی آ هنگامِ ظهورِ اَته ؟ مَگَر شما نیسی؟²⁰ دُرُسی که شما یا جلال و شادیِ آما

¹سرانجام چون دِگه طاقت مو نی آند رضایت مو دا که آما در آتن ثنا {تنها} اونیسن² پس تیموتائوس را که برادر آما و همکار خدا در کار انجیل مسیح اِسی آ تریکتو مو فیرسا تا شما را در ایمانتو تقویت و تشویق بُکن³ تا هیچ که در اثر اِ سختیا سُست نیو چون نیک آقمی که اِدیا بَری آما مُقرر اِسی⁴ موقعی که با شما آندم جلو جلو مو گت که آزار آیینی و آمده که آگاه اِسی اِنده بُیس⁵ از اِ رو چون دِگه طاقت اُم نی آند اُم فیرسا تا تا از ایمانتو آگاه یم چون ترس اِده اَمَن که آته وِسوِسته گر آ تحوی شما را وِسوِشش کِرده و رَحمتیای آما آ هدر چزیو⁶ آما آلا تیموتائوس از پلو شما اِنده و آما مُژده از ایمان و محبت شما شآرده آته خبر اَشْدِیسم که شما آمیسه از آما آ نیکی باد اَکئی آمده که آما مشتاق اِدی شما اِسم شما نیز شوق اِدی آما تو! .⁷ از اِرو ای برادر یا با وجود اَمی فشار یا و رَحمتیاتو از بابت شما و ایمانتو دلگرم بُسم آلا ماشا تَفسی آ راحتی یِکِسم⁸ چون در خداوند استواری .⁹ آما چطور ماشا اِشکراتی اِ هَمه شادی که بخاطرِ شما در حضوره خدای خوت مو واچِسیه آته سیاسِ پینزا بوگوآم¹⁰ آما روز و شو {شب} از دل و جو دعا اَکتم که باز آ دیدنتو تم تا هر کاستی ایمان شما را برطرف بُکنم¹¹ خود خدا پذر آما و خداوند آما عیسی راه آما را بسوی شما هموار بُکن¹² و آمده که محبت آما آ شما زیاد آبو خداوند محبت شما را اِیکدِگه و اِ هَمی مَرْدُم زیاد بُکن .¹³ و دلیای شما را استواری آده تا موقعی که خداوند آما عیسی با اَمی مُقدسیای خوت دا در حضور خدا پدر آما بی عیب و مقدس بی

¹دځه ای برادرېا شما از آما تا یاد گړته که چطور باید رفتار بُکنی تا خدا را خشنود بُکنی آمده که آکړدی . آلا به نام عیسای خداوند آ شما استدعا مو! و اندرزتو ایدی آم که دربارې اډه تلاش بُکنی . ²چون آگاه اسی که از جانب عیسی خداوند چه احکامی آ شما مو دډه اراده خدا اډه اسی که مقدس بی خود را از بی عفتی دور ښه پدري . ⁴هر یک از شما باید پدته که چطور در پاکی و پرازندگی بدن خوت را تحت تسلط ښه پدريه ښاید مې قومیا که خدا را ناشناېن دسست خوش امبال شهوانی بی . ⁶هیچ که نباید در ا امری دسته تجاوز یا طمع آ حريم برادر خوت دراز بُکن خپلی آ شما مو گې و هشدار مو دډه خداوند آمی ا کاربا کيفر اډه ⁷چون خدا آما را نه به ناپاکی بلکه آ قدوسیت فرا اش خنډه پُس هر که ا تعلیم را رد بُکن نه انسان بلکه خدایي رد اُشکړده که روح القدس خوش راا شما عطا اکن اما دربارې محبت برادرته نیازی نی چیزی آ شما پتوبسیم چون خود از خدا تا یاد گړته که ا یکدځه محبت بُکنی ، ¹⁰بذرسی که آمی برادرېا در سرتاسر مقدونیه محبت اکنی با ا هقه ای برادرېا ترغیب تو اکنم که هر چه بیشتر انجام آدی . ¹¹آرزومند ابی که زندگي آرامی تو بو و ستر ا کار خوش مشغول بی و با دستیای خوت کار بُکنی آمده که شما را حکم مو کړده . ¹²آمده که زندگي روز مری شما احترام مرم در را جلب اکن و محتاج کسی نابی ¹³ای برادرېا مو ناوی از حال خفتیا بیخبر بی ، مبادا مې مرمیا دځه که امیدیشو نی آ ماتم اتي ¹⁴چون آگه ایمان مو که عیسی مُرد و بلند واُپس پس آمده که خدا اُتیا که در عیسی ختین با آته آواگردن . ¹⁵ا ا واسطی کلام خود خداوند آ شما آگوام کسیای که از آما که آنور زنده اُند و تا اُنډی خداوند باقی آوامین ابقین از خفتیا جلوتر ناچن ¹⁶چون خداوند خوت با فرمانی بلند آواز وصدای رئیس فرشتیا نفیر شپور خدا از آسمو ا زیر دا آمی موقع اول مُردیا در مسیح بلند آ واکن ¹⁷بعد از آته آما که آنور زنده و باقی وامنډستم با اُتیا در ابریا ربوده اُتم تا خداوند را در هوا ملاقات بُکنم آمده که آمېشه با خداوند تم . ¹⁸پس آمی آمده با حرفیا یکدځه دلداري آدی

¹ و اما دربارتوقتی و زمانیا ای برادر یا نیازی نی چیزی آ شما ینوسیم² چون خوتو نیک آذنی که روز خداوند میث دزی {دزد} که شو هنگام دا قرا آریسه³ آته زمان که مردم آگوان صلح و امنیت حکم فرما اسی یک گشی هلاکت براشو نازل ابو آمده که زن اوسن آ درد زایمان دچار ابو و از آته گریزی نی⁴ اما شما ای برادر یا در تاریکی نیسی تا آته رز چون دز {دزد} غافلگیر تو بکن⁵ شما آته فرزندیای نور و فرزندیای روزی، اما آ شو و آ تاریکی تعلق مو نی⁶ پس میث مکس آخو مچی بلکه بیدار و هوشیار بم⁷ چون آتیا که آختن شو هنگام آختن و آتیا که مست آکین شو هنگام مست آکین⁸ اما چون آ روز تعلق مو! باید هوشیار بم و ایمان و محبت را میث زره ی سیته پوش آ تن بکنم و امید و نجات میث کلاهخود آ ستره اونستم⁹ چون خدا آما نه بتری غصب بلکه بتری کسپ نجات آ واسیطی عیسی مسیح تعین آشکرده¹⁰ که بخاطر آما مرد تا چه بیدار بم و چه خفته با آته زندگی بکنم¹¹ پس یکدگه تشویق و تقویت بکنی آمده که آلا آکردوی¹² آلا ای برادر یا تقاضا آکیم آتیا که در میون شما زحمت آکشین و از جانب خداوند رهبرای شما بسین پندتو آذین گرامی یدری¹³ و با محبت کمال و احترام از سبب کاری که انجام آذین سازر قائل بی و با یکدگه با صلح و صفا زندگی بکنی¹⁴ ای برادر یا آ شما استدعا آکیم که کاهلیا هشدار آدی کم جراتیا تشویق بکنی ضعیفیا را حمایت بکنی و با آته بردبار بی¹⁵ زنهاری کسی بدی را با بدی پاسخ یده بلکه آمیشه در پی نیکی کیده آ یکدگه و آ آمی مردم بی¹⁶ آمیشه شاد بی¹⁷ پیوسته دعا بکنی¹⁸ در هر وضعی شکر گذار بی چون یده اسی اراده خدا بتری شما در مسیح عیسی¹⁹ آتش روح را خاموش مکنی²⁰ نبوتیا را خوار مشمیری²¹ آم چی را پرس جو بکنی هر چه نیکو اسی محکم یخسی²² از هر چه بدی دوری بکنی²³ خدای سلامتی خود شما اتمامی تقدیس بکن و روح و جان و تن شما تا آندی خداوندو عیسی مسیح بی عیب محفوظ وامنی²⁴ آته که شما را فرا آخیه آمین اسی و یده انجام آده²⁵ ای برادر یا بتری آما دعا بکنی²⁶ با بوسی مقدس آمی برادر یا را سلام بگوی²⁷ در حضور خداوند شما را قسم آدیم که ا نامة بتری آمی برادر یا قرائت بکنی²⁸ فیض خداوند آما عیسی مسیح با شما بو آمین

1 Timothy

¹ پولس رسول عیسی مسیح به حکم نجات دهندی آما خدا امیدمو عیسی مسیح اسی تیموتائوس² بیج راستیتم در ایمان فیض و رحمت و سلامتی از جانب خدای بوا و خداوندمو مسیح عیسی برتو بوجون اچدایم آ مقدونیه آ تو³ اصرار آکیم که آ آفسس اوتیش تا آ بعضیا امر آدیش که تعلیم دگ یدین و خوشو با⁴ افساتیا و شجر نامه پای بیخود سر گرم نکنن به جای پیش برد کار خدا که از رو ایمان ممکن ابوا مباحث دامن آرنههدف از ا فرمانی محبت اسی محبتی بر خواسته از دلی پاک و وجدانی⁵ صالح و ایمانی بی ربا بعضی کسپا که⁶ از ا اموری منحرف بسین راشو کم شکریده⁷ شاوی معلمیای شریعت ین ناقمین چه آگنا ین با از چ چیزی مطما دم آرنن⁸ اما آدنم شریعت نیکو اسی اگر کسی به درسی ا کار این⁹ اما آدنم که شریعت نه بتری درست کاریا بلکه بتری قانون بشکینا و ستر کیشیا وضع بود بتری بی دینیا و گنا هکاریا و ناپکیا و کافریا بتری قاتلیای بوا و قاتلیای تته برای ادمکشیا¹⁰ زنا کاریا و لواط گریا بتری ادم ربایا دروغ گویا و شهادت دهندیا آ دروغ و نیز بتری هر عملی که خلاف تعلیم درست بو¹¹ تعلیم منطبق بر انجیل بر جلال خدای متبارک که شمه سپرده¹² خداوندمو عیسی مسیح شکر آکیم که شمه توانایی دده و در خور اعتمادش بشمرد و آ خدمت خوش آشنا¹³ با انکه در گذشته کفر گو و ستمگر و زور گو آندم آ مه رحم بویس چون از نادونی و بی ایمانی ا کاری انجام مده¹⁴ فیض خداوند بتری آما به فراوونی جاری بوده همراه با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی پیدا ابو¹⁵ ای گپی در خور اعتماد و پذیرش کامل اسی عیسی مسیح که ا دنیا آیده تا گنا کاریا نجات آده که مه گبتریای آتیا اسیم¹⁶ از همین روو آ مه رحم بده تا عیسی مسیح صبر بی پایاوش نسبت آمه که گپترین گناکاریا بویسم نشو اده تا تمو تی یم بتری کسپای که از این پس به یده ایمان شو ارده حیات آتدی پیدا آکین¹⁷ از خدای یکتا آن شاه سر مدی نا میرا و نادیدنی تا ابد و الابد حرمت جلال اشبو آمین¹⁸ آ اسیم تیموتائوس ا حکمی که مطابق نبوتیایی که پیشتر تر تو بوده آ تو آسپرم تا آمدن آتیا تادر نبرد نیکویکار بکیش¹⁹ آ ایمان و وجدانی پاک وصل پیش چو گشتی ایمان بعضی با زر پا شوتیده در هم ایشکسپه²⁰ هیمنائوس و اسکندر ارا دسسته اسیین که ادبا آ شیطائیم سپرده تا عبرت یگیرن دگه کفر یگوبن

¹بنا برآید پیش از هر چیزی سفارش آکنیم درخواستیایا شفاعتیا وشکر گذاربا بری هَمی مردم اجا بیارن² از ان جمله بری حاکمیا وهمه صاحبمنصبان تا مُیشا زندگی اسودی در کمال دینداری و وفار یگدَرتم³ چرا که ا بن نیکو و پسندیده نجات دهندي اما خدا اسی⁴ که شوی همه نجات پیدا بکنن وبه معرفت حقیقت نابل پین⁵ زیرا تنها یک خدا اسی وپین خدا وادمیا نیزیک واسطه وجود اُشه یعنی ان انسانعیسی مسیح اسی⁶ آن با دادن جُون خوش بهای همه ادمیا پرداخت اُشکرده درحقیقتی در زمان مناسب شهادت اُش دا⁷ پس بری هَمی انتخاب بُسیم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین بری غیر یهودیا یم حقیقت را آگوم و دروغ نا گم⁸ پس ارزوم اِراسی که مَرديا در هَمی جا بی خشم وجدال دَستپای مقدس شو آ دعا بلند بکنن⁹ خواهان آن اِسیم کهزَیا پوششی شایسته بر تن بکنن و خوشوا آ یجابت وِمِناتت دُرست بکنن ته په مویای بافته بُده یاطلاومروارید یا جِمه یای فاخر¹⁰ بلکه آ زیور اعمال خَش اراسته پین چنان که شایسته زنیایی اسی که مدعی خداپرستی اِس¹¹ زن باید در ارامی وتسليم کامل تعلیم یگیره¹² آ زن اجازه نادیم که تعلیم اِدو یا آ مرد مسلط یبو بلکه باید اروم بو¹³ اول ادم اوجود اُند وبعد حوا¹⁴ و ادم فریب اُش یخه بلکه زن اُند که قَرَبش خه ونافرمان بُیس¹⁵ اما زَیا با یچ اَدنیا ارده رستگار اَبن اگر در ایمان ومحبت وتقديس تجیاته ثابت پین

¹اِگپی در خوراعتماد اِسی اگر کسی در ارزوی کار نظارت بر کلیسا بو در پی کار نیکو اِسیسی² ناظر کلیسا بایدبه دوراز ملامت شوهر وفادار یک زن معتدل خویشتندار ابرومند مهمونواز اُش یشا تعلیم اده³ ته میگسار یا خشن بلکه ملایم ونه ستیزه جو یا پول دوست⁴ بلکه از عهدی خانوادی خوش بیا و یچی یاش رادرکمال وقار ومطیع آبار بیاره⁵ زیرا اگر کسی اُش یشا خانوادی خوش را اداره بکن چگونه ششا کلیسای خدا را مراقبت بکن⁶ ونو ایمانم نیو مبادا مغرور یبو واً محکومیته اِلیس گرفتار یبو⁷ و باید درین مردمبای در نیز نیکنام بوتا آرسوایی ودام اِلیس گرفتار نیو⁸ آمده خادمیای کلیسا باید با وقار ین نه دورو یا میخوار ویا در پیه منافع نامشروع⁹ . باید راز ایمانشو با وجدانی پاک پاس یذارن¹⁰ . اول ازموده یین و اگر بری از ملامت آنین درمقام خادم کلیسا خدمت بکُن¹¹ په همین سان همسرباشو باید باوقار ین و ته غیبت گو بلکه معتدل درخور اعتماد در همه چی¹² . هر خادم بایدشویه وفادار یک زن بو ونیز باید از عهدی خانوادی خوش نیک تر بیا¹³ . خادمیایی که خَش خدمتشو کِردس بو آمرتیی ترا آرین و در ایمان خَش په مسیح عیسی از شهادتی عظیم برخوردار ین¹⁴ بری تو آتویسم په امید انکه په زودی تبیینم¹⁵ تا اگر تاخیری بویس یَدَنیش که در خانی خُدا که کلیسای خُدای زنده و ستون وبنیان حقیقت اِسی چگونه باید رفتار بکُنیش¹⁶ په یقین که راز دینداری بس عظیم اِسی آته در جسم ظاهر بویس په واسطی روح تصدیق بویس فرشتییا آته شو بینا تر قومیا موعظه بویس جهانیا آ آته ایمان شوواو وبا جلال آ ترا بُرده بویس

¹ اما روح اشکارا آگو که در زمانای اخیرخی از ایمان رو آ واگردنن و از آ روح گمراه کننده و تعلیم دیویا پیروی آکُنن ² تعلیمی را دروغگوبا وربا کاربانی دارن که وجدانشو بی حس بُده ³ اِدیا ازدواج رو منع آ کُنن به پرهیز از خوراکیا قَرمواَدین که خدا شَه افریده تا مومنیا که از حقیقت اَفمین با شکر گذاری از آن بهرمند آ پِن ⁴ زیرا هرچه خدا شَه افریده نیکو اِسی و هیچ چیزی نباید رد بُکُنن هر دفعه با شکر گذاری پذیرفته پیو ⁵ چون که به وسیلای کلام خدا ودعا تقدیس آبو ⁶ اگر اِ امور را آ برادرهای خود گش رد بُکُنش خادم نیکو مسیح عیسی آیش پرورش یافته در کلام ایمان و تعلیم نیکو که پیروی اُت کرده. ⁷ تورا با افسانیای کفر امیز و حکایتیای پیرزنیاکاربت نیولکه در دینداری خود تربیت بُکُنن ⁸ زیرا گر چه تربیت بدن آندک فایدی اُ شه آما دینداری بَری همه چی فایده اُ شه هم زندگی حال رو وعده آدِ هم حیات اینده ⁹ این گپی در خور اعتماد و پذیرش کامل اِسی ¹⁰ امید آما نیز به خدای زنده اِسی که نجات دهنده هَمه آدمیا بخصوص مومنیا اِسی بَری هَمی زحمت آکَشَم و جد و جهد آکُنم ¹¹ این امور حکم فرما و تعلیم اِده ¹² مَیر کُسی تو را به سبب جَوْنِیت حَقِیرَت بُکُنن بلکه درگفتار و کردار و محبت و ایمان ویاکی هَمه مومنیا سرمشق بَش ¹³ تا اُنَدَم خَنَدی کلام خدا و اندرز و تعلیم مشغول بَش. ¹⁴ به آنا عطائی که در تو اِسی بی اعتنای مَکُن عطائی که به واسطه تَبُوت که اُنوا جُسه آمِده که هیئت مشایخ بَر تو دست شُونا. ¹⁵ در این امور تلاش بُکُنن و خود را به تمامی وقف اَن بُکُنن تاپیشرفت تو بر همه اشکار پیو. ¹⁶ به دقت مراقب شیوة زندگی و تعلیم خود بَش در آ تیا پایداری بُکُنن که آمِده بُکُنش خود و شنودگاؤت نجات آدیش

¹مرد سالخورده توبیخ مکن بلکه آن مثل بوی خود آندرز آید و جونی رامثل کاکای خود² و پیرزنیارا همچون تته وزنیای جونتتر را مثل خنگو خود در کمال پاک زنیای بیوه که بی کس اِسن خُرقت اِسن⁴ آگه بیوه زنی پچ وَتَوَه اَنیه اَنیا باید اول آباد یگیرن که با نگهداری از خانوادای خوش دینداری خود را در عمل نیشو اَدین و آنده اِسی که دین خوشو را به والدین و اجدادادباشوادا آکین چرا که اِده خدا را خشنود آکن⁵ اما انا که پراستی بیوه اِسی و بی کس اومیدش یکستره بر خدا اِسی و شوو و روز دعا و طلب کمک از خدا آگدَرنه⁶ حال آنکه رِن بیوی که زندگیش آ لذت جویی آگدَرنه در حال حیات مُرده اِسی⁷ بدین اُمور نیز حُکم بُکن تا آ ملامت آ دُور پِن⁸ آگه کسی در پی تامين معاش خیشیاش و یخصوص خانوادای خوت نیو منکر ایمان اِسی ویست تر از بی ایمان کِسیایی اِسمشو نام نویسی بُکن که بیشتر از شصت سال شَبووَ شوو خوشو وفادار بُسین¹⁰ و آ نیکو کاری شناخته پِن یعنی پچای خود را نیکو تربیت بُکنن غریب نواز بویایای مقدسین اُششسه آ باری دردمندیا شتافته بووخوش را وقف هر نوع کار نیکو شُکِردِس بو¹¹ اما بیوه زنیای جونتتر را اِسمشو مَتویس چرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشاکن خواهان ازدواج اِین¹² پدینگوته چون تعهد نخستین خود را زیر پا اَنسین محکومیت آخودارن¹³ و علاوه بر این به بیکاری و شرکشیدن از خوته ای په خوتی دیگه عادت آکتن وَتَه تنها از بیکاری آگدَرین بلکه سخن چین و فُضول اِین و گِپیای ناشایست آ رِبودارن¹⁴ پس رَای مَه بر اِدا سی که بیوه یای جونتتر شوُبکنن پچ بیارن و کدبانو پِن و آ دُشمن مَجال بدگویی نَدین¹⁵ بعضی در پی شَیطان منحرف بُسن¹⁶ اگر زن ایمان دار قوم خویش بیَوَه شوُبو باید یاری شادین تا باری بر کلیسا نبو کلیسا اُش پشا آ بیوه زنیای کمک یکن کهبه راستی بی کس اِسن¹⁷ کشیشیا که حَش رهبری شُکِردو شایسته حرمت دو برابر اِسن اَنیا که در کار موعظه و تعلیم زحمت آکشن¹⁸ چون کتاب آگو گاوی که خرمن آکویه دَهش مَند و کارگر مستحق دستمزد خویش اِسی¹⁹ اِتها م آ یکی از مشایخ قبول مَکن اگر گواهی دو یا سه شاهد²⁰ اَنیا که آ گناه ادامه آدین پش همه توبیخ شُه بُکن تا مَکس پترسن²¹ آ حضور خدا عیسی مسیح و فرشتیای برگزیده آ تو قسم آدیم اِدستوریا را بدون غرض نگه پد رِش هیچ کاری از رو جانبداری انجام مَدو²² بَری دست اُنسش شتاب مَکن و گناه مَکس شریک مَیش بلکه خود پاک یگه به دَر²³ دِگه فقط او مَخولکه به جهت مَعَدی خودوناخوشیایی که اُیه اِقدکو شراب بُخو²⁴ گَنایا برخی معلوم اِسی و پیشاپیش اَنیا آ کام داوری آ چواما گَنایای برخی دِگه از پی اَنیا دا²⁵ اِمِدِه اعمال حَش اشکار اِسی و حتی اَنیا که اشکار نی شوناشا پوشیده نگه بَدِرِن

¹آنها که زر یوغ بندگی آ سر آئرن باید آ آرباییای خوش احترام اُنسن تا مردم نام خداو تعلیم را بد یگون ²آنها که آرباییاشو ایمان داراِسَن نباید به دلیل رابطه ی برادری اِدباراکمتر حرمت اُنسن بلکه برعکس باید خَش تر خدمت بُکنن چون که سود خدمتشو آ کسبای آرسو که ایماندارو عزیز اِسَن اده تعلیمی اده وتشویق شو بُکن ³آگه کیسه به گوته ی دِگه تعلیم اده آ گپ خداوندآما عیسی مسیح وتعلیم دیندارا ته موافق نیو ⁴مست غرور بُده وهیچی ناقهیمه اِندو کسی عطشی بیمار گونه به جرو بحث ومجادله آ سر کلمه اُشه که از اَن حسد ونزاع و ناسزا گویی ویدگمونی بلند آبو ⁵وموجب کشمکش همیشگی میون همه آبو که فکُرشو فاسد اِسی و از حقیقت دور بُسن گمان اُکنن دینداری وسیله ی اِسی بری سود جویی ⁶آمده که دینداری با قناعت سودی گپ اِسی ⁷چو که اِ دنیا ی هیچ مُنبارده واز اَن هیچی نا بُرم ⁸پس آگه خوراک و پوشاک و سر پناهی مُه قانع اَبم ⁹آما آنها که شاوی دولت مند یین گرفتار آین و آدام آمبال پوچ و زیا نباری گرفتار آین که موجب تباهی ونابودی انسان آبو ¹⁰آمده که طمع ریشه ی همه بدیا اِسی وبعضی در حسرت ثروت آکوشین و از ایمان گمراه آین و آ دردبای زیادی دچار آین ¹²آی مَرَد خدااز اِدبا فرار بُکن وآدُم پارسایی و دینداری وایمان ومحبت وصبر تواضع پیروی بُکن ¹¹ونبرد نیکوی ایمان پیکار بُکن و آ دست بیا و ان حیات جاودانی که ختده بُسنش و اعتراف خَش اُکُنیش در حضور همه کس ¹⁴آ نو وصیت اُکنم آ حضور خدایی که آ همه چی زندگی اَبخشیه و مسیح عیسی که در پش پنتینوس پیلانس اعتراف نیکو اُشکه آ نو سفارش اُکنم ¹³که آ حکمی تا زمان ظهور عیسی مسیح به دور از ملامت یگه یَدَر ¹⁶که اِدِه خدا در وقت خُوش اَنجام آرستن آمی خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شایا و رب ارباب اِسی در زمان معین ظهور اُکن ¹⁵آَن نه تنها وجود فنا ناپذیر اِسی ودر نوری سکونت اُش که نابوا نه نزدیک بیش هیچ کس اُش یبَینده وشنا اُشبینن تا ابد حرمت توانایی باد امین ¹⁷دولتمندیا اِ دنیا امر بکن که متکبر یین وشی مال ناپایدار دنیا امید یَتن بلکه امید شو خداوند بو که همی چی به فراونی بری آما فراهم اُکن تا از انیا لذت ببرم ¹⁸آنها را امر بُکن که نیکویی بُکنن و در کاربای خیر دولت مند یین سخاوتمند و دست باز بن ¹⁹گنجی بری خوشو آندوخته اُکنن که پی استوار زندگی اِندی اِدبا اِسی تا حیات جاودانی آدست بیارن ²⁰آی تیمو تائوس امانتی که آ تو سپرده بُده حفظ بُکن از یاهو گویی های دنیوی وعقید مخالفی آ غلط معرفت نامده آبودوری بکن ²¹بعضی یا که ادعای برخورداری از اَن شو اِسی از ایمان منحرف بُدسن

Titus

¹آ پولس خادم خدا و رسول عیسی مسیح ، در خدمت ایمان برگزیدبای خدا و شناخت آنها . اَن حقیقتی که منطبق بر دینداری اِسی، ²و به امید حیات جاویدان که خدای منزه از هر دروغی که از ازل بدان وعدهش دِده ³و کلام خُوش آ یِک زمان خُوش آشکار بُکن، به واسطه موعظه ای که به حکم نجات دهنده آما خدا شَ م سپرد ⁴به تیتوس، فرزند راستینم در ایمانی مشترک: فیض و سلامتی آ پیش خدای بوا و نجات دهنده ی آما عیسی مسیح بر تو بو. ⁵تو را از اندز در گُرت بر جا اُم نا تا گریای نا تماموم سامان ادبش و آمده کیم گوتیش، در هر شهر گپتری انتخاب بُوگوش. ⁶شیخ کلیسا باید به دور از ملامت، شو وفادار یک زن، و فرزندبایی باایمان اُوش بُو از هر گوته اتهام یاغی و سرکشی مُبرا یِن. ⁷چو ناظر کلیسا مباشر خدا اِسی و آمی باید به دور از سرزنش بو، نه خودرای یا تندخو یا میگسار یا خشن یا اُدم منافع نامشروع، ⁸بلکه شهرتوشو به میهمان نوازی و دوستدار نیکویی و خویشندار و پارسا و مقدس و منظم؛ ⁹و پایدار بر گپ مطمئنی که تعلیم شو دِ تا شو پشای کسبای دِگ بر پایه تعلیم درست پند اَدین و نظر مخالفیاشو رد بوکونن. ¹⁰بری اِد که گردنکشان یاهوگوی و فریبکار بری اِیین، بخصوص از ختنه بُودیا، ¹¹که دهندشو شو تسه، بری کسب گریای نامشروع، تعلیمای ناشایست اَدین و بری امی خانوادیا تباه آین. ¹²حتی یکی از آنبیای خُوشوشو گُنه: «گرتیان مَر دُومونی دروغگو و وحوشی شیر و شکم پرستانی تن پرور اِیین.» ¹³اِ شهادتی راس اِسی. پس آنها سخت توبیخوشو بُکن تا از سلامت ایمان برخوردارین و ¹⁴به افسانهای یهود و احکام منکران حقیقت گوش یَدِن. ¹⁶¹⁵بری پاکیا مچی پاک اِسی، اما بری آنها که آلود اِیین و بی ایمان، هیچی پاک نی، بلکه هم فکروشو آلود اِسی و هم وُجدانشو. ¹⁶مدعی خداشناسی اِیین، اما با کرداروشو انکار شُکونن. نفرت انگیزن و نافرمان، و نامناسب برای هر گر خشی.

²¹آمدتواز آنچه مطابق با تعلیمِ صیحِ اِسی سخن بگوَمردیای سالخوردهٔ بگو که معتدل و باوقار و خوشتندار ین ودر ایمان و محبت و پایداری به شایستگی رفتار بُکننچون زنیای پیر، در سیرتِ متقی ین و نه³ غیبتگو و نه بَنَدی شراب زیاد، بلکه مُعلیمِ تعلیمِ نیکو،⁴ تا زنیای جوان خرد آ یاد یگیرن، که شوهردوست و فرزنددوست ین، و⁵ خرد اندیش و عقیقه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خوشو بن، که مبادا کلام خدا متهم ببو. و به همین تَسَق جوانان را نصیحت فرما، تا⁶ خرد اندیش ین.⁷ و خوشو در همه چیز نمونهٔ اعمال نیکو بسازن، و در تعلیم خوشو صفا و وقار و اخلاص بکار بُیرن،⁸ و کلام صحیح بی‌عیب را تا دشمن چونکه فرصت بد گفتن در حقّ آما نیابن، خجل ین. ¹⁰⁹آ یاد غلامیا اده که در هر چی تسلیم آربابباشو ین بَری جلب خشنودی آتیا یکوشن و چون چرا یکنن واز آتیا یذُردن بلکه کمال آمانت را ینشو ادین تا درهر چیز تعلیم مربوط به نجات دهنده آما خدا را زینت ادین¹³¹²¹¹ چون که فیض خدا آ ظهور رسده فیضی که همه نجات بخش اِسی و آما آباد اده که بی دینی و امیال دنیوی را ترک یکنن با خویشنداری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست یکنم در حینی که انتظارامید مبارک یعنی ظهور پر جلال خدای عظیم و نجات دهنده خویش عیسی مسیح اسم¹⁴ که خوش فُربون آما اُشکِه تا از هر شرّات راها مُبکن و قومی بَری خوش طاهر یکن که از ان خوش ین و غیرت بَری کار نیکو¹⁵ اِآیا بگو وبا کمال اقتدار تشویق و توییح بکن اجازه مده کسی کُودوت یکن

¹ ادیا را یادآور پیش که تسلیم حکمرانیا و صاحبمنصبیا ین فرمانبرداری بُگن وتری هر کار خش اماده ین ² کسی ناسزا نگوین بلکه صلح جو و با ملاحظه ین و با همت در کمال فروتنی رفتار بُگن ³ اما یک وقتی نادون و نافرمانیدار اندم و گمراه و بنده همه گونه آمیال و لذتیا و درکین و حسد روزگار ما گذر نالایق نفرت اندم و بر هم رگه بغض مو اند ⁴ اما چون مهربانی و انسان دوستی نجات دهنده اما خدا اشکار بُیس ⁵ اما نه به سبب کاربای نیکویی که مو کیده بلکه از رحمت خویش نجاتمو داده به غسل تولد تازه ونو شدنی که از روح القدس اسی ⁶ که اده به فراوونی آ ما ریخته بُیس به واسطی منجی ما عیسی مسیح ⁷ تا به فیض اده پارسا بشمرده بوده بنا بر امید حیات جاودان بدل یم ⁸ ا گپی در خور اعتماد اسی واز تو موی که بر ا امور تاکید بُگنیش تا آتیا که بر خدا اعتمادشو بسته آ یاد بُگن که خوشو وقف کاربای نیکو بُگن که ادها همگان رانیکو وسودمند اسی ⁹ اما از مجادلات ناخردانه و شجره نامه ها و تحیا و نزاعهای پیرامون شریعت اجتناب بُگن زیرا بی فایده وی ارزش اسی ¹⁰ به آنه که عامل تفرقه اسی یک بار و دیگه تری دُومین بار هشدار اده و بعد از اده با او قطع رابطه بُگن ¹¹ چون که آدیش یم همچنین شخصی منحرف اسی و گناهکار و خود عامل محکومیت خوش ¹² وقتی که آرتماس یا تیخیکوس ته پلو پیر شمس سعی بکن هر چه زودتر در نیکوپولیس تبیش چون که موی زمیسسو آ آنکه یم ¹³ هر چی که تبشا زیناس وکیل واپولس را در سفر گمک شو بُگن تا محتاج هی چی تین ¹⁴ اذار که همکیشیا آید اگیرن که خوشو را وقف کاربای نیکو بُگن تا تری رفع نیازهای ضروری تلاش بُگن تا زندگیشو بی ثمر نیو ¹⁵ آتیا که با مه اسی همگی سلام افرین آتیا که در ایمان دوست مادرین سلام پیرسن قیض با همتی شما بو

James

¹ از یعقوب غلام خدا و عیسی مسیح خداوند آ دوازده قبیله که در جهان پراکنده اسی سلام ² ای برادرای مه هر موقع با آزمایشای جورواجور روبرو آبی آته آ کمال شادی بنگرید ³ چون آدنی جدی ایمان شما آ بوئی آزمایشیا پایداری آ بار دایره ⁴ اما اسی پایداری کار خوش را آ کمال پُرسینه تا بالغ و کامل بیو و چیزی کم نیو ⁵ آگه از شما کسی بی بهره از حکمت اسی اُش پوی از خدایی که سخاوتمنداته و بدون ملامت آ آمه عطا اکن و آ آته عطا آبو ⁶ اما با ایمان تو پوی و هیچ تردید آ خوت راه مدی چون کسی که تردید اُشیه می موح دریا اسی که با وزش باد آ هر جا آجو ⁷ ایده کسی نپنداره که از خداوند چیزی آ واجوی ⁸ چون شخصی اسی دو دل و در آقی رفتار خویش ناپایدار ⁹ برادر حقیر آ منزلت والای خوش فخر بُگن ¹⁰ اما ثروتمند آ حفات خوش چون می گل صحرا در گذر اسی ¹¹ آمیده که خورشید با گرمای سوزان خوش طلوع اُشکرده علف اُشک اکن و گلش لئه آبو و زیباپاش محو آبو ثروتمند نیز در حین کسب و کار پُرمرده و محو آبو ¹² خوشا آ حال آته که در آزمایشیا پایداری نشو اده چون از بوئی آزمایش سر بلند آ در دا آته تاج حیات اگیره که خدا آ دوسداریای خوش وعده اُش دده ¹³ هیچکه چون وسوسه آبو یگو خدا اسی که مه وسوسش اُشکرده چون خدا با هیچ بدی وسوسه نابو و کسی نیز وسوسه ناکن ¹⁴ موقعی که کسی وسوسه آبهوای نفس خوش اسی که آته فیب اده و آ دام آبی ¹⁵ هوای نفس که اوستن آبو گناه میزاید و گناه نیز آ ثمر آرسیه مرگ آ بار دایره ¹⁶ برادرای عزیز مه قریفته مبی ¹⁷ هر بخنیش نیکو و هر عطای کامل از ترا اسی نازل بده از پدر نوریا که در آته نه تغییری اسی و نه سایه ناشی از جورواجوری ¹⁸ آته ایده ارادش که که اما با کلام حق تولید بُگن تا می نوبر آفریدیای آته ¹⁹ برادرای عزیز مه توجه بُگنی هر که باید در شنیدن تند بو در گنه {گفتن} کند و در خشم آسته ²⁰ چون خشم آدمی پارسایی مطلوب خدا را آ بار دایره ²¹ پس هر گوته پلیدی و هر فزونی بدخواهی را از خوت دور بُگنی و با حلم کلامی راکه در شما نشانده بده تبشا جونیای شما را نجات اده قبول بُگنی ²² آ جا آردی کلام بی نه فقط بشنوندی آته خوت را فریب مدی ²³ چون هر که کلام آشنوه آ آته عمل ناکن آ کسی آوامنه که در آیه آ چری {چهره} خوش نگاه اکن ²⁴ و خوش در آته آینه تا از برابر آته دور آبو از باد آبی که چطور سیمایی اُشن ²⁵ اما آته که از شریعت کامل که شریعت آزادی اسی چشم اُش دوتیه آته از نظر دور ناکن و شنودی فراموش کار نی بلکه آ جا آرده اسی آته در عمل خوش خُجسته آبو ²⁶ آته که خوش دیندار آدنه اما مهار ربون خوش اُشنیو خوش را فریب اده و دبانش باطل اسی ²⁷ دینداری پاک و بی لکه در نظر پدر اما خدا آته اسی که یتیمیا و بیوه زنی را آ وقت مصیبت دستگیری بُگنم و خوت را از آلابش ا دنیا دور یدرم

¹ برادرهای مَه ایمان شما آ عیسی مسیح ، خداوند پُر جلال و با تبعیض همراه نیو² آگه کسی با انگشتی زرین و جَمی فاخر آ مجلس شما آند و فقیری نیز با جَمی ژنده آند³ و شما آ آته که جَمی فاخر شه بره توجه خاص تو که آ آته بوگوی در ای جای خَش اونی اما آ فقیر بوگوی امیکه وِیسا و یا اینکه پیش پای مَه آ رمی اونی⁴ آیا در میون خوت تبعیض قائل نیسی و یا با اندیشیه بد قضاوت تو نیکرده ؟
⁵ برادرهای عزیز گُش آدی مَگه خدا فقیریای ای جهان انتخابش نیکرده تا در ایمان دولتمندین و پادشاهی را آ میراث بُیرن که آته آ دوسداریای خوش وعده اش دِده ؟⁶ اما شما آ فقیر بی حرمتی تو کِرده آیا دولتمندیا نیسین که آ شما سیتم آکین و شما را آ محکمه آکشین ؟⁷ آیا اِدیا نیسین که آ نام شریف که بر شما تده بده کُفر آگوان ؟⁸ آگه براستی شریعت شاهاته مطابق با ای گُفتی کتاب آ جا بیاری که آگو همسایت را مِث خوت مُحبت بکن کار خَش تو کِرده⁹ اما آگه تبعیض قائل بی گُنا تو کِرده و شریعت شما را مِث افرادی قانون بشکن محکوم آکن¹⁰ چون آگه کسی تمام شریعت نگه بَدِره اما در یک مورد پلغزه مجرم آ بشکستیه تمام شریعت اسی¹¹ چه آته که اُشگت زنا مکن امید که اُشگت قتل مکن پس هر چند زنا نکینش اما آگه قتل بکینش شریعت را ایشکسیه¹² پس مِث کیسای سَخن بوگوی و عمل بکنی که آدین بر پایه ی شریعت آزادی بر آتیا داوری آبو¹³ چون داوری نسبت به آته که رحم اُش نیکرده بی رحم آبو اما رحم بر داوری پیروز آبو¹⁴ برادرهای مَه چه سود آگه کسی ادعا بکن ایمان اُش اما عمل اُشنیو آیا اِنده ایمانی شششا آته نجات آده ؟¹⁵ آگه برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک روزانه بو¹⁶ و کسی از شما آ اِدیا بگو اچی آ سلامت و گرم و سیر پیی اما بتری رفع نیازهای جسمی اِدیا کاری انجام نَدی چه سودی ؟¹⁷ پس ایمان آ تنایی و بدن عمل مُرده اسی¹⁸ آلا کسی ممکن اسی بگو تو ایمانیه و مَه ام اعمال اُمه اما تو ایمان را بدون اعمال اُمه پُنا و مَه ایمان را با اعمال اُمه آ تو آدم¹⁹ تو ایمانیه که خدا یکی اسی نیکو آکیش ! حتی دیوبا نیز اِنده ایمانشو ! از ترس آ خو آرزین²⁰ ای نادون توی پدیش چو ایمان بدون عمل بی تمر اسی ؟²¹ آیا جِد اما ابراهیم آ اعمال پارسا بشمرده نیس اُمی موقع که پُش خَش اسحاق را آ مَدیح تقدیم اُشکه²² آییندایش که ایمان و اعمال آته با هم عمل شا که و ایمان آته با اعمالش کامل نیس²³ و آته نوشته انجام نیس که آگو ابراهیم آ خدا ایمان شاو و اِدیه بتری آته پارسایی بشمرده نیس و آته دوسیه خدا خنده نیس²⁴ پس آیینی آ اعمال اسی که انسان پارسا شناخته آبو نه با ایمان²⁵ آمه که راحب روسپی آ اعمال پارسا بشمرده نیس اُمی موقع که آ فرستادیا پناه اُشدا و اِدیا را از راه دِگه رواه اُشکه ؟²⁶ آمه که بدن بدون روح مُرده اسی ایمان نیز بدون عمل مُرده اسی

¹برادرهای مه یکنه بسیاری از شما در پی معلم بده پن چون آذنی که بر اما معلمیا داوری سختتر آبو² اما آمه زیاد آلمزم آگه کسی در گفتار خوش نلغزه انسانی کامل اسی و ششنا تمامی وجود خوش مَهار بُکن³ اما با لگام تده آ دهن آسب آته مطیع خومو اکثم و با ا وسیله ماشا تمامی بدن حیون را آ هر سو بُترم⁴ آمده شکانی کیدو ششنا کشتی گپ را که فقط بادبای قوی آته آ حرکت داره آ هر سمتی که ناخدا شوی شه بی⁵ آمده که رُبو نیز عضو کیدونی اسی اما ادعایای گپی اُشیه جرقه یای گیدو ششنا جنگلی گپ آ تش یکنشه⁶ رُبو نیز تش اسی دنیایی اسی از نادرستی در میون اعضای بدن اما که آمی وجود انسان را آلوده اکُن و دایره ی کائنات را آ تش آکثیه تشی که جهنم آته افروخته اشکیده⁷ انسان آمه نوع حیون و پرنده و خزنده و جاندار دریایی را رام اکُن و اشکیده⁸ اما هیچ انسانی قادر آ رام کردی رُبو نی رُبو بشرارتی اسی سَرکیش و پُر از زهر کُشنده⁹ با رُبو خوت خداوند و پدر را متبارک آختم و با آمی رُبو انسانایی را که آ شباهت خدا آفریده بُسین لعن اکثم¹⁰ از یک دهن هم ستایش آ در دا هم نفرین ای برادرهای مه شایسته نی اینده بو¹¹ آها ششنا از چشمی آم آو شیری {آپ شیرین} رد بو آم آو شور ؟¹² برادرهای مه آیا ممکن اسی درخت انجیر زیتون آ بار داره ؟ یا درخت مو انجیر بر آده ؟ آمده اسی که چشمی شور اش ماشا آو شیری رد بُکن¹³ که اسی حکیم و خردمند در میون شما ؟ اُنسی آته با شیوی پسنیدی خوش آ نشو آده با اعمالی توأم با جلم که از حکمت سَرچشمه آگیره¹⁴ اما آگه در دل خوت خسد تلخ و جاه طلبی توآ آ خوت مبالو خلاف حقیقت سخن مگوی¹⁵ اینده حکمتی از ترا نازل نابو بلکه رَمینی و تفسانی و شیطانی اسی¹⁶ چون هر جا خسد و جاه طلبی بو در آنکه آشوب و هر گونه کردار زشت نیز اسی¹⁷ اما آته حکمتی که از ترا اسی نُخست پاک اسی پس صلح آمیز و ملایم و نصیحت پذیر و سرشار از رحمت و ثمرات نیکوو تری از تبعیض و ربا !¹⁸ پارسایی محصولی اسی که در صلح و صفا و آ دس صلح جوان کاشته آبو

¹از کجا در میون شما جنگ و جدال پدید دا ؟ آیا نه از آمیالیتو که درون اعضای شما آستیزه مشغولین؟² خسرت چیزی مخوری آته آ دس یداری از طمع مرتکب قتل آبی اما باز آ هر چه ناوی نازسی جنگ و جدال بریا آگنی اما آ دس یداری از آته رو که درخواست ناگنی³ آمی موقع که درخواست آگنی تواجوی چون با نیت بد درخواست آگنی تا صرف هوسرانیای خوتو بُگنی⁴ ای زناکارا آیا نادنی دوسی با دنیا دشمنی با خدا اسی ؟ هر که در پی دوسی با دنیا اسی خوش را دشمن خدا آکن⁵ . آیا گمان آتری کتاب بیهوده اُشگینه روحی که خدا در ما ساکن اُشکرده تا آ خیر حسادت مشتاقی آمای ؟⁶ اما قیضی که آته آبخیشه بس فروتنتر اسی آمده که کتاب آگو خدا در براتر متکبران آویسید اما فروتنیا فیض آبخیشه⁷ بس تسلیم خدا بی در براتر ابلیس ایستادگی بُگنی که از شما فرار آکن⁸ آ خدا تریک بیی که آته نیز آ شما تریک آبو ای گناکارا دسیای خوت پاک بُگنی و ای دو دلیا ، دلیای خوت را طاهر بُگنی⁹ آ حال زار یکوی و ندبه و زاری بُگنی خندی شما آ ماتم و شادی شما آ آندوه بدل یبو¹⁰ در حضور خدا فروتن بیی تا شما را سرافراز بُکن¹¹ ای برادر را از یکدگه بدگوی مکنی هر که از برادر خوت بد یگو و یا آته محکوم بُکن در واقع از شریعت بد اُشگینه و شریعت را محکوم اُشکرده و هر گاه شریعت را محکوم بُکنش دگه نه مجری بلکه داور آته اسی¹² اما تنها یک شریعت گذار و یک داور اسی آمی که قادر اسی برهاند یا هلاک بُکن پس تو که اسی که همسایه خوت را محکوم آکنش¹³ و اما شما که آگوی اُز یا ضیا آ شهر یا آته شهر آچم و سالی را در آمگه آ ستر آکنم و تجارت آکنم و سوید فراوون اُترم خوب گش بُگنی¹⁴ شما حتی نادنی ضیا چه آبو زندگی شما چه اسی ؟ میت بخاری اسی که مدت زمانی طاهر آبو و بعد ناپدید آبو¹⁵ پس اِنده بوگوی آگه خداوند اُش بیی زنده آوامتم و اِنده و آند آکنم¹⁶ آلا که شما با تکبر قخر آگنی هر فخری از اِنده بد اسی¹⁷ بنابر اِنده هر که پدینه چه کاری دُرس اسی آته انجام یدِه گناه اُشکرده

¹ و اما شما ای ثروتمندیا زاری و شیون بُکنی چون مصیبتیا در انتظار تو ایسی ² ثروت شما تباه بُده و بید اُش خَریده ³ زَر و سیم شما زنگ اُشَرته و زنگی اُتیا علیه شما خرف اُزن و مِث تَش گوشتِ بَدَن شما آخوی چون در ژربای آخر ثروت جمع تو کِریده ⁴ آلا مُزد کارگریای که در مزرعه های شما درو شو کِریده و شما با حيله گری تو یَدیده ، بر صَدِ شما فریاد اُزَنه . اُ صدای دروگریا آ گوش خداوند لَشکریا رَسیده ⁵ . شما اُ رو رَمی اُ تَجمل و هوسرانی زندگی تو کِریده ، و دلای خوتو بَری رُز کُشتار پَروار تو کِریده ⁶ مَرِد پارسا که با شما مخالفتی اُش نی اُند مَحکوم تو که و اُ قَتل تو رَسنا ⁷ پس ای برادرِیا تا اُنْدی خداوند صبر بُکنی چطور دهقان انتظار اُکَنیبه تا رَمی محصول پُر ارزش خُش اُبار بیاره پُس ⁸ شما نیز صبور بی و دل قوی بُکنی چون اُنْدی خداوند اُما تَزیک ایسی برادرِیا اُیکِدِگه شکایت مَکنی تا از شما داوری نیو چون داور بر در وِیستیده ¹⁰ برادرِیا اُ پیامبرِیا که اُ نام خداوند خرف شا رَت دَرس صبر در مُصیبت اُباد یگیری ¹¹ اُما بردبارِیا را خُش اَدَم شما دربارِی صبر ایوب تو شُفَته و اَدنی که خداوند سرانجام با اُته چواشکه چون خداوند اُ غایت مهربان و رَحیم ایسی ¹² اُما مهمتر از اُمه ای برادرِیا مَه سوگند مَخوری نه اُ آسمو و نه اُ رَمی و ته اُ هیچی دِگه اُنْیسی اُ شما اُمی اُ بو و نِه شما اُمی ته بو، نِکَنه مَحکوم بی ¹³ اُگه کِیسی از شما در مُشکل ایسی دعا بُکنی اُگه کِیسی شاد ایسی سرود حمد اوخنی ¹⁴ اُگه کِیسی از شما بیمار ایسی مشایخ کلیسا را بَگوی بیا و اُتیا شَه زَر دعا بُکَن و اُنام خداوند با روغن تَدَهِین بُکَن ¹⁵ دَعای با ایمان بیمار را شفا اُده و خداوند اُته بلند شَه واکُن و اُگه گُناهی اُش کِردس بو اُمرزیده اُبو ¹⁷ پس اُ پَلو یَکِدِگه اُگناهیای خوت اعتراف بُکنی و بَری یَکِدِگه دعا بُکنی تا شفا یگیری دَعای شَخص پارسا با قدرت زیاد عَمَل اُکُن ¹⁶ ایلِیا انسانی اُند مِث اُما اُما چون با تمام وجود دعا شَکه که بَرُو {باران} بیاره بیه سال و نیم بَرُو اُ رَمی اُش نیاری ¹⁸ و باز دعا اُشیکه و اُ آسمو بَرُو اُند و رَمی محصول اُ بار شاو ¹⁹ برادرِیا مَه اُگه کِیسی از شما از حقیقت مُنحرف بیو و دِگری اُتَش و اُگَر دَنه ²⁰ یَدَنه که هَر که گناکاری را اُ گمراهی و اُگَر دَنه ، جو {جان} اُته از مرگ نجات اُش تَخشیده و و گُناهیای زیادی را اُش پوَشَنده

1 Peter

¹ از پطرس رسول عیسی مسیح اُ غَریبای پَر اُکَنده در پونتس و غلاطیه و کاپادوکیه و آسیا و بیطینیّه ، ² اُتیا که بنا بر پشیمانیا خدای پدر اُ و اِیسطَه عَمَل تقدیس کُننده روح و بَری اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده بودی خوُش بر اُدِیا بَر کُزیده بُیس فیض و سلامتی به فضونی اُ شما باد مُتبارک بو خدا و پدر خداوند اُما عیسی مسیح که از رَحمتِ عظیم خوش اُما اُ و اِیسطَه ی رستاخیز عیسی مسیح از مردگان تولدی تازه اوش بخشی بَری اُمیدی زنده ⁴ و میرائی فساد ناپذیر و بی اُلایش و ناپز مردنی که بَری شما در اُسمو یَگه شو داشته ⁵ و شما نیز اُ قدرت خدا و اُ و اِیسطَه ی ایمان محفوظ ایسی بَری نجاتی که از اُلا اُما دَه یُده تا در زمان اُ آخر اُ ظهور یَرسِه ⁶ و در اُده بسیار شاد ایسی هر چند اُلا زمانی کوتا {کوتا} بنا به ضرورت در اُزمایشهای جور و جور غمگین بُسی ⁷ ، تا اصالتِ ایمانتو در بوتِه اُزمایش اُ ثبوت یَرسِه و اُ هنگام ظهور عیسی مسیح اُ تمجید و تجلیل و اکرام یَرسِه اُمی ایمانی که بَس گرانبهاتر از طلا ایسی که هر چند فانی ایسی بوسیلَه اُتَش اُرموده اُبو شما اگر چه اُته تو یَدیده دوس شَه دَری وگر چه اُلا اُته نابینی اُ اُته ایمان تو اُ از خوشحالی زیاد و پُر از جلال ایسی ، ⁹ چون غایتِ ایمان خوت یعنی نجات جونیاتو پیدا اُکُنی . ¹⁰ در بارِه اُ نجات ، پیامبرِیا اُ دقت کُندو کو شا که پیامبرِیا که از فیض مقرر بَری شما شَخن شا گُت ¹¹ اُتیا تلاش شا که روح مسیح در اُدِیا ، از قبل بَر رنجیای مسیح و جلال پَس از اُته شهادت شَه دا اُ چه کِیسی و کدامین زمان اُشاره اُشَن ¹² بَر اُدِیا اُشکار بُیس که نه خوشو بلکه شما را خدمت شا که اُمی موقع که از اموری خرف شا رَت که اُلا دربارش از مُبشریای انجیل اُشئوی از اُتیا که از و اِیسطَه ی روح القدس که از اُسمو فِر سادَه بُده شما را بشارت اَدین حتی فرشتیا نیز مشتاقِ تَطَر کِرَدی اُ امورن ¹³ پس اندیشه خوت اُما دَی عَمَل بسازی با خوبشتنداری امید خوت را یَکسَترَه اُ فیض اوینسی که موقع ی ظهور عیسی مسیح اُ شما عطا اُبو ¹⁴ چون یَچیای مطیع ، دَگه مَیسی اُمیال دورانِ چَها لَت اُ زندگیتو شکل اُده ¹⁵ بلکه مِث اُته فُدوس که شما را قُرا اُش خَنده شما نیز در اُمی رفتار خوتو مقدس بی ¹⁶ چون که یوَشته بُده مقدس بی چون مَه فُدوسیم . ¹⁷ اُگه اُته پُدر اُخنی که هر که را بی عَرَض بر حَسَب اِعمالش داوری اُگه پس دورِیا ی عُرِبَت خوتو را با ترس یَگَدَرنی ¹⁸ چون اَدنی اُ شیوی زندگی باطلی که از پدرباتو اُ ارث تو بُردشَن باز خَرید بُسی نه چیزای فانی چون سیم و زَر ، ¹⁹ بلکه آخون گرانبهاتر مَسیح اُته بَری بی عیب و بی تَقص ²⁰ اُته قبل از اُفرینش جهان انتخاب بُیس اُما در اُ زمانِیا ی آخر بَری شما ظهور اُشیکه ²¹ شما اُ و اِیسطَه ی اُته اُ خدا ایمان تو اُو اُ خدایی که اُته از مُردگان بلند اُشواکه و جلال اُشدا اُمیده که ایمان و امید تو اُ خدا ایسی ²² اُلا که با اطاعت از حقیقت جونیای خوتو ظاهر تو کِریده تا محبت برادر اُته بی ریا تو بو اُ شما ایسی که یَکِدِگه از ضمیم دل به شدت محبت بُکنی ²³ چون تولدِ تازی تو گِرته نه از تخم فانی بلکه تخم غیر فانی یعنی کلام خدا که زنده و باقی ایسی ²⁴ چون اَدمی اُمگی چوینَه علف اِیسن و جلالش یَکسَترَه مِث گُل صحرا علف خُشک اُبو و گُلِیا اُریزن ²⁵ اُما کلام خدا جاودان اُ و اُقیه اُده ایسی اُته کلامی که اُ شما بشارت دَدَه بُده

¹ پس هرنوع کینه و هر گوته مکڑ و ربا و خستد و هر قسم بدگویی از خوت دور بُکنی ² و مِث نوزادیا مُشتاقِ شیرِ خالص روحانی بی تا آ مدّیه آته بَری یجاتِ نِمو بُکنی ³ آگه آ درسی تو چینه که خداوند مهترِبو اِسی ⁴ با تَریک بُده آ آته یعنی آ آته سَنگی زنده که آدمیا ردشو کرده اما پَلو خدا برگزیده و گرانبها اِسی ⁵ شما اُم مِث سنگیای زنده آ صورتِ عمارتِ روحانی بنا آبی تا کاهنای مُقدسِ بی و آ واسطی عیسی مسیح قُربانیای روحانیِ مقبولِ خدا را تقدیم بُکنی ⁶ چون در کُتِب مقدس اُنِده که آلا در صهیون سَنگی اَنسیم سَنگی زاویه برگزیده و گرانبها هر که آ آته توکل بُکن سَر افکنده نابو ⁷ سَنگی بَری شما که ایمان تو آرده گرانبها اِسی اما آتیا که ایمان شو نیارده سَنگی که معماریا رد شو کرده مهمترین سَنگی بنا بُده ⁸ و نیز سَنگی که سَتَب لغزش ببو و صختری که موجبِ سقوطِ ببو اِذْبا اَلْغَزَن چون از اِ کلام اطاعت ناکُن که اِده تراشو مُقدّر بُده ⁹ اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنیا و امتی مقدس و قومی که ملکی خاصِ خدا اِسی تا فضایلِ آته اعلام بُکنی که شما را از تاریکی اَنورِ حیرت انگیزِ خوش فرا اُشخنده ¹⁰ پیش از اِده قومی نبندی اما آلا قومِ خدا اِسی زمانی از رحمت محروم آندی اما آلا رحمت تو گِریته ¹¹ ای عزیزیا از شما تمنا اُمه مِث کسیای که در اِ دُنیا بیگانه و غریب از امیالِ نفسانی که با روح شما که در سِتیزن دوری بُکنی ¹² کردارتو در میون بی ایمانیا چنان پَسندیده بو که هر چند شما را آ بدکاری متهم اُکِن با مُشاهدتی اعمالِ نیکو خدا را در رُز دیدارش تمجید بُکنی ¹³ بخاطرِ خداوند تسلیم هر منسَبی بی که در میون انسانیا مقرر بُده خواه پادشاه که مافوقِ اُمه اِسی ، ¹⁴ و خواه والیان که مامورِ آته پند تا بدکاریا را کِفر اَدین و نیکوکاریا را تحسین اُکِن ¹⁵ چون خواستِ خدا اِده اِسی که با کردارِ نیکِ خوشِ جهالتِ مَرْدُم نادان را خاموش بُکنی ¹⁶ مِث آزادیا زندگی بُکنی اما آزادیِ خود را پوششی بَری شِرازت مَکَنی مِث غلامیای خدا زندگی بُکنی ¹⁷ اُمه حُرمتِ بُکنی برادرِیا را محبتِ بُکنی از خدا بترسی و آ پادشاه احترامِ اُنِسی ¹⁸ ای غلامیا با کمالِ احترامِ تسلیمِ اربابیای خوتو بی نه فقط تسلیمِ خَشیا و مهربونیا بلکه بدخلقیای اُم . ¹⁹ چون پَتِر اِسی که کسی از آته رو که چشم برخدا اُشبه چون به ناحق رَنج اُکَنیهِ دردِیا را تحمل اُکِن ²⁰ اما آگه پَسَتَب کارِ خلافِ تنبیه ببی و تحملِ بُکنی چه جای قَخرِ اِسی ؟ آلا آگه نیکویی بُکنی و در عوضِ رَنجِ ببینی و تحملِ بُکنی نزدِ خدا پَسندیده اِسی ²¹ چه بَری اُمی فرا خوانده بُسی چون مسیح بَری شما رَنج اُشگشی و سرمَشقی اُشنا تا بر اُثارِ قَدَمیای آته با اُنِسی ²² آته هیچ گناه اُش نیکه و قَریبی در دَهَنش نی آند ²³ چون دشنام شو دا دشنام شَن پَس نِدا و موقعی که رَنج اُشگشی تهدیدِ اُش نیکه بلکه خوش اِ دَس عادل اُش سِپَرِد ²⁴ آته خوش گناهیای اُمرا را در بدنِ خوش بر دار خمل اُشکه تا بَری گُناهیامو بِمَترم و بَری پارسایِ زیستِ بُکَنم اُمِده که آ رَحَمیاش شفا پیدانو کرده ²⁵ زِبرا مِث گوسفندیا گمراه بُسَنی اما آلا آ طَرفِ شبان و ناظِرِ جونباتو واگِشَتِسی

¹آمده که شما ای زَینا تسلیم شوای {شوهرانتان} خوتو بی تا که بعضی کلام را اطاعت یکنین بدونِ اِده که شَخنی آ رَبو بیاری بخاطر رفتارِ همسرباشو جذبِ بین ²چون زندگی پاک و خدا ترسانه شما نگاه آکین ³جونی شما نه درآرایش ظاهری میث گیسوان بافته و جواهرات و حقیای فاخر ⁴بلکه در آته انسان باطنی بو که آراسته آ زیبایی نا پُژمردنی روحی ملایم و آرام اِسی که در نظر خدا بس گرانها اِسی ⁵چون زنیای مقدس اعصار گذشته که بر خدا امید شو آند خوشو اِنده شا آراستنا اِتیا تسلیم شو خوشو آند ⁶آمده که سارا مطیع ابراهیم آند و آته سَروَر خوش شَه خند شما نیز آگه نیک کردار بی و هیچ ترسی آ دل راه یدَی بیچای آته آبی آمده که شما نیز ای شوهریا در زندگی با همسرانوَ با ملاحظَه بی و با اِتیا چون چنس ظریفتَر با احترام رفتار بکنی چونکه همپای شما وارث هدیه فیض آمیز حیاتن تا دعایاتوباز یدَره ⁸باری آمی شما یکدل و همدرد و برادر و دوس و دلسوز و فروتن بی ⁹بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مَدی بلکه در مقابل برکت بطلبی چون بَری آمی خنده بُسی تا وارث برکت بیی ¹⁰چون هر که دوسدار حیات اِسی و خواهانِ یدَی روزیای خَش باید رَبو بد نینسه و لبیا از فرب آینه ¹¹باید از بدی روی واگردیه و خشی پیشه بکن آروم طلب بکنی و در پی صلح بی ¹²آمده که چشپای خداوند بر پارسایا اِسی و گوشپاش آ دعایای اِدیا اما روی خداوند بر صید بدکاریا اِسی ¹³آگه بَری نیکویی کِردَه غیور اِسی که اِسی که آ شما ضرر پَرسینه ¹⁴آما آگه در راهِ حق رنج تو بینا خوشحالتو از هر چه اِتیا اَترسین شما تَترسی و در هراس قبی ¹⁵بلکه در دلِ خوتو مسیح را بعنوان خداوند مقدس یشمَری و همیشه آماده بی تا هر که دلیل امیدی را که در شما اِسی پُرسیه آ آته پاشخ آدی آما آ نرمی و با احترام ¹⁶وجدانتو پاک ینگه یدَری تا کسپای که رفتار خَش شما را در مسیح بد آگوین از بد گویی خوشو شَرمسار بین ¹⁷چون آگه خواست خدا بو بهتر اِسی بَری نیکوکاری رنج پَری تا بد کرداری ¹⁸چون مسیح نیز یکبار بَری گناها رنج اُش کشیده پارسایی بَری بدکاریا تا شما را آ پلو خدا بیاره آته در عرصه جسم کُشته بُیس اما در عرصه روح زنده بُیس ¹⁹و در آمی منزِلت چو و اِده آ ارواحی که در قرارگاه خوت آ سَر شا بو اعلام اُشکه ²⁰آمی ارواحی که در ایام گذشته نافرمانی شو کِردِشِن آمی موقع که خدا در دوری نوح که کشتی اُش ساختِشِن با شکیبایی انتظار شَه گشی در آته کشتی تنها شماری اندک بتی هشت تن آ وایطی آو نجات شو واجو ²¹و آته نمونه تعمیدی اِسی که آلا نیز شما را نجات آده تعمیدی که نه آلودگی بدن بلکه تعهد وجدان پاک اِسی آ خدا اِ تعمید آ وایطی رستاخیز عیسی مَسیح شما را نجات آده ²²آمی که آ آسمو چو و آلا آ دَسی راسی خدا و فرشتیا و ریاستیا و قدرتیا مطیش بُسین

¹ پس چون مسیح در عرصه جسم رنج آشکشی شما نیز آ آ می عزم مُسلح بی چون آته کسی که در عرصه جسم رنج اش کنیده دگه با گناه کاری اُشنی ² در نتیجه بقیه عمر را در جسم نه در خدمت امپال پلید بشری بلکه در راه انجام اراده خدا آگذرنه ³ چرا که در گذشته به قدر کافی عمر خویش را در به عمل آوردی هر چه قوم خدا شناس دوس شاداشته صرف شو کیده و روزگار آ هرزگی و شهوترانی و می خوارگی و عیش و نوش و بتپرستی نفرت انگیز تو گذرنده ⁴ آمده که آلا در ای بندباریای مفرد با اذیا شریک نابی حیران و دشنامتو آدین . ⁵ اما آته که آماده اسی تا بر زندیا و مُردیا داوری بُکن حساب آ پس آده ⁶ آمده اسی که حتی آتیا که آلا مُردین بشارت دده یده تا هر چند در عرصه جسم پلو آدمیا محکوم بُین اما در عرصه روح پلو خدا زیست بُکن ⁷ پایان آمه چی تزیک اسی پس جدی و در دعا منضبط بی ⁸ مهمتر از آمه یک دگه بشدت محبت بُکنی چون محبت انبوه گنا یا را آپوشینه ⁹ یکدگه بدون شکوه و شکایت مهمونی بُکنی ¹⁰ میب مباشریا امین بر فیض گوناگون خدا یک دگه را با هر عطیه ای که یافتو کیده خدمت بُکنی آگه کسی سخن آگو سخن آته میب سخنای خدا بو و ¹¹ آگه کسی خدمت آکن با قدرتی که خدا آبخشیه خدمت بُکن تا در آمه چیز خدا آ واسیطی عیسی مسیح تمجید ببو جلال و توانایی تا ابد بر آته بو آمین ¹² ای عزیزیا از اُتشی که بری آزمودن شما در میونتو بریا اسی در شگفت مبی ن کنه چیز غریبی آ شما گذشته ¹³ بلکه شاد بی از اِده که در رنجای مسیح سهیم آبی تا موقع ظهور جلال آته آ غایت شادمان بی ¹⁴ آگه بخاطر نام مسیح ناسزا بُگوین خوشحالتو چون روح جلال که روح خدا اسی بر شما آرام آگیره آگه رنج آکشی ¹⁵ آگه رنج آکشی مباد که آ سبب قتل ، دزدی ، شرارت یا حتی فضولی بو ¹⁶ اما آگه از آن سبب رنج آکشی که مسیحی اسی شرمسار مبی بلکه چون کسی که ا نامی بر خوش اُشیه خدا را تمجید آکن ¹⁷ چون زمان آته رسیده که داوری آ خوتی خدا آغاز ببو و آگه آغاز آته از آمای پس سرانجام آتیا که انجیل خدا را اطاعت ناکنین چه آبو ¹⁸ و آگه پارسا آ دشواری نجات باید خدانشناسیا و گناکاریا چواکُنین ¹⁹ پس کیسای که آ خواست خدا رنج آکشین باید جونیای خوشو را آ خالق امین بسپارن و آ نیکوکاری ادامه آدین

¹مه که خوت از مشايخ ایسم و شاهد بر رنجیای مسیح و شریک جلالی که آشکار آبو مشایخ را در میون شما پند آدیم {گله} خدا که آدیه شما دده بده شَبانی و نظارت بُکُنی اما نه به اجبار بلکه با میل و رغبت آمیده که خدا شوی و نه بَری منافع نامشروع بلکه با عشق و علاقه ³نه آته کیسای که آدیه شما دده بُسین ستروری بُکُنی بلکه بَری گله نموته بی ⁴تا چون ریسی شَبانیا ظهور بُکن تاج جلال غیر فانی را دریافت بُکُنی ای جوونیا شما نیز تسلیم مشایخ بی همتو با رفتار تو با یکدگه فروتنی را آ کمر آبتی چون خدا در برابر متکبریا آویسبه اما فروتنیا را قبض آده ⁶پس خومو زره دسبه نیرومنی خدا فروتن بسازی تا در زمان مناسب سرفراز تو بُکن آقی نگرانیای خوت آ آته یسپاری چون آته آ فکر شما ایسی ⁸هوشیار و مراقب بی چون دشمن شما ابلیس میث شیری غران در گردش ایسی و کیسی شه واجوی تا بخوی ⁹پس در ایمان راسخ بی و در برابر آته ویسی چون آگاهی که برادر یای شما در دنیا با اِرمیتا روبرو ¹⁰پس از اندک زمانی رمت خدای آمی فیضیا که شما را آ جلال ابدی خوت در مسیح فرا اش خنیده خود شما را احیا و استوار و نیرومند و پایدار آسازه ¹¹آته تا ابد توانایی بو آمین ¹²آ کمکی سیلاس که آته برادری آمین آدیم اِ چند خط را به اختصار آ شما آتویسیم تا تشویقتو بُکنیم تا شهادت آدیم که آمی ایسی فیض حقیقی خدا در آته استوار واقعی . ¹³خواهر برگزیده که با شما در بابل ایسی و پس مه مرفس آ شما درود آفریسه ¹⁴یک دگه با بوسی محبت آمیز سلام بُگی آ آقی شما که در مسیح ایسی سلامتی بو

2 John

Chapter 1

¹از شیخ کلیسایه بانوی برگزیده بُوده و یچایش که خلی خاطرشو موی نه تنها م بلکه تمام کیسایی که به حقیقت ایمان شُورده ²به خاطر آن حقیقتی که بین آما بُوده و ایسی و تا ابد آواقمه ³قبض و رحمت و سلامتی پیش خدای بوا پیش عیسی مسیح یوس آن بوا در حقیقت و محبت با آما آواقمهقبض و رحمت از پس خدای بوا پیش عیسی مسیح پس آن بوا در حقیقت و محبت با آما ایسی ⁴خلی خوشحال بُودم کیم قمیسی یچیات آمی که بوا فرمانوش دده در حقیقت زندگی آکونن خلی خوشحال بُودم ⁵آما حالا همشیره ی گرامی از تو درخواستی آمه فرمان جدیدی ا تو ناتویسیم آمی فرمانی که از اول مُو شینفته اِ ایسی که باید در محبت زندگی بکنم و به بقیه محبت بکنم ⁶و محبت اِ ایسی که بنا به احکام آن زندگی بُکنم م فرمان جدیدی آ تو نادیم آمی فرمانی که از اول مُو شینفته اِ ای که باید در محبت زندگی بُکُنی ⁷فریکاریای زیادی در سراسر جهان چسن انیایی که قبول شو نی عیسی در جسم ظاهر بوده ⁸آنیا فریکار اسن ادبا دشمن مسیح اسن مبادا تمام کربای که برای شمام کرده باطل یکنی برکس اما ماوی که شما پاداش خوتو کامل دریافت یکنی ⁹هر که چون مسیح تعلیم ناده بلکه چپای دگه تعلیم آده خدا با آن نی آما کیسای که به تعلیم مسیح وفادار اسن ¹⁰هم خدای بوا شو باره هم پوسوش اگر کیسی پیش شما بیا تعلیم درست نباره آن آنک خات ی خوتو آ پزیری و خوشامد آگوی ¹¹زیرا آن که خوشامد شگوی آیک اعمال بدوش شریک آبی ¹²خلی چپا آمه که تازور پتویسیم لیکن آم تاوی با قلم و کاغذ بو اما امیدواریم تا پیش تیم تا روبه رو هم دگ گپ یترم تا شادیمو کامل بوبو ¹³فرزند یای دادای برگزیده ت زور سلام آفرین

3 John

Chapter 1

¹از گپتر کلیسا . آ گایوس عزیز که خلی خاطرش ماوسای . ²ای عزیز دعا اکنم از هر جهتی موفق یس و در سلامتی بسر بیرش . ³خلی خوشحال بوسم که کاکاپا همچنانکه تنوت سلامت بو . اندسن بر وفاداریت به حقیقت رفتار گواهی شده . ⁴چیزی جز اِده مه شادم ناکن که بشنوم یچام در حقیقت رفتارکنن ⁵ای عزیز تو در همه کاریات برای کاکاپات ، امانت خوت تیشو دده ، بلکه آناپا آپش تو غریبه اسسن . ⁶اِدیا در کلیسا بر محبت تو شهادت شُوده ، پس کار نیکو آکنش طوری که لایق خدا اسسی ، آسفر آفرسش . ⁷بخاطر اِده آناپا سفر شوکرده و از غیر یهودیا کمکی دریافت شونکرده . ⁸پس که همه ادییا حمایت بکنم تا در جلو بردی حقیقت مکاری موکرد اس بو . ⁹پیغامی مه کلیسا نوشته ، که دیوترفیس مقام برا دوست آدره ، گپتری اما قبول ناکن . ¹⁰چو که تم اونچه اکردای رسیدگی اکنم چو که خودخواهانه در مورد اِما بُد اگوتای و به اِده تنها بُسنده اوشنکرده از قبول کردای برادریا دوری اکردای و کسای که شاوسای قبول یکنن قبول یکنن زندانی اوشکرده و از کلیسا آدر اکردای . ¹¹ای عزیز ، بدی برا خوت الگو قرار مده ، از نیکویی عبرت بگی ، چو که نیکوکار از خُدا اسسی ، اما بد ذات خدا نادیده آگره . ¹²مردم درباره دیمتریس شهادت نیکویی شُوده حتی حق آما هم شهادت آدیم و خوت آدنش که شهادت آما راسه . ¹³خلی چیزیا اومن برای تو بنویسم ، اما اومنوی با قلم و دوات بو . ¹⁴امیدوار اسسم ازودی تو اوتبینم و از نزدیک با تو گپ یزنم . ¹⁵سلام آتو ، دوسیم سلامت آرسن . دوسیا در آنکه سلام آده